

## نقش واسطه‌ای مراقبت‌گری در رابطه رضایتمندی جنسی با تمایلات جنسی زنان

زهرا مددی<sup>۱</sup>، محمد زارع نیستانک<sup>۲\*</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، واحد ناین، دانشگاه آزاد اسلامی، ناین، ایران.

zahramadadi2244@gmail.com

۲- دانشکده خدمات تربیتی و روان‌شناختی، واحد ناین، دانشگاه آزاد اسلامی، ناین، ایران. (نویسنده مسئول)

Zare1349@iau.ir

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۵/۳۰]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۴/۸]

### چکیده

مراقبت‌گری برای روابط انسانی بنیادی است و نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت و ثبات روابط زناشویی ایفا می‌کند؛ لذا هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی ابعاد مراقبت‌گری در رابطه بین رضایتمندی جنسی با تمایلات جنسی زنان بود. پژوهش از نوع کاربردی و روش پژوهش توصیفی-همبستگی به شیوه مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمام زنان متأهل مراجعه‌کننده به فرهنگسراهای شهر اصفهان در بازه زمانی اردیبهشت ماه تا خردادماه سال ۱۴۰۳ بودند که بر اساس مدل کلاین تعداد ۲۰۰ نفر آنان با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و با توجه به ملاک‌های ورود و خروج انتخاب شدند. از نمونه‌های انتخابی به منظور شرکت در مطالعه رضایت آگاهانه اخذ شده و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اصل امانت‌داری در خصوص نتایج پژوهش رعایت شده و اطلاعات به دست آمده محرمانه خواهد ماند. شرکت‌کنندگان پژوهش مقیاس مراقبت‌گری کانس و شاور (۱۹۹۴)، پرسشنامه تمایل جنسی توسط هالبرت (۱۹۹۲) و پرسشنامه رضایت جنسی هادسون (۱۹۹۲) را تکمیل نمودند. داده‌ها از طریق روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار SPSS22 و AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد ابعاد مراقبت‌گری در رابطه بین رضایتمندی جنسی با تمایلات جنسی زنان نقش میانجی دارد. همچنین نتایج نشان داد مدل از برازش مطلوب برخوردار بود ( $P < 0.01$ ). نتایج حاکی از آن است که میل جنسی به‌تنهایی نمی‌تواند رضایت جنسی را به‌طور مستقیم و کامل توضیح دهد و وجود مراقبت‌گری به‌عنوان رفتاری حساس و پاسخگو، واسطه و تقویت‌کننده این رابطه است.

**واژگان کلیدی:** مراقبت‌گری، رضایتمندی جنسی، تمایلات جنسی، زنان.

## ۱- مقدمه

رابطه جنسی یکی از ابعاد بنیادین روابط صمیمانه به‌ویژه در چارچوب زندگی زناشویی است و نقشی کلیدی در شکل‌گیری، تداوم و کیفیت این روابط ایفا می‌کند. در این میان، **رضایت‌مندی جنسی** نه تنها به‌عنوان یک پیامد مهم روابط جنسی بلکه به‌عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی رضایت زناشویی و بهزیستی روانی شناخته شده است (Gupta & Thyloth, 2021).

در زندگی زناشویی، رضایت جنسی موضوعی پیچیده است که نیاز به توجه ویژه‌ای دارد؛ زیرا رضایت‌مندی در این زمینه بر جنبه‌های دیگر روابط زوجین اثر می‌گذارد. واژه رضایت جنسی به میزان خرسندی فرد از روابط جنسی و توانایی فرد در ایجاد لذت دو طرفه اطلاق شده و شامل دو بعد اصلی رضایت از فعالیت‌های جنسی (بعد جسمی) و رضایت عاطفی و هیجانی (بعد عاطفی) است که در آن بر اهمیت احساسات و هیجان‌های مثبت، به‌خصوص ایجاد شادی و همچنین داشتن گفتگویی خصوصی و صمیمانه درباره میزان علائق و انتظارات طرفین از فعالیت جنسی یکدیگر تأکید می‌شود. در سایه ارضای میل جنسی علاوه بر نیاز جسمانی، فرد از لحاظ اخلاقی، فکری و روانی نیز به آرامش می‌رسد (Busby, Allen, Leavitt, & Jensen, 2025). رضایت جنسی شامل در میان گذاشتن تجارب عاشقانه با یکدیگر، نیاز به تماس بدنی، آمیزش جنسی و روابطی می‌شود که برای برانگیختن، تحریک و رضایت جنسی طرح‌ریزی می‌شود (Bigras, Rosen, Dubé, Daspe, Bosisio, Péloquin, & Bergeron, 2025). مشاوران در طول سال‌ها کار با مراجعان متوجه گردیده‌اند که رضایت جنسی بیشترین حساسیت و در عین حال بیشترین مشکلات را برای زوج‌ها به ارمغان می‌آورد. اگر زوجین نسبت به تفاوت‌های خود در تقاضاهای جنسی و تمایلات مختلفشان در آمیزش جنسی آگاهی داشته باشند، قبل از آنکه ارتباطشان دچار مشکل گردد آن را مورد درمان قرار دهند. برعکس اگر زوجین از ارتباط جنسی خود رضایت نداشته باشند، باید شاهد برون‌ریزی مشکلات در قالب‌های دیگر زندگی باشند (Péloquin, Byers, Beaulieu, Bergeron & Brassard, 2024). مطالعات بورگو-مورل و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۵) نشان داد که رضایت و نگرش مثبت نسبت به عملکرد جنسی موجب سازگاری بیشتر زوجین می‌شود، زیرا؛ در این زمان ارتباط جنسی همراه با عشق و آرامش است و همین آرامش نمودی تأثیرگذار در سازگاری زناشویی خواهد داشت. در صورتی که زوجین از روابط جنسی خود رضایت نداشته باشند احتمالاً سازگاری زناشویی آن‌ها نیز با مشکل مواجه است. در این میان در زنان، عوامل متعددی در تجربه و تداوم رضایت‌مندی جنسی مؤثر هستند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به تمایلات جنسی اشاره کرد. تمایلات جنسی مجموعه‌ای از افکار، هیجان‌ها و انگیزه‌هاست که افراد را به برقراری رابطه جنسی سوق می‌دهد. با این حال، وجود تمایلات جنسی بالا به‌تنهایی تضمین‌کننده رضایت جنسی نیست، بلکه کیفیت زمینه‌ای که این تمایلات در آن تجربه می‌شوند، نقش تعیین‌کننده دارد (Péloquin & et al, 2024).

تمایل جنسی یکی از موضوعات پیچیده در زندگی زناشویی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد. پاسخ جنسی از سه مرحله متوالی تشکیل شده است: میل، برانگیختگی و اوج لذت جنسی (Rausc & Rettenberger, 2021). تمایل جنسی یا همان میل جنسی شامل دو مؤلفه اصلی است: سائق جسمی (بیولوژیکی) و انگیزش (روان‌شناختی). در بعد بیولوژیکی، این متغیر با متغیرهایی چون سلامت عمومی، سن، نیازهای هورمونی و خلق فرد در ارتباط است، در حالی که بعد انگیزشی آن با کیفیت، مدت رابطه و تجربه‌های کسب شده ارتباط بیشتری دارد (Rausc & Rettenberger, 2021). همچنین میل جنسی را به‌عنوان یک صفت می‌توان به‌صورت حساسیت فرد به محرک جنسی یا زمینه فرد برای پاسخ دادن به محرک‌های ذهنی جنسی تعریف کرد. در زمینه پاسخ جنسی یکی از مدل‌های مطرح شده، مدل چرخه پاسخ جنسی مبتنی بر انگیزه است. در این مدل دو متغیر پیش‌بین مهم رابطه جنسی، صمیمت عاطفی بین زوجین و دریافت پاداش لذت‌بخش مورد انتظار از رویداد جنسی است. به این معنا که نیازی نیست یک حس اولیه از تمایل وجود داشته باشد، بلکه میل به رابطه جنسی به آنچه پس از وقوع برانگیختگی تجربه می‌شود در رابطه است. در این مدل توجه به

محرك‌ها و احساسات در حین و پس از رابطه اهمیت بسیاری دارد و خود وابسته به هیجانات هر دو طرف در رابطه است (Bigras & etal, 2025)؛ لذا هیجان، شناخت و عامل‌های رفتاری در تمایل جنسی زنان و مردان تعیین‌کننده است (Gupta & Thyloth, 2021). در این رابطه مطالعات نشان می‌دهد عملکرد جنسی، احساس لذت مشترک است که صمیمیت را افزایش می‌دهد، آن را عمیق‌تر می‌سازد، در حکم کاهش‌دهنده تنش در برخورد با فشارهای زندگی و ازدواج عمل می‌کند و در اصل پیوند خاصی را بین دو نفر پدید می‌آورد و به ارتباط آن‌ها با یکدیگر شور و اشتیاق می‌بخشید (Józefacka, Szpakiewicz, Guzowski & Kania, 2023).

در این راستا یکی دیگر از متغیرهای مرتبط به حوزه رضایت زناشویی ابعاد مراقبت‌گری است (Pietromonaco & Overall, 2025). مراقبت‌گری ۴ بعد حساسیت (توانایی توجه و درک دقیق نشانه‌های پریشانی و نیاز در شریک)؛ مجاورت (گرایش فرد به ارائه دسترسی و نزدیکی جسمانی و هیجانی به نوان ابزاری برای تسکین پریشانی)؛ کنترل (بر عهده گرفتن بیش‌ازحد مشکل شریک به‌گونه‌ای که فرصت‌های شریک را برای یافتن راه‌حل‌های خودش به حداقل می‌رساند در مقابل همکاری به حمایت تلاش‌های شریک برای حل مشکلات خویش اشاره دارد)؛ اجبار (همکاری برای بیش‌ازحد درگیر شدن ناخوانده در زندگی و مشکلات شریک، با حداقل توجه به نیاز واقعی او) را در برمی‌گیرد (Stragapede, Bouchard, Lalande, Moran, Greenman, Sztajerowska & etal, 2024). نوع رفتارهای مراقبت‌گری در زوجین می‌تواند روابط عاشقانه آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد (مصطفی، فلاح‌زاده و رضایور فریدیان، ۱۳۹۸). بنا بر نظریه دل‌بستگی، سیستم مراقبت‌گری سیستمی اصلی برای تنظیم ایمنی است؛ که خطر آسیب دیدن از سوی افراد نزدیک را کاهش می‌دهد و چهره‌های دل‌بستگی را هدایت می‌کند تا با ارائه مراقبت، نیازهای افراد دل‌بسته را برآورده سازند. هدف اصلی این سیستم کاهش رنج دیگری، محافظت از وی در برابر آسیب و پرورش رشد و پیشرفت اوست (Pietromonaco & Overall, 2025). در بستر روابط جنسی، مراقبت‌گری می‌تواند به تقویت صمیمیت هیجانی، افزایش اعتماد و کاهش تنش‌های رابطه‌ای منجر شود؛ شرایطی که زمینه را برای افزایش میل جنسی و تجربه رضایت جنسی بالاتر فراهم می‌سازد. از دیدگاه نظریه دل‌بستگی، مراقبت‌گری بازتابی از گرایش ایمن و پاسخگو به شریک زندگی است که می‌تواند به حفظ علاقه و رضایت جنسی در طول زمان کمک کند (عباسی و همکاران، ۱۴۰۰).

با وجود اهمیت نظری این پیوند، مطالعات اندکی به بررسی نقش **مراقبت‌گری به‌عنوان فرایند میانجی** در رابطه بین میل جنسی و رضایت جنسی پرداخته‌اند. شناخت این نقش میانجی از نظر نظری و کاربردی اهمیت دارد، چراکه می‌تواند بینش‌های تازه‌ای برای حفظ و ارتقای کیفیت روابط زناشویی فراهم آورد. شناسایی مراقبت‌گری به‌عنوان یک مکانیزم اثرگذار می‌تواند به درمانگران و مشاوران زوجین کمک کند تا مداخلاتی طراحی کنند که نه تنها عملکرد جنسی را بهبود بخشد، بلکه پیوند هیجانی زوجین را نیز تقویت کند. علی‌رغم وجود مطالعات مختلف، میان یافته‌ها ناهمسویی‌هایی به چشم می‌خورد. به بیان دیگر هنوز کاملاً مشخص نیست این سه نظام چگونه در هم می‌آمیزند و مراقبت‌گری می‌تواند رضایتمندی جنسی و تمایلات جنسی را تحت تأثیر قرار دهند؟ نکته حائز اهمیت آنکه، به نظر می‌رسد در ایران تاکنون پژوهشی با موضوع حاضر صورت نگرفته است. با توجه به تأثیر قدرتمند و شگرف فرهنگ بر رفتار خانواده فقدان تحقیقات داخلی در این زمینه احساس می‌شود. چرا که دانش تولید شده در جوامع دیگر، به‌ویژه در حیطه ازدواج و روابط زوجی تحت تأثیر فرهنگ حاکم بر این جوامع بوده و ممکن است قابل تعمیم به سایر جوامع و بافت‌های فرهنگی نباشد. بنابراین پژوهش حاضر درصدد است نقش میانجی ابعاد مراقبت‌گری را در رابطه بین رضایتمندی جنسی با تمایلات جنسی زنان بررسی نماید و به این سؤال پاسخ دهد که آیا ابعاد مراقبت‌گری در رابطه بین رضایتمندی جنسی و تمایلات جنسی زنان نقش میانجی دارد؟

**۲- مرور مبانی نظری و پیشینه**

به‌رغم اهمیت مراقبت‌گری در روابط صمیمانه بزرگ‌سالی، ادبیات موجود بیشتر بر تجارب فردی که به حمایت نیاز دارد تمرکز نموده و توجه کمتری به شخص فراهم‌کننده مراقبت شده است به‌طوری‌که از آن به‌عنوان مؤلفه فراموش شده نظریه دل‌بستگی نام می‌برند (Mendelson, 2024). با این وجود بیرنباوم، ریس، میزراهی، کنت-میمون، ساس و گرانوسکی-میلنر<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای چنین نتیجه گرفتند که مراقبت‌گری با شاخص‌های مثبت کیفیت رابطه و عملکرد جنسی مرتبط است و رفتارهای مراقبت‌گرانه به‌طور مستقیم با رضایت جنسی و کیفیت کلی رابطه همبستگی مثبت دارند. در این رابطه دیویت<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) گزارش کرد که مراقبت‌گری نه‌تنها بر رضایت جنسی اثر می‌گذارد بلکه به حفظ میل جنسی در روابط بلندمدت کمک می‌کند. یافته‌های مشابهی در پژوهش فرگوسن، تستا و دریک<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) نیز گزارش شده که مراقبت‌گری در روابط صمیمی با افزایش همبستگی هیجانی و حفظ اشتیاق جنسی همراه است. در مطالعات اخیر همچنین نقش میانجی مراقبت‌گری و پاسخ‌دهی به شریک را در ارتباط بین میل جنسی و رضایت جنسی بررسی کرده‌اند. برای مثال، پژوهش فریرا و وییرا<sup>۴</sup> (۲۰۲۳) نشان داد مراقبت‌گری از طریق افزایش صمیمیت هیجانی و ارتباط جنسی، رضایت و سلامت جنسی را تقویت می‌کند. در این راستا زانگ، دای و لی<sup>۵</sup> (۲۰۲۴) به بررسی نقش پاسخ‌دهی به نیازهای شریک زندگی به‌عنوان یک شکل از مراقبت‌گری در میانجی‌گری رضایت جنسی پرداختند و دریافتند که پاسخ‌دهی به نیازهای شریک زندگی، نقش میانجی مهمی در رضایت جنسی دارد. همچنین هو، بروتو و گورزالکا<sup>۶</sup> (۲۰۲۰) رابطه بین سبک دل‌بستگی، میل جنسی و رضایت جنسی را بررسی کردند و نشان دادند که سبک دل‌بستگی افراد نقش مهمی در تعیین کیفیت این رابطه دارد. نتایج بیانگر آن بود که افراد با دل‌بستگی ایمن تمایل به تجربه رضایت جنسی بالاتری دارند. گسلمان، مورس و گارسیا<sup>۷</sup> (۲۰۲۱) به بررسی اختلاف میل جنسی میان زوجین و تأثیر آن بر رضایت رابطه پرداختند. نتایج نشان داد که ناهماهنگی میل جنسی می‌تواند باعث کاهش رضایت رابطه شود، اما این اثر تحت تأثیر عوامل دیگر مانند مراقبت‌گری قرار می‌گیرد. همچنین پیتروماناکو و اورال<sup>۸</sup> (۲۰۲۵) در مطالعه خود چنین نتیجه گرفتند که پاسخگویی مراقبتی رابطه مثبت قوی با پایداری رابطه زناشویی دارد. در این رابطه مندلسون<sup>۹</sup> (۲۰۲۴) در مطالعه خود نشان داد مراقبت‌گری پاسخگو، هم برای مراقبت‌گر و هم برای دریافت‌کننده مراقبت، به‌طور مثبت با رضایت‌مندی زناشویی و اعتماد ارتباط داشته و با تعارض زناشویی رابطه منفی دارد و در هر دو زوج، مراقبت‌گری اجباری و مراقبت‌گری کنترل‌گرانه با تعارض بیشتر و رضایت‌مندی کمتر مرتبط است. در این زمینه پلوکوئین، داتریساک، جین، بنویت، براسارد، موندور و همکاران<sup>۱۰</sup> (۲۰۲۲) در پژوهش خود گزارش کردند ابعاد مثبت مراقبت‌گری (حساسیت و مجاورت) با رضایت جنسی فرد و همسرش رابطه مستقیم؛ اما ابعاد منفی مراقبت‌گری (کنترل و اجبار) با رضایت جنسی فرد و همسرش رابطه معکوس دارند. ملک‌آسا، سید موسوی، صادقی، فلاحت‌پیشه (۱۳۹۶) در تحقیق خود دریافتند که الگوی مراقبت‌گری افراد متأهل نقش مهمی در میزان تعهد زناشویی آنان دارد. در این زمینه فینزی-دوتان و اسچیف<sup>۱۱</sup> (۲۰۲۲) در تحقیق خود به بررسی رابطه سبک مراقبت‌گری با رضایت جنسی پرداختند آنان نتیجه گرفتند که سبک مراقبت‌گری که بر اساس سبک دل‌بستگی فرد شکل می‌گیرد، بر رضایت جنسی خود و شریک مقابل اثر

1 Birnbaum, Reis, Mizrahi, Kanat-Maymon, Sass, &amp; Granovski-Milner

2 Dewitte

3 Ferguson, E. D., Testa, M., &amp; Derrick

4 Ferreira &amp; Vieira

5 Zhang, C., Dai, J., &amp; Li

6 Woo, J. S. T., Brotto, L. A., &amp; Gorzalka

7 Gesselman, A. N., Moors, A. C., &amp; Garcia

8 Pietromonaco &amp; Overall

9 Mendelson

10 Pélouquin, Dutrisac, Jean, Benoit, Brassard, Mondor &amp; et al

11 Finzi-Dottan &amp; Schiff

می‌گذارد. همچنین راموس، لئو، رومانو، باکوم و لانگر<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) در مطالعه خود گزارش نمودند رفتارهای جنسی همچون بوسیدن و نوازش کردن، با مراقبت‌گری ارتباط دارد و در زوجین می‌توانند در خدمت اهداف نظام‌های دل‌بستگی و مراقبت‌گری باشند. با این حال، مطالعات در زمینه رابطه میان ابعاد مراقبت‌گری با رضایت جنسی زنان با مجاورت و حساسیت، رابطه مثبت به دست آمد، اما با اجبار رابطه پژوهش پلوکویین و همکاران (۲۰۲۲) میان رضایت جنسی زنان با مجاورت و حساسیت، رابطه مثبت به دست آمد، اما با اجبار رابطه معناداری یافت نشد. در حالی که هانلی<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) به نتایجی کاملاً معکوس دست یافته بود. در این رابطه نیک‌منش، روشن‌چسلی، فراهانی و صادقی (۱۴۰۱) به بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی با نقش واسطه‌ای تعدیل‌شده رفتارهای دل‌بستگی پرداختند. نتایج بیان‌کننده نقش میانجی رفتارهای دل‌بستگی در رابطه سبک‌های دل‌بستگی با رضایت جنسی بود. همچنین بررسی پیشینه پژوهش در این رابطه بیان‌کننده رابطه بین ابعاد مراقبت‌گری و رضایتمندی جنسی در پژوهش رضاپور فریدیان و همکاران (۱۳۹۶) و نقش میانجی ابعاد مراقبت‌گری در رابطه بین ابعاد دل‌بستگی و رضایتمندی جنسی زوجین در مطالعه‌ی فلاح‌زاده، رضاپور فریدیان، سید موسوی و پناهی (۱۳۹۸) بود.

### ۳- روش‌شناسی

پژوهش از نوع کاربردی و روش پژوهش توصیفی-همبستگی به شیوه مدل یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمام زنان متأهل مراجعه‌کننده به فرهنگسراهای شهر اصفهان در سال ۱۴۰۳ در بازه زمانی اردیبهشت ماه تا خردادماه ماه بود. از بین جامعه آماری نمونه انتخابی بر اساس مدل کلاین، شامل ۲۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

#### ۳-۱- روند اجرای پژوهش

پس از اخذ معرفی‌نامه از دانشگاه و هماهنگی با شهرداری شهر اصفهان و معرفی به فرهنگسرای شهر و ایجاد هماهنگی‌های لازم با مسئولین فرهنگسرا، به شیوه در دسترس ۲۰۰ نفر از زنان متأهلی که مراجعه کرده بودند، انتخاب شدند و نسبت به توجیه آن‌ها اقدام و اهداف پژوهش توضیح داده شد. تمامی رویه‌های موردنظر به‌منظور انجام پژوهش حاضر در خصوص شرکت‌کنندگان در مطالعه، مطابق با استانداردهای اخلاقی کمیته پژوهش‌های سازمانی و ملی مسئول آزمایش‌های انسانی و با اعلامیه ۱۹۷۵ هلسینکی بود. بدین طریق، از نمونه‌های انتخابی به‌منظور شرکت در مطالعه رضایت آگاهانه اخذ شده و به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اصل امانت‌داری در خصوص نتایج پژوهش رعایت شده و اطلاعات به دست آمده محرمانه خواهد ماند. **کد اخلاق از مراجع ذی‌ربط در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) به شماره شناسه IR.IAU.KHUISE.REC.1403.050 اخذ گردید.** ملاک‌های ورود به پژوهش تمایل برای شرکت در پژوهش، سن ۲۰ تا ۵۰ سال، حداقل تحصیلات دیپلم، عدم طلاق و ملاک‌های خروج از پژوهش عدم تمایل و رضایت برای شرکت در پژوهش و مخدوش پر کردن پرسشنامه‌ها بود. پس از کسب رضایت آگاهانه از شرکت‌کننده‌ها، نسبت به توزیع پرسشنامه‌ها اقدام و در حین پاسخ‌دهی به سؤالات، موارد ابهامی روشن شد. لازم به ذکر است با توجه به اینکه ۸ مورد از پرسشنامه‌ها به شکل مخدوش تکمیل شده بودند از مطالعه کنار گذاشته شد و مجدداً ۸ نفر در مطالعه جایگزین شدند و به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. پس از اتمام پاسخ‌دهی به سؤالات و بررسی اولیه آن‌ها و اطمینان از پاسخ‌دهی مطلوب به سؤالات، نسبت به استخراج و تحلیل داده‌ها اقدام گردید.

1 Ramos, Leo, Porter, Romano, Baucom & Langer

2 Hanley

## ۳-۲- ابزار پژوهش

**الف) مقیاس مراقبت‌گری:** این پرسشنامه توسط کانس و شاور<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) به منظور سنجش سیستم مراقبت‌گری ابرازشده در زمینه روابط عاشقانه ساخته شده است و چهار بعد مراقبت‌گری را می‌سنجد. این ابزار دارای ۳۲ سؤال است و از چهار خرده‌مقیاس نزدیکی در مقابل فاصله حساسیت در مقابل عدم حساسیت، همکاری در مقابل کنترل مراقبت‌گری و سواسی در مقابل غیر و سواسی تشکیل شده است. برای سنجش هر کدام از این خرده‌مقیاس‌ها هشت سؤال اختصاص یافته است که توسط پاسخ‌دهنده روی طیف لیکرتی شش درجه‌ای (از یک اصلاً شبیه من نیست تا شش کاملاً شبیه من است) پاسخ داده می‌شوند. نمرات بالا نزدیکی، حساسیت، کنترل و سواس مراقبت‌گری بیشتری را نشان می‌دهند (Kunce & Shaver, 2018). پایایی چهار خرده‌مقیاس این پرسشنامه شامل ابعاد نزدیکی، حساسیت، کنترل و سواس را به روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۳، ۰/۸۷ و ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند. همچنین ضرایب پایایی به روش بازآزمایی برای این چهار خرده‌مقیاس بعد از یک ماه به ترتیب برابر بودند با ۰/۷۷، ۰/۷۸، ۰/۸۸ و ۰/۸۱ که باز هم نشان‌دهنده پایایی مناسب این پرسشنامه است. در پژوهش پلاگیون، براسارد، دلیسل و بدارد<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) ضرایب آلفای کرونباخ برای ابعاد نزدیکی، حساسیت، کنترل و سواس مراقبت‌گری به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۸۸، ۰/۸۷ و ۰/۷۲ به دست آمد. در ایران ملک‌آسا و همکاران (۱۳۹۶) این پرسشنامه را در پژوهشی با عنوان نقش الگوهای تعاملی و رفتارهای مراقبتی در پیش‌بینی تعهد زناشویی، روی ۲۱۷ نفر از زنان و مردان متأهل (۱۲۵ زن و ۹۲ مرد) در رده سنی ۲۵ تا ۳۵ سال هنجاریابی کرده است. وی همسانی درونی ابزار را از طریق ضریب آلفای کرونباخ بررسی کرد و به‌منظور بررسی ثبات نمرات در طول زمان از روش آزمون باز آزمون با فاصله دو ماه استفاده نمود. آلفای کرونباخ برای نمره کل رفتار مراقبت‌گری برای مردان و زنان و کل افراد شرکت‌کننده به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۲ و ۰/۸۶ برای زیر مقیاس‌های مراقبت‌گری نزدیک ۰/۷۹، ۰/۷۶ و ۰/۷۷، مراقبت‌گری حساس ۰/۸۳، ۰/۸۰ و ۰/۸۲، مراقبت‌گری کنترل‌کننده ۰/۷۸، ۰/۷۷ و ۰/۷۷ و مراقبت‌گری و سواسی ۰/۸۲، ۰/۷۰ و ۰/۸۰ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای چهار خرده‌مقیاس مجاورت در مقابل فاصله ۰/۹۲، حساسیت در مقابل عدم حساسیت ۰/۹۳، کنترل در مقابل همکاری ۰/۹۱ و مراقبت‌گری و سواسی در مقابل غیر و سواسی ۰/۷۰ به دست آمد.

**ب) پرسشنامه تمایلات جنسی:** این پرسشنامه توسط هالبرت<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) ساخته شده و در بسیاری از پژوهش‌های بین‌المللی به کار گرفته شده است. این پرسشنامه شامل ۲۵ ماده است که میزان تمایل جنسی آزمودنی را مورد سنجش قرار می‌دهد. سؤال‌های پرسشنامه تمایل جنسی، به‌وسیله درمانگران در امور بالینی، برای سنجش مشکلات جنسی و زناشویی و در پژوهش‌های علمی به‌طور گسترده استفاده می‌شود. هر آیتم به‌وسیله مقیاس درجه‌بندی لیکرت با ۵ درجه نمره‌گذاری می‌شود: ۰ = همیشه «همواره چنین تمایلی دارم»، ۱ = اکثراً «گاهی اوقات چنین تمایلی دارم»، ۲ = گاهی «گاهی اوقات چنین تمایلی دارم»، ۳ = بندرت «بندرت چنین تمایلی دارم»، ۴ = هرگز «هرگز چنین تمایلی ندارم»؛ بنابراین نمره‌های این پرسشنامه با جمع نمرات ۲۵ ماده به دست می‌آید. سؤال‌های ۱، ۳، ۵، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ به‌طور معکوس [همیشه = ۴ تا هرگز = ۰] نمره‌گذاری می‌شود. کمینه و بیشینه نمره تمایل جنسی، بین صفر تا ۱۰۰ است که نمره بالا حاکی از میزان بالای تمایل آزمودنی‌ها است (Hurlbert, 1993). پایایی پرسشنامه تمایل جنسی را به شیوه آزمون باز آزمون ۰/۸۶ به دست آورد. ضرایب همسانی درونی پرسشنامه تمایل جنسی هالبرت با استفاده از دو روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بود که در سطح رضایت‌بخشی قرار دارد. در پژوهش یوسفی، کاوه فارسانی، شکیبا، همتی و حصار (۱۳۹۳) حاکی از این است که ضریب همگونی و همسانی درونی کل ماده‌های پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ ۰/۹۲ برای ۲۵ سؤال گزارش شده است.

1 Kunce &amp; Shaver

2 Péloquin, Brassard, Delisle &amp; Bédard

3 Hurlbert

ج) پرسشنامه رضایت جنسی هادسون<sup>۱</sup>: این پرسشنامه توسط هادسون و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۸۱) برای ارزیابی سطوح رضایت جنسی زوجین ساخته شد. این پرسشنامه دارای ۲۵ سؤال است که آزمودنی باید میزان توافق خود را با هر یک از گویه‌ها با انتخاب یک مقیاس هفت‌درجه‌ای از «همیشه» (نمره ۶) تا «هرگز» (نمره صفر) انتخاب کند. سؤالات ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. نمرات بین ۰ تا ۲۵ به منزله عدم رضایت جنسی، نمرات بین ۲۶ تا ۷۵ به منزله رضایت جنسی پایین، نمرات بین ۷۶ تا ۱۰۰ به منزله رضایت جنسی متوسط، نمرات بین ۱۰۱ تا ۱۵۰ به منزله رضایت جنسی بالا است (Hudson & etal, 2019). روایی و پایایی پرسشنامه را به ترتیب ۰/۷۲ و ۰/۸۵ گزارش شده است. همچنین در پژوهش حاضر نیز محقق برای سنجش پایایی مجدد پرسشنامه، پس از انجام یک مطالعه مقدماتی و تعیین واریانس سؤالات، از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار داد که ضریب ۰/۸۰ بدست آمد.

### ۳-۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تحلیل توصیفی داده‌ها ابتدا از روش میانگین و انحراف معیار استفاده شد و سپس برای تحلیل آماری فرضیه‌های پژوهش و ارزیابی برازش مدل طرح، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری از طریق نرم‌افزارهای SPSS و AMOS ویرایش ۲۳ استفاده شد.

### ۴- یافته‌ها

یافته‌های جمعیت شناختی نشان داد میانگین سنی گروه شرکت‌کننده ۳۳/۷۲ سال با انحراف استاندارد ۴/۵۸ سال بود. از بین اعضای نمونه ۴۴ نفر (۲۲ درصد) دارای تحصیلات دیپلم، ۳۸ نفر (۱۹ درصد) کاردانی، ۷۷ نفر (۳۸/۵ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی، ۳۸ نفر (۱۹ درصد) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و تنها ۳ نفر (۱/۵ درصد) دارای مدرک دکتری بوده است. در بین شرکت‌کنندگان ۷۲ نفر (۳۶ درصد) مدت ازدواج بین ۲ تا ۵ سال، ۷۰ نفر (۳۵ درصد) بین ۶ تا ۱۰ سال و ۳۵ نفر (۱۷/۵ درصد) بین ۱۰-۱۵ سال و ۲۳ نفر (۱۱/۵ درصد) بالای ۱۵ سال قرار داشتند. همچنین یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (سبک‌های دل‌بستگی، ابعاد مراقبت‌گری، تمایلات جنسی و رضایتمندی جنسی) با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
تمایلات جنسی	۶۲/۴۷	۶/۹۵
رضایت جنسی	۹۶/۷۶	۲/۶۹
مراقبت‌گری نزدیکی	۳۷/۶۸	۷/۶۷
مراقبت‌گری حساسیت	۳۲/۵۹	۶/۴۵
مراقبت‌گری کنترل	۳۴/۴۵	۸/۳۴
مراقبت‌گری اجباری	۲۹/۳۲	۷/۶۲

1 Index of Sexual Satisfaction Hudson.

2 Hudson, Harrison, & Crosscup

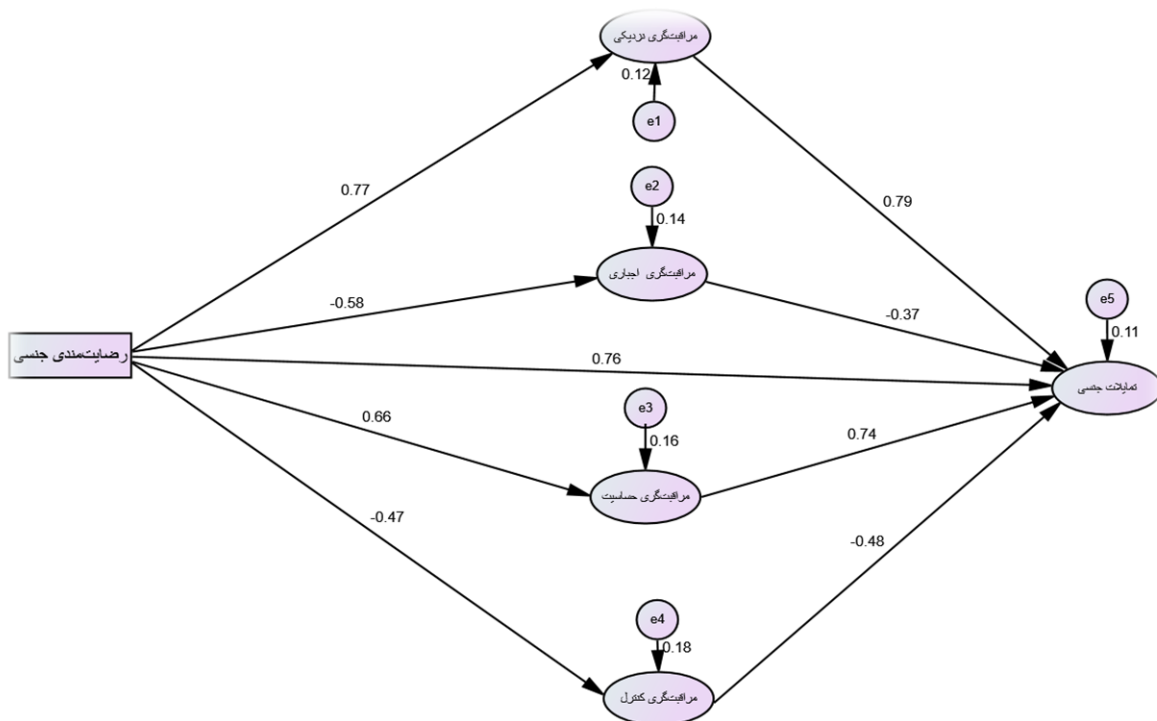
در جدول ۱ میانگین متغیرهای پژوهش قابل مشاهده است. با توجه با این نکته که ماتریس همبستگی مبنای تجزیه و تحلیل مدل‌های علی، خصوصاً مدل یابی معادلات ساختاری است؛ از این‌رو، قبل از بررسی الگوی نظری پژوهش، ماتریس همبستگی متغیرها به همراه ضرایب همبستگی پیرسون و سطوح معنی‌داری آن‌ها در جدول ۲ ارائه می‌شود تا روابط بین متغیرها مورد بررسی قرار گیرد.

جدول ۲: ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای مطالعه

مقیاس	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱ رضایتمندی جنسی	۱/۰۰					
۲ تمایلات جنسی	۰/۸۴*	۱/۰۰				
۳ مراقبت‌گری نزدیکی	۰/۷۷*	۰/۷۱*	۱/۰۰			
۴ مراقبت‌گری حساسیت	۰/۶۸*	۰/۵۷*	۰/۶۲*	۱/۰۰		
۵ مراقبت‌گری اجبار	-۰/۵۹*	-۰/۶۱*	-۰/۷۶*	-۰/۶۴*	۱/۰۰	
۶ مراقبت‌گری کنترل	-۰/۵۴*	-۰/۵۴*	-۰/۶۶*	-۰/۶۱*	۰/۵۵*	۱/۰۰

\* $P < 0.01$

همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد، ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطح حداقل ۰/۰۱ معنادار است. برای بررسی نقش میانجی ابعاد مراقبت‌گری در رابطه بین رضایتمندی جنسی با تمایل جنسی زنان از تحلیل مسیر استفاده شده است. در شکل ۱ نتایج مربوط به این تحلیل ارائه شده است



شکل ۱: نقش میانجی ابعاد مراقبت‌گری در رابطه بین رضایتمندی جنسی با تمایلات جنسی زنان

همان‌طور که در شکل ۱ مشخص است، رضایتمندی جنسی در نقش متغیر برون‌زا و ابعاد مراقبت‌گری در قالب متغیرهای درون‌زا عمل کرده است. همچنین برای متغیرهای درون‌زای خط‌هایی مفروض گردیده است که به‌صورت e1، e2 و e5 به نمایش در آمده است. ضریب بتای رضایتمندی جنسی به ابعاد مراقبت‌گری نزدیکی، اجباری، حساسیت، کنترل و تمایلات جنسی به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۵۸، ۰/۶۶، ۰/۴۷- و ۰/۷۶ گزارش شده است. همچنین بار ابعاد مراقبت‌گری نزدیکی، اجباری، حساسیت، کنترل به تمایلات جنسی برابر با ۰/۷۹، ۰/۳۷-، ۰/۷۴ و ۰/۴۸- بوده است. با توجه به ضرایب بتای به دست آمده نقش میانجی ابعاد مراقبت‌گری در رابطه بین رضایتمندی جنسی با تمایلات جنسی زنان تأیید گردید ( $P < 0/001$ ). جهت تعیین برازش الگوی پیشنهادی از شاخص‌های برازش استفاده شد. نتایج در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳: شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری

شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری	GFI	AGFI	TLI	IFI	NFI	CFI	RMSEA
مدل پیشنهادی	۰/۸۷	۰/۹۲	۰/۸۵	۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۹۶	۰/۰۷

همان‌گونه که در جدول ۳ آمده است، با توجه به شاخص‌های ارزیابی برازندگی، مدل اندازه‌گیری به‌ویژه نسبت مجذور کای بر درجات آزادی (۱/۷۵)، شاخص نیکویی برازش، GFI (۰/۸۷)، شاخص برازندگی تطبیقی، CFI (۰/۹۶)، شاخص برازندگی افزایشی، شاخص برازندگی هنجار شده، NFI (۰/۹۳)، شاخص توکر- لویس، TLI (۰/۸۵) و شاخص جذر میانگین مجذورات خطای تقریب، RMSEA (۰/۰۷) مدل اندازه‌گیری عوامل مکنون از برازندگی و روایی سازه خوبی برخوردار است و تمام شاخص‌های برازش مدل مطلوب و بالا است؛ بنابراین مسیر ترسیم شده از نیکویی برازش خوبی برخوردار است. در ادامه به بررسی نتایج حاصل از روابط واسطه‌ای با استفاده از روش بوت استریپ<sup>۱</sup> پرداخته شده است.

جدول ۴: بوت استریپ برای مسیر واسطه‌ای پژوهش

مسیر	داده‌ها	بوت استریپ	حد پایین	حد بالا
رضایتمندی جنسی - نزدیکی - تمایلات جنسی	۱/۸۵	۱/۴۱	۰/۰۸	۰/۸۲
رضایتمندی جنسی - اجبار - تمایلات جنسی	-۱/۹۲	-۱/۳۵	-۰/۱۵	-۰/۸۳
رضایتمندی جنسی - حساسیت - تمایلات جنسی	۱/۷۹	۱/۴۸	۰/۰۹	۰/۸۷
رضایتمندی جنسی - کنترل - تمایلات جنسی	-۱/۵۴	-۱/۲۳	-۰/۱۲	-۰/۷۹

فاصله‌های اطمینان برای مسیرهای غیرمستقیم ذکر شده در جدول حاکی از قرار نگرفتن صفر در این فاصله است. این نتیجه به تأیید مسیرهای غیرمستقیم می‌انجامد. مقدار بوت استراپ نشان می‌دهد مسیر رضایتمندی جنسی - حساسیت - تمایلات جنسی اعتبار بیشتری برخوردار است. سطح اطمینان برای این فاصله‌ها ۰/۹۵ است و تعداد نمونه‌گیری‌های مجدد بوت استراپ ۱۰۰۰ است. با توجه به نتایج به دست آمده نقش میانجی ابعاد مراقبت‌گری در رابطه بین رضایتمندی جنسی با تمایلات جنسی در زنان تأیید گردید.

1 Bootstrap  
2 Resampling

**۵- بحث و نتیجه‌گیری**

هدف پژوهش بررسی نقش میانجی ابعاد مراقبت‌گری در رابطه بین رضایتمندی جنسی با تمایلات جنسی زنان بود بررسی پیشینه پژوهش نشان داد تا کنون مطالعه‌ای به بررسی مدل پژوهش حاضر نپرداخته است اما نتایج این پژوهش تا حدودی با بخش‌هایی از یافته‌های فینزی-دوتان و اسچیف (۲۰۲۲)، راموس و همکاران (۲۰۲۳)، پلوکوئین و همکاران (۲۰۲۲)، نیک‌منش و همکاران (۱۴۰۱)، فلاح‌زاده و همکاران (۱۳۹۸) و رضاپور فریدیان و همکاران (۱۳۹۶) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت این نتایج با چارچوب نظریه دل‌بستگی کاملاً هم‌راستا است که معتقد است پاسخ‌دهی به نیازهای هیجانی و فیزیکی شریک زندگی، پایه‌ای اساسی برای شکل‌گیری امنیت روانی و صمیمیت عمیق است. از منظر انگیزش جنسی، میل جنسی نمایانگر یک فرایند پیچیده روان‌شناختی است که شامل انگیزه‌ها، نیازها و تمایلات زیستی و روانی می‌شود و به‌عنوان محرک اولیه فعالیت جنسی عمل می‌کند؛ اما به‌تنهایی میل جنسی نمی‌تواند کیفیت تجربه جنسی را تضمین کند. درواقع، مراقبت‌گری به‌عنوان یک فرایند رفتاری و عاطفی که با هدف حمایت، پاسخ‌دهی حساسانه و فراهم کردن امنیت روانی صورت می‌گیرد، بستری فراهم می‌آورد که میل جنسی بتواند به شکل رضایت‌بخش و پایدار تحقق یابد (Busby & et al, 2025)؛ بنابراین مراقبت‌گری با فراهم ساختن محیطی امن و حمایت‌گر، فضایی برای بروز و تقویت میل جنسی ایجاد می‌کند و به افزایش رضایت جنسی منجر می‌شود؛ به عبارت دیگر، میل جنسی مانند محرکی است که در غیاب مراقبت‌گری ممکن است نتواند به رضایت جنسی مطلوب برسد، اما در حضور مراقبت‌گری، این محرک به‌خوبی به رفتارهای رضایت‌بخش تبدیل می‌شود. همچنین از دلایل دیگر این مسئله، تأثیر مثبت مراقبت‌گری بر صمیمیت هیجانی در رابطه است. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که صمیمیت هیجانی پیش‌نیاز و هم‌زمان با رضایت جنسی است و مراقبت‌گری به‌طور قابل‌توجهی به افزایش صمیمیت کمک می‌کند. این صمیمیت باعث می‌شود زوجین به‌راحتی نیازها و خواسته‌های خود را ابراز کنند و به دنبال راه‌هایی برای پاسخ‌دهی به یکدیگر باشند که این فرآیند هم‌میل و هم‌رضایت جنسی را ارتقا می‌دهد (Ferreira & Vieira, 2023). علاوه بر این یافته‌ها نشان می‌دهند که مراقبت‌گری می‌تواند از طریق کاهش استرس‌های روانی و تعارضات رابطه‌ای، کارکرد روانی مثبتی داشته باشد که بر کیفیت روابط جنسی تأثیر می‌گذارد. تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که استرس و تعارضات حل‌نشده می‌تواند به کاهش میل جنسی و رضایت جنسی منجر شوند. مراقبت‌گری با ارتقاء همدلی و حمایت عاطفی موجب تنظیم هیجانات منفی و تقویت تعاملات مثبت بین زوجین می‌شود، بنابراین زمینه را برای حفظ و ارتقاء سلامت جنسی فراهم می‌کند. از سوی دیگر، نقش میانجی مراقبت‌گری نشان‌دهنده این است که این متغیر می‌تواند تا حدی تأثیر مستقیم میل جنسی بر رضایت جنسی را تعدیل کند. به بیان دقیق‌تر، حتی در مواقعی که میل جنسی پایین باشد، مراقبت‌گری و رفتارهای پاسخگو می‌تواند کیفیت و رضایت رابطه جنسی را حفظ کنند. این یافته با مدل‌های چندعاملی عملکرد جنسی مثل مدل بیولوژیکی-روان‌شناختی همخوانی دارد که تأکید می‌کنند عوامل روانی-اجتماعی نقش مهمی در تجربه رضایت جنسی ایفا می‌کنند.

در تبیینی دیگر می‌توان گفت مراقبت‌گری بدون نگرانی و غیر پاسخگو به دلیل نادیده گرفتن نیاز شریک به حمایت به‌عنوان رفتار مراقبتی کمتر مؤثر، یا مراقبت‌گری مداخله‌آمیز، به‌عنوان بیش از حد درگیر و کنترل‌کننده توصیف شده است. از آنجاکه از میان سبک‌های مراقبت‌گری، سبک مراقبت‌آمرا نه و کنترل‌کننده، یک سبک منفی به‌شمار می‌رود، افراد دارای این سبک مراقبتی، به‌صورت آمرانه به همسر خود واکنش نشان می‌دهند و هنگامی که طرف مقابل نیاز به حمایت و تأمین نیاز عاطفی دارد به‌صورت فعال و حاضر در صحنه، پاسخ نمی‌دهند. افرادی که دارای سبک مراقبت‌گری وسواسی هستند، به‌صورت وسواس گونه پرتلاش‌اند که دیگران را تحت کنترل و مراقبت افراطی خود قرار دهند. این افراد در زندگی زناشویی خود به‌صورت افراطی سعی در مراقبت از شریک زندگی خود دارند. این برخورد افراط‌گرایانه در سلطه‌گری و کنترل شریک زندگی به مرور زمان موجب تنش و سردی در رابطه زناشویی می‌شود. از منظر شریک، داشتن همسری که دائماً او را کنترل می‌کند، ممکن است به این معنی تعبیر شود که من قادر به مقابله با مشکلاتم نیستم. در نتیجه عزت‌نفس وی کاهش می‌یابد. این مسئله در حوزه جنسی، می‌تواند به اضطراب عملکرد جنسی و نارضایتی

جنسی منجر شود. افزون بر این، فردی که از راهبردهای مراقبتی کنترل‌کننده استفاده می‌کند، ممکن است در نظر شریک مقابل خود، به‌عنوان فردی انعطاف‌ناپذیر یا سلطه‌گر دیده شود. این مسئله می‌تواند فرصت‌های شریک را برای خیال‌پردازی‌ها و اکتشافات جنسی کاهش دهد؛ در نتیجه میل و لذت جنسی کاهش یافته، منجر به ناراضایتی جنسی می‌شود. همچنین رابطه میان حساسیت مراقبتی و رضایت جنسی با تمایلات جنسی را می‌توان چنین تبیین نمود که احتمالاً حساسیت مراقبتی به حوزه روابط جنسی نیز منتقل می‌شود (رضاپورفریدیان و همکاران، ۱۳۹۶). در این رابطه مطالعات نشان می‌دهد که مراقبت‌گری پاسخگو و حساس، حساسیت به نشانه‌های شریک زندگی، تمایل به ایجاد نزدیکی فیزیکی و تطبیق پاسخ‌های حمایتی با ابراز نیاز را در بر می‌گیرد. به‌طوری‌که فرد دارای حساسیت مراقبتی، نسبت به نیازها، تمایلات و ترجیحات جنسی شریک مقابلش نیز حساس‌تر خواهد بود، در نتیجه رضایت جنسی افزایش خواهد یافت. درنهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که برای حفظ و ارتقای کیفیت روابط جنسی و رضایت در روابط بلندمدت، توجه به نقش مراقبت‌گری بسیار ضروری است. برنامه‌های مشاوره‌ای و روان‌درمانی زوجین می‌تواند با تأکید بر آموزش مهارت‌های مراقبت‌گری و پاسخ‌دهی عاطفی، به بهبود عملکرد جنسی و رضایت کلی رابطه کمک کنند. با توجه به آنچه گفت شد درنهایت، این یافته‌ها بیانگر آن است که میل جنسی به‌تنهایی نمی‌تواند رضایت جنسی را به‌طور مستقیم و کامل توضیح دهد و وجود مراقبت‌گری به‌عنوان رفتاری حساس و پاسخگو، واسطه و تقویت‌کننده این رابطه است. این پژوهش با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود از جمله محدود بودن نمونه تحقیق به زنان متأهل مراجعه‌کننده به فرهنگ‌سراهای شهر اصفهان و محدودیت نمونه‌گیری در دسترس بود. با توجه به نتایج پژوهش برای مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود پژوهشگران از نمونه با حجم بزرگ‌تر استفاده نمایند و بر روی مردان متأهل نیز پژوهش انجام شود. با توجه نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مداخله‌ای و پیشگیرانه مبتنی بر رشد مراقبت‌گری نزدیکی و حساسیت و برای افزایش رضایت‌مندی جنسی و تمایلات جنسی زوجین مورد استفاده قرار گیرد.

## ۶- منابع

- ۱- رضاپورفریدیان، ریحانه؛ فلاح زاده، هاجر؛ و سیدموسوی، پریناسادات (۱۳۹۶). مقایسه ابعاد مراقبت‌گری زنان و مردان با توجه به رضایتمندی جنسی زوج، نهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- ۲- عباسی، لیلی؛ آزادفلاح، پرویز؛ فتحی‌آشتیانی، علی؛ و فراهانی، حجت‌اله (۱۴۰۰). ارتباط بین ابعاد روابط موضوعی و رضایت زناشویی، *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۹(۱)، ۸۱-۹۲. doi:20.1001.1.23452188.1400.19.1.7.9.92
- ۳- غفوریان‌قهرمانی، صفورا؛ و مهدویان، علیرضا (۱۴۰۰). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر مبنای متغیرهای همدلی، تعهد زناشویی و سبک‌های دل‌بستگی در زنان متأهل شهر تهران، *روانشناسی بالینی و شخصیت* ۱۹(۲)، ۷۱-۸۰. doi:10.22070/cpap.2022.15529.1171
- ۴- فلاح‌زاده، هاجر؛ رضاپور فریدیان، ریحانه؛ سیدموسوی، و پریناسادات؛ پناغی، لیلا (۱۳۹۸). نقش میانجی ابعاد مراقبت‌گری در رابطه بین ابعاد دل‌بستگی و رضایتمندی جنسی زوجین، خانواده پژوهی، ۱۵(۱)، ۴۵-۶۷.
- ۵- مصطفی، وفا؛ فلاح‌زاده، هاجر؛ و رضاپور فریدیان، ریحانه (۱۳۹۷). پیش‌بینی کیفیت مراقبت‌گری در روابط زناشویی بر اساس سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و عزت-نفس، *خانواده پژوهی*، ۱۴(۲)، ۲۰۱-۲۲۰.
- ۶- ملک آسا، مریم، سیدموسوی، پریناسادات، صادقی، منصوره السادات و فلاح‌ت پیشه، مریم (۱۳۹۶). نقش الگوهای تعاملی و رفتارهای مراقبتی در پیش‌بینی تعهد زناشویی. اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی (اندیشه و رفتار)، ۱۱(۴۴)، ۲۷-۳۶.
- ۷- نیک‌منش، احسان؛ روشن چسلی، رسول؛ فراهانی، حجت‌الله؛ و صادقی، منصوره سادات (۱۴۰۱). رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و رضایت زناشویی: نقش واسطه‌ای تعدیل‌شده‌ی رفتارهای دل‌بستگی، *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۷(۶۸) ۳۰۷-۳۱۷. doi:10.22034/jmpr.2023.15335

۸- یوسفی، ناصر، کاوه فارسانی، ذبیح‌الله؛ شکبیا، عباس؛ همتی، سجاد؛ و حصار، جمیله (۱۳۹۳) اعتبار سنجی پرسشنامه میل جنسی

هالبرت (HISD)، روانشناسی بالینی و شخصیت، ۲(۱۲) ۱-۱۷. **doi:10.1001.1.23452188.1392.11.2.12.0**

- 9- Bigras, N., Rosen, N. O., Dubé, J. P., Daspe, M. E., Bosisio, M., Péloquin, K., & Bergeron, S. (2025). Attachment Insecurity Mediates the Associations Between Childhood Trauma and Duration of Emotions During a Laboratory-Based Sexual Conflict Discussion Among Couples. *Archives of Sexual Behavior*, 54(4), 1509-1525. **doi:10.1007/s10508-025-03120-7**
- 10- Birnbaum, G. E., Reis, H. T., Mizrahi, M., Kanat-Maymon, Y., Sass, O., & Granovski-Milner, C. (2016). Intimately connected: The importance of partner responsiveness for experiencing sexual desire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 111(4), 530–546. **doi:10.1037/pspi0000069**
- 11- Birnbaum, G. E., Szepeswol, O., & Mikulincer, M. (2017). Attachment insecurities and sexual motives: The mediating role of caregiving and sexual satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 34(3), 384–404.
- 12- Bourque-Morel, G., Grenier, L., Arseneault, L., Vaillancourt, S. E., Brassard, A., Brault-Labbé, A., ... & Péloquin, K. (2025). Romantic attachment and sexual satisfaction trajectories among couples transitioning to parenthood. *The Journal of Sex Research*, 62(1), 83-94. **doi:10.1080/00224499.2023.2275271**
- 13- Busby, D. M., Allen, C. Z., Leavitt, C. E., & Jensen, A. C. (2025). Physical Aspects of Sexuality, Attachment, and Sexual Satisfaction. *Journal of Marital and Family Therapy*, 51(1), e12760. **doi:10.1111/jmft.12760**
- 14- Dewitte, M. (2012). Different perspectives on the sex–attachment link: Towards an emotion-motivational account. *Journal of Sex Research*, 49(2-3), 105–124. **doi:10.1080/00224499.2011.576351**
- 15- Ferguson, E. D., Testa, M., & Derrick, J. L. (2019). Partner caregiving and sexual satisfaction in long-term relationships. *Archives of Sexual Behavior*, 48(6), 1641–1653.
- 16- Ferreira, L. C., & Vieira, R. V. (2023). The mediating role of emotional intimacy and sexual communication in the association between caregiving and sexual satisfaction. *Archives of Sexual Behavior*, 52(4), 789–805.
- 17- Finzi-Dottan, R., & Schiff, M. (2022). Couple relationship satisfaction: The role of recollection of parental acceptance, self-differentiation, and spousal caregiving. *Journal of Social and Personal Relationships*, 39(2), 179-197. **doi:10.1177/02654075211033029**
- 18- Gesselman, A. N., Moors, A. C., & Garcia, J. R. (2021). Sexual desire discrepancies and relationship satisfaction: The moderating role of caregiving behaviors. *Journal of Sex Research*, 58(7), 889–899.
- 19- Gupta B, Thyloth M. (2021) Role of Multimodal Psychotherapeutic Approaches in Bisexual Adult Man: A Case Study. *Journal of Psychosexual Health*, 3(1): 81-87. **doi:10.1177/2631831821994253**
- 20- Hanley, J. W. (2015). Tiger Soup Revisited: The Involvement of Attachment, Caregiving, and Sexual Behavior Systems in Early Adult Romantic Relationships, Doctoral dissertation of Psychology, Simon Fraser University.
- 21- Hudson, W. W., Harrison, D. F., & Crosscup, P. C. (1981). A short-form scale to measure sexual discord in dyadic relationships. *Journal of Sex Research*, 17(2), 157-174. **doi:10.1080/00224498109551110**
- 22- Hurlbert DF. (1993). A comparative study using orgasm consistency training in the treatment of women reporting hypoactive sexual desire. *Journal of Sex & Marital Therapy*. 19(1): 41-55. **doi:10.1080/00926239308404887**
- 23- Józefacka, N. M., Szpakiewicz, E., Lech, D., Guzowski, K., & Kania, G. (2023). What matters in a relationship—Age, sexual satisfaction, relationship length, and interpersonal closeness as predictors of relationship satisfaction in young adults. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 20(5), 4103. **doi:10.3390/ijerph20054103**
- 24- Kunce, L. J., & Shaver, P. R. (1994). An attachment-theoretical approach to caregiving in romantic relationships. In *Sections of this chapter were presented at the 6th International Conference on Personal Relationships, Orono, ME, Jul, 1992.* Jessica Kingsley Publishers
- 25- Kunce, L. J., & Shaver, P. R. (2018). An attachment- theoretical approach to caregiving in romantic relationships. In *Sections of this chapter were presented at the 6th International Conference on Personal Relationships, Orono: Jessica Kingsley Publishers*
- 26- Mendelson, D. (2024). *“The Commitment of a Lifetime”: The Role of Emotionally Focused Therapy in Strengthening Attachment Bonds and Improving Relationship Health in Later-Life Couples* (Doctoral dissertation, Rutgers The State University of New Jersey, Graduate School of Applied and Professional Psychology).
- 27- Péloquin, K., Brassard, A., Delisle, G., & Bédard, M. M. (2013). Integrating the attachment, caregiving, and sexual systems into the understanding of sexual satisfaction. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*, 45(3), 185- 195. **doi:10.1037/a0033514**
- 28- Péloquin, K., Byers, E. S., Beaulieu, N., Bergeron, S., & Brassard, A. (2024). Sexual exchanges explain the association between attachment insecurities and sexual satisfaction in long-term couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 41(1), 23-45. **doi:10.1177/02654075231209242**
- 29- Péloquin, K., Dutriscac, C., Jean, M., Benoit, Z., Brassard, A., Mondor, J., & Lussier, Y. (2022). Relational instability in couples seeking therapy: The contribution of attachment, caregiving and sex. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 48(8), 804-818. **doi:10.1080/0092623X.2022.2060886**

- 30- Pietromonaco, P. R., & Overall, N. C. (2025). Attachment Insecurity Shapes Physiological and Behavioural Responses to Stress: Implications for Couples Coping with Illness. In *The Routledge International Handbook of Health Psychology* (pp. 285-300). Routledge.
- 31- Ramos, K., Leo, K., Porter, L. S., Romano, J. M., Baucom, B. R., & Langer, S. L. (2023). Attachment in couples coping with cancer: Associations with observed communication and long-term health. *International journal of environmental research and public health*, 20(7), 5249. doi:10.3390/ijerph20075249
- 32- Rausch, D., & Rettenberger, M. (2021). Predictors of sexual satisfaction in women: A systematic review. *Sexual Medicine Reviews*, 9(3), 365-380. doi:10.1016/j.sxmr.2021.01.001
- 33- Stragapede, E., Bouchard, K., Lalande, K., Moran, C., Greenman, P. S., Sztajerowska, K., & Tulloch, H. (2024). Caregiving style and quality of life in caregivers of patients with cardiovascular disease. *Psychology & Health*, 1-16. doi:10.1080/08870446.2024.2323569
- 34- Woo, J. S. T., Brotto, L. A., & Gorzalka, B. B. (2020). The roles of sexual desire, sexual arousal, and relationship satisfaction in predicting sexual satisfaction in young women. *The Journal of Sexual Medicine*, 17(6), 1156–1164.
- 35- Zhang, C., Dai, J., & Li, X. (2024). *Perceived partner responsiveness and sexual satisfaction: The mediating role of caregiving in long-term relationships*. *Journal of Social and Personal Relationships*, 41(2), 145–162. doi:10.1177/0265407524123456

# The Mediating Role of Caregiving in the Relationship Between Sexual Satisfaction and Sexual Desire in Women

Zahra Madadi<sup>1</sup>, Mohammad Zare Neyestanak<sup>2\*</sup>

1- Master's student, Department of Psychology, Naein Branch, Islamic Azad University, Naein, Iran.  
zahramadadi2244@gmail.com

2- Department of Educational and Psychological Services, Nae.C., Islamic Azad University, Naein, Iran.  
(Corresponding Author)

Zare1349@iau.ir

## Abstract

Caregiving is fundamental to human relationships and plays a decisive role in the quality and stability of marital relationships. Therefore, the aim of this study was to investigate the mediating role of caregiving dimensions in the relationship between sexual satisfaction and sexual desire in women. The research was applied in nature, utilizing a descriptive-correlational method through structural equation modeling. The statistical population consisted of all married women visiting cultural centers in Isfahan from May to June 2024. Based on Kline's model, 200 participants were selected using convenience sampling, considering inclusion and exclusion criteria. Informed consent was obtained from the selected participants, and they were assured that confidentiality and ethical standards would be upheld regarding the research results. Participants completed the Caregiving Scale by Kuncze and Shaver (1994), the Sexual Desire Inventory by Hulbert (1992), and the Hudson Sexual Satisfaction Scale (1992). Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and path analysis with SPSS22 and AMOS software. The results indicated that caregiving dimensions mediate the relationship between sexual satisfaction and sexual desire in women. Additionally, the model demonstrated a good fit ( $P < 0.01$ ). The findings suggest that sexual desire alone cannot fully and directly explain sexual satisfaction, and caregiving, as a sensitive and responsive behavior, acts as a mediator and enhancer of this relationship.

**Keywords:** Caregiving, Sexual Satisfaction, Sexual Desire, Women.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)

## بررسی فهم زنان شاغل جنوب تهران از فرزند آوری

الهه علیخانی<sup>\*۱</sup>

۱-استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه جامع علمی کاربردی مرکز آموزشی صنایع شیر تهران شهرداد، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
 Alalah.alikhani@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۳/۱۷]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۲/۷]

### چکیده

کاهش تمایل به فرزندآوری در دهه‌های اخیر، نگرانی بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف را در ایران برانگیخته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی درک و نگرش زنان شاغل جنوب تهران نسبت به فرزندآوری انجام شده است. این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی انجام گرفته و از مصاحبه عمیق برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نگرش زنان شاغل نسبت به فرزندآوری تحت تأثیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اخیر دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. زنان مشارکت‌کننده در این مطالعه، فرزندآوری را نه به عنوان یک ضرورت سنتی، بلکه امری وابسته به شرایط فردی، اقتصادی، شغلی و سبک زندگی خود می‌دانند. بسیاری از آنان دغدغه‌هایی چون ناتوانی در تأمین هزینه‌های فرزندپروری، دشواری در ایجاد تعادل بین نقش مادری و شغلی و نگرانی از آینده فرزندان را از دلایل اصلی کاهش تمایل به فرزندآوری عنوان کردند. در مجموع، نتایج این تحقیق حاکی از آن است که فهم جدید زنان شاغل از مفهوم مادری و باروری، آنان را به سمت انتخاب آگاهانه‌تر و گاه اجتناب از فرزندآوری سوق داده است. این تحول نگرشی می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در کاهش نرخ باروری در مناطق شهری، به‌ویژه در میان زنان شاغل، تلقی شود.

واژگان کلیدی: خانواده، فرزند آوری، باروری، زنان، فهم.

**۱- مقدمه**

خانواده به‌عنوان اولین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی در همه جوامع و در همه اعصار وجود داشته و باوجود تغییرات گسترده‌ای که نسبت به آن صورت گرفته، هنوز جایگاه و منزلت خود را حفظ کرده است (حقیقی مهر، ۱۳۸۴). از خانواده تعاریف متعددی ارائه شده است؛ گروهی از محققان علوم اجتماعی خانواده را به‌عنوان واحدی متشکل از یک زوج می‌دانند که با پیوند مورد تأیید جامعه از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش در ارتباط متقابل قرار گیرند، طی یک دوره زمانی نامشخص باهم زندگی کرده، زادوولد می‌کنند و فرزندان تربیت می‌کنند (آقابخشی، ۱۳۷۸). خانواده قدیمی‌ترین نهاد بشری و منشأ افزایش اعضاء و گسترش جمعیت یک جامعه می‌باشد (حاجیان و مکتوبیان، ۱۳۹۴). طی فرآیند مدرنیته در ایران، شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، انسانی و فرهنگی همانند کاهش نرخ رشد جمعیت، کاهش بی‌سوادی، افزایش تحصیلات دانشگاهی، افزایش امید به زندگی، بهبود امکانات پزشکی و بهداشتی، گسترش شهرنشینی و مانند آن‌ها رشد چشمگیری داشته‌اند. این پیشرفت‌ها هم شامل ابعاد مادی و تکنولوژیکی و هم ارزش‌های غیرمادی و نگرش و باورهای فردی و اجتماعی است. تغییرات ارزشی در حوزه خانواده که یکی از نشانه‌های مدرنیته است، علاوه بر این‌که خود پیرو تغییرات ارزشی جامعه است، ارزش‌های اجتماعی را نیز شکل می‌دهد. یکی از کنش‌های مهم و مطرح در حوزه خانواده، کنش فرزند آوری و تمایلات فرزند خواهی است که کاهش تمایل به این کنش، در دهه‌های اخیر، توجه و نگرانی بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های مختلف را در برداشته است (حاجیان و مکتوبیان، ۱۳۹۴). کاهش بی‌سابقه باروری ایران در دو دهه اخیر، بیش از هر چیز ریشه در «پیشرفت فرهنگی و اجتماعی» دارد به‌عبارت‌دیگر پیدایش یک محیط فرهنگی جدید که موافق و همساز با بعد محدود خانواده بود، فرصت مغتنمی را فراهم آورد تا در سایه آن خدمات حکومتی کنترل جمعیت با استقبال عامه مردم مواجه شود (فولادی، ۱۳۹۰). به دلیل انقلاب علمی و صنعتی به وقوع پیوسته در غرب، کارکرد خانواده دگرگون شد. همراه با گسترش وسایل کنترل بارداری که به تفکیک کارکرد تولیدمثل از ارضای غریزه جنسی شده است، کارکرد تولیدمثل نیز طی دهه‌های مختلف دچار نوساناتی شده است (بستان و همکاران، ۱۳۸۸).

به گفته محبوب فر، کشور ایران در کاهش مولید و سقوط فرزند آوری به‌ویژه در چند سال اخیر، رتبه نخست جهان را به خود اختصاص داده است. این جامعه‌شناس عنوان می‌کند: «من معتقد هستم که برخلاف گذشته جوان‌های ایرانی فرزند داشتن را اجبار، نه بلکه یک انتخاب می‌دانند. بالا رفتن سطح تحصیلات و رغبت بیشتر زنان به اشتغال و استقلال مالی و به تبع آن افزایش سن ازدواج یا حتی کاهش ازدواج در کنار گرایش به سمت فردگرایی در جامعه از عوامل اصلی کاهش نرخ رشد جمعیت ایران محسوب می‌شوند» (انتخاب، ۱۳۹۹).

این پژوهش بر آن است تا عواملی را که منجر به کاهش تمایل زنان جنوب تهران به فرزند آوری می‌شود را مورد بررسی و کاوش قرار دهد. درواقع سؤال اصلی این پژوهش این است که: فهم و درک زنان شاغل جنوب تهران نسبت به فرزند آوری چگونه است؟

**۲- مرور مبانی نظری و پیشینه**

با بررسی‌های صورت گرفته در باب فرزند آوری می‌توان پژوهش‌های انجام‌شده در این خصوص را بدین‌صورت نام برد: کلانتری و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزند آوری و برخی عوامل مرتبط با آن: در این پژوهش به این مطلب رسیده شده که مشارکت اجتماعی تأثیر کاهنده ولی متغیر و گرایش مذهبی تأثیر فزاینده‌ای بر میزان گرایش جوانان به فرزند آوری داشته است. کشاورز و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر فاصله بین ازدواج و فرزند آوری (مطالعه موردی: زنان متأهل ۴۹ - ۲۰ ساله شهر اصفهان): در این پژوهش نکته‌های مهم این بود که هر چه سن زنان در هنگام ازدواج بیشتر بوده است، تأخیر در فرزند آوری کمتر بوده است. همچنین تأثیر قدرت زن در خانواده، مهم‌ترین نقش را در تأخیر در فرزند آوری در

خانواده داشته است. موسی و قافله باشی (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان بررسی جایگاه و نگرش به فرزند آوری در خانواده‌های جوان ایرانی نشان داده‌اند که عوامل اقتصادی بیش از سایر عوامل چون اعتقاد، فرهنگی، هویت شناختی و جسمانی بر نگرش منفی خانواده‌های جوان به فرزند آوری تأثیرگذار بوده است. ایمان و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر گرایش به فرزند آوری زنان شهر تهران به شناخت متغیرهای حمایت اجتماعی، اشتغال زنان و پایگاه اقتصادی، اجتماعی بر گرایش به بارداری مجدد پرداخته‌اند، بر اساس این بررسی بین متغیر حمایت اجتماعی و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه معنادار وجود دارد اما بین متغیر اشتغال زنان و پایگاه اقتصادی، اجتماعی خانواده و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه معناداری به دست نیامده است. در پژوهش کاوه فیروز و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزند آوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه ازدواج شهر تهران) متغیرهای مورد بررسی شده همچون اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، مصرف محصولات فرهنگی، سرمایه فرهنگی نهادی و سرمایه فرهنگی حدود ۱۶ درصد از تغییرات نگرش در مورد فرزند آوری را تبیین می‌کنند. عبدالمهی و رحیمی (۱۳۹۶) نیز در تحقیقی با عنوان برساخت اجتماعی سیاست‌های افزایش فرزند آوری و موانع پیش رو: مطالعه موردی کاربران اینترنتی به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه رویکرد انتقادی کاربران در خصوص موانع پیش روی فرزند آوری به سیاست‌گذاری و مسئولیت مربوط معطوف است، ولی تغییر نگرش و رفتار مردم نقش پررنگ‌تری در نهادینه شدن فرزند آوری پایین در جامعه دارد و این به معنای آن است که تحقق سیاست‌های افزایش فرزند آوری، نیازمند توجه سیاست‌گذاران به الگوهای رفتاری نهادینه‌شده در بین مردم است. مشفق و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر رابطه اشتغال و تمایل به فرزند آوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان‌های کشور شاغل بودن و گروه شغلی اثرات معناداری بر تمایلات فرزند آوری و فاصله‌گذاری بین موالید دارد و از نظر آماری تفاوت‌ها بین میانگین تعداد فرزندان و تمایل به فرزند آوری زنان شاغل و غیر شاغل معنادار است. نتایج پژوهش پژمان و افشاری (۱۳۹۶) مطالعه جامعه‌شناختی نگرش مردم به فرزند آوری در استان همدان حاکی از آن است که سه متغیر فرزند دلخواه، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و فاصله سنی بالا برای ازدواج به ترتیب توانسته‌اند تغییرات متغیر نگرش به فرزند آوری را پیش‌بینی نمایند.

## ۱-۲- ادبیات نظری تحقیق

### ۱-۱-۲- فرزند آوری از منظر قرآن و اسلام

اساساً ادیان رویکردی مساعد به پدیده باروری داشته‌اند، بامطالعه آثار مکتوب و کتب آسمانی ادیان، این نکته به‌خوبی روشن می‌شود که در همگی این کتاب‌ها، پیروان به افزایش زادوولد، باروری و کثرت نفوس ترغیب و تشویق شده‌اند. در قرآن کریم آیاتی به‌طور مستقیم و نیز غیرمستقیم به فرزند آوری اشاره داشته است. برای مثال در آیه ۵۱ سوره مبارکه انعام فرموده است: «فرزندانتان را از بیم فقر و نادانی نکشید، رزق و روزی آن‌ها و خود شما به عهده ماست» آیه دیگری که فرزند آوری را تأیید می‌کند، آیه ۲۲۳ سوره بقره می‌فرماید: «زنان شما کشتزار شمایند، از هر طرف خواستید به کشتزار خود درآید و درصدد پدید آوردن یادگاری و نسلی برای خود برآید». می‌توان گفت: در آیات قرآن کریم، باروری هدیه‌ای از سوی خدا به بندگان و پیروان شایسته معرفی شده است.

بسیاری از مطالعات و تجربه‌های عینی نشان داده‌اند که تولد فرزند، نقش برجسته‌ای در تحکیم خانواده ایفا می‌کند و در مقابل، ناتوانی از فرزند آوری، به‌ویژه در صورت اشتیاق وافر دو همسر، نوعی ناخرسندی طبیعی را بر زوجین تحمیل می‌کند و خانواده را به‌رغم جاذبه‌های متعدد در معرض بی‌ثباتی قرار می‌دهند (بستان، ۱۳۹۴). باوجوداین، در جوامع غربی به‌موازات گسترش نگرش‌های فردگرایانه، گرایش به داشتن فرزند کمتر شده است؛ زیرا فرزندان به‌طور طبیعی محدودیت‌ها و فشارهای روانی و اقتصادی متعددی را بر خانواده تحمیل می‌کنند و آزادی‌های فردی در جهت انجام فعالیت‌های دلخواه شغلی، تحصیلی و ... را به میزان قابل‌توجهی می‌کاهند؛ در نتیجه فرزندان به عاملی مؤثر در کاهش رضایت زناشویی مبدل شده‌اند که این امر موجب افزایش خانواده‌های بدون

فرزند در جوامع صنعتی شده است (بستان، ۱۳۹۴) در اسلام، این مطلب مفروض است که فرزند در مراحل مختلف حیات خود، مشکلات جسمی و روحی گوناگونی را بر والدین تحمیل می‌کند. با وجود این توصیه‌های دینی در بردارنده راهکارهایی هستند که اسلام از راه آن‌ها کوشیده است فرزندان را به جای آنکه عاملی برای سرخوردگی و نارضایتی والدین باشند به عاملی برای افزایش رضایت خاطر آنان و در نتیجه تحکیم پیوند زناشویی تبدیل کند. از میان این راهکارها می‌توان به تشویق فراوان نسبت به فرزند آوری و تربیت فرزندان با یادآوری ارزش‌ها و منافع دنیوی و اخروی فرزندان برای والدین، نهادینه کردن نیکی و احسان به والدین به منظور تقویت انگیزه‌های فرزند آوری و تربیت فرزند در آنان و در نهایت، کوشش در جهت تقویت پیوندهای خویشاوندی اشاره کرد (بستان، ۱۳۹۴).

## ۲-۱-۲- فرزند آوری از نظر جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی

میان نظریه و تحقیق ارتباط نزدیکی وجود دارد و در خلال تحقیق، همواره نظریه می‌تواند کمک‌کننده و سبب پدید آمدن فرضیات و اندیشه و افکار جدید شود. برای تبیین و تحلیل باروری و فرزند آوری باید به دنبال یک تعادل میان عاملیت و ساختار باشیم؛ زیرا می‌خواهیم برای درک یک کنش از فرد دریابیم که چگونه ساختار اجتماعی می‌تواند فرد را مورد تأثیر قرار دهد و چگونه عمل و کنش فردی می‌تواند بر ساختار جامعه تأثیرگذار باشد. مرجع اصلی این تبیین‌ها نظریات آنتونی گیدنز و بوردیو می‌باشند. «آنتونی گیدنز» در بررسی تحولات سه قرن اخیر بعد از صنعتی شدن، به توصیف و تبیین تحولات و دنیای مدرن و مدرنیته می‌پردازد. از نگاه او، مدرنیته و دگرگونی‌های جهانی فقط مربوط به تغییرات بزرگ در نهادهای بزرگ نیست، بلکه این تغییرات، عواطف و زندگی خصوصی افراد را نیز در برمی‌گیرد و در دنیای متجدد به طرز عمیقی در قلب، هویت و احساسات شخصی نیز نفوذ می‌کند. طبق نظر کالدول باروری در دامنه میان کمترین تا بیشترین سطح، تحت تأثیر یک دسته دلایل شخصی، اجتماعی و فیزیولوژیکی است. در بین رژیم‌هایی که باروری کنترل می‌شود، این کاهش، محصول تغییرات اجتماعی است تا اقتصادی. او معتقد است: مراحل مدرنیزاسیون در کشورهای در حال توسعه انجام نشده و باروری بالا در کشورهای در حال توسعه، یک پاسخ عقلانی به شرایط اقتصادی نیست؛ بنابراین باروری هنگامی بالا یا پایین می‌رود که نگرش‌ها و باورها تغییر پیدا می‌کند و ارزش‌های باروری پایین برای افراد درونی شود (سیدمن، ۱۳۸۸).

در مقابل دیدگاه‌های اقتصادی، صاحب‌نظرانی از جمله کلند و ویلسون و رابینسون نظریه اقتصادی باروری را مورد نقد قرار داده و بیان نمودند که والدین همواره تصمیمات خود در مورد فرزندان را بر مبنای اقتصادسنجی دقیق محاسبه نمی‌کنند. آنان عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها و آمال خانواده‌ها را عامل برتر در تبیین باروری دانسته و معتقدند که هر چند عوامل مدرنیزاسیون و اقتصادی ممکن است در تبیین تفاوت باروری در منطقه‌ای مؤثر باشند، ولی توجه به ایده‌ها و فرهنگ هر جمعیتی در مطالعه انتقال جمعیتی ضروری است؛ بنابراین لسهاق پیشنهاد می‌کند که عوامل و دگرگونی‌های فرهنگی را نیز همچون عوامل اقتصادی باید در توضیح تغییرات اخیر در الگوی ازدواج، باروری و طلاق وارد کرد. او معتقد است: گذار باروری در یک جامعه فقط از طریق رهاورد آزادی و انتخاب عقلانی امکان‌پذیر است و در جوامعی که این فرآیند را طی نکرده‌اند، همه چیز از جمله تعیین‌کننده‌های باروری نیز از اختیار فردی خارج است و از طریق هنجارهای فرهنگی جامعه، به‌ویژه هنجارهای نظام اجتماعی به فرد تحمیل می‌گردد (خلج آبادی فراهانی، ۱۳۹۱). یکی دیگر از نظریه‌های مطرح‌شده، نظریه منزلت اجتماعی است. در این نظریه، متفکران و اندیشمندان، میزان باروری هر خانواده و جامعه را مبتنی بر جایگاه و منزلت والدین و یا ساکنان آن جامعه می‌دانند. خانواده با پیشرفت و ترقی حاصل شده در جامعه و موقعیتی که به‌عنوان یک عضو داراست، به فرزند آوری می‌اندیشد. حال اگر آوردن فرزند باعث حرکت صعودی خانواده می‌شود، آن را ادامه می‌دهد، ولی اگر فرزند آوری را مانع پیشرفت و توسعه و موقعیت اجتماعی بداند، آن را به طرق مختلف کنترل می‌کند (رشیدی، ۱۳۷۹). نظریه نوگرایی نیز گویای این است که نوسازی فیزیکی محیط و بازسازی اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی در جامعه‌های

گونگون می‌تواند تا اندازه‌ای میزان باروری را تغییر دهد و باعث شود روحیه آینده‌نگری و گرایش به زندگی که همراه با آسایش و شادکامی باشد، در اذهان مردم جاری گردد. این نظریه دنبال می‌کند که پیشرفت، توسعه و فناوری بر زندگی مردم حتی در زمینه‌های عاطفی و ارزشی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند تغییراتی در ارتباط با کاهش میزان مولید به وجود آورد (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۰). مک‌دونالد می‌گوید: موقعیت زنان و انگیزه آن‌ها برای فرزند آوری، در میان جمعیت و زیرگروه‌های جمعیتی و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. تسهیلات یکی از تعیین‌کننده‌ها و ارکان اصلی موقعیت زنان و نوگرایی در جامعه است که به‌طور معکوس در ارتباط با باروری قرار می‌گیرد. او استدلال می‌کند که در طول قرن بیستم، انقلاب در سطوح برابری جنسیتی در نهادهای فرد محور و سطح کلان (جامعه) در کشورهای پیشرفته رخ داده است. این قرن از نقطه‌ای که زنان منزلتی دون‌پایه در نهادهای فرد محور، مانند تحصیلات رسمی و اشتغال در بازار داشتند آغاز شد و با سطوح بسیار بالایی از برابری جنسیتی فراگیر در این نهادها پایان یافت. سطوح بالای برابری که توسط زنان به‌عنوان افراد، کسب‌شده بود با سطوح پایین برابری زنان در نهاد خانواده ترکیب شد، به‌گونه‌ای که از زنان انتظار می‌رود با تحصیلات بالا و مشارکت در کار فردی، نقش‌های همسری و مادری نیز ایفا کنند (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۰). با بهره‌گیری از نظریه نوگرایی که کاهش فرزند آوری را از نتایج مدرنیزاسیون می‌داند و تحصیلات یکی از مؤلفه‌های آن می‌باشد و با شکل‌گیری مدرنیته، زمینه‌ها افزایش سطح تحصیلات برای افراد به‌خصوص زنان بیشتر شده و این افزایش تحصیلات، ورود به بازار کار را برای زنان فراهم می‌کند؛ زیرا با گسترش تحصیلات زنان، زمینه بهتری برای اشتغال آن‌ها در جامعه فراهم شده که هر دو این‌ها می‌توانند سبب تأخیر در تشکیل خانواده و در نتیجه فرزند آوری دیرتر و کمتر داشته باشند (مشفق و همکاران، ۱۳۹۵).

### ۳- روش‌شناسی

این پژوهش به‌صورت کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی انجام شد. پدیدارشناس به دنبال ارائه چگونگی حضور انسان در تولید کنش اجتماعی، موقعیت اجتماعی و دنیای اجتماعی است. هدف اساسی پدیدارشناسی کاهش تجربیات فردی به پدیده‌ای است که توصیف ماهوی آن به لحاظ جهانی و عمومی امکان‌پذیر شود. در این راستا، هدف دستیابی به ماهیت واقعی چیزهایی است که بررسی می‌شوند. در واقع در پدیدارشناسی، محقق به دنبال جمع‌آوری اطلاعات از اشخاصی است که پدیده‌ای را تجربه کرده‌اند تا بتوانند بر اساس آن اطلاعات به توصیف مرکبی از ماهیت آن تجربه از نظر آن افراد برسند. در این توصیف شیوه‌های تجربه و آنچه این افراد تجربه می‌کنند ارائه می‌شود (ایمان، ۱۳۸۸). پژوهش حاضر به دنبال تجارب زنان شاغل جنوب تهران از فرزند آوری در نظر گرفته شد و بنابراین روش نمونه‌گیری پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند است. برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه بهره گرفته و هر یک از مصاحبه‌ها به‌طور تقریبی ۳۰ تا ۶۰ دقیقه به‌صورت تلفنی به طول انجامید. ۲۰ زن شاغل جنوب تهران مورد مصاحبه قرار گرفتند. برای بررسی قابلیت اعتبار، برداشت تحقیق از مصاحبه‌ها در طول مصاحبه و پس از آن به مشارکت‌کنندگان ارائه گردید تا از صحت برداشت اطمینان حاصل شود. برای قابلیت اطمینان نیز تلاش شده است که با دید اکتشافی به مسئله نگریسته شود و بدون پیش‌داوری به بررسی موضوع پرداخته شود. همچنین، تمام مراحل این پژوهش زیر نظر کمیته اخلاق دانشگاه جامع علمی‌کاربردی مرکز آموزشی صنایع شیر تهران شهداد انجام شده است.

### ۴- یافته‌ها

جدول زیر اطلاعات جمعیت‌شناختی ۲۰ نفر از زنان شاغل مشارکت‌کننده در پژوهش را نمایش می‌دهد. این اطلاعات شامل سن، سطح تحصیلات، نوع شغل، مدت ازدواج، تعداد فرزندان، تعداد فرزندان ایدئال و میزان اشتغال هفتگی آن‌هاست. تنوع در ویژگی‌های فردی و شغلی شرکت‌کنندگان، زمینه‌ای مناسب برای تحلیل عمیق‌تر نگرش‌ها و فهم آنان نسبت به فرزندآوری فراهم کرده است.

جدول ۱: ویژگی‌های توصیفی مشارکت‌کنندگان پژوهش

شماره مصاحبه	رتبه	تخصص	رشته	مدت ازدواج	تعداد فرزندان	تعداد فرزندان ایدئال	نوع مشارکت
۱	۳۰	کارشناسی	حسابدار	۵	۱	۲	تمام وقت
۲	۲۸	کاردانی	برنامه‌نویسی	۸	۱	۲	تمام وقت
۳	۴۰	کارشناسی	دبیر	۱۸	۳	۵	نیمه وقت
۴	۳۱	کارشناسی ارشد	کارمند دفتری	۵	۰	۱	نیمه وقت
۵	۲۵	کارشناسی	پرستار	۴	باردار	۱	تمام وقت
۶	۳۳	کاردانی	حسابدار	۳	۱	۲	نیمه وقت
۷	۳۴	کارشناسی ارشد	کارمند دولتی	۲	۰	۱	نیمه وقت
۸	۳۵	کارشناسی	مترجم	۱۴	۲	۲	نیمه وقت
۹	۲۷	کارشناسی	مشاور بیمه	۸	۲	۲	نیمه وقت
۱۰	۲۴	کارشناسی	فروشنده	۶	باردار	۱	تمام وقت
۱۱	۳۲	دیپلم	مسئول تولیدی	۱۰	۰	۱	تمام وقت
۱۲	۳۲	کاردانی	منشی	۶	۲	۳	تمام وقت
۱۳	۳۰	کارشناسی	معلم	۳	۱	۲	نیمه وقت
۱۴	۳۵	دیپلم	کارمند خصوصی	۵	۲	۴	چهار روز در هفته
۱۵	۲۸	کاردانی	آرایشگر	۱۳	۳	۱	سه روز در هفته
۱۶	۳۲	کارشناسی	معلم ابتدایی	۱۰	۲	۱	نیمه وقت
۱۷	۳۶	دکتری	وکیل	۴	۰	۲	نیمه وقت
۱۸	۳۷	کارشناسی	کارمند دولتی	۱۱	۳	۲	نیمه وقت
۱۹	۴۰	دکتری	مدرس دانشگاه	۲۰	۲	۲	سه روز در هفته
۲۰	۳۹	کارشناسی ارشد	مشاور	۷	۱	۱	دو روز در هفته

## ۴-۱- تحلیل اطلاعات

در این پژوهش اطلاعات با استفاده از روش چندمرحله‌ای موستاکاس<sup>۱</sup> مورد تحلیل قرار گرفته بدین صورت که پس از پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها، متون مصاحبه چندین بار به دقت خوانده شد تا فهم عمیقی از آن‌ها حاصل شود و اطمینان حاصل گردد که پیش‌فرض‌های ما نسبت به پدیده دخالتی نداشته است. در دومین مرحله، افقی سازی<sup>۲</sup> صورت گرفت، یعنی فهرست کردن گزاره‌های اصلی متن پدیده مورد بررسی و در مرحله سوم خوشه سازی و ایجاد تم‌های مشترک صورت گرفت. در ادامه توصیف متنی یعنی مقوله سازی صورت گرفت و در مرحله آخر نیز توصیف ساختار انجام گرفت. بدین صورت که محققان سعی در ساختار بخشیدن به معنی به دست آمده کرده و در نتیجه فرآیند مذکور ۲۶۰ کد توصیفی، ۲۰ کد تفسیری و در نهایت ۵ کد تبیینی حاصل شد.

1 moustakas

2 Horizontalisation

## نمودار ۱: جدول تبیین مقولات



پس از بررسی و دقت فراوان در متون پیاده‌سازی شده مصاحبه‌ها، پنج مقوله تبیینی مهم و اساسی در مطالعه پیش رو استخراج شده و به دست آمد.

## ۴-۲- مقوله‌های مهم و اساسی

## ۴-۲-۱- فقدان برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی

یکی از دغدغه‌های مهم والدین برای فرزندان خود ایجاد محیطی مناسب و شایسته با امکانات تربیتی، پرورشی و آموزشی برای رشد و به بار نشستن فرزندان، به‌عنوان ثمرات زندگی آنهاست. از نظر مادران مورد مصاحبه در این پژوهش، علاوه بر اینکه محیط و فضای خانواده آنها باید محیطی پر از آرامش برای رشد فرزندان باشد، فضا و محیط جامعه نیز هم باید دارای امکانات حداقلی برای آموزش، فراگیری مهارت‌های زندگی شغلی برای فرزندان باشد و هم دارای سلامت و امنیت حداقلی که فرزندان را که با سختی و مرارت به بار می‌آورند، با اطمینان خاطر و آسودگی خیال روانه محیط‌های آموزشی و آماده شدن برای کسب مهارت‌های حرفه‌ای و ورود به بازار کار کنند. از نظر مادرانی که در این مصاحبه شرکت کردند وجود آسیب‌هایی در جامعه همچون اعتیاد، بیکاری، گرانی و تورم، وجود دوستان ناباب و آسیب‌های فضای مجازی، سبب ترس و دلهره برای فرزند آوری بیشتر آنها شده است و از دیدگاه این مادران ترس از آینده فرزندان هم که در حال حاضر دارند، به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه و نگرانی آنهاست. مسائل اقتصادی و نیازهای مالی وافر برای آموزش و پرورش فرزندان، ترس از آینده فرزندان برای اشتغال و ازدواج، انحرافات اجتماعی و حتی فقدان سلامت زیست‌محیطی برای فرزندان از دیگر نکات مطرح در مصاحبه‌ها بوده است و در واقع ما را بدین نتیجه می‌رساند که قبل از تشویق خانواده‌ها به فرزند آوری و قبل از هرگونه سیاست‌گذاری جمعیتی، بنیان نهادن شایسته و اصولی و صحیح زیرساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و محیطی هم در زمان رشد و پرورش فرزندان و هم برای برنامه‌ریزی اشتغال، ازدواج و مسکن برای آینده آنها بسیار لازم و ضرورتی انکارناپذیر است. در واقع باید سیاست‌های حمایتی هم برای پدران و مادرانی

که قصد فرزند آوری دارند در نظر گرفته شود و هم سیاست‌های خاص حمایتی فرزندان را از لحظه تولد تا فرزند دار شدن خود آن‌ها در نظر داشت و زیرساخت‌های لازم این حمایت‌ها را فراهم و مهیا کرد. مهین، ۳۱ ساله: «توی این شرایط اقتصادی وحشتناک، خودمان هم نمی‌دونیم چه آینده‌ای خواهیم داشت؛ اونوقت چطور می‌تونیم به فکر بچه‌دار شدن باشیم؟ من و همسرم تصمیم گرفتیم بچه نداشته باشیم یا اگر هم داشته باشیم فقط یک بچه».

#### ۴-۲-۲- عدم توجه به نقش‌های جنسیتی

جامعه‌پذیری جنسیتی و توجه به نقش‌های جنسیتی همواره بحث مهمی است. از نظر زنان مورد مصاحبه هنوز هم بعضی از افراد، تمام مسئولیت‌های خانه‌داری و بچه‌داری را بر عهده زنان می‌دانند و حتی این امر سبب بروز این شده است که زنان شاغل را دو شغله یا چندشغله بنامند. زنان شاغل مورد مصاحبه از تعدد نقش‌های خود و گاه تعارض این نقش‌ها با یکدیگر و فشار جسمی و روحی وارد بر آن‌ها ناراحت و شاکی بوده و معتقد بودند که اگر فرزندی به فرزندانشان اضافه شود و یا آن‌ها که فرزند نداشتند، فرزند دار شوند، مهم‌ترین دغدغه فکری آن‌ها دغدغه مراقبت و تربیت فرزند است و اینکه این هم‌بار و مسئولیت سنگین دیگری بر دوش آن‌ها خواهد گذاشت. آن‌ها تأکید داشتند که معمولاً در انجام کارهای منزل و خانه‌داری همسرشان حمایت چندانی ندارد و سرگرم انجام مسئولیت‌ها و کارهای خارج از منزل خود است و در واقع در مراقبت و نگهداری و تربیت فرزندان هم آن‌چنان‌که باید و شاید نقش مهمی ایفا نمی‌کند. در این مقوله تربیت جنسیتی و جامعه‌پذیر کردن جنسیتی از دوران کودکی باید در خانواده‌ها به فرزندان آموزش داده شود که در آینده بتوانند در تمام مسائل و امورات زندگی و مخصوصاً پرورش و تربیت فرزند با همسر خود مشارکت داشته باشند. هدی، ۴۰ ساله: «من از صبح که بیدار میشم میمونم اولاً از کدوم کار باید شروع کنم؟! کارهای تدریس و پژوهش دانشگاه هست، کارهای بچه‌ها و مدرسه اون‌ها، کارهای خونه و همسرداری، تازه باید هوای پدر و مادر میانسالم رو هم داشته باشم. به نظرم از عهده تربیت و به بار نشوندن همین دو فرزند با این همه مسئولیت، هنر کردم».

#### ۴-۲-۳- تحول در باور داشت‌ها و نگرش‌ها

مدرنیته شدن، پیشرفت جوامع، رشد و گسترش تکنولوژی در زندگی و امورات بشر سبب تغییرات و تحولات چشمگیر فرهنگی و اجتماعی در زندگی انسان شده است. همواره تغییرات اجتماعی و فرهنگی سبب تغییراتی در نوع نگرش و باور داشت‌های افراد جامعه می‌گردد. یکی از اثرات مدرنیته و دنیای جدید تمایل هر چه بیشتر افراد به انواع تجملات و بهره‌گیری هرچه بیشتر از امکانات و لذت‌جویی‌ها و به دنبال رفع خواسته‌های فردی و دنبال کردن علایق و سلایق مادی و در واقع ترویج فردگرایی و مادی‌گرایی می‌باشد. این نوع تفکر خواه‌ناخواه بر تفکر فرزندآوری و تمایل به باروری و بارداری زنان تأثیرگذار بوده و در واقع به دنبال افزایش این تفکر فردگرایانه و مادی خواهانه، کاهش فرزند آوری را شاهد هستیم. همین‌طور در میان صحبت‌های مادران مصاحبه مذکور، نگرش و فهم مادری در آنان دچار تحول شگرف شده بود. هرچند تا جایی، نسبتاً بر مواهب فرزند اعتقاد داشتند، اما این مسئله را هم عنوان می‌کردند که خود با مادری کردن به این نتیجه رسیده‌اند که همین مادری کردن در مواردی قربانی کردن خودشان و به فراموشی سپردن آمال و آرزوهایشان بوده و حتی موردی وجود داشت که با همسر خود به‌یقین رسیده بودند و تصمیم حتمی و نهایی گرفته بودند که به‌هیچ‌عنوان به فرزند آوری و پدر و مادر شدن فکر نکنند و در واقع می‌توان گفت که در میان این مادران زنان نگرش به «مادری» دچار تحول اساسی شده بود و علیرغم اینکه این مادران، در حق فرزندان خود مادری هم کرده بودند، اما در گفته‌هایشان، رنگ و بوی دیگری از مادری را هم می‌شد ملاحظه کرد. همچنین در صحبت‌های آن‌ها اشاره بر این بود که تا زمانی فرزند آوری برای حمایت آن فرزند از پدر و مادرش در آینده و در اصطلاح خودشان «عصای پیری آن‌ها شدن» بسیار بااهمیت بود، اما دیگر امروزه همه افراد جامعه به دنبال رفع حواجی و خواسته‌های زندگی خود هستند و فرزندان اگر هم بخواهند کمک‌حال و یار والدین

باشند، به حدی در مسائل و مشکلات و گرفتاری‌های روزمره زندگی خود غرق شده‌اند که دیگر مجال و فرصتی برای رسیدگی به والدین و پدر و مادر خود ندارند. جالب است بدانیم که یکی از موضوعاتی که برخی از این مادران بر آن تأکید داشتند برنامه‌هایی بود که برای ادامه تحصیل و پیشرفته آینده شغلی خود مدنظر داشتند. سوسن، ۳۰ ساله: «به نظرم فرزند زیاد داشتن واسه قدیما خوب بوده، الآن من با همین یه دونه بچه هم به سختی کارامو جمع می‌کنم، تازه می‌جوام واسه ارتقای شغل و حقوق خودم ادامه تحصیل بدم. اون قدیما بود که بچه‌ها یار پدر و مادر می‌شدن، الآن دیگه فقط بار شدن براشون. البته بچه‌ها هم تقصیر ندارن، مشکلات و دردهای زندگی زیاد شده».

#### ۴-۲-۴- مشکلات دوران بارداری و پرورش فرزند

یکی از مسائلی که زنان مورد مصاحبه در این پژوهش از آن به‌عنوان یکی از مشکلاتی که سبب می‌شود تمایل چندانی به فرزند آوری نداشته باشند، هزینه‌های سنگین دوران بارداری و زایمان و هزینه‌های مراقبت و نگهداری نوزاد و پرورش و رشد فرزند در دوران دیگر زندگی او است. یکی از مهم‌ترین دلایل ذکر شده در مصاحبه‌های مذکور ترس از آینده اقتصادی خودشان و فرزندانشان بود و همین‌طور یک دغدغه مهم و اساسی هم در میان صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان ترس و نگرانی از انحرافات و کجروی‌های اجتماعی بود که انگیزه فرزند آوری را در آنان کاهش داده بود. مریم، ۲۴ ساله: «وای من با همین یه بار بارداری هزار بار مردم وزنده شدم. تازه بچه به دنیا میاد هر روز کارهاش برای آدم سخت‌تر میشه. بعد از اون هم تا بزرگ بشه و سر و سامون بگیره اسپرش هستی»

#### ۴-۲-۵- محدودیت‌ها و مشکلات فیزیولوژیکی

از محدودیت‌ها و مشکلاتی که در میان موارد مطرح شده مصاحبه‌شوندگان جلب توجه می‌کرد مشکلات و صدمات جسمی زن و مرد و نیز افزایش سن و نگرانی از بروز خطرات بارداری در سنین بالا و نیز تمایل زنان به داشتن مدیریت برای بدن خود و حفظ زیبایی ظاهر و آراستگی و تناسب‌اندام و بدن خویش هم از موارد عدم تمایل و علاقه به فرزند آوری را تشکیل می‌دهند. طاهره، ۳۵ ساله: «ای بابا! دیگه واسه بچه‌دار شدن مجدد از ما گذشته. سن من و همسرم دیگه بالا رفته، تازه بعد از بارداری و زایمان‌های قبلی‌ام کلی زحمت کشیدم و هزینه کردم تا بدنم و ظاهرم دوباره میزون شده».

#### ۵- بحث و نتیجه‌گیری

یکی از اهداف نهاد خانواده به‌عنوان مبنایی‌ترین و مهم‌ترین واحد اجتماعی، فرزند آوری و تولید نسل می‌باشد. در جامعه امروزی به دلیل تغییرات فرهنگی و اجتماعی سریع و وسیع، فرزند آوری و افزایش جمعیت با مشکل اساسی مواجه شده است. در این پژوهش سعی شد تا تأثیر این تغییرات فرهنگی و اجتماعی بر فهم زنان شاغل جنوب تهران از فرزند آوری بررسی و سنجیده شود. با انجام مصاحبه پنج مقوله مهم و اساسی استخراج شد که نشان‌دهنده نوع نگرش زنان مذکور از فرزند آوری است که عبارت‌اند از:

۱ - فقدان برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی.

۲ - عدم توجه به نقش‌های جنسیتی.

۳ - تحول در باور داشت‌ها و نگرش‌ها.

۴ - مشکلات دوران بارداری و پرورش فرزند.

۵ - محدودیت‌ها و مشکلات فیزیولوژیکی.

با تبیین و تحلیل مقوله‌های فوق می‌توان به‌طور کلی نتیجه گرفت که: فهم و درک زنان شاغل جنوب تهران از فرزند آوری در اثر تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه نشان‌دهنده این است که نگاه و نگرش آن‌ها به فرزند آوری و باروری دچار تغییر و

تحول اساسی شده است و این نوع فهم و نگرش، آنان را به تمایل هرچه کمتر برای داشتن فرزند و مادری سوق داده و سبب کاهش میزان باروری و فرزند آوری آن‌ها شده است. در این پژوهش مشخص شد که دقیقاً برخلاف پژوهشی که کلاتری و همکاران (۱۳۸۹) انجام داده بودند و به این نتیجه رسیده بودند که گرایش مذهبی تأثیر فزاینده‌ای بر میزان گرایش جوانان به فرزند آوری داشته است، اکنون دیگر چنین نیست و تغییر در نگرش فهمی که زنان شاغل جنوب تهران از فرزند آوری داشتند، گرایشات مذهبی آن‌ها هم تأثیری نداشته و سبب افزایش تمایل آن‌ها به فرزند آوری نبوده است، هرچند زنانی که مذهبی‌تر بودند اعتقاد به فرزند آوری بیشتر هم داشتند، اما عوامل و مشکلاتی را برمی‌شمردند که سبب کاهش تمایل خود آن‌ها هم به فرزند آوری شده است. همچنین نتیجه این تحقیق با تحقیق صورت گرفته توسط موسی و قافله باشی (۱۳۹۳) که نشان داده بود که عوامل اقتصادی بیش از سایر عوامل چون اعتقادی، فرهنگی، هویت شناختی و جسمانی بر نگرش منفی خانواده‌های جوان به فرزند آوری تأثیرگذار بوده است تا حدی همسو بود که در نتایج پژوهش حاضر نیز عوامل اقتصادی نقش مهم و پررنگی در کاهش تمایل زنان به فرزند آوری شده بود، اما عوامل دیگر هم بسیار تأثیرگذار بود و نیز در نتایج تحقیق پیش رو مشخص شد که داشتن حمایت اجتماعی بر گرایش به داشتن به فرزند دیگر و نیز بین اشتغال زنان و عدم گرایش به فرزند آوری رابطه وجود دارد و این‌ها بر گرایش به فرزند آوری تأثیرگذار هستند و پژوهش ایمان و همکاران (۱۳۹۴) نیز به این نتایج رسیده بود که بین متغیر حمایت اجتماعی و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه معنادار به دست آمده است، اما بین متغیر اشتغال زنان و پایگاه اقتصادی، اجتماعی خانواده و گرایش به داشتن فرزند دیگر رابطه معناداری به دست نیامده است. نتیجه این پژوهش و تحقیقات و مطالعات مشابه با این پژوهش موید این نکته است که باید در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی، نتایج حاصل از این پژوهش‌ها را لحاظ کرده و مدنظر قرارداد تا بتوان علاوه بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، زیرساخت‌های لازم و ضروری اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و انسانی را جهت ترغیب و تشویق فرزند آوری فراهم و مهیا کرد. پس اینکه با شعار و تبلیغات، خانواده‌ها را تشویق به فرزند آوری کنیم برای حل این مسئله کافی نیست و باید به صورت بنیادین و با برنامه‌های مدون کارشناسی شده برای حل این مشکل و معضل در جامعه قدم برداشت.

## ۶- منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ادیبی سده، مهدی؛ سیاه‌پوش، اسحاق؛ و درویش زاده، زهرا (۱۳۹۰). بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان طایفه کرد ساکن اندیمشک. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۴(۱).
- ۳- آقا بخشی، حبیب (۱۳۸۳). *اعتیاد و آسیب‌شناسی خانواده*. تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- ۴- ایمان، محمدتقی؛ گلی، علی؛ و زارع، اسماء (۱۳۹۴). مطالعه الگوی فضایی شیوع ازدواج در بین زنان زیر ۲۰ سال شهری و فرزند آوری آنان. *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۵(۱۴).
- ۵- بستان، حسین (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*. چاپ چهاردهم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۶- حاجیان، بهجت؛ و مریم مکتوبیان (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان از فرزند آوری. *فصلنامه جمعیت*، ۲۲(۹۱ و ۹۲).
- ۷- حقیقی مهر، ابراهیم (۱۳۸۴). نگاهی به تحول خانواده در ایران و جهان و عوامل مؤثر بر آن. تاریخ دسترسی: ۹۹/۲/۱۵. [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- ۸- خلیج آبادی فراهانی، فریده؛ و سرایی، حسن (۱۳۹۱). قصد تک‌فرزندی و تعیین‌کننده‌های آن در زنان و مردان دارای یک فرزند کمتر از ۵ سال ساکن تهران. *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۳(۱).
- ۹- رشیدی، ابراهیم (۱۳۷۹). بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهر دهاقان استان اصفهان. *جمعیت*، ۳۳(۳ و ۳۴).

- ۱۰- سایت خبری انتخاب (۱۳۹۹). تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹/۴/۷، [www.entekhab.ir](http://www.entekhab.ir)
- ۱۱- سیدمن، استیون (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی.
- ۱۲- عبدالهی، عادل؛ و رحیمی، علی (۱۳۹۶). بساخت اجتماعی سیاست‌های افزایش فرزند آوری و موانع پیش رو. *مطالعات موردی کاربران اینترنتی مطالعات راهبردی زنان*، ۲۰(۷۷).
- doi:10.22095/JWSS.2017.59711**
- ۱۳- فولادی، محمد (۱۳۹۰). تأملی در سیاست کنترل جمعیت، آثار و پیامدهای آن. *فصلنامه علمی - پژوهشی معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۳(۱).
- ۱۴- کاوه فیروز، زینب؛ زارع، بیژن؛ و جهانبخش گنجه، صادق (۱۳۹۶). تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر نگرش به فرزند آوری (مورد مطالعه: زوجین در آستانه ازدواج شهر تهران). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران*، ۶(۱).
- ۱۵- کشاورز، حمید؛ حقیقتیان، منصور؛ و توسلی دینانی، خدیجه (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر فاصله بین ازدواج و فرزند آوری (مطالعه موردی: زنان متأهل ۴۹ - ۲۰ ساله شهر اصفهان). *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴(۲).
- dor:20.1001.1.20085745.1392.24.2.6.8**
- ۱۶- کلانتری، صمد؛ عباس زاده، محمد؛ امین مظفر، فاروق؛ و راکعی بناب، ندا (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزند آوری و برخی عوامل مرتبط با آن. *جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان*، ۲۱(۱).
- dor:20.1001.1.20085745.1389.21.1.5.4**
- ۱۷- مشفق، محمود؛ مرادی ثانی، قدرت؛ و حسین‌خانی، سحر (۱۳۹۵). تحلیلی بر رابطه اشتغال و تمایل به فرزند آوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان‌های کشور. *جمعیت*، (۹۵ و ۹۶).
- ۱۸- سادات قافله باشی، مهدیه؛ و موسوی، سیده فاطمه (۱۳۹۲). بررسی جایگاه و نگرش به فرزند آوری در خانواده‌های جوان ایرانی. *مطالعات زن و خانواده*، ۱(۲). **doi:10.22051/JWFS.2014.1504**
- ۱۹- نوری زاده، محبوبه؛ کلانتری، اسماعیل؛ و حبیبی، سعید (۲۰۱۷). مدل‌سازی نگرش شهروندان استان تهران به محصولات غذایی تراریخته با معادلات ساختاری. *سیاست علم و فناوری*، ۱۰(۴)، ۷۷-۹۹.
- dor:20.1001.1.20080840.1396.10.4.7.2**

## Exploring the Understanding of Childbearing among Employed Women in South Tehran

Elahe Alikhani<sup>1\*</sup>

1- Professor, Department of Psychology, Shahdad Dairy Industries Training Center, University of Applied Science and Technology, Tehran, Iran. (Corresponding Author)  
Alaheh.alikhhani@ut.ac.ir

### Abstract

The declining tendency toward childbearing in recent decades has raised concerns among scholars in various fields across Iran. This study aimed to explore the perceptions and attitudes of employed women in South Tehran toward childbearing. Conducted using a qualitative method and a phenomenological approach, the research gathered data through in-depth interviews. The findings indicate that employed women's attitudes toward childbearing have undergone significant changes due to recent social, cultural, and economic transformations. Participants no longer view childbearing as a traditional necessity, but rather as a decision dependent on personal, economic, professional, and lifestyle factors. Many cited concerns such as the inability to afford child-rearing expenses, difficulties in balancing motherhood with professional roles, and anxiety about their children's future as key reasons for their reduced willingness to have children. Overall, the results suggest that the new understanding of motherhood and fertility among employed women has led them toward more conscious decision-making and, in some cases, avoidance of childbearing altogether. This shift in perspective may be considered one of the contributing factors to declining fertility rates in urban areas, particularly among working women.

**Keywords:** family, childbearing, fertility, women, perception.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)

## مقایسه شادکامی، علاقه اجتماعی و بدتنظیمی هیجان

### در زنان سرپرست خانوار و غیرسرپرست

هادی اکبری نژاد<sup>۱\*</sup>، پریناز نظری ممقانی<sup>۲</sup>، نرگس پورتالب<sup>۳</sup>

- ۱- استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، موسسه آموزش عالی نبی اکرم (ص) تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)  
hadiakbarinejhad@yahoo.com
- ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، موسسه آموزش عالی نبی اکرم (ص) تبریز، ایران.  
parinaznazari7543@gmail.com
- ۳- استادیار، گروه آموزش روانشناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.  
N.pourtaleb@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۲/۷]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۳/۱۷]

#### چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه شادکامی، علاقه اجتماعی و بدتنظیمی هیجان در زنان سرپرست خانوار و غیرسرپرست بود. روش پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری را کلیه زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به سازمان بهزیستی شهر تبریز در سال ۱۴۰۲ تشکیل دادند. نمونه آماری شامل ۱۰۰ نفر (۵۰ نفر) از زنان سرپرست خانوار و (۵۰ نفر) از زنان غیرسرپرست به‌منظور مقایسه با گروه هدف، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با استفاده از پرسشنامه‌های شادکامی آکسفورد (۱۹۸۹)، علاقه اجتماعی علیزاده (۲۰۲۰) و بدتنظیمی هیجان گراتس و رومر (۲۰۰۴) مورد آزمون قرار گرفتند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) و آزمون t مستقل استفاده شد. آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین زنان سرپرست خانوار و غیرسرپرست از منظر (رضایت از زندگی، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی، عزت‌نفس) ( $P < 0/001$ ) (اهمیت دادن به دیگران، مسئولیت‌پذیری، شجاعت، پذیرش خود) ( $P < 0/001$ ) و بدتنظیمی هیجان ( $P < 0/001$ ) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. با توجه به نتایج به‌دست آمده می‌توان گفت که زنان سرپرست خانوار از نظر شادکامی، علاقه اجتماعی و بدتنظیمی هیجان وضعیت بدتری نسبت به زنان غیرسرپرست دارند.

واژگان کلیدی: زنان سرپرست خانوار، شادکامی، علاقه اجتماعی، بدتنظیمی هیجان

## ۱- مقدمه

زنان سرپرست خانوار<sup>۱</sup> زنانی هستند که به علل گوناگون سرپرستی خانواده را به عهده دارند و براساس آن، نقش‌های متفاوتی از تعلیم و تربیت و مراقبت از فرزندان تا مسئولیت اجتماعی، اقتصادی و تأمین معاش را به عهده دارند (Mesimangah & Skampu, 2020). زنان سرپرست خانوار به دلیل فشارهای مداوم ناشی از شرایط زندگی در معرض مشکلات روان‌شناختی قرار دارند. موانع شادمانی به- شیوه‌های گوناگون در زندگی اجتماعی این زنان اثر می‌گذارد و در نهایت منجر به طرد و انزوایی تحمیلی در آن‌ها می‌شود (Azadeh & Tafteh, 2016). درگیر شدن با شرایط غیرقابل پیش‌بینی و بر عهده گرفتن نقش‌های چندگانه، در کنار عدم برخورداری از حمایت‌های اقتصادی، عاطفی و اجتماعی، زنان سرپرست خانوار را با حجم بالایی از استرس مواجه می‌سازد که می‌تواند آنان را در معرض بیماری‌های جسمانی و روانی، از جمله مشکلات خواب، افسردگی و کاهش شادکامی<sup>۲</sup>، مشکل در روابط بین‌فردی، بی‌علاقگی به حضور در اجتماع و کاهش علاقه اجتماعی<sup>۳</sup>، مشکل در تنظیم هیجان‌ات مانند اضطراب، خشم و تنیدگی قرار می‌دهد که متعاقب آن کیفیت زندگی آن‌ها و فرزندان‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Bozikas & Parlapani, 2016). مطالعات نشان داده اکثر زنان سرپرست خانوار با مشکلاتی چون پایین بودن کیفیت زندگی و کاهش شادکامی (افلاکی فرد و ایزدپناه، ۱۳۹۸)، تعاملات اجتماعی و سرمایه اجتماعی اندک (Bryan, 2020)، بهزیستی روان‌شناختی کم (تدینی، آقامحمدیان شعرباف و معینی‌زاده، ۱۴۰۰) درگیر می‌باشند.

شادکامی یا شادی مفهومی روان‌شناختی است که ابعاد مختلفی از جمله رضایت از زندگی، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی و عزت‌نفس را شامل می‌شود (Argyle, 1989؛ به نقل از نصیرنژاد و اسمخانی اکبری‌نژاد، ۱۴۰۰). از نظر سلینگمن<sup>۴</sup>، احساس شادکامی به‌عنوان یک پدیده هیجانی مثبت برای انسان ضروری است و علاوه بر معنا بخشیدن به زندگی، افزایش آگاهی فرد نسبت به شرایط جسمانی و محیطی را در پی دارد (طالب‌زاده ثانی، فرامرزی و نادى، ۱۴۰۲). از دیدگاه فوردایس<sup>۵</sup> شادی یک هیجان مثبت یا احساسی است که توأم با رضایت باشد و معمولاً به وسیله‌ی عباراتی چون خرسندی، احساس بهزیستی، نشاط، مسرت و دل‌خوشی توصیف می‌شود (Fordyce, 2000)، به نقل از پورسینا، احمدی و شفیع‌آبادی، ۱۳۹۳). شادکامی موجب نگرش مثبت به زندگی، خودپنداره‌ی مثبت، برخورداری از سلامت روان و تعادل عاطفی، امیدواری به آینده، نگرش مطلوب و رضایت‌مندانانه به خود و دیگران، روابط اجتماعی متعادل، تلاش برای تحقق اهداف، افزایش موفقیت‌های زندگی، عملکرد بهتر شغلی- تحصیلی، برخورداری از شاخص‌های بالای زندگی، خواب بهتر و عملکرد بهتر سیستم ایمنی در مقابل استرس‌ها و بیماری‌ها می‌گردد (Luhmann, Necka, Schönbrodt & Hawkey, 2016). هرچه فرد زمان بیش‌تری را برای هیجان‌ات مثبت صرف کند، به همان نسبت زمان کمتری را برای هیجان‌ات منفی باقی می‌گذارد. محققان برای موضوع تأکید دارند که وقتی تنش کاهش یابد، با حذف درد و رنج و ایجاد رضایت‌مندی از نیازهای جسمانی و روانی، شادکامی و بهزیستی پدید می‌آید (Diener, 2000؛ به نقل از پورسینا و همکاران، ۱۳۹۳). به‌طور کلی شادکامی تحت‌تأثیر صفات روان‌شناختی و محیط زندگی فرد قرار می‌گیرد و بسته به ویژگی‌های روان‌شناختی، افراد ممکن است واکنش‌های متفاوتی به محیط‌ها و شرایط زندگی مشابه نشان دهند. پژوهش‌ها حاکی از کاهش بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی (نصیری، جهانگیری و شریفی، ۱۳۹۸) و کیفیت زندگی پایین (Kim & Kim, 2020) در زنان سرپرست خانوار است. خانواده‌هایی که سرپرستی آنان به عهده زنان می‌باشد، نه‌تنها در همه کشورهای جهان گسترش یافته‌اند بلکه به درصد خانوارهای زن‌سرپرست که جمعیت آن‌ها در بین افراد کم‌درآمد قرار می‌گیرند، افزوده شده است. این مسئله حتی در کشورهایی که پیشرفته‌ترین قوانین را به نفع زنان داشته‌اند (کشورهای فمینیسم و یا دارای سیاست‌های موافق فمینیستی) دیده شده است. در این کشورها به‌رغم کمک‌های دولتی به این زنان

1. women heads of household
2. happiness
3. social interest
4. Seligman
5. Fordyce

فرآیند فقیر شدن آنان همچنان ادامه دارد، از طرفی مشکلات این زنان عدم دسترسی به مشاغل با منزلت اجتماعی بالا است که همه این موارد بهزیستی روان‌شناختی و توانایی شاد زیستن را کاهش می‌دهد. این زنان یا بی‌کارند یا مشاغل نیمه‌وقت کم‌درآمد دارند. اگر مشاغل دارای منزلت بالا باشد، مسئله تنظیم وقت برای انجام کار خانه و کار بیرون از خانه مطرح است. این مشکل را صاحب‌نظران، فقر زمانی نامیده‌اند و فقر زمانی اگر با فقر مادی همراه شود آسیب‌پذیری این قشر را دوچندان می‌کند (Giddens, 2019). یکی دیگر از مشکلاتی که زنان سرپرست خانوار به دلیل موقعیت زندگی خود با آن مواجه هستند و متأثر از کاهش شادکامی در زندگی است برقراری روابط مثبت و سازنده با دیگران، دوست داشتن دیگران و زندگی و علاقه اجتماعی است (فیروزی، محمدی و نیکدل، ۱۳۹۶).

علاقه اجتماعی یکی از مفاهیم زیربنایی نظریه آدلر<sup>۱</sup> است و به معنای برآورده شدن نیاز فرد به تعلق داشتن به شیوه‌ای مثبت و در جهت اهداف اجتماعی است (Schultz & Schultz, 2021) و مؤلفه‌هایی نظیر اهمیت دادن به دیگران، مسئولیت‌پذیری، شجاعت و پذیرش خود را شامل می‌شود (Alizadeh, Little, Asgari, Alamdarloo, Choobdary & Soheili, 2021). علاقه اجتماعی به معنای حس اجتماعی به همه انسان‌ها است و به عقیده آدلر امری ذاتی است و انسان طبیعتاً مخلوقی اجتماعی است، نه این‌که از روی عادت اجتماعی شده باشد. به عقیده آدلر کسی که علاقه‌ی اجتماعی رشد یافته‌ای دارد، برای برتری خودش تلاش نمی‌کند، بلکه برای کمال تمام انسان‌ها در یک جامعه ایده‌آل تلاش می‌کند. علاقه اجتماعی را می‌توان به صورت نگرش ارتباط داشتن با کل بشریت و همین‌طور، همدلی با هر نژاد انسان تعریف کرد. علاقه اجتماعی به صورت همکاری با دیگران برای پیشرفت جامعه به جای نفع شخصی آشکار می‌شود (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۴۰۲). علاقه اجتماعی برای موفقیت در روابط ضرورت دارد، زیرا فردی که از علاقه اجتماعی بالا برخوردار است، دید مثبتی درباره خود و دیگران دارد و از یک خودباوری بالاتر و اعتماد و اطمینان به دیگران برخوردار است (Adler, 1964؛ به نقل از شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۴۰۲). پژوهش‌ها بیانگر این است که بین علاقه اجتماعی و جلوگیری از طرد اجتماعی (Li & Jiang, 2018)، علاقه اجتماعی و بهزیستی (Sperry, 2011) و علاقه اجتماعی و سلامت روان (یعقوبی، معتمدی و سهرابی، ۱۳۹۵) رابطه وجود دارد. علاقه‌ی اجتماعی معیار آدلر برای ارزیابی سلامت روانی بود و بنابراین تنها ملاک ارزش‌های انسان است. علاقه‌ی اجتماعی معیار بهنجاری است که می‌توان براساس آن ثمربخش بودن زندگی را تعیین کرد (Feist, Roberts & Feist, 2022). زنان سرپرست خانواده با مشکل احساس تنهایی، انزوا، طردشدگی و عدم درک از سوی دیگران مواجه‌اند. فقدان حمایت‌های اجتماعی مهم‌ترین عامل جهت پیش‌بینی پیامدهای منفی وضعیت این زنان است. این گروه از زنان با توجه به نقش‌های چندگانه و مسئولیت‌های زیاد، غالباً وقت اضافی برای برقراری روابط اجتماعی ندارند. این موضوع به مرور موجب طرد آن‌ها از جامعه و کاهش علاقه اجتماعی شده و مشکلات عدیده‌ای را برایشان به وجود می‌آورد. در نهایت زنان سرپرست خانواده که توانایی اداره اقتصادی خود و خانواده را ندارند، دچار نوعی انزوای اجتماعی شده و در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند (Giddens, 2019). هرچه فرد علاقه اجتماعی بیشتری داشته باشد از لحاظ روانی پخته‌تر است. افرادی که از علاقه اجتماعی بی‌بهره‌اند، خودمحور هستند و برای قدرت و برتری شخصی بر دیگران تلاش می‌کنند و در توانایی درک دیدگاه دیگران و همچنین مدیریت و تنظیم هیجانات‌شان در برخورد با دیگران دچار مشکل می‌شوند (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۵).

تنظیم هیجان شامل گستره‌ای از راهبردهای شناختی و رفتاری هشیار یا ناهشیار است که جهت کاهش، حفظ یا افزایش یک هیجان صورت می‌گیرد و به عنوان فرایندهای فیزیولوژیکی، رفتاری و شناختی تعریف می‌شود که افراد را به تنظیم و بیان تجربه هیجان‌ها قادر می‌سازد. تنظیم هیجان به افراد کمک می‌کند تا برانگیختگی هیجانی و هیجان‌های منفی را تنظیم نمایند، احساسات دیگران را درک نموده و به شکل اثربخشی با آن برخورد کنند که این امر می‌تواند به موفقیت در حوزه‌های مختلف زندگی منجر شود (Benfer, Bardeen, & Clauss, 2018). در واقع فرایند تنظیم هیجان به صورت ساختار وسیعی در نظر گرفته می‌شود که تعدادی از فرایندهای

تنظیم خصیصه‌های زیربنایی و اساسی هیجان‌ات مثل واکنش‌پذیری فیزیولوژیایی، اجتماعی، رفتاری، فرایندهای شناختی و نیز تنظیم تجربه هیجان‌ات را در خود جای می‌دهد (Li, Wu & Wang, 2019). اختلال در تنظیم هیجان غالباً با دشواری و عدم توانایی در مقابله با تجربه و پردازش هیجان‌ها مشخص می‌شود (Bardeen, Tull, Dixon-Gordon, Stevens & Gratz, 2015). شکست در تنظیم هیجان بی‌نظمی یا بدتنظیمی هیجان<sup>۱</sup> نام دارد. بدتنظیمی هیجان، روش‌های ناسازگارانه پاسخ به هیجان‌ات است که پاسخ‌های فاقد پذیرش، دشواری در کنترل رفتارها در بستر پریشانی هیجان و نقص در استفاده عملکردی از هیجان‌ات به‌عنوان اطلاعات را شامل می‌شود (Gratz, Weiss & Tull, 2015). الگوی دشواری در تنظیم هیجان در یک مفهوم گسترده از جمله دشواری در شناسایی و توصیف احساسات، دشواری تنظیم هیجان و رفتار توصیف می‌شود؛ (Klemanski, Curtiss, McLaughlin & Nolen-Hoeksema, 2017). در خانواده‌های با عملکرد مطلوب، اعضای خانواده درخواست‌های معقولی از هم دارند و محبت و صمیمیت از خود نشان می‌دهند، صبورانه به نقطه‌نظرهای یکدیگر گوش می‌دهند، مشارکت در تصمیم‌گیری خانوادگی را ترغیب می‌نمایند و حقوق هم را محترم می‌شمارند؛ افراد در چنین خانواده‌هایی شاد و سرحال هستند در تسلط‌یابی بر تکالیف جدید، اعتمادبه‌نفس دارند و خودگردان هستند، بنابراین، با توجه به ویژگی‌های مذکور، طبیعی می‌نماید اعضا در چنین خانواده‌هایی از واگویی هیجانی بالا و نارسایی هیجانی کم‌تری برخوردار باشند (Minuchin, 2020)؛ اما شرایط غیرقابل پیش‌بینی و برعهده‌گرفتن نقش‌های چندگانه در کنار عدم برخورداری از حمایت‌های اقتصادی، عاطفی و اجتماعی، زنان سرپرست خانوار را با حجم بالایی از استرس مواجه می‌سازد و به علت توانایی پایین در مقابله با این شرایط، توانایی تنظیم هیجان آنان کاهش می‌یابد که خود موجب آسیب‌پذیری بیش‌تر نسبت به آسیب‌های روانی، جسمی و در نتیجه آسیب‌های اجتماعی بیش‌تری می‌شود (Hirani, Norris, Van Vliet, Van Zanten, Karmaliani & Lasiuk, 2018). شواهد پژوهشی نشان داده است که آشفتگی روان‌شناختی در پاسخ به رویدادها و شرایط استرس‌زای زندگی ممکن است با راهبردهای تنظیم هیجان که افراد در مواجهه با این رویدادها به‌کار می‌برند مرتبط باشد (Kraaij & Garnefski, 2019). پژوهش (Brawer, 2018) نیز نشان داد زنان سرپرست خانوار دچار بدتنظیمی هیجان و افسردگی ادراک‌شده هستند. زنان سرپرست خانوار به دلیل مواجهه بیش‌تر با شرایط پراسترس زندگی و مسئولیت‌های چندگانه‌ای که با آن مواجه هستند، همچنین درگیر شدن با فشارهای مالی، اجتماعی و مسئولیت مراقبت از فرزندان، بیش از سایر زنان ممکن است در معرض مشکلات سلامت روان، بهزیستی و شادکامی، بی‌علاقگی به روابط بین‌فردی و علاقه اجتماعی و مشکل در تنظیم هیجان‌ات قرار گیرند؛ بنابراین شناسایی عواملی که کیفیت زندگی و سلامت جسمانی و روانی آنان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و یافتن راهکارهایی که به بهبود این شرایط کمک کند اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند. با توجه به این‌که مطالعات اندکی به بررسی متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش پرداخته‌اند و همچنین کمبود پژوهشی که به مقایسه متغیرهای ذکر شده در زنان سرپرست خانوار با زنان غیرسرپرست بپردازد، خلاء پژوهش در این زمینه احساس شد. لذا پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ به این سوال بود که: آیا شادکامی، علاقه اجتماعی و بدتنظیمی هیجان در زنان سرپرست خانوار و غیرسرپرست متفاوت است؟

## ۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

پرداختن به مشکلات زنان سرپرست خانوار مقوله‌ای است که در چهارچوب رفاه خانواده امر مهمی تلقی می‌شود و حقیقتاً زن و خانواده دو مقوله غیرقابل تفکیک از یکدیگرند. واقعیات موجود در جامعه نشان از آن دارد که علی‌رغم اعلامیه‌ها و بیانیه‌ها و تأسیس نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مختلف در تحقق حقوق زن، مسئولیت و هزینه‌های قابل توجه و طاقت‌فرسای تأمین معاش خانواده که بر عهده این قشر آسیب‌پذیر اجتماعی می‌باشد، در بسیاری از موارد سخت و یا حتی غیرممکن است و در صورت تحقق نیز زندگی سرشار از سختی‌ها و محنت‌ها را متحمل این مادران پدرنما می‌کند. در این میان زنان سرپرست خانوار دارای مسئولیت سنگین

اقتصادی و اجتماعی در خانواده هستند. آنان هم مادران فرزندان خود هستند و هم پدران آنان. اصطلاح زن سرپرست خانوار به زنانی اطلاق می‌شود که مسئولیت تأمین معاش زندگی یا اداره امور خود و یا خانواده خود را به طور دائم یا موقت عهده‌دار هستند. زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت یا اعتیاد همسر، از کارافتادگی و رها شدن توسط مردان موجب آسیب‌پذیر شدن این طیف وسیع در جامعه می‌شود (جلالی نسب، ۱۳۹۱).

یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار در زندگی و ویژگی‌های شخصیتی افراد، شادکامی است. امروزه روان‌شناسان علاقه‌مند به حیطه روان‌شناسی مثبت‌نگر توجه خود را بر منابع بالقوه احساس‌های مثبت نظیر شادکامی معطوف کرده‌اند. شادکامی، ارزیابی‌های شناختی و هیجانی فرد از زندگی تعریف می‌شود (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۶). برخی از روان‌شناسان معتقدند روابط مثبت و سازنده با دیگران، هدفمند بودن زندگی، رشد شخصیتی، دوست‌داشتن دیگران و زندگی، از مؤلفه‌های شادکامی و نشاط هستند. روان‌شناسانی مانند آرگایل<sup>۱</sup> شادی را ترکیبی از وجود عاطفه مثبت، عدم وجود عاطفه منفی و رضایت از زندگی می‌دانند (شهریاری و طالب‌زاده شوشتری، ۱۳۹۸). به‌طور کلی شادکامی تحت تأثیر صفات روان‌شناختی و محیط زندگی فرد قرار می‌گیرد و بسته به ویژگی‌های روان‌شناختی، افراد ممکن است واکنش‌های متفاوتی به محیط‌ها و شرایط زندگی مشابه نشان دهند (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۶). از نظر سلیگمن<sup>۲</sup>، احساس شادکامی به‌عنوان یک پدیده هیجانی مثبت برای انسان ضروری است و علاوه بر معنا بخشیدن به زندگی، افزایش آگاهی فرد نسبت به شرایط جسمانی و محیطی را در پی دارد (طالب‌زاده ثانی و همکاران، ۱۴۰۲). شادی باعث تغییر در جو روابط خانواده می‌شود. یافته‌ها بر اهمیت نقش روابط خانوادگی در تسهیل این تغییر تأکید دارند (North, Holahan, Moos & Cronkite, 2008). از دیدگاه فوردایس<sup>۳</sup> شادی یک هیجان مثبت یا احساسی است که توأم با رضایت باشد و معمولاً به وسیله‌ی عباراتی چون خرسندی، احساس بهزیستی، نشاط، مسرت و دل‌خوشی توصیف می‌شود (Fordyce, 2000؛ به نقل از پورسینا و همکاران، ۱۳۹۳). شادی صرف‌نظر از چگونگی ایجاد آن می‌تواند سلامت جسمانی را بهبود بخشد. هرچه فرد زمان بیشتری را برای هیجانات مثبت صرف کند، به همان نسبت زمان کمتری را برای هیجانات منفی باقی می‌گذارد. محققان بر این موضوع تأکید دارند که وقتی تنش کاهش یابد، حذف درد و رنج و ایجاد رضایت‌مندی از نیازهای جسمانی و روانی، شادکامی و بهزیستی پدید می‌آید (Diener, 2000؛ به نقل از پورسینا و همکاران، ۱۳۹۳).

علاقه اجتماعی واژه‌ای کلیدی در نظریه روان‌شناسی فردی آدلر و در واقع بخش عظیمی از آنچه معنای زندگی را تعیین می‌کند می‌باشد (Stone & Drescher, 2004). آدلر در اوایل کار نظریه‌پردازی‌اش، هنگامی که ماهیت تهاجمی انسان و میل به قدرت و سپس نظریه «تعرض مردانه» را به‌مثابه راهی جبرانی برای غلبه بر ضعف زنانگی مطرح کرد بسیار مورد انتقاد قرار گرفت. به‌عقیده آدلر علاقه اجتماعی جبران صحیح و مسلم همه ضعف‌های طبیعی یک فرد است. آدلر معتقد است که علاقه اجتماعی امری ذاتی است و انسان طبیعتاً مخلوقی اجتماعی است، نه این‌که از روی عادت اجتماعی شده باشد (شفیع‌آبادی و ناصری، ۱۴۰۱). احساس اجتماعی بودن به‌عنوان یک پیوند عاطفی که ما نسبت به یکدیگر و دنیای خود داریم تعریف شده است. در جایی که احساس اجتماعی بودن به‌عنوان یک احساس تعریف می‌شود، علاقه اجتماعی بیش‌تر بر اساس معنای احساس اجتماعی به‌عنوان یک عمل در نظر گرفته می‌شود. براساس این تفاوت، طبق گفته پیروان آدلر، علاقه اجتماعی، بیش‌تر در کمک به رفاه اجتماعی، اعتماد، مراقبت، خلاقیت، نزدیکی، همکاری و تعهد به چشم می‌خورد (Mosak & Maniacci, 1999). تعریف ساده‌ای که آدلر از علاقه اجتماعی ارائه کرده بدین قرار است: دیدن با چشمان دیگری و شنیدن با گوش‌های دیگری و احساس با قلب دیگری. وی علاقه اجتماعی را به‌عنوان یک شرط

1. Argyle

2. Seligman

3. Fordyce

ضروری برای سلامت ذهنی و یکی از علائم بلوغ روان‌شناختی در نظر گرفت (Ansbacher & Ansbacher, 1956)؛ به نقل از پورسید و همکاران، ۱۳۹۵).

سال‌ها به‌وضوح بر نقش مهم هیجان‌ها در بسیاری از جنبه‌های زندگی روزانه و همچنین تأثیر آن‌ها در سازگاری با فشارها و زندگی صحنه گذاشته‌اند. اساساً هیجان‌ها واکنش‌های زیست‌شناختی هستند که زمانی برانگیخته می‌شوند که فرد موقعیت را حاوی چالش یا فرصت‌های مهمی ارزیابی می‌کند و پاسخ‌دهی وی را در برابر رویدادهای محیطی عمده منسجم می‌سازد (Gross & Thompson, 2017; Muñoz, 1995). با به پژوهش‌های مختلف پیشنهاد می‌کنند که حضور افراد در موقعیتی که آن را مرتبط با اهداف خود می‌دانند باعث برانگیختگی هیجان‌ها می‌شود. بدین شکل زمانی که فرد در موقعیت مرتبط با اهداف خود قرار می‌گیرد، فرایندهای توجهی فعال شده و به دنبال آن ارزیابی صورت می‌گیرد. نظریه‌های مختلف تعاریف متعددی از این فرایندهای ارزیابی دارند ولی به هر صورت این فرایند باعث تولید پاسخ‌های هیجانی شده و منجر به تغییراتی در نظام تجربی، رفتاری و عصبی زیستی می‌گردد.

Garnefski & Kraaij, 2006

Garnefski & Kraaij,

2006

Garnefski, Kraaij & Spinhoven, 2001

محبی‌نیا و زرنقاش (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی مقایسه تاب‌آوری، بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی ذهنی در زنان سرپرست خانوار و زنان عادی پرداختند. نتایج نشان دهنده تفاوت معنادار بین این دو گروه در همه متغیرهای مورد مطالعه بود. زنان سرپرست خانوار از تاب‌آوری، بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی ذهنی پایین‌تری نسبت به زنان غیرسرپرست برخوردار بودند. افلاکی‌فرد و ایزدپناه (۱۳۹۸) در پژوهشی کیفیت زندگی و شادکامی زنان سرپرست خانوار و غیر سرپرست را مورد مقایسه قرار دادند. نتایج نشان داد میانگین کیفیت زندگی و شادکامی زنان سرپرست خانوار پایین‌تر از زنان غیر سرپرست است.

نصیری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به مقایسه کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی در زنان سرپرست خانوار و زنان غیرسرپرست خانوار شهر تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری بین دو گروه از لحاظ متغیرهای مورد بررسی وجود دارد و زنان غیرسرپرست خانوار میانگین بالاتری را در متغیر کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی کسب نمودند. در مجموع نتایج نشان داد زنان سرپرست خانوار کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی پایینی را در طول زندگی خود تجربه می‌کنند.

سادات‌میری، ذوالقدر و قاسمی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به مقایسه تأثیر حمایت‌های اجتماعی بر سلامت زنان سرپرست و غیر سرپرست خانوار شهر مشهد پرداختند. یافته‌ها نشان داد بین سلامت اجتماعی زنان سرپرست و غیر سرپرست خانوار تفاوت وجود دارد و زنان سرپرست از سلامت اجتماعی کمتری برخوردارند. همچنین برخورداری از حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار تأثیر دارد.

سهامی و قلی‌پور (۱۳۹۹) در پژوهشی به مقایسه حمایت اجتماعی، سبک‌های مقابله و جو عاطفی خانواده در بین زنان سرپرست خانوار تحت حمایت با زنان سرپرست خانوار بدون حمایت پرداختند. یافته‌ها نشان دهنده تفاوت معنادار در تمامی متغیرها بود. زنان سرپرست خانوار که حمایت دریافت می‌کردند در سبک‌های مقابله‌ای و جو عاطفی خانواده بهتری نشان دادند.

بهروز، مرعشیان و علیزاده (۱۴۰۲) در پژوهش خود رابطه حمایت اجتماعی و سرمایه‌های روان‌شناختی با نقش میانجی استرس ادراک‌شده در زنان سرپرست خانوار را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان‌دهنده رابطه معنادار متغیرهای مورد مطالعه بود و افزایش حمایت اجتماعی در زنان سرپرست خانوار، موجب ارتقای سرمایه‌های روان‌شناختی و کاهش استرس و تنظیم هیجانات آن‌ها می‌شود. باور<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی افسردگی ادراک‌شده در مادران سرپرست خانوار پرداخت. ۱۵ زن ۱۸ تا ۲۵ ساله که در خانواده تک‌والدی با مادرشان زندگی می‌کردند تحت مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد مادران این افراد از افسردگی ادراک‌شده بیشتر و شادکامی کمتری برخوردار بودند. کیم<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی مادران مجرد در مقایسه با مادران متأهل را مورد مطالعه قرار داد. ۱۹۵ مادر مجرد و ۳۵۷ مادر متأهل که در کره جنوبی زندگی می‌کردند، مورد بررسی قرار گرفتند. کیفیت زندگی با فرم مخفف کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی ارزیابی شد. نتایج پژوهش نشان داد سطح تحصیلات بالاتر با کیفیت زندگی بالاتر در هر دو گروه همراه بود. برخلاف مادران متأهل، نوع سکونت و شغل (مرتبط با سطح اقتصادی) بر کیفیت زندگی مادران مجرد تأثیر معناداری داشت. مشکلات مربوط به الکل به طور معنی‌داری با کیفیت زندگی مادران مجرد در مقایسه با مادران متأهل مرتبط بود. کارونایاکه، عایشه و ویموکتی<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به بررسی بهزیستی روان‌شناختی و عوامل مؤثر بر آن بر مادران مجرد دارای فرزند نوجوان پرداختند. نتایج نشان‌دهنده کاهش میزان بهزیستی روان‌شناختی، خودکارآمدی و رضایت از زندگی در این مادران نسبت به مادران متأهل بود.

## نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی رابطه بین سرمایه‌های روان‌شناختی و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی در زنان سرپرست خانوار پرداخته شد. نتایج نشان داد که سرمایه‌های روان‌شناختی و حمایت اجتماعی در این زنان نقش مهمی در افزایش رضایت از زندگی دارند. همچنین، حمایت اجتماعی از سوی خانواده و جامعه می‌تواند به بهبود سرمایه‌های روان‌شناختی و در نتیجه رضایت از زندگی منجر شود. این یافته‌ها می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در طراحی مداخلات حمایتی برای زنان سرپرست خانوار کمک کند. پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای تقویت سرمایه‌های روان‌شناختی و حمایت اجتماعی در این زنان اجرا شود. همچنین، حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌تواند به بهبود شرایط زندگی و رضایت از زندگی در این زنان منجر شود. این مقاله به بررسی رابطه بین سرمایه‌های روان‌شناختی و حمایت اجتماعی با رضایت از زندگی در زنان سرپرست خانوار پرداخته شد. نتایج نشان داد که سرمایه‌های روان‌شناختی و حمایت اجتماعی در این زنان نقش مهمی در افزایش رضایت از زندگی دارند. همچنین، حمایت اجتماعی از سوی خانواده و جامعه می‌تواند به بهبود سرمایه‌های روان‌شناختی و در نتیجه رضایت از زندگی منجر شود. این یافته‌ها می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در طراحی مداخلات حمایتی برای زنان سرپرست خانوار کمک کند. پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای تقویت سرمایه‌های روان‌شناختی و حمایت اجتماعی در این زنان اجرا شود. همچنین، حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی می‌تواند به بهبود شرایط زندگی و رضایت از زندگی در این زنان منجر شود.

IR.IAU.Z.REC.1402.731

1 Brawer

2 Kim

3 Karunanayake, Aysha & Vimukthi



برای تجزیه و تحلیل آماری از نسخه ۲۴ نرم‌افزار SPSS استفاده شد. برای این منظور در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره و آزمون تی مستقل استفاده شد. در این پژوهش سطح معنی‌داری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. اطلاعات مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی زنان سرپرست خانوار و زنان غیرسرپرست در جدول ۱ ارائه شده است. میانگین و انحراف معیار سن زنان سرپرست خانوار  $42/90 \pm 5/22$  سال و میانگین و انحراف معیار سن زنان غیرسرپرست  $43/64 \pm 5/43$  سال بود.  $p =$

سرپرست خانوار و غیرسرپرست

همچنین، در گروه سرپرست خانوار، از مجموع ۵۰ نفر، ۲۹ نفر دارای تحصیلات دیپلم، ۹ نفر دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و ۱۲ نفر دارای تحصیلات لیسانس هستند و در گروه سرپرست خانوار، از مجموع ۵۰ نفر، ۳۱ نفر دارای تحصیلات دیپلم، ۸ نفر دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و ۱۱ نفر دارای تحصیلات لیسانس هستند.  $p =$

سرپرست خانوار و غیرسرپرست

( $P > 0/05$ ). در بخش آخر جدول ۱ مشاهده می‌شود که در گروه سرپرست خانوار، از مجموع ۵۰ نفر، ۱۹ نفر دارای یک فرزند و ۳۱ نفر دارای دو فرزند هستند و در گروه سرپرست خانوار، از مجموع ۵۰ نفر، ۲۵ نفر دارای یک فرزند و ۲۵ نفر دارای دو فرزند هستند.  $p =$

سرپرست خانوار و غیرسرپرست

( $P > 0/05$ ).

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار یافته‌های توصیفی زنان سرپرست خانوار و غیرسرپرست شهر تبریز در سال ۱۴۰۲ (تعداد در هر گروه ۵۰ نفر)

متغیر	گروه سرپرست	گروه غیرسرپرست	P
سن (سال)	$42/90 \pm 5/223$	$43/64 \pm 5/431$	۰/۴۸۹
(میانگین $\pm$ انحراف معیار)			•
سطح تحصیلات	۲۹ (۵۸)	۳۱ (۶۲)	۰/۹۱۹
دیپلم	۹ (۱۸)	۸ (۱۶)	••
فوق‌دیپلم	۱۲ (۲۴)	۱۱ (۲۲)	
لیسانس			
تعداد فرزند			
۱	۱۹ (۳۸)	۲۵ (۵۰)	۰/۲۲۷
			••
۲	۳۱ (۶۲)	۲۵ (۵۰)	

آزمون: تی مستقل، •، خی‌دو •• \*  $p < 0/05$  اختلاف معنی‌دار

در تجزیه و تحلیل آماری جهت مقایسه شادکامی و علاقه اجتماعی زنان سرپرست خانوار و غیرسرپرست از روش تحلیل واریانس چندمتغیره و برای مقایسه بدتنظیمی هیجان از آزمون تی دو گروه مستقل استفاده شد. در پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره، آزمون کالموگروف-اسمیرنوف نشان دادند که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد مطالعه در نمونه مورد بررسی محقق شده است؛ زیرا مقادیر Z محاسبه شده در سطح ( $p > 0/05$ ) معنی‌دار نیستند. در آزمون ام باکس، از آنجایی که F متغیرهای شادکامی ( $F=1/560$ ) و علاقه اجتماعی ( $F=1/720$ ) به ترتیب در سطح  $0/280$  و  $0/594$  معنادار نبودند، می‌توان گفت که مفروضه همسانی ماتریس واریانس-کوواریانس برای متغیرها برقرار شده است. در آخر، نتایج آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس خطا

در گروه‌های مورد مطالعه نشان داد که با توجه به عدم معنی‌داری مقدار  $F$  متغیرها در سطح خطای کوچک‌تر از (۰/۰۵) می‌توان گفت که واریانس خطای متغیرهای پژوهش در گروه‌ها با هم برابر بوده و از این جهت فرض همسانی واریانس‌های خطا نیز برقرار است.

در جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره برای متغیرهای شادکامی، علاقه اجتماعی و مؤلفه‌های آن‌ها ارائه شده است.

$p=$

$p=$

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره برای متغیرهای شادکامی، علاقه اجتماعی و مؤلفه‌های آن‌ها ارائه شده است.

متغیر	مجموعه	میانگین	انحراف معیار	F	میانگین
شادکامی	گروه اول	۳.۱۵	۰.۳۵	۱.۲۳	۳.۱۵
	گروه دوم	۳.۱۵	۰.۳۵		۳.۱۵
علاقه اجتماعی	گروه اول	۳.۱۵	۰.۳۵	۱.۲۳	۳.۱۵
	گروه دوم	۳.۱۵	۰.۳۵		۳.۱۵
مؤلفه‌های علاقه اجتماعی	گروه اول	۳.۱۵	۰.۳۵	۱.۲۳	۳.۱۵
	گروه دوم	۳.۱۵	۰.۳۵		۳.۱۵

$p=$

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس برای متغیرهای شادکامی، علاقه اجتماعی و مؤلفه‌های آن‌ها ارائه شده است.

متغیر	مجموعه	میانگین	انحراف معیار	t	میانگین
شادکامی	گروه اول	۳.۱۵	۰.۳۵	۱.۲۳	۳.۱۵
	گروه دوم	۳.۱۵	۰.۳۵		۳.۱۵
علاقه اجتماعی	گروه اول	۳.۱۵	۰.۳۵	۱.۲۳	۳.۱۵
	گروه دوم	۳.۱۵	۰.۳۵		۳.۱۵
مؤلفه‌های علاقه اجتماعی	گروه اول	۳.۱۵	۰.۳۵	۱.۲۳	۳.۱۵
	گروه دوم	۳.۱۵	۰.۳۵		۳.۱۵

۵- بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر

(رضایت از زندگی، خلق

مثبت، سلامتی، کارآمدی، عزت‌نفس)

،(2018) Brawer

(2021) Karunanayake & et al و (2020) Kim & Kim

در تبیین این یافته می‌توان گفت آرگیل (۱۹۹۵)،

زندگی زنان سرپرست خانواده با مشکلات

فراوانی روبرو است. از جمله آن می‌توان علاوه بر سختی‌های مربوط به مسائل اقتصادی، مشکلات ناشی از تبعیض‌های اجتماعی و نگرش جامعه نسبت به زنان تنها، مطلقه و بیوه اشاره نمود. ترس از آینده نامعلوم، نامطمئن و پراضطراب که موجب نگرانی‌های ذهنی، مشغولیت فکری و استرس در آن‌ها شده، می‌تواند بر کاهش شادکامی اثر بگذارد. روابط اجتماعی این گروه از زنان در فقدان حضور همسر در خانواده خدشه‌دار شده و مشکلات بسیاری را برای آن‌ها به همراه آورده است. ایفای نقش‌های چندگانه‌ای که گاه در تعارض با یکدیگر نیز تعریف می‌شوند، سبب خستگی جسمی و روانی آن‌ها می‌شود که روی خلق مثبت اثر می‌گذارد. از آنجایی که نقش سرپرستی خانوار برای زنان یک نقش چالش‌انگیز است و نیز تصمیم‌گیری برای مقابله با مسائل و مشکلات شخصی، اجتماعی، روانی و ... فرزندان بر عهده مادر است و از این طریق می‌تواند بر رضایت از زندگی فرزندان نیز اثر بگذارد که همین امر فشار مضاعفی بر این زنان وارد می‌کند. به دلیل تکراری شدن و عدم حل مسائل جدید، رفته رفته فرد احساس ناتوانی در گذران زندگی می‌کند که منجر به عدم رضایت وی از زندگی می‌شود. از طرفی مشکلات مربوط به فرزندان و نگرانی در زمینه آینده فرزندان می‌تواند درگیری‌های ذهنی شدیدی را برای آنها به وجود آورد که این امر در افزایش نگرانی‌ها و در نتیجه کاهش کارآمدی آن‌ها می‌تواند تأثیرگذار باشد که همه این موارد می‌تواند منجر به کاهش شادکامی در بین این افراد گردد (افلاکی فرد و ایزدپناه، ۱۳۹۸).

همچنین نتایج به دست آمده نشان داد که

(اهمیت‌دادن به دیگران، مسئولیت‌پذیری، شجاعت، پذیرش خود)،

در تبیین این یافته می‌توان گفت علاقه اجتماعی ممکن است به دو طریق، اثرات زیان‌بخش فشار و استرس را کاهش داده و منجر به سازگاری گردد. اولاً علاقه اجتماعی با واکنش‌های افراد علیه تجربه‌کردن فشارها قبل از این‌که رخ دهند، فشار روانی را کاهش و سازگاری را افزایش می‌دهد. ثانیاً شبکه‌های حمایت اجتماعی را به‌عنوان سپری در مقابل فشار روانی فعال می‌کنند. با تقویت احساس و علاقه اجتماعی، افراد دانش و اطمینان خود از این‌که می‌توانند هنگام فشار روانی به شبکه‌های اجتماعی پناه ببرند، تقویت می‌کنند که این امر این امکان را به آن‌ها می‌دهد تا وقایع زندگی را کم‌تر تهدیدکننده ارزیابی نموده و از سطح سازگاری بیش‌تری برخوردار گردند. درواقع دریافت میزان حمایت اجتماعی در راستای علاقه اجتماعی و احساس تعلق با دیگران، به‌عنوان یک منبع مقابله‌ای قدرتمند بیرونی محسوب می‌گردد که نقشی مؤثر بر بهزیستی روانی داشته و موجب افزایش سازگاری این افراد می‌شود (صدری دمیرچی، فیاضی و محمدی، ۱۳۹۵). افرادی که به نیازها و درخواست‌های دیگران اهمیت می‌دهند و از علاقه اجتماعی بالایی برخوردارند از انعطاف‌پذیری و مسئولیت‌پذیری بیش‌تری نیز برخوردارند. این ویژگی بر توانایی افراد در تدارک منابع حمایت عاطفی و اجتماعی، اجتناب از موقعیت‌های استرس‌زا و ایجاد شرایط عاطفی مطلوب مؤثر است (نصیری و همکاران، ۱۳۹۸). در تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار، یکی از مضامین اصلی سطح پیوندها و مناسبات اجتماعی و در نتیجه تعامل آنان با دیگر اعضای جامعه است. هم‌نوایی و کناره‌جویی دو محور اصلی پیوندهای اجتماعی را تشکیل می‌دهند به‌نظر می‌رسد که زنان سرپرست خانوار در گستره سنتی جامعه دچار نوعی تناقض ذهنی می‌شوند که از یک‌سو به‌شدت تحت فشار اقتصادی قرار دارند، از سوی دیگر عزت‌نفس خود را در معرض آسیب می‌بینند؛ در نتیجه دست به انتخاب گسست از پیوندهای اجتماعی می‌زنند. بنابراین هرگاه حمایت اطرافیان، به کاهش حرمت نفس و امنیت اجتماعی آنان منجر شود، ماحصل آن گسستن از پیوندهای اجتماعی و کاهش علاقه اجتماعی است (تبریزی کاهو، صالحی و کشاورز افشار، ۱۴۰۱).

دیگر یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که

نمونه پژوهش حاضر را زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به سازمان بهزیستی شهر تبریز و زنان غیرسرپرست این شهر در سال ۱۴۰۲ تشکیل دادند که این مورد یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌باشد و تعمیم یافته‌ها به جوامع دیگر بایستی با احتیاط صورت گیرد. همچنین عدم همکاری مناسب سازمان‌ها و ارگان‌ها در معرفی زنان سرپرست خانوار برای انجام پژوهش از محدودیت‌های دیگر این پژوهش بود. با توجه به محدودیت جامعه آماری این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که پژوهش حاضر در بین جوامع آماری مختلف، سایر شهرها نیز اجرا گردد.

با توجه به نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد که زنان سرپرست خانوار از نظر شادکامی، علاقه اجتماعی و بدنتظیمی هیجان وضعیت بدتری نسبت به زنان غیرسرپرست دارند

## ۶- منابع

- ۱- افلاکی فرد، حسین؛ و ایزدپناه، مهرداد (۱۳۹۸). مقایسه کیفیت زندگی و شادکامی مادران سرپرست خانواده و مادران غیر سرپرست شهر جهرم. *فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه*، ۱۰(۲)، ۳۰۳-۳۲۱.  
**dor:20.1001.1.20088566.1398.10.38.14.5**
- ۲- اوکاتی، مریم؛ و عرب، علی (۱۴۰۱). مقایسه دشواری تنظیم هیجانی، ترس از ارزیابی‌های منفی اجتماعی و تمایل به خودکشی در زنان دارای همسر معتاد و غیرمعتاد. *فصلنامه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۶(۱)، ۲۶۷-۲۷۷.
- ۳- بهروز، مریم؛ مرعشیان، فاطمه سادات؛ و علیزاده، مرجان (۱۴۰۲). مدل ساختاری رابطه حمایت اجتماعی و سرمایه روان‌شناختی با توانمندسازی با نقش میانجی استرس ادراک شده در زنان سرپرست خانوار. *فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ۱۸(۶۳)، ۱۱۳-۱۳۲.  
**dor:20.1001.1.26454955.1402.18.63.4.0**
- ۴- پورسینا، مریم؛ احمدی، خدابخش؛ و شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۹۳). اثربخشی شادکامی بر اضطراب، پیشرفت تحصیلی و ارتباط والد- فرزندی در دانش‌آموزان دختر. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۱(۲۰)، ۴۲-۵۴.
- ۵- تبریزی کاهو، غلامرضا؛ صالحی، کیوان؛ و کشاورز افشار؛ حسین. (۱۴۰۱). پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از حمایت‌های اجتماعی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۴(۱)، ۱۱۳-۱۳۸.  
**doi:10.22108/jas.2022.133767.2294**
- ۶- تدینی، عباس؛ آقامحمدیان شعراف، حمیدرضا؛ و معینی‌زاده، مجید (۱۴۰۰). اثربخشی بهزیستی درمانی گروهی بر بهزیستی روان‌شناختی هیجان، نگرانی و تاب‌آوری زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه*، ۱۲(۴۷)، ۸۴-۶۷.
- ۷- جلالی‌نسب، زهرا (۱۳۹۱). *رابطه وضعیت اقتصادی- اجتماعی با بهزیستی روان‌شناختی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شیراز*. پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- ۸- سادات میری، هانیه؛ ذوالقدر، خدیجه؛ و قاسمی، عاصمه (۱۳۹۸). مقایسه تاثیر حمایت‌های اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست و غیر سرپرست خانوار شهر مشهد. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۸(۸۴)، ۲۲۹۵-۲۳۰۵.

doi:20.1001.1.17357462.1398.18.84.10.7

۹-

... (۱۳۹۸).  
... (۱۳۹۸).

۱۰- سهامی، سوسن؛ و قلی پور، آمنه (۱۳۹۹). مقایسه حمایت اجتماعی، سبک‌های مقابله و جو عاطفی خانواده در بین زنان سرپرست خانوار تحت حمایت و غیر حمایت در شیراز. *تغییرات اجتماعی- فرهنگی*، ۱۷(۶۴)، ۱-۱۷.

۱۱- سرمد ... ۱۴۰۱

۱۲- شفیع‌آبادی، عبدالله؛ و ناصری، غلامرضا (۱۴۰۲). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۳- شولتز، داون پی؛ و شولتز، سیدنی ال (۱۴۰۰). *نظریه‌های شخصیت*. (ترجمه یحیی سیدمحمدی). تهران: ویرایش.

۱۴- شهریاری، ستاره؛ و طالب‌زاده شوشتری، مرضیه (۱۳۹۸). رابطه استرس ادراک‌شده، سخت‌رویی و شادکامی با میزان سازگاری اجتماعی در دانشجویان زن دانشگاه پیام نور. *مجله روانشناسی اجتماعی*، ۱۳(۵۰)، ۸۳-۹۴.

۱۵- صدری دمیرچی، اسماعیل؛ فیاضی، مینا؛ و محمدی، نسیم (۱۳۹۵). بررسی رابطه خودکارآمدی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده با آمادگی به اعتیاد در سربازان خدمت وظیفه. *مجله طب نظامی*، ۱۸(۴)، ۳۱۶-۳۲۴.

۱۶- طالب‌زاده‌ثانی، هادی؛ فرامرزی، سالار؛ و نادى، محمدعلی (۱۴۰۲). روابط ساختاری شیوه‌های فرزندپروری و شادکامی با میانجی-گری رضایت از زندگی و کیفیت زندگی در مادران کودکان دارای نارسایی‌های ذهنی. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۲(۱۲۱)، ۱۷۷-۱۹۴

doi:10.52547/JPS.22.121.171

۱۷- فولادچنگ، محبوبه؛ و حسن‌نیا، سمیه (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر شادکامی و خودکارآمدی زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه*، ۶(۱)، ۱۰۳-۱۲۳.

doi:20.1001.1.20088566.1393.5.20.6.6

۱۸- فیروزی، محمد رضا؛ محمدی، مهنوش؛ و نیکدل، فریبرز (۱۳۹۶). نقش پیش‌بینی‌کننده هوش هیجانی و سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده در شادکامی دانش‌آموزان. *پژوهش‌نامه روانشناسی مثبت*، ۲(۴): ۳۹-۵۰.

۱۹- فیست، گریگوری. جی؛ رابرتس، تامی-آن؛ و فیست، جس. (۱۴۰۱). *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: روان.

۲۰- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

۲۱- محبی‌نیا، طیبه؛ و زرنقاش، مریم (۱۳۹۶). بررسی مقایسه تاب‌آوری، بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی ذهنی در زنان سرپرست خانوار و زنان عادی. *فصلنامه روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران*، ۳(۱۲)، ۷۲-۸۱.

۲۲- مینوچین، سالوادور (۱۳۹۹). *خانواده و خانواده‌درمانی*. ترجمه باقر ثنائی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۳- نصیرنژاد، افسانه؛ و اسمخانی اکبری‌نژاد، هادی (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش مهارت‌های فرزندپروری مثبت بر استرس ادراک‌شده و شادکامی مادران کودکان بیش‌فعال. *مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۴(۴۲)، ۲۷۱-۲۸۲.

۲۴- نصیری، سعید؛ غفاری، ذکریا؛ جهانگیری، رمضانعلی؛ و شریفی، خلیل (۱۳۹۸). مقایسه کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی در زنان سرپرست خانوار و زنان غیر سرپرست خانوار شهر تهران. سومین کنگره علمی پژوهشی سرای توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران. تهران.

۲۵- یعقوبی، علی؛ معتمدی، عبدالله؛ و سهرابی، فرامرز (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای خوش‌بینی در رابطه بین الگوهای شخصیتی، باورهای مذهبی، علاقه اجتماعی و سلامت روان. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۱(۴۴)، ۲۳۳-۲۴۹.

- 26- Alizadeh, H., Little, R. J., Asgari, M., Alamdarloo, G. H., Choobdary, A., & Soheili, F. (2021). Development of the Social Interest Scale for Iranian adolescents. *The Journal of Individual Psychology*, 77(1), 40-58.  
**doi:10.1353/jip.2021.0003**
- 27- Azadeh, M., Tafteh, M. (2016). The Obstacles of Happiness from the View of Female-headed Households of Tehran. *Woman and Family Studies*, 3(2), 33-60.
- 28- Bardeen, J. R., Tull, M. T., Dixon-Gordon, K. L., Stevens, E. N., & Gratz, K. L. (2015). Attentional control as a moderator of the relationship between difficulties accessing effective emotion regulation strategies and distress tolerance. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 37(1), 79-84.
- 29- Benfer, N., Bardeen, J. R., & Clauss, K. (2018). Experimental manipulation of emotion regulation self-efficacy: Effects on emotion regulation ability, perceived effort in the service of regulation, and affective reactivity. *Journal of contextual behavioral science*, 10, 108-114.  
**doi:10.1016/j.jcbs.2018.09.006**
- 30- Brawer, M. (2018). *Lived Experiences of Emerging Adults from Single-Parent Families: Exploring Responses to Perceived Maternal Depression* (Doctoral dissertation, Fordham University).
- 31- Bryan, L. (2020). Women's support networks: A review of the literature. *Journal of Women & Aging*, 32(1), 1-16.
- 32- Bozikas, V., Parlapani, E. (2016). Resilience in patients with psychotic disorder. *Psychiatriki*, 27(1), 1-13.
- 33- Garnefski, N., & Kraaij, V. (2006). Relationship between cognitive emotion regulation strategies and depressive symptoms: a comparative study of five specific samples. *Personality and Individual Differences*, 40, 1659-1669.
- 34- Garnefski, N., Kraaij, V., & Spinhoven, P. H. (2001). Negative life events, cognitive emotion regulation and depression. *Personality and Individual Differences*, 30, 1311-1327.
- 35- Gratz, K. L., Weiss, N. H., & Tull, M. T. (2015). Examining Emotion Regulation as an Outcome, Mechanism, or Target of Psychological Treatments. *Curr Opin Psychol*, 3, 85-90.  
**doi:10.1016/j.copsyc.2015.02.010**
- 36- Gross, J. J. (2002). Wise Emotion regulation. In L. Feldman Barrett & P. Salovey (ED), *The Wisdom of Feelings: Psychological Processes in emotion intelligence*. New York: Guilford.
- 37- Gross, J. J., & Muñoz, R. F. (1995). Emotion regulation and mental health. *Clinical psychology: Science and practice*, 2(2), 151-164
- 38- Gross, J. J., & Thompson, R. A. (2017). Emotion Regulation: Conceptual Foundations. In JJ Gross Ed., *Handbook of Emotion Regulation*. New York: The Guilford Press.
- 39- Hirani, S.S., Norris, C.M., Van Vliet, K.J., Van Zanten, S.V., Karmaliani, R., & Lasiuk, G. (2018). *Social support intervention to promote resilience & quality of life in women living in Krachi*. *Int J Public Health*. <https://doi.org/10.7939/R3VD6PH4Z>.
- 40- Karunanayake, D. D. K. S., Aysha, M. N., & Vimukthi, N. D. U. (2021). The psychological well-being of single mothers with school age children: An exploratory study. *Int. J. Sci. Res. Sci. Technol*, 8, 16-37.  
**doi:10.32628/IJSRST21812**
- 41- Kim, G. E., & Kim, E. J. (2020). Factors affecting the quality of life of single mothers compared to married mothers. *BMC psychiatry*, 20, 1-10.
- 42- Klemanski, D. H., Curtiss, J., McLaughlin, K. A & Nolen-Hoeksema, S. (2017). Emotion regulation and the transdiagnostic role of repetitive negative thinking in adolescents with social anxiety and depression. *Cognitive therapy and research*, 41(2), 206-219.
- 43- Kraaij, V., & Garnefski, N. (2019). The Behavioral Emotion Regulation Questionnaire: Development, psychometric properties and relationships with emotional problems and the Cognitive Emotion Regulation Questionnaire. *Personality and Individual Differences*, 137, 56-61.
- 44- Li, C., & Jiang, S. (2018). Social exclusion, sense of school belonging and mental health of migrant children in China: A structural equation modeling analysis. *Children and Youth Services Review*, 89, 6-12. **doi:10.1016/j.childyouth.2018.04.017**

- 45- Li, D., Li, D., Wu, N., & Wang, Z. (2019). Intergenerational transmission of emotion regulation through parents' reactions to children's negative emotions: Tests of unique, actor, partner, and mediating effects. *Children and Youth Services Review*, 101, 113-122. doi:10.1016/j.chidyouth.2019.03.038
- 46- Luhmann, M., Necka, E. A., Schönbrodt, F. D., & Hawkley, L. C. (2016). Is valuing happiness associated with lower well-being? A factor-level analysis using the Valuing Happiness Scale. *Journal of Research in Personality*, 1(60), 46-50.
- 47- Mesimangah, T. H. & skampu, T.J. (2020). Perceived Barriers to Employment: A Case of Female House Houlded Heads in a South African Township. *International Journal Sciences and Humanity Studies*, 12(1), 192-206.
- 48- Mosak, H. H., & Maniaci, M. P., (1999). *Primer of Adlerian Psychotherapy*. New york: Brunner/Routledge (Taylor & Francis).
- 49- North, R. J., Holahan, C. J., Moos, R. H., & Cronkite, R. C. (2008). Family support, family income, and happiness: A 10-year perspective. *J Fam Psychol*, 22(3), 475- 483.
- 50- Sperry, J. J. (2011). The relationship of self- transcendence, socialinterest, and spirituality to well being in HIV/AIDS adults. *PODOpen*, 120, 91.
- 51- Sperry, J. J. (2011). The relationship of self- transcendence, socialinterest, and spirituality to well being in HIV/AIDS adults. *PODOpen*, 120, 91.
- 52- Stone, M. H., & Drescher, K. A. (2004). *Adler Speech: The Lectures of Alfred Adler*. Lincoln: Universe, Inc.

## Comparison of Happiness, Social Interest, and Emotion Dysregulation Between Female-Headed and Non-Female-Headed Households

Hadi Akbarinejad<sup>1\*</sup>, Parinaz Nazari Mamagani<sup>2</sup>, Narges Pourtaleb<sup>3</sup>

1- Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology, Nabi Akram Institute of Higher Education, Tabriz, Iran. (Corresponding Author)

hadiakbarinejad@yahoo.com

2- Master's Student, Department of Psychology, Faculty of Psychology, Nabi Akram Institute of Higher Education, Tabriz, Iran.

parinaznazari7543@gmail.com

3- Assistant Professor, Department of Educational Psychology and Counselling, Farhangian University, Tehran, Iran.

N.pourtaleb@cfu.ac.ir

### Abstract

The aim of the present study was to compare happiness, social interest, and emotion dysregulation in female-headed and non-female-headed households. This study employed a causal-comparative design. The statistical population included all female heads of households who referred to the Welfare Organization of Tabriz in 2023. The sample consisted of 100 individuals (50 female heads of households and 50 non-female-headed women) selected through purposive sampling. The participants were assessed using the Oxford Happiness Questionnaire (1989), Alizadeh's Social Interest Questionnaire (2020), and the Difficulties in Emotion Regulation Scale by Gratz and Roemer (2004). Data were analyzed using multivariate analysis of variance (MANOVA) and independent t-tests. The results showed significant differences between female-headed and non-female-headed women in terms of happiness and its components (life satisfaction, positive affect, health, efficiency, self-esteem) ( $P < 0.001$ ), social interest and its components (caring for others, responsibility, courage, self-acceptance) ( $P < 0.001$ ), and emotion dysregulation ( $P < 0.001$ ). Based on the findings, it can be concluded that female heads of households experience lower levels of happiness and social interest and higher levels of emotion dysregulation compared to non-female-headed women.

**Keywords:** happiness, social interest, emotion dysregulation, female-headed households.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)

# بررسی تأثیر ویژگی فردی اطمینان مالی بر دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی زنان

اکرم تفتیان<sup>۱\*</sup>، مهسا کفاش پوریزدی<sup>۲</sup>، زهرا غنی‌زاده زارچ<sup>۳</sup>

۱- گروه حسابداری، دانشکده بازار و کسب و کار، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول)

Taftiyan@iau.ac.ir

۲- مربی، گروه مدیریت و حسابداری، دانشکده علوم انسانی و هنر، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران.

mkaffashpoor@tvu.ac.ir

۳- گروه حسابداری، دانشکده بازار و کسب و کار، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

ghanizadehzahrae@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۶/۱۸]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۴/۲۴]

## چکیده

سواد مالی زنان عاملی کلیدی در رفاه خانواده و اجتماعی شدن مالی فرزندان است، اما پژوهش‌ها نشان داده سطح سواد مالی زنان نسبت به مردان پایین‌تر است. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند برخی ویژگی‌های فردی روانشناسی مانند اطمینان مالی باشد. بر همین اساس هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر اطمینان مالی بر سواد مالی زنان است. جامعه آماری کلیه زنان استان یزد طی سال ۱۴۰۳ است که با استفاده از فرمول معرفی شده برای معادلات ساختاری تعداد 383 نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌های ویژگی‌های فردی با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس، ترس از مباحث پول و وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری گردآوری شده است. همچنین برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به سواد مالی، از پرسشنامه استاندارد سواد مالی با سه بعد دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی استفاده شده است. فرضیه‌های پژوهش نیز با روش مدل معادلات ساختاری و بهره‌گیری از نرم‌افزار آماری Smart PLS پردازش شده است. نتایج نشان می‌دهد اطمینان مالی تأثیر مستقیم و معنی‌داری بر دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی داشته و برای بهبود سواد مالی زنان لازم است در کنار توجه به آموزش‌های مالی، بر توسعه‌ی این ویژگی‌ها تمرکز نمود.

واژگان کلیدی: اطمینان مالی، دانش مالی، نگرش مالی، رفتار مالی، زنان.

**۱- مقدمه**

خانواده بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است که بر رشد و توسعه جامعه تأثیر زیادی دارد. زنان نیز به‌عنوان یکی از ارکان اساسی و محوری خانواده، نقش مؤثری را در حمایت از انسجام و حریم خانواده داشته (قندهاری علویجه، ۱۴۰۳) و می‌توانند در تصمیمات مالی و تربیت فرزندان مؤثر عمل نمایند؛ بانوان در نقش مادران، با پرورش هدفمند مهارت‌های مالی فرزندان، به اجتماعی‌شدن مالی<sup>۱</sup> آن‌ها کمک نموده که در بلندمدت، بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه را به همراه دارد. از سوی دیگر، سواد مالی<sup>۲</sup> یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند به افراد در رویارویی با مسائل مالی و اتخاذ تصمیمات آگاهانه کمک نموده و نقشی حیاتی در کاهش نابرابری‌های اقتصادی و تقویت رفاه مالی فردی و اجتماعی داشته باشد (عبدالرزاق مطر، شریفی رنانی، قاسم شندی و حافظی، ۱۴۰۳؛ Hwang, 2024)؛ بنابراین انتظار می‌رود بهبود سواد مالی زنان نقش مؤثری در وضعیت اقتصادی خانواده و جامعه داشته باشد. با این وجود، پژوهش‌ها نشان می‌دهد سطح سواد مالی زنان در جوامع مختلف ناکافی و در مقایسه با مردان پایین‌تر است. این در حالی است که زنان در جامعه با چالش‌های مالی بسیاری روبرو می‌شوند که نیاز است آمادگی لازم را برای آن داشته باشند (Klatt, 2009). انتظارات اجتماعی و نقش‌های سنتی جنسیتی، نیز بر این موضوع دامن زده و زنان را از موضوعات مرتبط با پول و سرمایه‌گذاری، فاصله داده است. برای نمونه زنان معمولاً به دلیل انتظارات اجتماعی، تمایل کمتری به پذیرفتن مسئولیت‌های مالی دارند که قرار گرفتن آن‌ها در معرض اطلاعات مالی و فرآیندهای تصمیم‌گیری را محدود می‌نماید (Ms.Pavithra & M.L., 2024). درآمد پایین‌تر، سال‌های اشتغال کمتر و صرف مبالغ دریافتی برای مراقبت از خانواده نیز باعث شده تا آن‌ها سرمایه‌گذاری مناسبی برای بازنشستگی نداشته باشند (Klatt, 2009)؛ بنابراین، نیاز است به زنان ابزارهایی مانند اطلاعات، منابع و فرصت‌های آموزشی داده شود تا با کسب دانش و منابع لازم، رفتارهای مالی، خصوصیات روان‌شناختی و نگرش‌های مالی خود را بهبود بخشند. در این راستا، پژوهشگران به عوامل اجتماعی، روان‌شناختی و محیطی، در خصوص تفاوت بین سواد مالی زنان با مردان اشاره نموده‌اند: عوامل اجتماعی جمعیت شناختی مانند سن، تحصیلات و وضعیت تأهل نقش مهمی در سواد مالی زنان دارند. برای نمونه، زنان متأهل ممکن است به دلیل نقش‌های سنتی مردان در مدیریت امور مالی خانواده، سواد مالی پایین‌تری داشته باشند (Aguiar-Díaz, & Zagalaz-Jiménez, 2022; Manchanda, & Sukhija, 2019). با این وجود، تأثیر ویژگی فردی اطمینان مالی<sup>۳</sup> کمتر بررسی شده که پژوهش حاضر، با هدف پر کردن این شکاف به منصفه ظهور رسیده است. در ادامه، مبانی نظری و پیشینه پژوهش به همراه روش پژوهش بیان شده و در انتها، یافته‌ها و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

**۲- مرور مبانی نظری و پیشینه**

اطمینان فرد نسبت به توانایی خود می‌تواند در امور مالی، سرمایه‌گذاری و دستیابی به اهداف مالی مؤثر باشد (Asandimitra & Kautsar, 2019; Kautsar, Asandimitra, & Aji, 2018). این عامل که با تئوری شناختی اجتماعی<sup>۴</sup> در ارتباط است، بر نقش تفکر شناختی در هدایت انگیزش افراد و رفتار مالی تأکید دارد (Asandimitra & Kautsar, 2019). به بیان دیگر، اطمینان یک فرد در مورد مدیریت پول و سرمایه، می‌تواند بر رفتارهای مالی وی مؤثر باشد. موریس و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۲۲) نیز، ضمن مؤثر دانستن اطمینان مالی در تبیین رفتار مالی، تأکید کردند آموزش مالی باید تمرکز بیشتری بر اعتماد مالی و ظرفیت یادگیری افراد داشته باشد. این در حالی

1 Financial socialization

2 Financial Literacy

3 Financial Confidence

4 Social Cognitive Theory

5 Morris, Maillat, &amp; Koffi

است که پژوهش‌ها نشان می‌دهد تأثیر این ویژگی بر زنان بیشتر است و آن‌ها اغلب در مقایسه با مردان، اعتماد کمتری به تصمیم‌گیری مالی دارند و این عدم اعتماد، می‌تواند با کاهش تمایل به مشارکت در برنامه‌ریزی مالی و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، (Uzoamaka, Akpuokwe, Chikwe, & Eneh, 2024). انصراف از آزمون‌های سواد مالی و اجتناب از تصمیم‌های پیچیده مالی (West, de Zwaan & Johnson, 2023; Ben Belgacem, Khatoon, Bala, & Alzuman, 2024) سواد مالی آن‌ها را بیشتر محدود نماید. وست و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) نیز، دریافتند زنان به‌صورت قابل ملاحظه‌ای در مورد انتخاب‌های مالی خود نسبت به مردان نامطمئن هستند. زنان سرمایه‌گذار در مقایسه با مردان، تحمل کمتری نسبت به ریسک، سطح اعتماد پایین‌تر، دانش مالی کمتر و تمایل بیشتری به رفتار رهمه‌ای داشته‌اند (Carneiro, Pires, & Quelhas, 2025). همچنین، انگیزه برای یادگیری موضوعات مالی را که یکی از شاخص‌های اطمینان مالی است می‌توان در بهبود سواد مالی مؤثر دانست. ماندما<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) نیز نشان داد سطح سواد مالی دخترانی که رشته‌های تحصیلی مبتنی بر ریاضیات را انتخاب کرده بودند، نسبت به دانشجویان پسر بالاتر بود و ۷۹ درصد از این زنان، به ارتقای دانش خود در امور مالی شخصی علاقه‌مندند. ریسک‌گریزی یکی دیگر از عوامل روان‌شناختی است که می‌تواند بر انتخاب‌ها و سواد مالی تأثیر بگذارد (Manchanda & Sukhija, 2019). این سوگیری روان‌شناختی، می‌تواند بر تصمیم‌گیری مالی تأثیر گذاشته و باعث شود افراد بیشتر از اینکه برای سود ارزش قائل شوند، از ضرر بترسند. این ترس می‌تواند زنان را به اتخاذ تصمیمات مالی محافظه‌کارانه‌تر سوق دهد و به‌طور بالقوه مانع تعامل آن‌ها با بازارهای مالی و محصولات شود (Dangcil, Ruiz, Mateo, & Alejo, 2024). در بسیاری از موارد، ریشه ریسک‌گریزی، ترس آن‌ها از موضوعات پول و سرمایه‌گذاری است: برای برخی از آن‌ها این ترس وجود دارد که اگر از آن‌ها در مورد موضوع‌های مالی سؤال پرسیده شود، ناآگاه یا آموزش‌ندیده به نظر برسند یا نتوانند اطلاعات یا فرآیندهای مالی را درک نمایند یا با زیان و پشیمانی روبرو شوند. این عوامل می‌تواند بر سواد مالی با شکل دادن به رفتارهای سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری محتاطانه مؤثر بوده (Klatt, 2009; Iram, Bilal & Latif, 2021) و شکاف سواد مالی را تشدید نماید (West, de Zwaan & Johnson, 2023; Ben Belgacem, et al., 2024)؛ بنابراین، در حالی که زنان ممکن است سواد مالی کمتری نسبت به مردان نشان دهند، پرداختن به این نابرابری‌ها مستلزم در نظر گرفتن عوامل روان‌شناختی از جمله اطمینان مالی است تا بتوان با برنامه‌های آموزشی هدفمند، به پر کردن شکاف سواد مالی کمک نمود (Eseza, David & Andrew, 2025). در همین راستا، در پژوهش حاضر، تأثیر اطمینان مالی بر سواد مالی زنان بررسی می‌شود که برای سنجش اطمینان مالی سه معیار علاقه‌مند بودن به منابع و اطلاعات در دسترس<sup>۳</sup>، ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری<sup>۴</sup> و وابستگی عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری<sup>۵</sup>، در نظر گرفته شده است. برای سنجش سواد مالی نیز، از تعریف جامع سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی<sup>۶</sup>، برای سواد مالی بهره گرفته شده که مطابق با آن، سواد مالی، «ترکیبی از آگاهی، دانش، نگرش و رفتاری است که برای اتخاذ تصمیم‌های مالی صحیح و در نهایت دستیابی به رفاه مالی فردی ضروری است» (Jannah, 2022). این تعریف دارای ۳ بعد دانش مالی<sup>۷</sup>، نگرش مالی<sup>۸</sup> و رفتار مالی<sup>۹</sup> است. دانش مالی از طریق آموزش و کسب اطلاعات مالی به دست می‌آید و به توانایی افراد در درک مفاهیم و رویه‌های مالی مانند کاهش هزینه‌ها و بدهی‌ها، افزایش درآمد و دارایی‌ها و استفاده از این دانش در حل مشکلات مالی اشاره دارد (Świecka, 2019). این بعد مستلزم درک مسائل مالی مانند نرخ

1 West et al

2 Mändmaa

3 women's interest in available resources and information

4 fear of money and investment issues

5 strong emotional attachment to money and investment issues

6 Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

7 Financial Knowledge

8 Financial Attitude

9 Financial Behavior

بهره و ام‌ها، پس‌انداز و بازده آتی است (Happ, Hahn, Jang, & Rüter, 2022). نگرش مالی مجموعه‌ای از مفاهیم، اطلاعات و احساسات مرتبط با تمایل به رویارویی مناسب با مسائل مالی است (Chaulagain, 2015). بعد سوم نیز رفتار مالی است که امنیت و رفاه مالی را به همراه دارد. در این پژوهش با دیدی جامع، تمامی ابعاد سواد مالی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین پژوهش حاضر به بررسی تأثیر اطمینان مالی (با متغیرهای علاقه‌مند بودن به منابع و اطلاعات در دسترس، ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری و وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری) بر سواد مالی (با ابعاد دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی) زنان می‌پردازد.

### ۳- روش‌شناسی

در این بخش، روش پژوهش، فرضیه‌ها، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری به همراه روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها بیان می‌شود.

#### ۳-۱- روش پژوهش، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی-پیمایشی بوده و جامعه آماری آن را زنان استان یزد در سال ۱۴۰۳ تشکیل می‌دهند. تمامی مراحل انجام این پژوهش با نظارت کمیته اخلاق دانشگاه ملی مهارت انجام شده و الزامات اخلاقی در این مقاله رعایت شده است. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول معرفی شده برای مدلسازی معادلات ساختاری (تفتیان و باقی‌نسب، ۱۴۰۱) استفاده شده که حداقل نمونه ۹۴ نفر و بهترین نمونه ۴۵۰ نفر محاسبه و در نهایت، تعداد ۳۸۳ پرسشنامه تکمیل شده است. تحلیل داده‌ها با روش مدلسازی معادلات ساختاری<sup>۱</sup> در نرم‌افزار Smart PLS انجام شده است. با توجه به مبانی نظری، یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی به شرح زیر است:

فرضیه اصلی (۱): اطمینان مالی زنان بر سواد مالی آن‌ها تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱-۱: اطمینان مالی زنان بر دانش مالی آن‌ها تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱-۲: اطمینان مالی زنان بر نگرش مالی آن‌ها تأثیر دارد.

فرضیه فرعی ۱-۳: اطمینان مالی زنان بر رفتار مالی آن‌ها تأثیر دارد.

#### ۳-۳- ابزار سنجش

پرسشنامه پژوهش، شامل دو بخش سؤالات عمومی و تخصصی است که ابعاد سؤالات تخصصی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: سؤالات مربوط به متغیرهای پژوهش تعداد گویه

متغیرهای اصلی	ابعاد	نقش	منبع	تعداد گویه
اطمینان مالی	علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس	مستقل	مارتا کلات (۲۰۰۹)	۵
	ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری	مستقل	مارتا کلات (۲۰۰۹)	۴
	وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری	مستقل	مارتا کلات (۲۰۰۹)	۵
سواد مالی	دانش مالی	وابسته	رویج و همکاران (۲۰۱۱)	۷
	نگرش مالی	وابسته	شاکي (۲۰۰۲)	۴
	رفتار مالی	وابسته	چن و ولپ (۱۹۹۸)	۴

<sup>1</sup> Structural Equation Modeling (SEM)

کیفیت و سازگاری نظرسنجی با استفاده از آلفای کرونباخ و برازش بیرونی با استفاده از معیارهای پایایی شاخص، روایی همگرا، روایی واگرا و ضرایب بار عاملی بررسی شده است. برازش مدل کلی با بهره‌گیری از معیار نیکویی برازش (GOF) و برازش مدل درونی با استفاده از معیارهای تناسب پیش‌بین مدل ( $Q^2$ )، آماره  $t$  و ضریب رگرسیون استاندارد شده بررسی شده است.

#### ۴- یافته‌ها

ابتدا برازش مدل بیرونی و برازش مدل کلی ارزیابی شده و سپس با برازش مدل درونی، فرضیه‌ها آزمون می‌شود.

#### ۴-۱- برازش مدل بیرونی (مدل اندازه‌گیری)

برازش مدل بیرونی با معیارهای پایایی شاخص، روایی همگرا و روایی واگرا سنجیده می‌شود. در این پژوهش، پایایی شاخص با معیارهای آلفای کرونباخ، پایایی اسپیرمن، پایایی ترکیبی و ضرایب بار عاملی ارزیابی و نتایج در جدول ۲ ارائه شده است. مقدار بالاتر از  $0/70$  آلفای کرونباخ نشانگر پایایی قابل قبول و در مورد متغیرهای با تعداد سؤال‌های اندک، مقدار  $0/60$  نیز، قابل پذیرش است. مقدار پایایی همه متغیرهای این پژوهش قابل قبول است. ضرایب بار عاملی نیز، هرچه به عدد یک نزدیک‌تر باشند، متغیر آشکار به نحو مناسب‌تری متغیر پنهان را تبیین می‌نماید بارهای عاملی در این پژوهش، رابطه مطلوب بین سؤال‌ها و متغیرهای پنهان را نشان می‌دهد. برای اندازه‌گیری روایی سازه، بار عاملی گویه‌ها اندازه‌گیری شده که تمامی بارهای بیش از  $0/4$  در مدل حفظ شده و بارهای کمتر، گام به گام حذف می‌شوند تا بالاخره تمامی بارها بیش از  $0/4$  باشند. در این پژوهش، بار عاملی تمامی گویه‌ها بیشتر از  $0/4$  است. همچنین، ضرایب معناداری از  $1/96$  بیشتر بوده و روابط معنادار را نشان می‌دهد. **۴-۲- بررسی روایی واگرا به روش بارهای عاملی**

#### متقابل<sup>۱</sup>

نتایج بررسی روایی واگرا که به روش بارهای عاملی متقابل، در جدول ۳ ارائه شده که نشان می‌دهد مقدار همبستگی میان سؤال‌ها با سازه‌های مربوط به خود از همبستگی میان سؤال‌ها با سایر سازه‌ها بیشتر بوده و گواه مناسب بودن سؤال‌ها است.

جدول ۲: ضرایب گویه‌ها و ضرایب پایایی متغیرها

متغیر کلی	متغیرها	گویه	متغیرهای آشکار		متغیرهای پنهان	
			ضریب معناداری	بار عاملی	آلفا کرونباخ	پایایی اسپیرمن
علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس	Q13	0/44	0/75	0/75	0/79	0/83
		0/82	33/08			
		0/78	20/10			
		0/71	12/43			
		0/76	17/94			
ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری	Q21	0/75	8/34	0/71	0/74	0/82
		0/53	4/19			
		0/88	14/52			
		0/75	7/02			
		0/60	7/47			
وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری	Q12	0/66	9/07	0/72	0/71	0/81
		0/67	10/08			
		0/68	8/76			
		0/68	8/76			

متغیرهای پنهان			متغیرهای آشکار		گویه	متغیرها	متغیر کلی
پایایی ترکیبی	پایایی اسپیرمن	آلفا کرونباخ	ضریب معناداری	بار عاملی			
			۱۶/۷۴	۰/۷۸	Q۳۱	دانش مالی	سواد مالی
			۹/۷۰	۰/۶۸	Q۹		
			۱۵/۱۰	۰/۷۳	Q۲۵		
			۸/۲۹	۰/۶۵	Q۳۲		
۰/۸۵	۰/۸۲	۰/۸۱	۱۰/۸۴	۰/۷۰	Q۳۳		
			۱۳/۸۵	۰/۷۳	Q۳۴		
			۶/۲۷	۰/۵۶	Q۳۵		
			۶/۸۲	۰/۶۰	Q۳۶		
			۲۴/۷۲	۰/۸۵	Q۱۵	نگرش مالی	سواد مالی
			۵/۶۹	۰/۵۹	Q۱۶		
۰/۷۷	۰/۶۷	۰/۶۲	۵/۴۵	۰/۵۳	Q۱۷		
			۱۱/۱۷	۰/۷۲	Q۲۷	رفتار مالی	سواد مالی
			۹/۹۴	۰/۸۱	Q۸		
			۳/۳۴	۰/۵۴	Q۱۰		
۰/۷۶	۰/۶۳	۰/۶۱	۴/۴۵	۰/۶۳	Q۱۱		
			۳/۷۱	۰/۶۹	Q۲۳	مجموع	سواد مالی
			-	-	-		

جدول ۳: روایی واگرا به روش بارهای عاملی متقابل

رفتار مالی	نگرش مالی	دانش مالی	وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری		ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری	علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس	گویه
			عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری	وابستگی‌های			
۰/۱۶	۰/۲۹	۰/۰۹	۰/۱۸	۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۴۴	Q۱۳
۰/۲۱	۰/۴۹	۰/۲۹	۰/۴۲	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۸۲	Q۱۴
۰/۱۱	۰/۳۲	۰/۲۹	۰/۱۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۸	Q۱۸
۰/۱۲	۰/۱۸	۰/۳۳	۰/۲۴	-۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۷۱	Q۱۹
۰/۱۵	۰/۳۲	۰/۳۶	۰/۲۹	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۷۶	Q۲۰
۰/۲۰	۰/۲۲	۰/۰۱	۰/۱۸	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۰۱	Q۲۱
۰/۱۹	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۱۰	Q۲۲
۰/۲۳	۰/۱۹	۰/۱۲	۰/۲۴	۰/۸۸	۰/۸۸	۰/۰۳	Q۲۴
۰/۲۳	۰/۱۲	۰/۲۷	۰/۲۵	۰/۷۵	۰/۷۵	۰/۰۰	Q۲۶
۰/۲۷	۰/۲۴	۰/۲۰	۰/۶۰	۰/۱۹	۰/۱۹	۰/۳۹	Q۱۲
۰/۰۶	۰/۲۴	۰/۰۴	۰/۶۶	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۸	Q۲۸
۰/۱۴	۰/۱۷	۰/۰۷	۰/۶۷	۰/۲۹	۰/۲۹	۰/۰۵	Q۲۹
۰/۲۰	۰/۲۴	۰/۱۵	۰/۶۸	۰/۱۵	۰/۱۵	۰/۱۶	Q۳۰
۰/۱۶	۰/۲۵	۰/۲۸	۰/۷۸	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۳۷	Q۳۱
۰/۲۶	۰/۰۵	۰/۶۸	۰/۲۱	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۳۵	Q۹
۰/۱۷	۰/۱۸	۰/۷۳	۰/۲۵	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۳۶	Q۲۵

علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس	ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری	وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری	دانش مالی	نگرش مالی	رفتار مالی
۰/۱۰	۰/۱۸	۰/۰۶	۰/۶۵	۰/۰۷	۰/۱۰
۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۷۰	۰/۰۶	۰/۱۴
۰/۳۴	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۷۳	۰/۰۷	۰/۱۲
۰/۱۱	۰/۱۹	۰/۱۲	۰/۵۶	-۰/۳	۰/۰۸
۰/۰۶	۰/۰۱	-۰/۱	۰/۶۰	-۰/۱۳	-۰/۰۱
۰/۴۵	۰/۲۰	۰/۲۳	۰/۴	۰/۸۵	۰/۲۹
۰/۳۱	-۰/۵	۰/۱۷	۰/۲۲	۰/۵۹	۰/۲۰
۰/۲۰	۰/۱۰	۰/۲۵	-۰/۱	۰/۵۳	۰/۲۳
۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۳۰	۰/۰۶	۰/۷۲	۰/۰۷
۰/۱۲	۰/۲۱	۰/۲۵	۰/۲۲	۰/۳۰	۰/۸۱
۰/۱۸	۰/۰۲	۰/۲۳	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۵۴
۰/۱۸	۰/۰۶	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۱۸	۰/۶۳
۰/۱۴	۰/۳۴	۰/۱۳	۰/۹	۰/۱۱	۰/۶۹

#### ۴-۳- بررسی روایی همگرا و واگرا

در جدول ۴، ماتریس همبستگی، روایی همگرا و واگرا به روش فورنل و لارکر<sup>۱</sup> ارائه شده که نشان از تائید روایی همگرا و واگرایی متغیرهای پژوهش دارد. مقادیر بالای ۰/۵ و برای متغیرهای با سؤال اندک، بالای ۰/۴ در روایی همگرا قابل قبول است. در روایی واگرا نیز، یک مؤلفه در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها، باید تمایز بیشتری در بین مشاهده پذیرهای خودش داشته باشد.

جدول ۴: ماتریس همبستگی و روایی همگرا و واگرا به روش فورنل و لارکر

متغیر کلی	نام متغیر	روایی همگرا	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس	۰/۵۱	۰/۷۲					
۲	اطمینان	۰/۵۵	۰/۰۴	۰/۷۴				
۳	وابستگی عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری	۰/۴۶	۰/۳۸	۰/۲۵	۰/۶۸			
۴	دانش مالی	۰/۴۵	۰/۳۹	۰/۱۷	۰/۲۴	۰/۶۷		
۵	سواد مالی	۰/۴۷	۰/۴۶	۰/۲۲	۰/۳۴	۰/۱۱	۰/۶۸	
۶	رفتار مالی	۰/۴۵	۰/۲۱	۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۲۲	۰/۲۹	۰/۶۷

#### ۴-۴- برازش مدل کلی

برای بررسی برازش مدل کلی از معیار نیکویی برازش استفاده می‌شود. این معیار از جذر حاصل ضرب میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه و مقدار میانگین مقادیر  $R^2$  سازه‌های درون‌زای مدل طبق رابطه (۹) به دست می‌آید. سه مقدار ۰/۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی نمودند. مقدار به دست آمده از مطلوبیت کلی مدل حکایت دارد.

$$GOF = \sqrt{Ave R^2 * (Ave of Communalities)} = \sqrt{0.48 \times 0.20} = 0.309 \quad (9)$$

#### ۴-۵- برازش مدل درونی (مدل ساختاری)

برازش مدل درونی با معیارهای تناسب پیش‌بین مدل ( $Q^2$ )، آماره  $t$  و ضریب رگرسیون استاندارد شده ارزیابی شده است.

#### ۴-۶- بررسی تناسب پیش‌بین مدل ( $Q^2$ )

کیفیت مدل ساختاری توسط شاخص قدرت پیش‌بینی با هدف بررسی توانایی مدل ساختاری در پیش‌بینی به روش چشم‌پوشی<sup>۱</sup> محاسبه شده است. در این روش، مدل باید نشانگرهای متغیرهای مکنون درون‌زا انعکاسی را پیش‌بینی کند. سه مقدار  $0/15$ ،  $0/02$  و  $0/35$  به ترتیب به‌عنوان قدرت پیش‌بینی کم، متوسط و قوی معرفی شده‌اند. مطابق با جدول ۵، این معیار برای متغیرهای دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی، نزدیک  $0/15$  و نشان‌دهنده تناسب متوسط پیش‌بینی مدل است. نتایج حاصل از بررسی معنی‌داری ضرایب مسیر از روش باز نمونه‌گیری در حالت  $5000$  نمونه در روش حداقل مربعات جزئی، نشان از اعتبار خوب مدل دارد.

جدول ۵: برازش ساختار عاملی مدل و شاخص قدرت پیش‌بینی متغیرهای وابسته

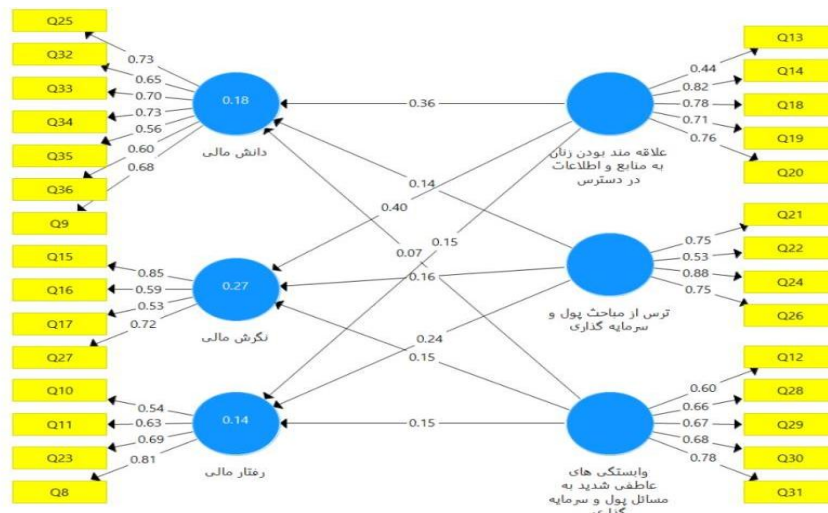
متغیرها	ضریب تبیین	ضریب تبیین اصلاح شده	قدرت پیش‌بینی	
			SSE	SSO
علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس	-	-	۱۰۴۰/۰	۱۰۴۰/۰
ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری	-	-	۸۳۲/۰	۸۳۲/۰
وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری	-	-	۱۰۴۰/۰	۱۰۴۰/۰
دانش مالی	۰/۱۸	۰/۱۷	۱۲۳۳/۵۷	۱۴۵۶/۰
نگرش مالی	۰/۲۷	۰/۲۶	۷۴۱/۲۰	۸۳۲/۰
رفتار مالی	۰/۱۴	۰/۱۳	۷۰۵۹۹۱۶	۸۳۲/۰

#### ۴-۷- تحلیل ساختاری ضرایب مسیر و معناداری فرضیه‌های پژوهش

یافته‌های بررسی فرضیه‌های پژوهش در شکل‌های ۱ و ۲ ارائه و در جدول ۶ خلاصه شده است. نتایج بررسی فرضیه فرعی اول نشان می‌دهد علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس بر دانش مالی اثر مثبت و معنی‌داری دارد؛ اما ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری و وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری بر دانش مالی اثر معنی‌داری ندارد. در مورد فرضیه فرعی دوم، علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس، ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری و وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری، بر نگرش مالی اثر مستقیم و معنی‌دار دارد. بررسی فرضیه فرعی سوم، نشان داد علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس و ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری بر رفتار مالی اثر مستقیم و معنی‌داری دارد؛ اما وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری بر رفتار مالی اثر معنی‌داری ندارد.

جدول ۶: تحلیل ساختاری ضرایب مسیر و معناداری فرضیه پژوهش

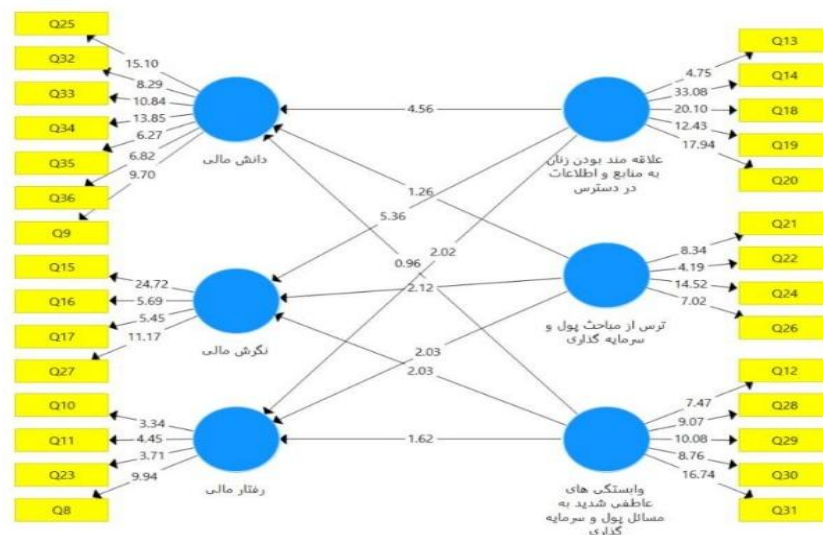
فرضیه اصلی	فرضیه‌های فرعی	ضریب مسیر	ضریب معناداری	ضریب تعیین	اندازه اثر	سطح معناداری
اطمینان مالی زنان بر دانش مالی آنها تأثیر دارد.	علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس ← دانش مالی	۰/۳۶	۴/۵۶	۰/۱۸	۰/۱۳	۰/۰۰
	ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری ← دانش مالی	۰/۱۴	۱/۲۶		۰/۰۲	۰/۲۱
	وابستگی عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری ← دانش مالی	۰/۰۷	۰/۹۶		۰/۰۱	۰/۳۴
اطمینان مالی زنان بر نگرش مالی آنها تأثیر دارد.	علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس ← نگرش مالی	۰/۴۰	۵/۳۶		۰/۱۹	۰/۰۰
	ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری ← نگرش مالی	۰/۱۶	۲/۱۲	۰/۲۷	۰/۰۳	۰/۰۳
	وابستگی عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری ← نگرش مالی	۰/۱۵	۲/۰۳		۰/۰۲	۰/۰۴
اطمینان مالی زنان بر رفتار مالی آنها تأثیر دارد.	علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس ← رفتار مالی	۰/۱۵	۲/۰۲	۰/۱۴	۰/۰۲	۰/۰۴
	ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری ← رفتار مالی	۰/۲۴	۲/۰۳		۰/۰۶	۰/۰۴
	وابستگی عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری ← رفتار مالی	۰/۱۵	۱/۶۲		۰/۰۲	۰/۱۱



شکل ۱: ضریب مسیر

و ضریب تعیین مدل

فرضیه پژوهش



## شکل ۲: ضریب معناداری مدل فرضیه پژوهش

## ۵- بحث و نتیجه گیری

سرمایه‌گذاری در سواد مالی یکی از مسیرهای بهبود رفتارهای مالی و ثبات اقتصادی است (OECD, 2020). سواد مالی، توانایی استفاده از دانش و مهارت‌ها در مدیریت کارآمد منابع مالی برای امنیت مالی طول عمر شخص است و بهبود رفاه مالی، نه تنها حاصل تقویت دانش مالی است، بلکه می‌بایست این دانش، به نگرش و رفتار مالی مناسبی بیانجامد. با این حال، برخی موانع، از تبدیل شدن دانش مالی به نگرش و رفتار مالی مناسب در زنان جلوگیری می‌نماید که عوامل روان‌شناختی به‌ویژه اطمینان مالی می‌تواند بخشی از تفاوت‌های سواد مالی زنان و مردان را توضیح دهد. در این پژوهش، به بررسی اثر علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس، ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری و وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری بر سواد مالی پرداخته و سواد مالی نیز با استفاده از سه معیار دانش مالی، نگرش مالی و رفتار مالی سنجیده و پرسشنامه‌ها توسط تعداد ۳۸۳ نفر از زنان استان یزد تکمیل شده است. نتایج حاصل از فرضیه فرعی اول نشان می‌دهد با افزایش علاقه‌مندی زنان به منابع و اطلاعات در دسترس، دانش مالی افزایش می‌یابد که با یافته‌های مانده (۲۰۲۰) همسو است. پژوهش کارنیرو و همکاران (۲۰۲۵) نیز به ارتباط سطح اطمینان با دانش مالی اشاره نمودند. با این وجود، در پژوهش حاضر، ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری و وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری بر دانش مالی اثر معنی‌داری ندارد. در فرضیه فرعی دوم، اطمینان مالی (علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس، ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری و وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری) بر نگرش مالی تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد. در ادامه نیز در فرضیه فرعی سوم تأثیر علاقه‌مند بودن زنان به منابع و اطلاعات در دسترس، ترس از مباحث پول و سرمایه‌گذاری و وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری بر رفتار مالی بررسی شد که نتایج نشان داد به استثناء وابستگی‌های عاطفی شدید به مسائل پول و سرمایه‌گذاری، مابقی متغیرها بر رفتار مالی مؤثر است. این یافته‌ها با پژوهش‌های کارنیرو و همکاران (۲۰۲۵)، وست و همکاران (۲۰۲۳)، موریس و همکاران (۲۰۲۲) هماهنگی دارد. مانده (۲۰۲۰) نیز دریافت علاقه به یادگیری امور مالی با سواد مالی بیشتر در ارتباط است.

به‌طور کلی نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل ساختاری، بیانگر تأثیر معنادار اطمینان مالی بر سواد مالی (نگرش مالی، دانش مالی و رفتار مالی) در زنان بوده و موانع روان‌شناختی مرتبط با آن می‌تواند بر نحوه درک زنان از اطلاعات مالی، تصمیم‌گیری‌های مالی و تعامل با محصولات مالی تأثیر بگذارد. پرداختن به این موانع روان‌شناختی، مستلزم برنامه‌های هدفمندی است که ضمن افزایش خودکارآمدی مالی، ریسک‌گریزی را کاهش داده و تعامل مؤثر سواد مالی را در میان زنان ترویج نماید؛ این برنامه‌ها می‌تواند شامل کارگاه‌های آموزشی و پلتفرم‌های دیجیتال باشد که با هدف توانمندسازی مالی زنان طراحی شده است. با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود آموزش‌های مناسبی برای زنان در مورد مدیریت پول و موضوعات سرمایه‌گذاری ارائه شود. همچنین این آموزش‌ها زودتر و در دختران جوان صورت پذیرد تا زنان فرصت بیشتری برای یک نقش فعال در مدیریت پول خودشان داشته باشند. از سوی دیگر، ضرورت دارد این آموزش‌ها از کیفیت مناسبی برخوردار باشد تا ضمن افزایش بینش زنان در مورد اهمیت سواد مالی، آن‌ها را به مشارکت در فعالیت‌های مالی و یادگیری در مورد مدیریت پول و سرمایه‌گذاری علاقه‌مند نماید. این آموزش‌ها می‌تواند با تغییر ذهنیت و تقویت اعتمادبه‌نفس در بانوان، به شکوفایی استعدادهای نهفته آن‌ها به‌ویژه در حوزه‌ی مالی کمک نماید. همچنین ایجاد تسهیلات برای مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، به گسترش فعالیت زنان در جامعه و خانواده، کمک شایانی می‌نماید.

با توجه به تفاوت‌هایی که در جوامع مختلف از نظر ویژگی‌های فردی روان‌شناختی وجود دارد، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تأثیر این ویژگی‌ها بر سواد مالی با رویکردی مقایسه‌ای در خانواده‌های شهری و روستایی و همچنین در شهرهای مختلف کشور صورت پذیرد تا در ادامه بتوان با دیدی جامع نسبت به برنامه‌ریزی‌های کلان در حوزه مالی فردی اقدام نمود. از سوی دیگر، با توجه

به اهمیت آموزش سواد مالی به زنان، به پژوهشگران توصیه می‌شود با اجرای طرح‌های پیمایشی و مستمر سنجش سواد مالی بانوان، نقش مؤثری در بهبود رفاه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایفا نمایند. همچنین، نویسندگان مراتب تشکر خود را از همه کسانی که در انجام این مقاله نقش داشته‌اند اعلام می‌دارند.

## ۶- منابع

- ۱- تفتیان، اکرم؛ و باقی‌نسب، فرزاد (۱۴۰۱). بررسی رابطه سواد مالی و مزیت رقابتی در شرکت‌های کوچک و متوسط با تأکید بر استراتژی کاهش ریسک تجاری، توسعه و سرمایه، ۸(۱)، ۱۸۷-۱۶۷. **doi:10.22103/jdc.2022.18242.1157**
- ۲- عبدالرزاق مطر؛ مروان، شریفی رنانی، حسین؛ قاسم شندی، ادیب؛ و حافظی، بهار (۱۴۰۳). بررسی تأثیرات کوتاه مدت و بلند مدت سواد مالی، شمول مالی و توسعه اجتماعی بر ثبات مالی در کشورهای عضو اوپک با استفاده از رویکرد PARDL، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۶(۲)، ۹۷-۲۱۶.
- ۳- قندهاری علویجه، سمانه (۱۴۰۳). عوامل مؤثر بر توانمندسازی بانوان برای تأمین امنیت روانی خانواده. *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان*، ۶ (۴، پیاپی ۲۱)، ۸۷-۱۰۱. **dor:20.1001.1.27831175.1403.6.4.6.2**
- 4- Aguiar-Díaz I, Zagalaz-Jiménez JR. Women and financial literacy in Spain. Does marital status matter? *J Women Aging*. 2022 Nov-Dec; 34(6):785-799. *Epub* 2021 Nov 10. **doi:10.1080/08952841.2021.1991194**
- 5- Asandimitra, N., & Kautsar, A. (2019). The influence of financial information, financial self efficacy, and emotional intelligence to financial management behavior of female lecturer. *Humanities & Social Sciences Reviews*, 7(6), 1112-1124. **doi:10.18510/hssr.2019.76160**
- 6- Ben Belgacem, S., Khatoun, G., Bala, H., & Alzuman, A. (2024). The Role of Financial Technology on the Nexus between Demographic, Socio-economic, and Psychological Factors, and the Financial Literacy Gap. *Sage Open*. **doi:10.1177/21582440241255678**
- 7- Carneiro, L. A., Pires, A. P. D. C. L., & Quelhas, S. (2025). Gender issues and investment decisions: An exploratory study for the brazilian financial market. *International Journal of Professional Business Review: Int. J. Prof. Bus. Rev.*, 10(1), 6. **doi:10.26668/businessreview/2025.v10i1.5270**
- 8- Chaulagain, R. P. (2015). Contribution of financial literacy to behavior. *Journal of Economics and Behavioral Studies*, 7(6 (J)), 61-71 . **doi:10.22610/jebss.v7i6(J).618**
- 9- Dangcil, A.Y., Ruiz, M.A., Mateo, M.R., & Alejo, J.A. (2024). Breaking Barriers: A Comprehensive Study on Financial Literacy Impacting Women Entrepreneurs' Financial Behavior. *International Journal of Entrepreneurship, Business and Creative Economy*. **doi:10.31098/ijebce.v4i2.2036**
- 10- Ezeza, N., David, N., & Andrew, N. (2025). The Influence of Cooperative Financial Literacy, Training and Advisory Strategies on Women's Financial Empowerment: A Review. *Asian Journal of Economics, Business and Accounting*. **doi:10.9734/ajeba/2025/v25i31701**
- 11- Happ, R., Hahn, J., Jang, K., & Rüter, I. (2022). Financial knowledge of university students in Korea and Germany. *Research in Comparative and International Education*, 17(2), 301-327. **doi:10.1177/17454999221086357**
- 12- Hwang, J. (2024). A research investigation of the knowledge and behavior of high school students in the domain of financial literacy and personal finance. *World Journal of Advanced Research and Reviews*. 3143-3153. **doi:10.30574/wjarr.2024.23.3.2002**
- 13- Iram, T., Bilal, A.R., & Latif, S. (2021). Is Awareness That Powerful? Women's Financial Literacy Support to Prospects Behaviour in Prudent Decision-making. *Global Business Review*. **doi:10.1177/0972150921996185**
- 14- Jennah, H. U. X. L. E. Y. (2022). OECD/INFE Toolkit for Measuring Financial Literacy and Financial Inclusion 2022.
- 15- Klatt, M. (2009). An assessment of women's financial literacy.
- 16- Kautsar, A., Asandimitra, N., & Aji, T. S. (2018). Financial self-efficacy and entrepreneurial leadership on SME performance. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 8(12), 1806-1816. **doi:10.6007/IJARBS/v8-i12/5326**
- 17- Manchanda, P., & Sukhija, S. (2019). A Study on Factors affecting Financial Literacy among Working Women in Punjab. *Journal of emerging technologies and innovative research*.
- 18- Mändmaa, S. (2020). Publication III. FINANCIAL LITERACY IN PERSPECTIVE—EVIDENCE FROM ESTONIAN AND FINNISH STUDENTS, 8(8), 669-692. **doi:10.33642/ijbass.v6n6p2**.
- 19- Morris, T., Maillet, S., & Koffi, V. (2022). Financial knowledge, financial confidence and learning capacity on financial behavior: a Canadian study. *Cogent Social Sciences*, 8(1). **doi:10.1080/23311886.2021.1996919**

- 20- Ms.Pavithra, T., & M.L, D.S. (2024). A STUDY ON WORKING WOMEN'S FINANCIAL DECISIONS IN BANGALORE NORTH. *EPRA International Journal of Economics, Business and Management Studies*. doi:10.36713/epra18606
- 21- OECD. (2020). PISA 2018 Results (Volume IV): Are Students Smart About Money? Paris: OECD Publishing. Pekkarinen, T. (2015). Gender differences in behaviour under competitive: Evidence on omission patterns in university entrance examinations. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 115, 94–110. doi:10.1016/j.jebo.2014.08.007
- 22- Świecka, B. (2019). A theoretical framework for financial literacy and financial education. *Financial literacy and financial education*, 1-12. doi:10.1515/9783110636956-001
- 23- Uzoamaka, C., Akpuokwe, C.U., Chikwe, C.F., & Eneh, N.E. (2024). Leveraging technology and financial literacy for women's empowerment in SMEs: A conceptual framework for sustainable development. *Global Journal of Engineering and Technology Advances*. doi:10.30574/gjeta.2024.18.3.0041
- 24- West, T., De Zwaan, L., & Johnson, D. (2023). Do women have lower levels of financial literacy, or are they opting out? A look at the non-response gender bias in financial literacy measurement. *Financial Services Review*, 31(1), 55-71. doi:10.61190/fsr.v31i1.3195

## Investigating the Effect of the Individual Trait of Financial Self-Efficacy on Women's Financial Literacy, Financial Attitudes, and Financial Behavior

Akram Taftiyan<sup>1\*</sup>, Mahsa Kaffashpour yazdi<sup>2</sup>, Zahra Ghanizadeh Zarch<sup>3</sup>

1- Department of Accounting, Faculty of Business and Market, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Corresponding Author)

Taftiyan@iau.ac.ir

2-Instructor, Department of Management and Accounting, Faculty of Humanities and Arts, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran.

mkaffashpour@tvu.ac.ir

3- Department of Accounting, Faculty of Business and Market, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

ghanizadehzahrae@gmail.com

### Abstract

Women's financial literacy is a key factor in household well-being and in the financial socialization of children. However, research shows that women's financial literacy levels are generally lower than those of men. One possible explanation lies in individual psychological traits such as financial self-efficacy. Accordingly, the present study aims to investigate the effect of financial self-efficacy on women's financial literacy. The statistical population consists of all women in Yazd province in the year 2024, and based on the recommended formula for structural equation modeling, a sample of 383 individuals was selected. Data on individual characteristics were collected using standardized questionnaires assessing women's interest in financial resources and available information, fear of financial matters, and strong emotional dependencies on money and investment. For measuring financial literacy, a standardized financial literacy questionnaire covering three dimensions—financial knowledge, financial attitude, and financial behavior—was used. The research hypotheses were tested using the structural equation modeling approach via Smart PLS software. The results indicate that financial self-efficacy has a significant and direct effect on financial knowledge, financial attitude, and financial behavior. Therefore, to improve women's financial literacy, it is essential to not only provide financial education but also focus on developing such individual traits.

**Keywords:** Financial self-efficacy, financial knowledge, financial attitude, financial behavior, women.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)

## مروری سیستماتیک بر تجارب جهانی در پیشگیری از خشونت خانگی

### حدیث اکبری مقدم\*<sup>۱</sup>، حکیمه اکبری مقدم<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه رفسنجان، رفسنجان، ایران. (نویسنده مسئول)

Akbari.hadis63@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه رفسنجان، رفسنجان، ایران.

akbari.hakime@yahoo.com

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۲/۷]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۳/۱۷]

### چکیده

خشونت خانگی یکی از مشکلات عمده سلامت افراد به شمار می‌آید. امروزه، پیشگیری از بروز این مشکل و همچنین مدیریت موارد خشونت خانگی در دنیا به‌عنوان یک اولویت مهم سلامت مورد توجه قرار گرفته است. هدف این پژوهش، بررسی مداخلات انجام شده و تجارب جهانی در زمینه پیشگیری از بروز خشونت خانگی و بررسی اثربخشی آن است. روش: این مطالعه از نوع مطالعات کیفی - توصیفی به روش مروری و با جستجوی نظام‌مند مقالات موجود در بانک‌های اطلاعاتی معتبر و با استفاده از کلمات کلیدی مرتبط انگلیسی و فارسی، با مرور و تحلیل مداخلات انجام شده در زمینه خشونت خانگی و میزان اثربخشی آن‌ها تحلیل شد. یافته‌ها: بعضی مداخلات در زمینه خشونت خانگی در بسیاری از کشورها شامل مداخلات متمرکز بر افراد آسیب‌دیده خصوصاً زنان و کودکان که شامل راهکارهایی از قبیل آموزش، جلب حمایت و مشاوره‌های روانی و درمانی افراد در معرض خطر است. مداخلات دیگر متمرکز بر کارکنان سیستم خدمات بهداشتی درمانی و سازمان‌های حمایتی به‌منظور آموزش و توانمندسازی آنان در زمینه تشخیص و مدیریت موارد خشونت خانگی است. بحث: توانمندسازی کارکنان مراکز بهداشتی درمانی برای غربالگری، تشخیص و مدیریت موارد خشونت خانگی و نیز آموزش کلیه افراد در زمینه عوامل زمینه‌ساز بروز خشونت، کسب مهارت‌های ارتباطی و سازگاری و انتخاب صحیح رفتارهای جایگزین در مواجهه با موقعیت‌های خشونت‌زا می‌تواند گام‌هایی مهم در پیشگیری یا کاهش خشونت خانگی باشد که این یافته‌ها با بسیاری از مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف همسو بوده است.

**واژگان کلیدی:** بدرفتاری، خشونت خانگی، پیشگیری از خشونت خانگی، همسر آزاری.

**۱- مقدمه**

خشونت خانگی<sup>۱</sup> به عنوان یک مسئله مهم در جوامع و طبقات اجتماعی شناخته شده که سال‌هاست در بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بحران‌هایی را به دنبال داشته است. متأسفانه به علت اهمال و بی‌توجهی‌های گذشته، هنوز به طور کامل کنترل نشده است. خشونت خانگی شامل هرگونه فشار، کشش، تهدید، زورگویی و تجاوز روانی یا جسمی به قربانیان خانواده است و می‌تواند تأثیرات بسیاری بر روی زندگی آن‌ها و در کل جامعه داشته باشد. با وجود این که خشونت خانگی فقط مربوط به قشر و سنین خاصی نمی‌شود و در همه سطوح جامعه و گروه‌های جمعیتی خسارت و صدمات وارد می‌کند اما طبق آمارها، زنان و کودکان بیشترین گروه قربانیان را تشکیل می‌دهند. در این دوران که هنوز زنان یا دخترانی وجود دارند که در موقعیت خشونت‌بار زندگی می‌کنند، توجه به موضوع خشونت خانگی، به جهت تبعات زیان‌بار آن در کیان خانواده، از اهمیت بسیاری برخوردار است. مسئله خشونت خانگی در میان افراد مختلف با سطوح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تفاوت، می‌تواند مصادیق متفاوتی داشته باشد؛ چراکه خشونت به علت تفاوت‌های فرهنگی و برخی هنجارهای اجتماعی دیگر به درستی تعریف نشده است. به گونه‌ای که پیوستاری از بی‌اعتنایی و اخم کردن، با صدای بلند سخن گفتن تا سبیلی خوردن که آزار بدنی است و کشته شدن و قتل را رفتاری خشونت‌آمیز می‌دانند (کیانپور و همکاران، ۱۳۹۹). الگوهای خشونت خانگی حاکی از آن است که این خشونت‌ها مبتنی بر حفظ قدرت و کنترل است. در حقیقت زمانی رابطه به خشونت تبدیل می‌شود که یکی از طرفین احساس کند که نیاز به تسلط بر دیگری به هر شکل و طریقی دارد (تقی زاده و همکاران، ۱۴۰۲). خشونت خانگی، ریشه‌ها و عوامل مختلفی دارند که در هر کشور و جوامعی متفاوت است اما یکی از اصلی‌ترین آن، آموزش و تفکرات نادرست درباره نقش زنان و مردان و حتی کودکان در جامعه است. این نوع دیدگاه‌ها قطعاً می‌تواند شیوع خشونت خانگی را تشدید کند. به‌طور کلی ریشه‌های خشونت در برابر افراد قربانی از عوامل فرهنگی، اجتماعی و روانی ناشی می‌شود. خشونت نسبت به زنان و کودکان نه صرفاً برای خود آن‌ها، بلکه برای جامعه به‌طور کلی خطرناک است. این موضوع باعث شده تا بسیاری از سازمان‌های مدنی و نهادهای حقوقی در سراسر دنیا تلاش کنند تا برای پیشگیری از این پدیده، آگاهی عمومی را افزایش دهند و راه‌هایی را برای حمایت از قربانیان خشونت خانگی فراهم کنند. قربانیانی که خشونت‌های خانگی بیشتری دارند نسبت به قربانیانی که فقط یک الی دو بار دچار خشونت شدند عواقب جدی‌تری را تجربه می‌کنند و ممکن است سلامت روان و جسم آن‌ها در خطر جدی مانند آسیب‌های جسمی، اختلالات روانی، ابتلا به بیماری‌هایی مانند ایدز و هپاتیت، اختلالات رفتاری در کودکان و در بعضی موارد منجر به مرگ شود.

**۲- مرور مبانی نظری و پیشینه**

خشونت خانگی یک مسئله جهانی است که هم زنان و هم مردان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و میزان شیوع آن بسیار متفاوت است. خشونت خانگی خشونتی است که توسط فردی در حلقه خانواده قربانی اعمال می‌شود؛ که شامل اعضای نزدیک خانواده، سایر بستگان و دوستان خانواده می‌شود. اصطلاح خشونت خانگی زمانی استفاده می‌شود که رابطه نزدیکی بین مجرم و قربانی وجود داشته باشد. الگوی رفتاری در رابطه‌ای تعریف می‌شود که برای به دست آوردن یا حفظ قدرت و کنترل بر شریک صمیمی استفاده می‌شود. سوءاستفاده معمولاً عمدی است، اما نه همیشه که در برخی موارد منجر به مرگ می‌شود. خشونت در خانواده یا خشونت خانگی خشونتی است که در محیط خصوصی به وقوع می‌پیوندد و عموماً در میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت یا ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند و بیشترین میزان آن علیه زنان و کودکان و سالمندان اعم از زن و مرد اعمال می‌شود (ستایش و

<sup>۱</sup> Domestic Violence

همکاران، ۱۳۹۶). خشونت فقط شامل حمله فیزیکی نیست، بلکه هر نوع رفتاری که مردان یا زنان به قصد کنترل و ارباب دیگر اعضای نزدیک خانواده خود در پیش می‌گیرند نیز شامل خشونت است. کنترل و اربابی که مردان علیه زنان اعمال می‌کنند، فقط زمانی آشکار می‌شود که آزار جنسی<sup>۱</sup>، حرکات تهاجمی، توهین و رفتارهای دیگری را که مردان برای مهارکردن زنان ابداع کرده‌اند نیز در نظر بگیریم (نجم عراقی، ۱۴۰۳). خشونت خانگی اصطلاحی گسترده است که به‌طور معمول شامل خشونت شریک صمیمی<sup>۲</sup> (مانند خشونت جنسی، جسمی، روانی<sup>۳</sup> و همسر آزاری<sup>۴</sup>) سوءاستفاده از بزرگ‌ترها (به‌عنوان مثال اقدامات سهل‌انگارانه یا عمدی که باعث آسیب می‌شود) و کودک‌آزاری (شامل بی‌توجهی، آسیب جسمی، خشونت جنسی و آسیب‌های عاطفی) می‌شود (Zapater et al, 2021). برای زنان، شیوع مادام‌العمر در سطح جهانی بین ۲۰ تا ۵۰ درصد است (Kimmel, 2003)، درحالی‌که برای مردان، میزان خشونت فیزیکی بین ۳/۴ تا ۲۰/۳ درصد است (Kolbe & Büttner, 2020). خشونت خانگی تأثیرات قابل‌توجهی بر سلامت، کار و زندگی خانوادگی قربانیان دارد. در یک مطالعه، ۳۸/۷ درصد از قربانیان زن به مراقبت‌های پزشکی نیاز داشتند، ۱۸/۱ درصد ناتوان از کار بودند و ۶۶/۷ درصد کودکانی داشتند که شاهد خشونت بودند (Miranda et al, 2010). عوامل خطر عبارت‌اند از سوءمصرف الکل، حسادت، بیماری روانی و مدت کوتاه رابطه (Kolbe & Büttner, 2020). شرم و ترس اغلب قربانیان را از درخواست کمک باز می‌دارد (Miranda et al, 2010).

مطالعات نشان دادند بزرگ‌ترین ریسک فاکتور برای ابتلا به خشونت خانگی در بزرگسالان زن بودن و داشتن تجربه بدرفتاری<sup>۵</sup> در کودکی است و به‌طورکلی زنان بیشتر از مردان دچار خشونت خانگی می‌شوند. به‌طور سیستماتیک خشونت خانگی با توجه شیوع بالاتر آن باید در تمام مراکز سلامت روان مورد ارزیابی و غربالگری قرار گیرد. هرچند ریسک فاکتورهایی از قبیل افسردگی، سوءمصرف مواد، آسیب‌ها و اختلالات فیزیکی فرد نیز وجود دارد (Roberts et al, 1993). در مطالعه‌ای در هند نشان داده شد که کلیه خشونت‌های فیزیکی در افرادی که از مشکل ذهنی و روانی رنج می‌برند افزایش می‌یابد. در این مطالعه شیوع مشکلات روانی در بین زنان مورد خشونت فیزیکی قرارگرفته‌اند در حدود ۴۷٪ بوده است (Golding, 1999). بسیاری از زنان صرفاً به دلیل زن بودنشان انواع خشونت را در سطح جامعه و خانواده تجربه می‌کنند (یزدان پناه دولت‌آبادی، توحیدی و رحمتی، ۱۴۰۰). خشونت علیه زنان می‌تواند در هر مرحله از زندگی یک زن رخ دهد، اما در بحران‌ها پیچیده‌تر می‌شود. شیوع کووید-۱۹ این خشونت را به‌ویژه برای زنان و کودکان تشدید کرده است در این راستا سند منتشر شده توسط صندوق جمعیت سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که برای هر سه ماه قرنطینه خانگی در شرایط مانند شیوع کرونا، ۱۵ میلیون مورد خشونت نسبت به زنان و کودکان تحت عنوان خشونت خانگی پیش‌بینی می‌شود (شریفی، لارکی و لطیف نژاد رودسری، ۲۰۲۰). خشونت از هر نوع موجب می‌شود که فرد قربانی از ارزش و اعتبار انسانی تهی شود و جراحات جسمانی و ضربه‌های روانی ناشی از آن تبعات بسیاری برای زندگی فرد قربانی به دنبال دارد (فرگت، اکبری گوابری و حسین خازنده، ۱۴۰۰). چنانچه از خشونت خانگی به‌عنوان یک مشکل عمده سلامت افراد و به‌عنوان یک اپیدمی پنهان ادامه‌دار یاد می‌شود (Alesina, Brioschi & Ferrara, 2020) که می‌تواند کیفیت زندگی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس نتایج پژوهش ویچر و شاما<sup>۶</sup> (2010) خشونت خانگی موجب کاهش کیفیت زندگی و سلامت روان افراد می‌شود و توانایی، استقلال و مولد بودن زندگی عادی آن‌ها را به شدت تهدید می‌کند. تحقیقات قنبری و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهد زنان و کودکانی که سابقه خشونت خانگی دارند، از سلامت جسمی و روانی کمتر و کیفیت زندگی پایین‌تری نسبت به افراد بدون سابقه خشونت برخوردارند

1 sexual harassment

2 Intimate partner violence

3 psychological violence

4 Spouse Abuse

5 Abuse

6 Vachher &amp; Shama

(کوهبومی و همکاران، ۱۴۰۱). در ایران بسیاری از این زنان با توجه به شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی خود، تحت پوشش سازمان‌های حمایتی همچون بهزیستی و کمیته امداد امام (ره) قرار می‌گیرند.

سال ۱۹۹۷ سازمان جهانی بهداشت خشونت خانگی را محدوده‌ای از اقدامات (فشارآورنده، اجباری) جسمی، روانی و جنسی که توسط شریک نزدیک یا پیشین علیه زنان، نوجوان و بزرگسال انجام گیرد تعریف کرد (Faruk & Dogan, 2006). متخصصان سلامت نیز خشونت خانگی علیه زنان را یک مشکل عمده سلامت عمومی به حساب می‌آورند. زنان قربانی خشونت خانگی اغلب از جراحات فیزیکی و بسیاری از خشونت خانگی، مشکلات مزمن سلامت رنج می‌برند (Othman & Adenan, 2008) که می‌تواند منجر به افزایش ۵۰ تا ۷۰ درصدی مشکلات سیستم عصبی مرکزی، اختلال در سلامت روانی و عاطفی، افزایش موارد اقدام به خودکشی، وابستگی به مواد و اختلالات شخصیت ضداجتماعی در زنان شود (Wathen & MacMillan, 2003). در سال ۲۰۰۶ نتایج مطالعه‌ای در زمینه خشونت خانگی که با همکاری سازمان جهانی بهداشت انجام شده بود، نشان داد که میزان شیوع خشونت خانگی علیه زنان توسط شریک نزدیک در طول زندگی از ۱۵٪ در ژاپن تا ۷۱٪ در اتیوپی متفاوت است و شیوع خشونت جسمی جنسی اعمال شده در سال قبل از آن بین ۴٪ تا ۵۴٪ بود (Audi et al, 2008). بنابر گزارش بانک جهانی، ۱۹٪ از کل هزینه بیماری‌های زنان ۱۹ تا ۴۴ ساله در کشورهای صنعتی مربوط به خشونت خانگی و تجاوز است. این به این معناست که از هر ۴ سال زندگی سالم این زنان، ۱ سال به علت صدمات، بیماری یا مرگ زودرس مرتبط با خشونت خانگی از دست می‌رود (نجومی و همکاران، ۲۰۰۷). در میان عوامل خطر اصلی مرگومیر، خشونت میان زوجین و تجاوز به عنف در رده‌های بالاتر از سرطان، تصادف‌های وسایل نقلیه موتوری، جنگ و مالاریا قرار دارد و ۱۵-۹ درصد از سال‌های زندگی زنان ۱۵-۴۴ ساله به دلیل خشونت از دست می‌رود. بر طبق آمار سازمان جهانی بهداشت از هر سه زن، یک نفر خشونت جنسی یا جسمی به‌وسیله شریک جنسی خود تجربه می‌کند که میزان خشونت در منطقه جنوب شرقی آسیا ۷/۳۷ درصد برآورد شده است (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۷).

در ایران نیز مطالعات انجام شده در دهه اخیر وجود این پدیده و عوارض ناشی از آن را تأیید می‌کند. به گزارش سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۴۰۱ ۲۱ هزار و ۴۰۶ مورد کودک‌آزاری از طریق خط ۱۲۳ اورژانس اجتماعی گزارش شده است که توسط گروه‌های مداخله اورژانس اجتماعی بررسی، پیگیری و تحت پوشش قرار داده شده‌اند (سلامت نیوز، ۱۴۰۱). در سال ۱۳۸۳ نتایج بررسی احمدی و همکارانش بر روی ۱۱۸۹ زن متأهل ۱۵ سال به بالای تهرانی نشان داد ۳۵٪ از این زنان تحت انواع خشونت خانگی قرار داشته‌اند که به تفکیک ۳۰٪ تحت خشونت جسمی، ۲۹٪ خشونت روانی و ۱۰٪ خشونت جنسی بوده‌اند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۵). همچنین نتایج بررسی‌های نجومی و همکارانش در سال ۱۳۸۲ روی عده‌ای از زنان باردار تهرانی نشان داد که شیوع خشونت جسمی علیه زنان در دوران بارداری ۱۰/۷ درصد و تجربه آزار جسمی ۳ ماه قبل از بارداری نیز ۱۱/۹ درصد بوده است (نجومی و همکاران، ۲۰۰۷؛ احمدی و سلیمان اختیاری، ۱۳۸۹). نتایج یک مطالعه ملی در ایران گزارش می‌کند که ۶۶ درصد زنان، حداقل یک‌بار از ابتدای زندگی مشترک خشونت را تجربه کرده‌اند. همچنین، پزشکی قانونی اعلام کرده است از دو میلیون زن مراجعه‌کننده به این سازمان، نیم میلیون زن قربانی خشونت خانگی بوده‌اند، خشونت علیه زنان می‌تواند باعث پیامدهای متعدد بر سلامت آنان از جمله ناباروری، ناتوانی‌های جسمی، سردردهای مزمن، مصرف مواد مخدر، اقدام به خودکشی و اختلالات روانی شود (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۷). در میان انواع خشونت‌ها علیه زنان، شایع‌ترین نوع آن، خشونت خانگی یا خشونت توسط همسر است که به‌عنوان تهدید، خشونت و سوءاستفاده اعم از روانی، جسمی، جنسی، مالی تعریف شده است؛ این نوع خشونت‌ها روز به روز در حال افزایش است. تحقیقات تقدیسی و همکاران در سال ۱۳۹۴ با توجه به شیوع خشونت نشان داد زنان نیازمند توانمندی هستند. یکی از مفاهیم الگوی توانمندسازی، خود کارآمدی است. همچنین در مطالعه تاورا (2003) خودکارآمدی درک شده و غربالگری اجزای مهمی برای

پیشگیری از خشونت خانگی به حساب آمد (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۴). در دهه‌های اخیر، پیشگیری اولیه از بروز موارد خشونت خانگی و همچنین شناسایی افراد خشونت دیده و مدیریت این موارد در بسیاری از کشورها به‌عنوان یک اولویت سلامت زنان مورد توجه قرار گرفته است و انواع مختلفی از مداخلات با راهکارهای متنوع از جمله راهکارهای آموزشی، حمایتی و قانونی برای برخورد درست با این مشکل عمده سلامت با هدف کاهش و پیشگیری از خشونت خانگی<sup>۱</sup> طراحی و اجرا شده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی تجارب جهانی در مداخلات انجام شده در زمینه پیشگیری از خشونت خانگی، افزایش موارد شناسایی خشونت خانگی و مدیریت موارد تشخیص داده شده، به بررسی میزان اثربخشی این مداخلات بپردازد تا زمینه برای انتخاب و اجرای مداخلات مناسب و مؤثر فراهم گردد و در نهایت سبب کاهش شیوع خشونت خانگی و پیشگیری از بروز موارد جدید خشونت خانگی گردد.

### ۳- روش‌شناسی

این پژوهش یک مطالعه کیفی-توصیفی بود که با روش مرور نظام‌مند پژوهش‌های پیشین انجام شد. در این بررسی، با استفاده از کلمات کلیدی انگلیسی مرتبط مانند «خشونت خانگی»، «آزار جنسی»، «زنان مورد آزار»، «همسرآزاری»، «خشونت شریک عاطفی» و «آزار شریک»، مقالات موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر مانند PubMed، EBSCO، و Database Cochrane جستجو شدند. همچنین، با کلمات کلیدی فارسی مانند «خشونت خانگی»، «همسرآزاری» و «بدرفتاری»، پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی از جمله بانک اطلاعات مقالات علوم پزشکی و پایگاه اطلاعات علمی (SID) مورد بررسی قرار گرفتند. در مرحله نخست، ۱۳۸ مقاله به‌دست آمد و خلاصه این مقالات در بانک اطلاعاتی پژوهش ثبت شد. پس از حذف مقالات تکراری و بررسی خلاصه مقالات باقی‌مانده، مقالات غیرمرتبط کنار گذاشته شدند. در نهایت، ۵۶ مقاله مرتبط به زبان‌های فارسی و انگلیسی برای تحلیل نهایی انتخاب شدند.

جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی و انگلیسی به شناسایی مطالعاتی منجر شد که به بررسی اپیدمیولوژیک خشونت خانگی پرداخته بودند. این مطالعات شامل بررسی انواع خشونت خانگی علیه زنان، کودکان و سالمندان، میزان شیوع آن‌ها، مداخلات انجام‌شده و نتایج آن‌ها در کشورهای مختلف بود. همه مقالات مروری و غیرمروری که به مقایسه گروه‌های مورد و شاهد در این زمینه پرداخته بودند، در این مطالعه گنجانده شدند. با اولویت دادن به جدیدترین و مرتبط‌ترین مقالات، هیچ محدودیتی از نظر زمان یا مکان انجام پژوهش برای انتخاب مقالات اعمال نشد. برای تحلیل مقالات نهایی، اطلاعات کلیدی شامل جمعیت هدف، نوع مداخله و نتایج آن‌ها استخراج شد. برای درک بهتر و ساده‌سازی تحلیل‌های بعدی، نتایج به‌صورت خلاصه در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

### ۴- یافته‌ها

برنامه‌ریزی جهت پیشگیری از خشونت، نیازمند بررسی گسترده این موضوع و داشتن نگاه جامع، گسترده و دید باز برای یافتن ریشه‌های خشونت خانگی و مقابله با آن‌ها است و در این راستا، بررسی مطالعات کیفی می‌توانند مفید باشند (هاشمیان و همکاران، ۱۳۹۷). پیشگیری از خشونت خانگی مستلزم آموزش احترام، روابط سالم و ارائه خدمات حمایتی برای قربانیان است (Protsenko, 2020). شورای اروپایی حقوق بشر با توجه به آمار گسترده خشونت و به دلیل عدم کفایت اسناد بین‌المللی و قوانین ملی موجود در به رسمیت شناختن تمام اشکال خشونت علیه زنان، پس از ارزیابی چهار پیش‌نویس، در سال ۲۰۱۱ کنوانسیون با نام پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی، موسوم به کنوانسیون استانبول را تدوین نمود (Grans, 2018). این سند

ماهیتی مترقی و تحول پذیر دارد و ابزاری قوی به منظور تغییرات سیستمی و عدالت جنسیتی و اجتماعی محسوب شده است. حمایت از زنان در برابر تمام اشکال خشونت، پیشگیری، تعقیب و از بین بردن خشونت علیه زنان و خشونت خانگی در عرصه عمومی و فضای خصوصی، همچنین محو تمام اشکال تبعیض و ترویج تساوی حقیقی میان زنان و مردان از طریق توانمندسازی زنان و حذف قوانین و رویه‌های تبعیض آمیز، از رهگذر طراحی یک چارچوب جامع، سیاست‌ها و اقدامات، سازکارهای نظارتی جهت حمایت از قربانیان خشونت موضوع این کنوانسیون، چه در زمان صلح و یا درگیری مسلحانه، از اهداف این کنوانسیون هستند (آذری و بابازاده، ۱۴۰۰). هم‌اکنون کشورهای آلبانی، آندورا، اتریش، بلژیک، بوسنی و هرزگوین، کرواسی، قبرس، دانمارک، استونی، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، هلند، نروژ، پرتغال، لهستان، رومانی، صربستان، اسپانیا، سوئد، ترکیه، سوئیس، سان مارینو، لوکزامبورگ از مهم‌ترین کشورهای اروپایی هستند که هر سه مرحله امضای سند، تصویب در داخل و لازم الاجراء شدن را طی کرده‌اند (آذری و بابازاده، ۱۴۰۰).

پیشگیری از خشونت خانگی نیازمند رویکردی چندوجهی است که شامل اقدامات قانونی، اجتماعی و آموزشی است. چندین کشور استراتژی‌های مؤثری مانند اختیارات پلیس اتریش برای بیرون راندن مجرمان و ارائه پشتیبانی از طریق مراکز مداخله را اجرا کرده‌اند. آموزش با برنامه‌هایی که مهارت‌های ارتباط سالم را به جوانان آموزش می‌دهند، نقش مهمی ایفا می‌کند (Protsenko, 2020). محکومیت عمومی مجرمان، همان‌طور که در بلغارستان و لهستان انجام می‌شود، می‌تواند یک بازدارنده مؤثر باشد. ایالات متحده بر خدمات اجتماعی خانواده محور تمرکز دارد و برای قربانیان سرپناه فراهم می‌کند. صربستان برای رسیدگی به خشونت خانگی اقدامات جنحه ای را آغاز کرده است (Mitrović, 2024). همکاری بین‌المللی و یادگیری از شیوه‌های موفق، مانند سیستم فرانسه، می‌تواند تلاش‌های پیشگیری را بهبود بخشد (Magomedov, 2022).

به‌طور کلی، یک رویکرد جامع شامل اجرای قانون، آموزش، حمایت اجتماعی و مشارکت اجتماعی برای جلوگیری از خشونت خانگی و پرورش فرهنگ احترام و عدم خشونت ضروری است (Protsenko, 2020). مطالعات یافت شده در این خصوص در جدول شماره ۱ به‌طور خلاصه بیان می‌گردد.

جدول ۱: مطالعات یافت شده در خصوص مداخلات انجام شده جهت پیشگیری از خشونت خانگی

عنوان پژوهش	نویسنده	جامعه آماری پژوهش	نتیجه پژوهش
غربالگری خشونت خانگی: همبستگی نهادهای آموزشی و حمایتی در سال ۲۰۰۳	ال ای تاور	۱۸۸ نفر از زنان ساکن شهر فلوریدا	آموزش خودکارآمدی و آگاهی باعث کاهش خشونت خانگی می‌شود
نفس میانجی تاب‌آوری در رابطه بین استرس و رضایت از زندگی در بین دانشجویان چینی رشته پزشکی: یک مطالعه مقطعی در سال ۲۰۱۵	شی م، وانگ س، بیان ی، وانگ ل	۲۹۲۵ نفر از دانشجویان چهار کالج و دانشگاه پزشکی در استان لیائونینگ چین	مداخله آموزشی بر اساس الگوی خودکارآمدی و با استفاده از راهبردهای آموزش بهداشت سبب تغییرات معنی‌دار آماری در خودکارآمدی در گروه مداخله و کنترل می‌گردد
آموزش در قالب سرگرمی به‌عنوان مداخله‌ای برای نوجوانان سیاه‌پوست در معرض خشونت اجتماعی در سال ۲۰۱۲	آلن وی دی، سولومون پی	۶۰ نفر از نوجوانان سیاه‌پوست قرار گرفته در معرض خشونت اجتماعی در فیلادلفیا	خود کارآمدی بالا به میزان بیشتری از خشونت خانگی جلوگیری می‌کند
تأثیر مداخله آموزشی بر افزایش خودکارآمدی و آگاهی زنان برای پیشگیری از خشونت خانگی در سال ۱۳۹۴	محمدحسین تقدیسی، مرضیه لطیفی، محمد	۹۱ نفر از زنان همسر دار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهرستان گرگان	مداخله آموزشی و به کار بردن روش‌های افزایش خود کارآمدی باعث ارتقاء سطح آگاهی و خود کارآمدی افراد می‌شود که

ارتباط معناداری با کاهش خشونت دارد	اسحاق افکاری، مریم دستورپور، فاطمه استبصاری، فیصل جمالزاده		
کاهش معنی‌دار در تهدید و موارد خشونت فیزیکی و کاهش توجه نکردن به دریافت دستورالعمل‌های حفاظتی ۲ ساله مشاهده شد	۱۵۰ نفر از زنان سیاه‌پوست، اسپانیایی تبار و سفیدپوست	مک‌فارلین جی، مالچا ای، گیست جی، واتسون کی، باتن ای، هال آی	احکام حمایتی و خشونت علیه شریک زندگی: مطالعه‌ای یک ماهه روی ۱۵۰ زن سیاه‌پوست، اسپانیایی تبار و سفیدپوست در سال ۲۰۰۴
در زنان با ۸ جلسه آموزشی و کاهش در میزان روابط جنسی و خشونت جنسی محافظت نشده یک ماه و یک سال بعد و در کوتاه‌مدت، زنان هر دو گروه میزان بیشتری از استفاده از استراتژی‌های ایمن برای داشتن روابط جنسی ایمن (به دور از خشونت) داشتند	۳۶۰ نفر از زنان ۱۸ تا ۳۰ ساله مراجعه‌کننده به کلینیک تنظیم خانواده در آمریکا که خشونت فیزیکی توسط همسر یا شریک نزدیک را گزارش دادند	ملندز ر، هافمن س، اکسنت، لئو س س، ارهارت	خشونت علیه شریک جنسی و مذاکره در مورد رابطه جنسی امن: تأثیرات مداخله‌ای مختص جنسیت در سال ۲۰۰۳
کاهش معنی‌داری در نمره اضطراب ۱۶ زن خشونت دیده در گروه مورد پس از مداخله و تغییر معنی‌دار در سطوح اعتماد به نفس و افسردگی در گروه مورد نسبت به گروه شاهد دیده شد	۱۵۰ نفر از زنان خشونت دیده فیزیکی روانی در دو پناهگاه در کره جنوبی	کیم س، کیم ج	تأثیرات مداخله گروهی برای زنان آسیب‌دیده در کره جنوبی
کاهش معنی‌داری در شدت خشونت در همه گروه‌ها در هر دوره بررسی، پس از ۲ ماه کاهش معنی‌دار نمره خشونت در گروه سوم نسبت به گروه دوم و پس از ۶ و ۱۲ و ۱۸ ماه تفاوت معنی‌داری بین گروه‌ها مشاهده نشد	۳۲۹ نفر از زنان اسپانیایی بارداری که قبل و یا در طول بارداری مورد خشونت همسر فعلی یا سابق قرار گرفته بودند	مک‌فارلن جی، سوکن کی، ویست دبلیو	ارزیابی مداخلات برای کاهش خشونت از سوی شریک جنسی علیه زنان باردار در سال ۲۰۰۰
کاهش معنی‌دار موارد خشونت خانگی در زنان گروه مورد مداخله در هر بار پیگیری دیده شد	۱۳۲ نفر از زنان باردار مراجعه‌کننده به کلینیک عمومی در تگزاس و ویرجینیا که قبل از یا در دوران بارداری مورد خشونت همسر قرار گرفته بودند	پارکر ب، مک‌فارلین ج، سوکن ک، سیلوا س، ریل س	آزمایش مداخله‌ای برای جلوگیری از سوءاستفاده بیشتر از زنان باردار در سال ۱۹۹۹
افزایش ۱۰ درصدی در میزان غربالگری زنان مراجعه‌کننده پس از مداخله و افزایش ۷۹ درصدی تمایل زنان به این‌که مورد غربالگری قرار گیرند مشاهده شد	کارکنان ۱۵ مرکز مراقبت‌های اولیه کارولینای شمالی	باندز دی ای، الیس اس دی، ویکس ای، پالا اس ال، بیچستین پی	مداخله‌ای عمل‌محور برای افزایش غربالگری خشونت خانگی در مراکز مراقبت‌های اولیه در سال ۲۰۰۶
افزایش میزان غربالگری کارکنان حین ویزیت از ۲۱٪ به ۴۶٪، افزایش تشخیص حداقل یک مورد خشونت خانگی در شش ماه گذشته از ۴۰٪ به ۵۳ درصد و	۸۴ نفر از کارکنان و دانشجویان و پزشکان مقیم بیمارستانی در ایالات متحد	برگر آر پی، بوگن دی، دولانی تی	اجرای برنامه‌ای برای آموزش رزیدنت‌های اطفال و اساتید در مورد خشونت خانگی در سال ۲۰۰۲

میزان آگاهی کارکنان از منابع مالی و سایر منابع حمایتی در زمینه خشونت خانگی به طور معنی داری از ۲۲٪ به ۵۳٪ افزایش یافت			
نتایج مداخله در افزایش آگاهی پرستاران و کارکنان پزشکی مرکز از خشونت خانگی به عنوان یک مشکل بهداشتی اثربخش بود ولی افزایش موارد غربالگری معنی دار نبود	۳۵ نفر از پرسنل مرکز اورژانس بیمارستانی در سیدنی استرالیا	رامسدن سی، بونر ام	نگاهی واقع بینانه به غربالگری خشونت خانگی در بخش اورژانس در سال ۲۰۰۲
افزایش معنی دار در تشخیص موارد تأیید شده خشونت خانگی و بهبود مدیریت موارد پس از مداخله دیده شد ولی این افزایش معنی دار در یک سال بعد مشاهده نشد	کارکنان ۱۵ مرکز اورژانس در نیوزیلند شامل پرستاران، پزشکان و مسئولین پذیرش	فنسلو جی ال، نورتون آر آن	پیشگیری یک ساله پروتکل بخش اورژانس برای زنان مورد آزار و اذیت قرار گرفته در سال ۱۹۹۹
خدمات اضطرابی (مانند سامانه های هوشمند اعلام خشونت و خانه های امن بهزیستی)، مداخلات عدالت ترمیمی (شامل نشست های ترمیمی، حلقه های صلح و میانجی گری)، مداخلات اقتصادی (مانند ایجاد شغل و تأمین معاش خانواده)، مداخلات فرهنگی (مانند آموزش رفتارهای کرامت مدار، برنامه های رسانه ای و فرهنگی) و توانمندسازی زنان به عنوان راهکارهای پیشگیری از خشونت خانگی مطرح شده اند.	زنان آسیب دیده یا در معرض آسیب	نیوشاتقی زاده، حسین آقابابایی، محمدرضا نظری نژاد	مخاطرات خشونت خانگی علیه زنان و راهکارهای پیشگیری از آن در سال ۱۴۰۲
آموزش مهارت های ارتباطی بر کاهش خشونت روانی و کلامی مؤثر و به ترتیب با شدت اثر ۶۴ درصد و ۵۲ درصد، از نظر آماری در سطح ۰/۰۵ معنی دار بود	۳۰ نفر زن قربانی خشونت خانگی شهر کرج	هلاله دلسوز خاکی، سیدموسی کاف، شهلا معظمی، جواد طهماسبی	اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی بر کاهش خشونت روانی و کلامی در زنان قربانی خشونت خانگی شهر کرج در سال ۱۳۹۹
نشان دهنده رابطه مثبت و معناداری بین خشونت خانگی علیه زنان با همه گیری کووید ۱۹ بود. همچنین رابطه مثبت و معنادار بین ابعاد خشونت خانگی علیه زنان و همه گیری کووید ۱۹ وجود داشت	۹۶۱ نفر از زنان متأهل، بالای سیزده سال و ساکن ایران	حانیه پروین، معصومه معارف وند، مریم لطیفیان	خشونت خانگی علیه زنان قبل و حین همه گیری کووید ۱۹

به طور کلی مداخلات در زمینه پیشگیری اولیه یا ثانویه از خشونت خانگی به دو دسته کلی تقسیم می شوند: دسته اول، مداخلاتی که بر روی زنان و کودکان و با هدف کاهش موارد خشونت خانگی علیه آنان و ارتقاء وضعیت سلامت آنان انجام می شود. این مداخلات از طریق راهکارهایی از قبیل جلب حمایت زنان، مشاوره های آموزشی، روانی و درمانی انجام می شود (McFarlane et al, 2004; Melendez et al, 2003; Kim & Kim, 2001; McFarlane et al, 2000). دسته دوم از مداخلات به منظور توانمندسازی کارکنان مراکز

بهداشتی درمانی و سازمان‌های مرتبط با سلامت زنان و کودکان در زمینه پیشگیری اولیه و یا کاهش موارد خشونت خانگی انجام شده است. این مداخلات از طریق راهکارهایی از قبیل آموزش کارکنان در زمینه خشونت خانگی، فراهم آوردن شرایط و منابع لازم برای پیشگیری اولیه یا ثانویه از خشونت خانگی و همچنین نحوه برخورد با موارد خشونت خانگی انجام می‌شوند. به‌طور کلی، پیامد حاصل از این مداخلات، حساس شدن ارائه دهندگان خدمات بهداشتی، ترغیب شدن آنان به معاینه روتین آثار خشونت و طراحی و اجرای پروتکل‌های مدیریت خشونت خانگی در محیط‌های ارائه خدمات سلامت است (Berger et al, 2002؛ Bonds et al, 2006؛ Shepard et al, 1999؛ Wiist & McFarlane, 1999؛ Fanslow & Norton, 1999؛ Larkin et al, 2000؛ Ramsden & Bonner, 2002؛ Harwell et al, 1998؛ Fanslow & Norton, 1998؛ 1999). هدف نهایی این دسته از مداخلات نیز به‌طور غیرمستقیم مانند مداخلات دسته اول کاهش موارد خشونت خانگی و ارتقاء وضعیت سلامت است. از دو دهه اخیر و در اکثر این مطالعات، مداخلات آموزشی منجر به افزایش میزان غربالگری و شناسایی موارد تشخیص خشونت خانگی در مراجعه‌کنندگان شد. این مداخلات در بسیاری از مطالعات سبب افزایش موارد ارجاع و ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایتی از زنان خشونت دیده و پیشگیری از بروز خشونت خانگی شد. این یافته‌ها نیاز به اقدامات پیشگیرانه و حمایت تخصصی از همه قربانیان خشونت خانگی را برجسته می‌کند.

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل نتایج حاصل از بررسی‌ها، نشان‌دهنده اهمیت مداخلات آموزشی در پیشگیری اولیه و یا کاهش موارد خشونت خانگی علیه زنان و کودکان و سالمندان بود. همان‌گونه که مشاهده شد، تحلیل نتایج حاصل از مطالعات مورد بررسی، اثربخشی انواع مداخلات در زمینه خشونت خانگی بر روی کارکنان بهداشتی درمانی را نیز نشان می‌دهد. به‌طوری‌که در بسیاری از مطالعات، پس از انجام مداخله، افزایش معنی‌داری در میزان غربالگری موارد خشونت خانگی علیه زنان در بین پرستاران، پزشکان و سایر کارکنان مراکز بهداشتی درمانی از جمله بیمارستان‌ها، مراکز ارائه مراقبت‌های اولیه و مراکز ارائه مراقبت‌های دوران بارداری مشاهده شد. همچنین مداخلات آموزشی بر روی کارکنان بهداشتی درمانی و نهادهای حمایتی منجر به افزایش معنی‌دار میزان آگاهی آنان از منابع مالی و سایر منابع حمایتی قربانیان خشونت خانگی شد از طرفی تعداد موارد ارجاع زنان خشونت دیده جهت دریافت خدمات حمایتی و مراقبتی نیز پس از اجرای مداخلات در بین کارکنان بهداشتی درمانی افزایش معنی‌داری یافت. البته در بعضی پژوهش‌ها مانند پژوهشی که در سال ۱۹۹۹ در نیوزیلند بر روی کارکنان مراکز اورژانس توسط فنسلو و نورتن<sup>۱</sup> انجام شد، افزایش معنی‌داری در تشخیص موارد تأیید شده خشونت خانگی و بهبود مدیریت موارد پس از گذشت یک سال مشاهده نشد که این امر می‌توانست به دلیل کوتاه‌مدت و گذرا بودن دوره‌های آموزشی و مداخله‌ای و نیز عدم همکاری مدیران مراکز ارائه خدمات سلامت در از بین بردن موانع اجرایی غربالگری و ارجاع موارد خشونت خانگی باشد. تحلیل نتایج حاصل از مطالعات متمرکز بر زنان نیز، اثربخشی مداخلات در زمینه خشونت خانگی بر روی زنان و کودکان را نشان می‌دهد. به‌طوری‌که پس از انجام مداخلات آموزشی، حمایتی، مشاوره‌ای و روان‌شناختی، در بسیاری از مداخلات تعداد موارد، خشونت خانگی علیه آنان به‌طور معنی‌داری کاهش یافت.

هرچند در برخی مداخلات متمرکز بر زنان به شکل مداخلات آموزشی رفتاری، روان‌شناختی و شناختی، از جمله مداخلات انجام شده توسط مندلز و همکاران<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۳ بر روی زنان از جمله مداخلات انجام شده توسط مراجعه‌کننده به مراکز ارائه خدمات تنظیم خانواده آمریکا و همچنین مداخلات انجام شده توسط مک فارلن<sup>۳</sup> و همکاران در سال ۲۰۰۰ بر روی زنان اسپانیایی باردار، این معنی‌داری در پیگیری‌های طولانی‌مدت (به‌طور مثال ۶ و ۱۲ و ۱۸ ماه پس از مداخله) به دلیل گذرا بودن برنامه‌های مداخله‌ای مشاهده

1 Fanslow & Norton

2 Melendez

3 McFarlane

نشد اما استفاده از رفتارهای ایمن و ارتقاء دهنده سلامت نیز توسط زنان به طور معنی داری پس از انجام این مشاوره و جلسات آموزشی افزایش یافت. این رفتارها شامل مواردی از قبیل رفتارهای جنسی ایمن و محافظت شده، درخواست از همسایگان برای تماس با پلیس در صورت شنیدن صدای درگیری شدید زن و شوهر، مخفی کردن پول و کلیدها و سایر موارد بود. در برخی از مطالعات نیز که به مداخلات روان‌شناختی و مشاوره روانی پرداخته بودند، تغییرات معنی داری در سطوح اعتماد به نفس، افسردگی و اضطراب زنان خشونت دیده مشاهده شد. در اکثر یافته‌ها، چه در مداخلات متمرکز بر افراد آسیب‌دیده و چه در مداخلات متمرکز بر سیستم، برنامه‌های آموزشی طراحی شده به صورت مهارت‌آموزی است تا فراگیران را برای انجام منظم و ماهرانه رفتار مورد نظر آموزش دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که استفاده از روش‌های مداخله‌ای ترکیبی شامل برپایی جلسات آموزشی همراه با ایفای نقش یا توزیع بروشور و کارت جیبی یا نمایش فیلم در مقایسه با مداخلات تک‌بعدی، اثربخشی بیشتری دارد.

در مطالعات مورد بررسی، مداخلات اغلب در موقعیت‌های رسمی مانند مراکز ارائه خدمات سلامت بر روی جمعیت هدف انجام شده بود از جمله مدارس، دانشگاه‌ها، فرهنگ‌سراها، مکان‌های مذهبی، گروه‌های همسالان و خانواده‌ها که به عنوان محیطی بالقوه برای اجرای مداخلات در زمینه پیشگیری از خشونت خانگی محسوب می‌شوند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مواردی از قبیل توانمندسازی زنان در زمینه کاهش میزان موارد قرار گرفتن در معرض خشونت خانگی و نحوه برخورد با موقعیت‌های خشونت‌آمیز، افزایش استفاده از رفتارهای ایمن توسط زنان، بهبود وضعیت اعتماد به نفس، افزایش موارد استفاده از خدمات مشاوره‌ای مراکز بهداشتی درمانی در سازمان‌های حمایتی و یا پلیس و به طور کلی کاهش موارد خشونت خانگی و بهبود وضعیت سلامت افراد مشاهده شد. در مداخلات متمرکز بر کارکنان سیستم خدمات بهداشتی درمانی و سازمان‌های حمایتی، پیامدهای مورد انتظار شامل افزایش موارد غربالگری، شناسایی و مدیریت موارد خشونت خانگی شامل مشاوره و ارجاع موارد به مراکز حمایت اجتماعی و به طور کلی پیشگیری از بروز موارد خشونت خانگی است. همچنین توانمندسازی زنان در مواجهه با مشکلات زندگی و آموزش مهارت‌های زندگی سالم به زنان و آشنا نمودن آنان با عوامل زمینه‌ساز بروز خشونت خانگی و اجتناب از ایجاد زمینه خشونت، همچنین آشنا نمودن کلیه افراد با مهارت‌های ارتباطی و سازگاری برای مواجهه با مشکلات و انتخاب درست رفتارهای جایگزین در حل مسئله و مراجعه و استفاده از خدمات مشاوره خانوادگی در هنگام بروز مشکلات می‌تواند در پیشگیری و یا کاهش موارد خشونت خانگی اثربخش باشد.

این مطالعه از آن جهت که از طریق شناسایی اجزای مداخلات آموزشی در کشورهای مختلف از جمله تعیین گروه هدف، محتوای آموزشی، رسانه‌های آموزشی و نحوه بررسی اثربخشی و ارزش‌یابی منجر به آشنایی با تجارب جهانی در نحوه اجرای مداخلات آموزشی در زمینه پیشگیری اولیه و مدیریت موارد خشونت خانگی می‌شود، می‌تواند به عنوان راهنمایی برای متخصصان سلامت جهت برنامه‌ریزی در زمینه طراحی و اجرای مداخلات آموزشی در این زمینه برای عموم افراد خصوصاً جامعه زنان تحت پوشش نهادهای حمایتی باشد لذا پیشنهاد می‌گردد برای ارتقا آگاهی کلیه افراد در هر سن و جنسیتی خصوصاً زنان و کودکان درباره حقوق خود و پیشگیری از بروز خشونت خانگی آموزش مهارت‌های زندگی و اعتماد به نفس و خودکارآمدی آموزش‌هایی از طریق رسانه‌های گروهی صورت پذیرد. همچنین برگزاری کلاس‌های آموزشی در محله‌ها و مکان‌های تجمع زنان خانه‌دار و کودکان مثل مساجد و پارک‌ها الزامی است. پیشنهاد می‌گردد محتوای برنامه‌های آموزشی طراحی شده در مداخلات متمرکز بر زنان به صورت برپایی جلسات آموزشی مشاوره‌ای جهت جلب حمایت فردی زنان و کودکان و ترغیب آنان به استفاده از رفتارهای ایمن، اختصاص خطوط تلفن برای دسترسی نامحدود افراد به خدمات مشاوره‌ای، توزیع بروشورها و کارت‌های جیبی حاوی اطلاعات در زمینه نحوه پیشگیری اولیه از قرار گرفتن در معرض خشونت، برپایی مداخلات گروهی روان‌شناسی و گروه‌های حمایتی در پناهگاه‌های محلی باشد. در مداخلات متمرکز بر سیستم خدمات بهداشتی درمانی خصوصاً در سازمان‌های حمایتی برنامه‌های آموزش به صورت برپایی جلسات آموزشی و ارائه پروتکل اجرایی و راهنمای کار و جزوه‌های آموزشی در زمینه تشخیص و مدیریت موارد خشونت خانگی به کارکنان مراکز بهداشتی درمانی و سازمان‌های حمایتی می‌تواند باشد. از اهداف عمده این طرح آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، بهبود کیفیت

و استانداردهای زندگی با افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های مرتبط با سلامت است. همچنین افرادی که با خشونت خانگی مواجه شده‌اند، نیاز به حمایت دارند. این حمایت می‌تواند شامل ارائه خدمات درمانی، مشاوره، مسکن و حمایت قانونی باشد. بسیاری از قربانیان خشونت خانگی نمی‌خواهند این موضوع را به دیگران گزارش دهند و یا ترس از بازگو کردن خشونت‌هایی که به آن‌ها تحمل شده است را دارند. در این موارد باید تلاش کرد که با ایجاد فضای امنی آن‌ها را تشویق به گزارش دادن کرد که تمامی این موارد می‌تواند به کاهش شیوع خشونت خانگی منجر شود. منابع جامعه برای پیشگیری اولیه یا کاهش موارد خشونت خانگی از جمله ایجاد مکان‌های امن و سیستم‌های مناسب حمایتی از قربانیان در مواقع بحران و همچنین وجود قوانین شفاف در زمینه خشونت خانگی و حمایت‌های قانونی از قربانیان خشونت خانگی در جامعه ضروری به نظر می‌رسد. در برخی موارد، برای اجرای چنین برنامه‌هایی نیاز به اصلاح سیاست‌های مرتبط با سلامت در زمینه پیشگیری از خشونت خانگی، ایجاد محیط‌های حامی سلامت و تقویت اقدامات بخش‌های مختلف جامعه و سازمان‌های حمایتی برای مشارکت در برنامه‌های مربوط به پیشگیری و کاهش موارد خشونت خانگی وجود دارد بنابراین موفقیت اجرای مکانیسم‌های فوق، نیازمند حمایت همه‌جانبه افراد، سازمان‌ها، سیاست‌گذاران و بخش‌های کلیدی جامعه از برنامه‌های سلامت است و در این راستا راهبرد جلب حمایت همه‌جانبه راهبردی اساسی به شمار می‌رود.

## ۶- منابع

- 1-Abbott, P. Wallace, K. (1403). *Sociology of Women* (translated by Manijeh Najm-e-Iraqi), Tehran: Ney Publishing.(in Persian)
- 2-Ahmadi, Batoul, Suleiman Ekhtahri, Yalda. (2009). The Effectiveness of Health Education Interventions to Prevent Domestic Violence Against Women, *Scientific Research Quarterly of Social Welfare*, Year 11, Issue 40.257-237 . (in Persian)
- 3- Ahmadi, Batoul, Ali Mohammadian, Masoumeh, Golestan, Banafsheh, Bagheri Yazdi, Abbas, Shojaeizadeh, Davud. (2006). The Impact of Domestic Violence on the Mental Health of Married Women in Tehran, *Journal of the Faculty of Health and Health Research Institute*, Volume 4, Issue 2, Pages 35-44. (in Persian)
- 4- Ahmadi, Batoul. Naseri, Simin. Ali Mohammadian, Masoumeh. Shams, Mohsen. (2008). The views of Tehrani women and men and experts on domestic violence against women in Iran, a journal of the Faculty of Health and Health Research Institute, Volume 6, Issue 2, Pages 67-81 (in Persian)
- 5-Allen VD, Solomon P. Educational-entertainment as an intervention with black adolescents exposed to community violence. *Journal of prevention & intervention in the community*. 2012;40(4):313-24. doi:10.1080/10852352.2012.707452
- 6-Alesina, A., Brioschi, B.,& Ferrara, E.L. (2020). Violence Against Women: A Cross-cultural Analysis for Africa National Bureau of Economic Research, 88 (349), 70-104 .doi:10.1111/ecca.12343
- 7-Askari Nadushan, Somayeh, Mousavi Nadushan, Fatemeh Sadat. (2010). Women's employment and decision-making power in the family: A comparative study of employed and unemployed women in Yazd, *Women's Police Journal*, Vol. 32, pp. 111-128 .(in Persian)
- 8-Audi, C.A.F.; Corrêa, A.M.S.; Andrade, M.D.G.; Perez-Escamila, R.(2008), "Violence against pregnant women: prevalence and associated factors", *Revista de Sade Pública*, 5:877-885. doi:10.1590/s0034-89102008005000041
- 9-Azari, Hajar, Babazadeh, Zahra. (2009). A new approach to identifying the human rights of women victims of sexual violence in the Convention on Preventing and Combating Violence against Women and Domestic Violence (Istanbul Convention), *Quarterly Journal of Criminal Law Research*, 10(37), Pages 193-219. doi:10.22054/jclr.2022.54311.2159 .(in Persian)
- 10-Berger, R.P.; Bogen. D.; Dulani, T. (2002), "Broussard E.Implementation of a Program to Teach Pediatric Residents and Faculty about Domestic Violence", *Archives of Pediatrics Adolescent Medicine*, 156: 804-810. doi:10.1001/archpedi.156.8.804
- 11-Bonds, D.E.; Ellis, S.D.; Weeks, E.; Palla, S.L.; Lichstein, P. (2006),"A practice-centered intervention to increase screening for domestic violence in primary care practices.", *BMC Family Practice*, 63: 1-8. doi:10.1186/1471-2296-7-63
- 12-Delsooz Khaki, Hilaleh, Kafi, Seyed Moussa, Moazami, Shahla, and Tahmasbi, Javad. (2019). The effectiveness of communication skills training in reducing psychological and verbal violence in women victims of domestic violence in Karaj city. *Social-Police Research on Women and Family*, 8(2 (15th issue), 315-333. SID. <https://sid.ir/paper/968382/fa>. dor:20.1001.1.23224274.1399.8.2.1.8.(in Persian)

- 13-Дмитрашук, О.С. (2020). FOREIGN EXPERIENCE OF DOMESTIC VIOLENCE PREVENTION . **doi:10.32844/2222-5374-2020-103-1.34**
- 14-Fanslow, J.L. & Norton, R.N. (1999), "One-year follow-up of an emergency department protocol for abused women", Australian and New Zealand Journal of Public Health, 23: 418-420. **doi:10.1111/j.1467-842X.1999.tb01286.x**
- 15-Fanslow, J.L. & Norton, R.N. (1998) "Outcome evaluation of an emergency department protocol of care on partner abuse", Australian and New Zealand Journal of Public Health, 22: 598-603. **doi:10.1111/j.1467-842X.1998.tb01445.x**
- 16-Fargat, Azadeh, Akbari, Bahman and Hossein Khanzadeh, Abbasali. (1400). Structural model of the effects of depression, emotional breakdown, and experience of violence on self-harm behaviors in women: The mediating role of social skills, emotion control, and body dissatisfaction. Social Psychology Research, 11(42), 129-155. **doi:10.22034/spr.2021.271953.1625** .(in Persian)
- 17-Faruk, Kocacik, F. & Dogan, O. (2006), "Domestic Violence against Women in Sivas, Turkey: Survey Study", Croatian Medical Journal, 47: 742-749.
- 18-Ghanbari, Behrouz, Malakooti, Seyed Kazem, Nojourni, Marzieh, Alavi, Kaveh, Khaleqparast Athari, Shiva, Sohrabzadeh, Amin. (2016). The effect of implementing preventive nursing measures on repeated suicide attempts, Iranian Nursing Journal, No. 99, Volume 29, **doi:10.29252/ijn.29.99.100.34** .(in Persian)
- 19-Golding JM. Intimate partner violence as a risk factor for mental disorders: A meta-analysis. J Fam Violence. 1999;14(2):99-132. **doi:10.1023/A:1022079418229**
- 20-Grans, L. (2018). "The Istanbul convention and the positive obligation to prevent violence", Human Rights Law Review, Volume 18, Issue 1, March 2018, Pages 133–155, **doi:10.1093/hrlr/ngx041**
- 21-Harwell, T.S.; Casten, R.J.; Armstrong, K.A.; Dempsey, S.; Coons, H.L.; Davis, M. et al. (1998), "Results of a Domestic Violence Training Program Offered to the Staff of Urban Community Health Centers", American Journal of Preventive Medicine, 15(3):235-42, **doi:10.1016/s0749-3797(98)00070-1**
- 22-Hashemian Masoumeh, Solhi Mahnaz, Garmarudi Gholamreza, Mehri Ali, Juveini Hamid, Shahrabadi Reza. (2018). Married Men's Experiences of Domestic Violence Against Their Wives: A Qualitative Study. Journal of Qualitative Research in Health Sciences, 7(2):197-185. .(in Persian)
- 23-Kianpour, Masoud, Memar, Soraya, Saeed, Imaneh. (2010). Women's Lived Experience of Domestic Violence (Case Study: Women Referred to Divorce Reduction Unit of Isfahan Social Emergency Center). Social Problems of Iran. 11(1), 123-142. **doi:10.29252/jspi.11.1.123** .(in Persian)
- 24-Kim, S. & Kim, J. (2001), "The effects of Group Intervention for Battered Women in Korea", Archives of Psychiatric Nursing, 6: 257-64.
- 25-Kimmel, M. (2003). Male Victims of Domestic Violence : A Substantive and Methodological Research Review A report to : The Equality Committee of the Department of Education and Science.
- 26-Kolbe, V., & Büttner, A. (2020). Domestic Violence Against Men-Prevalence and Risk Factors. Deutsches Arzteblatt international, 117 31-32, 534-541, **doi:10.3238/arztebl.2020.0534**
- 27- Kouh Bomi, Jhaleh, Qamari, Mohammad and Hosseinian, Simin. (2016). The mediating role of resilience in the relationship between coping styles with quality of life and domestic violence against women during the coronavirus quarantine. Social Psychology Research, 12(48), 75-88. **doi:10.22034/spr.2023.355679.1772** .(in Persian)
- 28-Larkin, G.L.; Rolniak, S.; Hyman, K.B.; MacLeod, B.; Savage, R.(2000), "Effect of an administrative Intervention on Rates of Screening for Domestic Violence in an Urban Emergency Department", American Journal of Public Health, 90: 1444-1448. **doi:10.2105/ajph.90.9.1444**
- 29-Miranda, M.P., de Paula, C., & Bordin, I.A. (2010). [Life-long domestic violence against women: prevalence and immediate impact on health, work, and family]. Revista panamericana de salud publica = Pan American journal of public health, 27 4, 300-8, **doi:10.1590/s1020-49892010000400009**
- 30-McFarlane, J.; Malecha, A.; Gist, J.; Watson, K.; Batten, E.; Hall, I. et al. (2004), "Protection Orders and Intimate Partner Violence: An Month Study of 150 Black, Hispanic, and White Women", American Journal of Public Health, 94: 613-618, **doi:10.2015/ajph.94.4.613**
- 31-McFarlane, J.; Soeken, K.; Wiist, W. (2000), "An evaluation of interventions to decrease intimate partner violence to pregnant women", Public Health Nursing, 6: 443-451. **doi:10.1046/j.1525-1446.2000.00443.x**
- 32-McFarlane, J.; Parker, B.; Soeken, K.; Silva, C.; Reel, S. (1998), "Safety behaviors of Abused Women after an Intervention During Pregnancy", JOGNN, 27: 64-69, **doi:10.1111/j.1552-6909.1998.tb02592.x**
- 33-Melendez, R.; Hoffman, S.; Exner, T.; Leu, C.S.; Ehrhardt, A.A.(2003), "Intimate Partner Violence and Safer Sex Negotiation: Effects of a Gender-Specific Intervention", Archives of Sexual Behavior, 6:499–511 , **doi:10.1023/a:1026081309709**
- 34-Mitrović, K. (2024). Prevention of Domestic Violence Through Misdemeanor Proceedings in the Republic of Serbia. THEMATIC CONFERENCE PROCEEDINGS OF INTERNATIONAL SIGNIFICANCE . **doi:10.47152/Palic2024.7**
- 35-Magomedov, A. (2022). The international prevention of the domestic violence in france. EURASIAN LAW JOURNAL. **doi:10.33693/2072-3164-2022-15-4-370-378**
- 36-Nojomi, M.; Agaei, S.; Eslami, S. (2007), "Domestic Violence against Women Attending Gynecologic Outpatient Clinics", Archives of Iranian Medicine, 10(3):309-15.

- 37-Nourbakhsh, Seyed Mohammad Amin and Valizadeh, Seyed Somayeh. (2017). Restorative Justice Criminology. National Conference of World Scientific Research in Management, Accounting, Law and Social Sciences, No2. (in Persian)
- 38-Othman, S. & Adenan, N.A.M. (2008), "Domestic violence management in Malaysia: A survey on the primary health care providers", *Asia Pacific Family Medicine*, 2: 1-8, **doi:10.1186/1447-056X-7-2**
- 39-Parker, B.; McFarlane, J.; Soeken, K.; Silva, C.; Reel, S. (1999), "Testing an Intervention to prevent further Abuse to Pregnant Women" *Research in Nursing & Health*, 22: 59-66,
- 40-Parvin H, Marefvand M, Latifian M. Exploring the Impact of COVID-19 on Domestic Violence Against Women in Pre-Pandemic and Pandemic Periods. *Socialworkmag* 2023; 12 (2) :14-21 ( Persian)
- 41-Protzenko, O. (2020). Prevention of domestic violence is everyone's personal deal, **doi:10.31733/2078-3566-2020-1-287-293**
- 42-Ramsden, C. & Bonner, M. (2002), "A realistic view of domestic violence screening in an emergency department", *Accident and Emergency Nursing Volume 10, Issue 1, January 2002, Pages 31-39* , **doi:10.1054/aen.2001.0312**
- 43-Roberts G, O'Toole BI, Lawrence JM, Raphael B. Domestic violence victims in a hospital emergency department. *Med J Aust.* 1993;159(5):307-10.3, **doi:10.5694/j.1326-5377.1993.tb137866.x**
- 44-Salamat News (1401). Report of 21 thousand child abuse cases to the social emergency since the beginning of the year , (19 Aban 1401). (in Persian)
- 45-Setayesh, Nahid, Azoji, Khadija, Bakhshizadeh, Majid, Nojomi, Marzieh. (2017). Domestic violence and the mental and physical condition of women. *Razi Journal of Medical Sciences*, Year 24, No. 1, Consecutive 154, pp. 26-20. (in Persian)
- 46-Sharifi, F., Larki, M., & Latifnejad Roudsari, R. (2020). COVID-19 Outbreak as Threat of Violence against Women, *Journal Of Midwifery and Reproductive Health*, 8 (3), 2376-2379 .
- 47-Shepard, M.F.; Elliott, B.A.; Falk, D.R.; Regal, R.R. (1999), "Public Health Nurses' Responses to Domestic Violence: A Report from the Enhanced Domestic Abuse Intervention Project", *Public Health Nursing*, 5: 359-366.
- 48-Shi, M., Wang, X., Bian, Y., & Wang, L. (2015). The mediating role of resilience in the relationship between stress and life satisfaction among Chinese medical students: a cross-sectional study. *BMC medical education*, 15 (1), 1-7
- 49-Taqdisi, Mohammad Hossein, Latifi, Marzieh, Afkari, Mohammad Eshaq, De Storpour, Maryam, Estebebari, Fatemeh, Jamalzadeh, Faisal. (2015). The effect of educational intervention on increasing women's self-efficacy and awareness for preventing domestic violence. *Quarterly Journal of Health Education and Health Promotion*, 32-38 : (1)3.
- 50-Taghizadeh, Niusha, Aghababaei, Hossein and Nazarinejad, Mohammad Reza. (1402). The dangers of domestic violence against women and its prevention strategies. *Criminal Law Teachings*, 20(25), 127-152. (in Persian)
- 51-Tower LE. Domestic violence screening: Education and institutional support correlates. *Journal of Social Work Education*. 2003;39(3):479-494.
- 52-Vachher, A.S., & Shama, A.K. (2010). Domestic violence against women and their mental health status in a colony in Delhi. *Ind J community Med*, 35, 403-405. **doi:10.4103/0970-0218.69266**
- 53-Wake, A.D., & Kandula, U.R. (2022). The global prevalence and its associated factors toward domestic violence against women and children during COVID-19 pandemic—"The shadow pandemic": A review of cross-sectional studies. *Women's Health*, NO18, 239.
- 54-Wathen, C.N. & MacMillan, H.L. (2003), "Interventions for Violence against Women: Scientific Review", *JAMA*, 5: 589-600 , **doi:10.1001/jama.289.5.589**
- 55-Wiist, W.H. & McFarlane, J. (1999), "The Effectiveness of an Abuse Assessment Protocol in Public Health Prenatal Clinics", *American Journal of Public Health*, 8: 1217-1221. **doi:10.2105/ajph.89.8.1217**
- 56-Yazdan Panah Dolatabadi, Ali, Tohidi, Afsaneh, Rahmati, Abbas. (1400). Designing an educational package to combat domestic violence and the effectiveness of the package on spousal violence and children's academic enthusiasm, *Social Psychology Research*, Volume 11, Number 43. **doi:10.22034/spr.2021.277874.1636** .(in Persian)
- 57-Zapater-Fajará, M., Crespo-Sanmiguel, I., Pulopulos, M. M., Hidalgo, V., & Salvador, A. (2021). Resilience and psychobiological response to stress in older people: the mediating role of coping strategies. *Frontiers in aging neuroscience*, 13, 632141. **doi:10.3389/fnagi.2021.632141**

# A Systematic Review of Global Experiences in Preventing Domestic Violence

Hadis Akbari Moghaddam<sup>1\*</sup>, Hakimeh Akbari Moghaddam<sup>2</sup>

1-PhD Student, Department of Educational Psychology, University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran.  
(Corresponding Author)

Akbari.hadis63@yahoo.com

2-Master's Degree, Department of Educational Management, University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran.  
akbari.hakime@yahoo.com

## Abstract

Domestic violence is considered one of the major health issues affecting individuals. Today, preventing this issue and managing cases of domestic violence have become a significant health priority worldwide. The aim of this study is to examine the interventions carried out and global experiences in preventing domestic violence and to evaluate their effectiveness. This study is a qualitative-descriptive review conducted through a systematic search of articles in reputable databases using relevant English and Persian keywords. The interventions related to domestic violence and their effectiveness were analyzed. Some interventions in the field of domestic violence in various countries focus on affected individuals, particularly women and children, and include strategies such as education, gaining support, and psychological counseling and therapy for at-risk individuals. Other interventions target healthcare system staff and support organizations to train and empower them in identifying and managing cases of domestic violence. Empowering healthcare workers for screening, diagnosing, and managing domestic violence cases, as well as educating individuals about the underlying factors contributing to violence, developing communication and coping skills, and choosing appropriate alternative behaviors in violent situations, can be significant steps in preventing or reducing domestic violence. These findings are consistent with many studies conducted in various countries.

**Keywords:** Mistreatment, Domestic Violence, Prevention of Domestic Violence, Spouse Abuse.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)

## جایگاه شخصیت منیژه در ظرف سفالی

### (مجموعه فریر گالری واشنگتن)

عاطفه فاضل<sup>\*۱</sup>

۱-استادیار، گروه هنرهای صناعی، دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

a.fazel@tabriziau.ac.ir

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۲/۷]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۳/۱۷]

#### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی سفال نگاره مربوط به داستان بیژن و منیژه، ساخت قرن ششم هجری و متعلق به شهرری، اختصاص یافته است. هدف اصلی این مطالعه، تحلیل نحوه بازنمایی شخصیت منیژه در این اثر تصویری و تطابق آن با متن شاهنامه فردوسی است. سؤال کلیدی پژوهش به شرح زیر است: چگونه نقش منیژه در متن شاهنامه و در تصاویر سفال مجموعه فریر واشنگتن بازنمایی شده است و چه تفاوت‌هایی در تفسیر این شخصیت در این دو رسانه وجود دارد؟ روش تحقیق بر اساس هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت، توصیفی و تحلیل تصویری است. برای جمع‌آوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، مراجعه به منابع معتبر داخلی و اینترنتی و مطالعه نمونه‌های ظرف سفالی با نقش بیژن و منیژه موجود در مجموعه فریر واشنگتن بهره گرفته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هنرمند سفالگر با حفظ عناصر نمادین، شخصیت منیژه را در کلیت داستان رعایت کرده است. در عین حال، تمرکز او بیشتر بر وفاداری، عشق‌ورزی و صبر منیژه است و کمتر لایه‌های قهرمانی و فعالانه او در داستان نمایان است. این در حالی است که در متن شاهنامه، فردوسی منیژه را زنی شیردل، شخصیت فعال و درگیر در نجات بیژن و نماد وفاداری و عشقی قوی تصویر می‌کند. در پایان، نقوش ظرف سفالی، با بهره‌گیری از قهرمانی‌های رستم و عناصر حماسی، حساسیت حماسی داستان را حفظ کرده است، هر چند بیشتر بر جنبه‌های عاطفی و نمادین شخصیت منیژه تأکید دارند. این مطالعه نشان می‌دهد که تفاوت‌هایی در تفسیر و بازنمایی شخصیت منیژه در متن و تصویر وجود دارد، اما هر دو رسانه به نحوی مکمل یکدیگر نقش مهمی در تداوم میراث فرهنگی و روایت‌های ملی ایران ایفا می‌کنند. تأکید بر اهمیت وحدت هنرهای تصویری و ادبی در حفظ و انتقال روایت‌های ملی، از دستاوردهای اصلی این پژوهش است و نشان می‌دهد که نقش سفالینه‌ها در ترویج و قرائت داستان‌های کهن ایرانی اهمیت ویژه‌ای دارد.

واژگان کلیدی: شاهنامه فردوسی، سفال نگاره بیژن و منیژه، روایت‌های حماسی و عاشقانه.

## ۱- مقدمه

منظومه شاهنامه که می‌توان آن را بزرگ‌ترین حماسه تاریخی و ملی ایرانیان نامید، در واقع شامل اسناد و مدارک تاریخی و اسطوره‌ای ایران از دوران کهن تا اواسط سده اول هجری است. این اثر به قلم حماسه‌سرای بزرگ حکیم ابولقاسم فردوسی به نظم کشیده شده است. منبع اصلی شاهنامه، «مع الواسط»، «خدای‌نامه» (خوتای نامک) است که در دوره‌ی ساسانیان تدوین شده است (خوئینی و رحمتیان، ۱۳۹۴). همچنین احتمالاً شاهنامه از منابع مکتوبی مانند شاهنامه ابومنصوری تأثیر گرفته است (آیدنلو، ۱۳۸۳). شاهنامه از یک سو، مجموعه‌ای است از خاطرات و روایات مکتوب درباره‌ی پادشاهان افسانه‌ای ایران که در برخی موارد یادآور حماسه‌های جنگاوران غیور است؛ و از سوی دیگر، شامل داستان‌های افسانه‌ای درباره‌ی قهرمانان دلیری است که از طوایف بزرگ زمین‌دار بودند و به‌عنوان تکیه‌گاه و تاج و تخت سلطنت ایران محسوب می‌شدند. همچنین، به دلیل برخورداری از جنبه‌های مختلف، از جمله حکایات قهرمانانه و عاشقانه در ادبیات شفاهی و مردمی ایران، جایگاه بسیار مهمی دارد (خلیلی و دهرامی، ۱۳۹۰). زمانی که مردم سده‌های گذشته در کوچه و بازار اشعار حماسی فردوسی را می‌خواندند، هنرمندان سفالگر نیز از این میراث بهره‌مند شده و ضمن همراهی با آنان، این مضامین را به تصویر می‌کشیدند.

از آن‌جا که این آثار، ارزشمند و هنری به شمار می‌آیند و در قالب‌هایی کاربردی و تزئینی برای تزیینات به کار رفته‌اند، توانسته‌اند نقش مؤثری در ترویج و حضور گسترده‌ی این منظومه در تاریخ ایران اسلامی ایفا کنند. به همین دلیل، بررسی و تعمق در این آثار، نظیر تنگ سفالی منقوش به داستان بیژن و منیژه، اهمیت زیادی دارد و این نوشتار در راستای رمزگشایی این نقوش و اهمیت شخصیت منیژه ارائه شده است. هدف از این پژوهش، تحلیل نحوه بازنمایی شخصیت منیژه در ظرف سفالی مذکور و تطبیق آن با متن شاهنامه فردوسی است. در راستای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش؛ چگونه نقش منیژه در متن شاهنامه و تصاویر سفال مجموعه فریر واشنگتن بازنمایی شده است و چه تفاوت‌هایی در تفسیر این شخصیت در دو رسانه وجود دارد؟ از روش توصیفی و تحلیل تصویری بهره می‌برد. در مسیر پژوهش ابتدا ظرف سفالی مورد بررسی قرار گرفت و سپس نقوش آن در سه ردیف خطی در جدول تحلیلی قرار گرفت. ضرورت و اهمیت نوشتن در خصوص منظومه شاهنامه، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که باید در پژوهش‌های ادبی، تاریخی و هنری مورد توجه قرار گیرد. در ادامه، به تفصیل به این اهمیت و ضرورت اشاره می‌شود. اول، پرداختن به این موضوع سبب حفظ و ترویج میراث فرهنگی ایران می‌شود. شاهنامه بزرگ‌ترین حماسه ملی و فرهنگی ایرانیان است که حاوی اسناد و مدارک تاریخی، اسطوره‌ای و فرهنگی کهن است. بررسی و نگارش در این حوزه، به حفظ این میراث ارزشمند کمک می‌کند و آن را برای نسل‌های آینده قابل دسترسی و فهم می‌سازد. دوم، سبب تحلیل و رمزگشایی نمادها و نقوش هنری می‌شود. نقش‌های تزیینی و تصویری روی آثار هنری، مانند تنگ‌های سفالی، نشان‌دهنده ارتباط مستقیمی با داستان‌ها و شخصیت‌های شاهنامه هستند. شناخت این نقش‌ها منجر به درک بهتر مضامین و مفاهیم فرهنگی و هنری دوران‌های مختلف می‌شود و اهمیت تحلیل آن‌ها در فهم تاریخ هنر ایران بیش از پیش آشکار می‌گردد. سوم، ایجاد ارتباط تاریخی، فرهنگی و هنری در متون شاهنامه می‌شود. شاهنامه نه تنها یک اثر ادبی بلکه یک منبع تاریخی، فرهنگی و هنری است. بررسی آثار منقوش تا اندازه‌ای تصویرگر زوایای زندگی، باورها و ارزش‌های مردمی در دوره‌های مختلف است و می‌تواند ارتباط میان متن و تصویر را روشن کند. این امر نقش مهمی در فهم عمیق‌تر از توسعه فرهنگی و هنری ایران ایفا می‌نماید. چهارم، سبب جبهه‌گیری علمی و پژوهشی می‌شود. تحقیق درباره منابع، الهام‌بخش و نقش‌های تصویری، بستری است برای نقد و تحلیل علمی که به درک بهتر تأثیرات و اقتباس‌ها در هنر و ادبیات می‌انجامد. سؤال‌هایی مانند ارتباط نقوش با داستان‌های شاهنامه و منبع الهام آن‌ها، از مباحث ذاتی و پربار این حوزه است. پنجم، باعث تقویت هویت ملی و فرهنگی می‌شود. بررسی و تحلیلی عمیق از منظومه شاهنامه، هویت ملی و فرهنگ ایرانی را تقویت می‌کند و نقش آن را در جذب علاقه‌مندان و پژوهشگران داخلی و خارجی برجسته می‌سازد. در نتیجه، نوشتن و پژوهش در زمینه شاهنامه و

آثار هنری مرتبط با آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این آثار نه تنها میراث فرهنگی، بلکه نماد هویت و تمدن ایرانی است و تحلیل عمیق آن‌ها پاسخی به نیازهای علمی، فرهنگی و هنری جامعه امروز و فردا است.

## ۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

پیشینه تاریخی بحث سفال نگاره‌های روایی به دوران سلجوقی و ایلخانی بازمی‌گردد. نمونه‌های بسیاری از سفال نگاره‌های دوران اسلامی با مضمون، داستان بهرام گور و آزاده، فریدون، ضحاک ماردوش و خسرو و شیرین در موزه‌های معتبر موجود است. یکی از این سفال نگاره‌ها ظرف سفالی با داستان بیژن و منیژه است که در مقاله‌ای با عنوان «روایت شاهنامه بر جام سفالین بیژن و منیژه» نوشته فاضل و خزایی (۱۳۹۴) به بررسی این ظرف با متن شاهنامه پرداخته شده است. با بررسی پیشینه پژوهش، مشخص شد که علی‌رغم اهمیت این سفال نگاره هیچ پژوهش مستقلی به بررسی جامع و تحلیلی از شخصیت منیژه نپرداخته است. پژوهش‌های دیگری در حوزه سفال نگاره و مضامین شاهنامه بر روی سفالینه‌ها صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

نادری (۱۳۹۹) در مقاله با عنوان «مطالعات زبان ادبیات حماسی در شاهنامه فردوسی» به تحلیل زبان و ساختار حماسی شاهنامه می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه فردوسی از زبان ساده و روان برای بیان مفاهیم پیچیده استفاده کرده است. کیانمهر و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «انعکاس مضامین شاهنامه بر سفالینه‌های دوران سلجوقی» به جایگاه و اهمیت مضامین ادبی به‌ویژه شاهنامه پرداخته و به این مهم اشاره دارد که شاهنامه از منابع الهام هنرمندان به‌ویژه سفالگران و نقاشان بوده است. حبیبی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی نقش آزاده در نگاره‌های بهرام گور و آزاده سده هشتم (دوره ایلخانی)» به بررسی تصویر بهرام گور در شاهنامه و هفت‌پیکر نظامی می‌پردازد که تفاوت اساسی دارند. فردوسی به زندگی بهرام از جنبه سلحشوری و پهلوانی می‌نگرد اما نظامی اثری هنری خلق کرده است که راز و رمز زیستن و عاشقانه زیستن را آموزش می‌دهد. غیوری (۱۳۹۳) در پایان‌نامه با عنوان «بررسی چند منظری بخش تاریخی شاهنامه فردوسی» به تحلیل بخش تاریخی شاهنامه می‌پردازد و ساختار روایی آن را در سه بخش اسطوره‌ای، پهلوانی و تاریخی بررسی می‌کند. اصغرزاده چرندابی (۱۳۹۳) در مقاله با عنوان «بازتاب داستان بهرام گور و آزاده در هنر سفالگری عهد ایلخانی ایران؛ نمونه مطالعاتی مجموعه موزه هنر متروپولیتن» به بررسی سه متن ادبی شاهنامه فردوسی، هفت‌پیکر نظامی و هشت‌بهشت دهلوی و تطبیق آن با نقوش روایی تصویر شده روی سه بشقاب مینایی منسوب به دوره ایلخانی پرداخته است. بهدانی و مهرپویا (۱۳۹۰) در مقاله با عنوان «بررسی تصویر بهرام گور در هنر ایران از دوره ساسانی تا پایان دوره قاجار» به بررسی آثار تصویری مربوط به بهرام گور و موضوعات و ویژگی‌های این آثار پرداخته است. علی‌نقی (۱۳۹۰)، در مقاله با عنوان «تحلیل شخصیت و نقش زنان در داستان‌های شاهنامه» به دیدگاه حاکم به فضای داستان‌های شاهنامه نسبت به زنان می‌پردازد، سپس نقش کلی زنان در شاهنامه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در بررسی پیشینه پژوهشی مرتبط با سفال نگاره‌های روایی و مضامین شاهنامه، تمایز و نوآوری پژوهش حاضر بدین شرح قابل بیان است. پژوهش حاضر، آغازگر تمرکز بر شخصیت منیژه در سفال نگاره‌ها است. اگرچه پژوهش‌های متعددی نظیر مطالعه‌های کیانمهر، غیوری و اصغرزاده، به بررسی نقش و نمادهای شخصیت‌های شاهنامه در هنر سفالگری دوره‌های مختلف پرداخته‌اند، اما هنوز پژوهشی جامع، تحلیلی و متمرکز بر شخصیت منیژه در این آثار انجام نگرفته است. پژوهش حاضر با تمرکز خاص بر نمادها و نقوش منیژه، در پی رمزگشایی و تحلیل عمیق این شخصیت در زمینه‌های هنری است. همچنین این پژوهش تمرکز دقیق بر تحلیل، تفسیر و نمادشناسی نقوش ظرف سفالی مجموعه فریر گالری دارد. در مقابل بیشتر پژوهش‌ها که به جنبه‌های تاریخی و ساختاری یا مقایسه‌ای میان متن و تصویر پرداختند، این پژوهش قصد دارد با تحلیل معناشناسانه و تفسیر نقش‌ها در سفال نگاره‌ها، ارتباط میان متن شاهنامه

و هنر تصویری را برجسته کند و به فهم بهتر فرهنگ بصری و نمادین نقوش کمک کند. بعلاوه، پژوهشی بین‌رشته‌ای است. در حالی که اغلب مطالعات پیشین بر مباحث ادبی، تاریخی یا هنری به صورت جداگانه تمرکز داشته‌اند، این پژوهش با تداخل در حوزه‌های ادبیات، هنر و تحلیل تصویر، مطالعه عمیق‌تری از نقش و اهمیت شخصیت منیژه در هنرهای صناعی و تجسمی ارائه می‌دهد. در نهایت، این مقاله پیشنهادی برای رویکردهای نوین و مکمل در مطالعات آینده دارد. به‌عنوان یک پژوهش مبتنی بر تحلیل تصویری و روایتی، می‌تواند راهکارهای نوینی در فهم بیشتر نقش زنان و شخصیت‌های اسطوره‌ای در هنرهای تجسمی و روایی ایرانی ارائه دهد و مسیر را برای مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه هنر، روایت و نمادشناسی باز کند. در مجموع، این پژوهش با تمرکز منحصر به فرد بر شخصیت منیژه در سفال نگاره‌ی دوره‌های سلجوقی، کاستی‌های موجود در تحقیقات پیشین درباره این شخصیت را برطرف می‌سازد و با رویکرد تحلیلی، تاریخی و روایتی، خوانشی نو و نقدپذیر از هنر و روایت‌های شاهنامه در دوران اسلامی ارائه می‌دهد. این موضوع نه تنها بر غنای پژوهش‌های تاریخی و هنری می‌افزاید، بلکه درک عمیق‌تری از فرهنگ بصری و روایت‌های نمادین ایرانیان را فراهم می‌کند.

### ۳- روش‌شناسی

روش تحقیق در مقاله حاضر، بر اساس هدف، از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، از نوع توصیفی-تحلیل تصویری است. برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها، از روش کتابخانه‌ای، مراجعه به منابع و وبگاه‌های معتبر اینترنتی و مطالعه نمونه‌ی ظرف سفالی با نقش بیژن و منیژه موجود در مجموعه فریر واشنگتن بهره گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش شامل سه تصویر از زاویه‌های مختلف ظرف سفالی منقوش به داستان بیژن و منیژه در موزه گالری فریر است که با توجه به متن داستان شاهنامه، ترتیب تصاویر بررسی شده و نقش منیژه در هر صحنه مورد تحلیل قرار گرفته است. ظرف مورد بحث با شیوه مینایی اجرا شده و در فریر گالری واشنگتن نگهداری می‌شود. این ظرف در قرن ششم هجری و در شهرری تولید شده است. شهرری که از قرن ۳ هـ ق یکی از بزرگ‌ترین و آبادترین شهرهای کشور اسلامی به شمار می‌رفت و در دوران حکومت سلجوقی نیز دارای اهمیت و اعتبار فراوان بوده است و از مراکز مهم ساخت ظروف مینایی بشمار می‌رود (فیروزه، ۱۳۴۵). بدنه‌ی ظرف به روش چرخ‌کاری و از گل سفید ساخته شده است.

### ۴- یافته‌ها

#### ۴-۱- شرح روایت عاشقانه بیژن و منیژه

داستان بیژن و منیژه از روایت‌های عاشقانه‌ای است که حکیم ابوالقاسم فردوسی در مجموعه عظیم خود شاهنامه به نظم درآورده است. داستان از آنجا آغاز می‌شود که کیخسرو، پس از کشته شدن اکوان دیو و باز گردیدن رستم به سیستان روزی مجلس طرب برپا داشته است و بزرگان و ناموران مجلس نشینان آن بزم خسروانه‌اند، در آن حال پرده‌داری نزد سالار بار می‌آید که گروهی از مردم ارمان، ناحیه‌ای در مرز ایران و توران از هجوم گرازان که موجب پایمال شدن کشت و زرع و ویران گشتن باغ و بستان و تباهی چارپایان شده‌اند، به دادخواهی آمده‌اند (فردوسی، ۱۳۷۳). سالار بار، آنان را به دستور شاه به حضور می‌برد و شاه با وعده مساعدت دفع خوکان وحشی ایشان را بازمی‌گرداند. آنگاه کیخسرو دستور می‌دهد ده اسب با لگام زرین و طبقی سیم و زر و گوهر حاضر آورند و آن را پادشاه کسی که دفع گراز کند قرار می‌دهد. بیژن گیو از جمع پهلوانان پای پیش می‌نهد و با آنکه گیو نگران یگانه فرزند است و او را از خطری که در پیش دارد هشدار می‌دهد (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱). بیژن تدارک سفر می‌بندد و با گرگین نخجیر کنان، چنان‌که گویی سر سیر باغ و دشت دارند راه می‌پیمایند و بیشه ارمان مسکن گرازان می‌رسند. بیژن تیر و کمان برمی‌گیرد و گرازان را به تیر و تیغ یکی

پس از دیگری می‌کشد. آنگاه بیژن سرخوکان کشته شده را از تن جدا می‌سازد تا دندان‌هایشان برگند و به نشانه کشتن آن‌ها و هنرنمایی خود همه را نزد شاه ببرد. گرگین با مشاهده پیروزی بیژن بر گرازان از بدنامی خویش در کوتاهی مساعدت با وی هراسان می‌شود (صفا، ۱۳۸۳). درصدد برمی‌آید که دامی در راه او بگستراند پس با تمجید و تحسین ظاهری از هنرنمایی او اینکه چندین بار همراه رستم و دیگر پهلوانان در این ناحیه بوده و با وضع منطقه‌آشنایی دارد می‌گوید که جشن گاهی در فاصله نزدیکی از این بیشه است که هر سال در همین اوان دختر افراسیاب با گروهی از ندیمه‌های پریچهر خود بدان جا می‌آید و خیمه و خرگاه برپا می‌کند، بهتر است آنجا برویم و کمین کنیم و از ترکان سیم‌اندام، زیباروی چند به غنیمت اسیر گیریم و به ایران ببریم، مزید بر افتخاراتمان خواهد بود. بیژن جوان دل به سخن او می‌دهد. بدان سوی می‌شتابد و چون نزدیک آن مرغزار می‌رسند که منیژه دختر افراسیاب او را از دور می‌بیند، دایه‌ی خود را نزد او می‌فرستد تا بداند او کیست و از کجاست. دایه پس از آگاه شدن به حال و کار بیژن سرانجام او را به سراپرده منیژه می‌برد و روزی چند آن دو به شادی و طرب با هم به سر می‌برند و چون هنگام رفتن فرامی‌رسد به دستور منیژه داروی بی‌هوشی به بیژن می‌خورانند و او را همچنان مدهوش و بی‌خبر در تخت روان می‌نشانند و باز می‌گردانند به قصر اختصاصی منیژه می‌برند و آنجا او را به هوش می‌آورند. بیژن چشم می‌گشاید و خود را در قصر منیژه در پایتخت افراسیاب می‌یابد (فردوسی، ۱۳۷۳).

روزی چند بر او می‌گذرد، به شادی و سرور و سرور تا اینکه باغبان آن قصر از بودن مردی بیگانه در آن خانه آگاه می‌شود، بر جان خود بیمناک می‌گردد، ناگزیر خبر به افراسیاب می‌برد. افراسیاب، برادر خود گرسیوز را با انبوهی از لشکریان می‌فرستد تا در و بام قصر را بگیرند و احوال آن مرد بیگانه را تحقیق کنند. گرسیوز کاخ منیژه را محاصره می‌گیرد سپس در قصر را می‌شکنند و به اتاق می‌رسند که در آن بیژن و منیژه و ندیمان گرم گفتگو و عیش و نوش بودند. گرسیوز دو دست بیژن را می‌بندد و او را نزد افراسیاب می‌برد. افراسیاب دستور دار زدن او را می‌دهد. از اتفاق خوش همان زمان پیران و سیه وزیر افراسیاب و سالار بزرگ او از راه می‌رسد (صفا، ۱۳۸۳). از بیژن احوال می‌پرسد و بیژن سرگذشت خویش را به راستی بیان می‌کند. پیران از مأمور جلاذ می‌خواهد دست ننگه دارد و نزد افراسیاب می‌رود و از شاه می‌خواهد که به جای کشتن او را در بند کشد؛ اما افراسیاب از ننگی که بیژن با آمدن خود به همراه دخترش متوجه او ساخته است می‌نالند. در نهایت افراسیاب می‌پذیرد و به گرسیوز دستور می‌دهد بیژن را با بند و زنجیر در چاهی بيفکنند و سنگ اکوان دیو را با پیل ببرد و بر سر چاه قرار دهد و سپس منیژه را از دربار براند و کاخ او را غارت کند. بیژن به چاه می‌افتد و منیژه با پیراهنی از خانمان رانده می‌شود و به پرستاری بیژن همت می‌گمارد از در خانه‌ها نان دریوزه می‌کند و از سوراخ کنار چاه به او می‌رساند (دبیرسیاقي، ۱۳۸۱).

از آن سوی گرگین چند روز به انتظار بازگشت بیژن می‌ماند؛ اما اثری از بیژن نمی‌بیند. ناگزیر به تنهایی و با دندان‌های گرازان رو به پایتخت می‌نهد. در پیشگاه کیخسرو، گرگین داستانی به هم می‌بافد که بیژن به دنبال شکار گوری رفت و من از او بازماندم و هرچه جستم او را نیافتم. شاه که سخنان گرگین را نادرست می‌یابد دستور می‌دهد گرگین را زندانی کنند (فردوسی، ۱۳۷۳). بنابر آیین و رسمی مقرر روز هر مزد از ماه فروردین، سر سال نو، کیخسرو با جامعه‌ای پاک و سفید، پیش پروردگار جهان به نیایش می‌پردازد و در جام گیتی نما می‌نگرد، بیژن را به شهر خُتن در چاهی بسته زنجیر می‌بیند. آنگاه نامه‌ای به رستم می‌نویسد و از او می‌خواهد که به دربار آید تا برای رهایی بیژن چاره‌سازی کند (دبیرسیاقي، ۱۳۸۱).

رستم به دربار می‌آید و چنین برنامه‌ریزی می‌کند که با گروهی از پهلوانان در لباس بازرگانی بدان جا بروم در نجات بیژن بکوشم. رستم با هزار تن از لشکریان و سپاهیان به توران می‌رود و در آنجا بازاری ترتیب می‌دهد و کالا و قماش بر بساط می‌نهد. منیژه خبر از آمدن کاروانی از ایران می‌شنود و به آنجا می‌شتابد و از رستم جوایای حال گیو و گودرز می‌شود. رستم در ابتدا از سخنان او مضطرب می‌شود اما بعد از مدتی به آشپز خود دستور می‌دهد مرغی بریان بیاورد و به چابکی انگشتر خود را در مرغ پنهان می‌کند و به منیژه

می گوید این را برای بیژن ببر. منیژه غذا را برای بیژن می برد، بیژن انگشتی رستم را در آن می یابد و بر نگین آن نام رستم را به خطی باریک نوشته می خواند و بیژن به منیژه می گوید که آن کاروان برای نجات جان او آمده اند پس به کاروان بازگرد و از آن سالار بپرس اگر خدای رخش هستی مرا آگاه ساز. منیژه نزد رستم می آید و پیام بیژن را به او می رساند (فردوسی، ۱۳۷۳). رستم به منیژه می گوید که هیزم بسیار فراهم آورد و شب هنگام بر سر چاه بیفروزد که راهنمای ما شود تا بیاییم. شب هنگام رستم و پهلوانان بر سر چاه می روند، جهان پهلوان از رخش پیاده می شود و سنگ از سر چاه برمی دارد. آنگاه کمند به چاه فرومی گذارد و او را از چاه برمی آورد و بند و زنجیر از او می گشاید.

بیژن و منیژه به ایران بازمی گردند. کیخسرو کاخ آراسته با همه تجملات در اختیار منیژه می نهد و بیژن را به حرمت داشتن و تیمار وی توصیه می کند و داستان با سخنان پندآمیز فرزانه نامدار فردوسی پایان خوش می یابد (دبیرسیاقی، ۱۳۸۱). داستان عاشقانه بیژن و منیژه احتمالاً در روزگار خود مشتاقان و طرفداران بسیار داشته است و بسیاری از مردم جامعه گهگاه با روایت این داستان به دور هم گرد می آمدند. در همین جریان هنرمندان و نقاشان سفالینه نیز از این موضوع برای نقاشی بر بستر سفالی استفاده کرده و این موضوع را بر ظرف (یا گلدان) سفالی منقوش کرده اند. ظرف سفالی مینایی که در فریر گالری واشنگتن نگهداری می شود (تصویر ۱). نقوش بدنه خارجی آن در سه ردیف طرح شده است؛ با موضوعات اصلی که عبارت از:

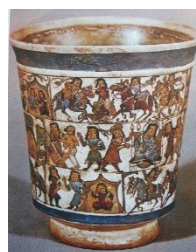
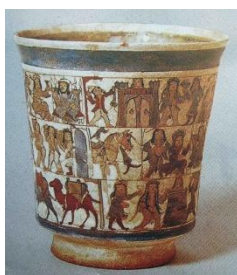
۱- ردیف اول: ابراز عشق بیژن به وسیله تقدیم یک دسته گل.

۲- ردیف دوم: دستگیری بیژن به دست غلامان منیژه و گرسیوز.

۳- ردیف سوم: به چاه افتادن بیژن به دست ایشان و آمدن رستم به کنار چاه برای نجات او.

نقوش این کاسه در سه ردیف و ۱۲ بخش، از شروع داستان آغاز شده و با نجات بیژن از چاه به دست رستم به پایان می رسد.

**تصویر ۱:** سه تصویر از تنگ سفالی منقوش به داستان بیژن و منیژه (کیانی، ۱۳۵۷؛ pope, 1967)

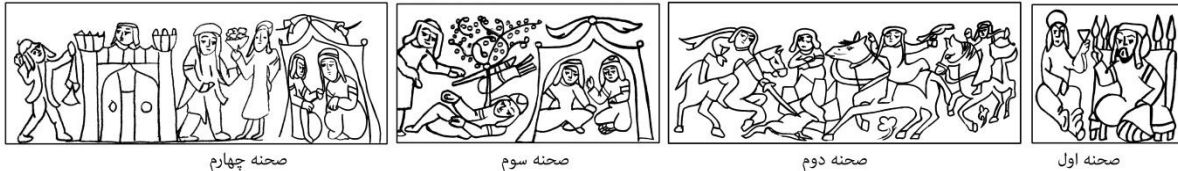


#### ۲-۴- تحلیل دوازه صحنه داستان بر روی تنگ سفالی مجموعه فریر گالری

تنگ سفالی منقوش به داستان بیژن و منیژه و در دوازده صحنه تصویرسازی شده است. جهت تحلیل و بررسی دقیق تر نقش منیژه در این تنگ، نقوش به صورت خطی و در سه ردیف چهارتایی قرار گرفته است.

جدول شماره ۱: نقوش خطی شده بر روی ظرف منقوش به داستان بیژن و منیژه (نگارندگان)

## ردیف اول



صحنه چهارم

صحنه سوم

صحنه دوم

صحنه اول

## ردیف دوم



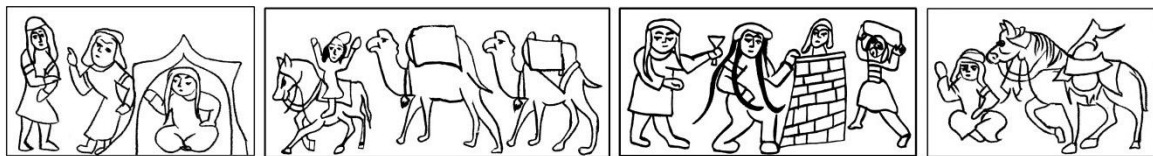
صحنه هشتم

صحنه هفتم

صحنه ششم

صحنه پنجم

## ردیف سوم



صحنه دوازدهم

صحنه یازدهم

صحنه دهم

صحنه نهم

روایت داستان به ترتیب صحنه‌های مصور شده بر روی ظرف و طبق داستان شاهنامه به این شرح است؛ **صحنه اول** این جام سفالین، مجلس طرب و شادی در بارگاه کیخسرو را نشان می‌دهد. در داستان نیز گفته شد که گروهی از مردم ارمان برای دادخواهی از هجوم گرازان نزد کیخسرو می‌آیند و در همان مجلس بیژن گیو از جمع پهلوانان پای پیش می‌نهد. **صحنه دوم**، بیانگر شکار و جنگ بیژن با گرازان است، در داستان روایت شد که بیژن همراه گرگین به جنگ رفت و آنجا گرازان را از پا درآورد و دندان‌هایشان را به نشانه پیروزی کشید. **صحنه سوم**، بیژن در پشت درخت ایستاده و آن زن دایه‌ی منیژه است که جهت خبر گرفتن از جوان کنار درخت آمده است زیرا که منیژه در دوردست‌ها او را دیده و به دایه‌ی خود دستور داده است آن جوان را بیاورد. بیژن و منیژه در کنار هم در سراپرده نشسته اند و چون هنگام رفتن فرامی‌رسد به دستور منیژه داروی بی‌هوشی به بیژن می‌خورانند و او را همچنان مدهوش و بی‌خبر به قصر منیژه می‌برند. **صحنه چهارم**، این **صحنه** با جزئیات بیشتر نشان داده شده «بیژن در حال گل دادن به منیژه است» این نقش به عاشقانه بودن داستان و نقوش روی کاسه کمک کرده است. **صحنه پنجم**، بیانگر خبر بردن باغبان از حضور مردی بیگانه در کاخ منیژه نزد افراسیاب است. به نظر می‌رسد شخصی که بر تخت نشسته به سبب حالت موقر و شاهانه افراسیاب باشد. فردی که روبروی او زانو زده باغبانی است که خبر از حضور بیژن در کاخ آورده است. **صحنه ششم**، نیم‌تنه اسبی در حال حرکت را نشان می‌دهد. **صحنه هفتم**، این صحنه روایتگر محاصره کاخ منیژه توسط گرسیوز، برادر افراسیاب است؛ که بیژن را دست بسته نزد افراسیاب

می‌برد. پیران از مأمور جلاد می‌خواهد دست نگه دارد، نزد افراسیاب می‌رود و از شاه می‌خواهد که به‌جای کشتن بیژن، او را در بند کشد. در نهایت افراسیاب می‌پذیرد و به گرسبوز دستور می‌دهد بیژن را با بند و زنجیر در چاهی بیفکنند و سنگ اکوان دیو را با پیل ببرد و بر سر چاه قرار دهد. **صحنه هشتم**، بیژن به چاه می‌افتد و منیژه به تائی پیراهن از خانمان رانده می‌شود و به پرستاری بیژن همت می‌گمارد از در خانه‌ها نان در یوزه می‌کند و از سوراخ کنار چاه به او می‌رساند. **صحنه نهم**، اگر طبق داستان پیش برویم محتملاً این صحنه انتظار گرگین برای بازگشت بیژن است؛ اما اثری از بیژن نمی‌یابد. ناگزیر به‌تنهایی و با دندان‌های گرازان به سوی پایتخت حرکت می‌کند. **صحنه دهم**، در داستان شاهنامه آمده است که کیخسرو در جام گیتی نما می‌نگرد، بیژن را به شهر ختن در چاهی بسته به زنجیر می‌بیند. آنگاه نامه‌ای به رستم می‌نویسد و از او می‌خواهد که به دربار آید تا برای رهایی بیژن چاره‌سازی کند. رستم به دربار می‌آید و برنامه‌ریزی می‌کند. این صحنه بیانگر نجات بیژن به دست جهان پهلوان رستم است که سنگ اکوان دیو از سر چاه برمی‌دارد و بند زنجیر از او می‌گشاید. **صحنه یازدهم**، بیژن، منیژه، کاروان رستم و پهلوانان به سمت ایران باز می‌گردند. **صحنه دوازدهم**، بر اساس آنچه در شاهنامه نوشته شده روایت این‌گونه پایان می‌یابد که بیژن و منیژه به ایران بازمی‌گردند. کیخسرو کاخ آراسته با همه تجملات در اختیار منیژه می‌نهد و بیژن را به حرمت داشتن و تیمار وی توصیه می‌کند؛ اما این صحنه اندک قرابتی با آنچه در صحنه‌های پیش دیدیم ندارد. در مجموعه روایت بیژن و منیژه بر اساس تصاویر منقوش بر روی تنگ سفالی مورد بررسی قرار گرفت. صحنه‌های که نقش منیژه در آن آمده است با دقت بیشتری مورد توجه قرار خواهد گرفت.

#### ۴-۳- نقش منیژه در تنگ سفالی مجموعه فریر گالری واشنگتن

نقش منیژه در شش صحنه از دوازده صحنه این تنگ سفالی آمده است که شامل صحنه سوم، صحنه چهارم، صحنه هشتم و صحنه دهم، یازدهم و دوازدهم می‌شود.

جدول شماره ۲: نقش منیژه در صحنه‌های سفال (نگارنده)؛ (منبع تصویر؛ کیانی، ۱۳۵۷).

بیژن در پشت درخت ایستاده و آن زن دایه‌ی منیژه است که جهت خبر گرفتن از جوان کنار درخت آمده است زیرا که منیژه در دوردست‌ها او را دیده و به دایه‌ی خود دستور داده است آن جوان را بیاورد. بیژن و منیژه در کنار هم در سراپرده نشسته اند و چون هنگام رفتن فرامی‌رسد به دستور منیژه داروی بی‌هوشی به بیژن می‌خورانند و او را همچنان مدهوش و بی‌خبر به قصر منیژه می‌برند.



صحنه سوم

بیژن در حال گل دادن به منیژه است. شخصی که گل در دست دارد بیژن است و منیژه در حال گرفتن گل. بیژن و منیژه نشسته در کنار هم هستند؛ و تصویر بعد گل دادن بیژن به منیژه است. در پشت آن‌ها کاخ منیژه نقش شده، محتملاً شخصی که در کنار کاخ ایستاده همان باغبانی است که خبرچینی حضور بیژن در کاخ را می‌کند.



صحنه چهارم

بیژن به چاه می‌افتد و منیژه به تائی پیراهن از خانمان رانده می‌شود و به پرستاری بیژن همت می‌گمارد از در خانه‌ها نان در یوزه می‌کند و از سوراخ کنار چاه به او می‌رساند در این پلان فیل در حال آوردن سنگ اکوان دیو است، در حالی که همان سنگ بر سر چاه قرار گرفته. همچنین نقاش، چاه را به شکلی مصور کرده که بالاتر از سطح زمین و بیژن در آن نشسته است.



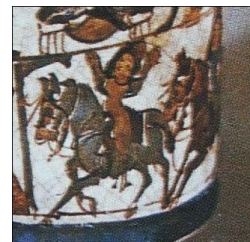
صحنه  
هشتم

این صحنه بیانگر نجات بیژن به دست جهان پهلوان رستم است که سنگ اکوان دیو از سر چاه برمی‌دارد و بند زنجیر از او می‌گشاید. شخصی که سر از چاه بیرون آورده، بیژن است. سمت راست او، رستم، قرار گرفته و سمت چپش منیژه ایستاده است.



صحنه  
دهم

پس از نجات بیژن از چاه توسط پهلوان رستم، بیژن، منیژه، کاروان رستم و پهلوانان به سمت ایران باز می‌گردند.



صحنه  
یازدهم

بر اساس داستان، روایت این‌گونه پایان می‌یابد که بیژن و منیژه به ایران بازمی‌گردند. کیخسرو کاخ آراسته با همه تجملات در اختیار منیژه می‌نهد و بیژن را به حرمت داشتن و تیمار وی توصیه می‌کند. در این صحنه منیژه داخل سراپرده نشسته و کیخسرو در حال نصیحت کردن بیژن است.



صحنه  
دوازدهم

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تمرکز بر مطالعه نقوش تصویری بر سفال و تطبیق آن با داستان بیژن و منیژه در شاهنامه بوده است. با نگاهی دقیق‌تر، مشخص می‌شود که شاهنامه قالبی حماسی دارد، اما داستان بیژن و منیژه، بخشی از روایت‌های عاشقانه است. نقاش این تنگ سفالی با مهارت در تصویرسازی، ژانر داستان را از حماسی به عاشقانه تغییر می‌دهد، به گونه‌ای که قهرمانانی چون رستم تأکید بر روح حماسی داستان دارند. تغییر ژانر از حماسی به عاشقانه، بر روح کلی روایت در این نقوش تأثیری نگذاشته است؛ بلکه، نقاش با شناخت و آگاهی از متن داستان، وفادارانه (هرچند اندک) حماسی بودن شاهنامه را حفظ کرده است؛ همان‌گونه که در پایان داستان، نجات بیژن و شادی منیژه، در سایه‌ی قهرمانی‌های رستم، حاصل می‌شود.

در نقوش ظرف سفالی موجود در فریر گالری واشنگتن، نقش منیژه در شش صحنه از دوازده صحنه، شامل صحنه‌های سوم، چهارم، هشتم، دهم، یازدهم و دوازدهم، حضور دارد. نکته مهم دیگر این است که بر اساس داستان نقل شده از شاهنامه، پس از اطلاع افراسیاب از حضور بیژن در قصر منیژه، فرمان می‌دهد که کاخ منیژه محاصره و او از دربار اخراج شود. منیژه، از خانه رانده می‌شود،

اما همچنان با همت و همدلی خود، در کنار بیژن باقی می ماند. در شعر فردوسی، منیژه به عنوان زنی شیردل توصیف شده که عشق و نجات بیژن بر عهده او است؛ در حقیقت، فردوسی او را با صدای بلندتر و شخصیتی فعال تر تصویر می کند. در مقابل، نقوش سفالی بیشتر حول محور قهرمانی های بیژن، وفاداری و تحمل سختی ها، مانند افتادن در چاه، می گردد. غالباً صحنه ها بیژن را در حالت فعال تر نشان می دهند، همانند شکار گراز، اسارت و افتادن در چاه و در نهایت نجات بیژن توسط رستم. تنها در یک صحنه (شماره هشتم)، منیژه را در کنار چاه، در حال نان دادن به بیژن می نگریم که نشان دهنده حضور فعال تر او است. در نگاه کلی، شعر فردوسی و تصاویر سفالین نشان می دهند که شخصیت هایی مانند کیخسرو، فراسیاب، منیژه، ندیمه، بیژن و باغبان، در متن شاهنامه با ذکر نام و هویت های مشخص، برای خواننده قابل درک هستند؛ اما در طراحی سفال، هنرمند تصویری تلاش چندانی برای تمایز پیکره ها نکرده است؛ چهره ها، لباس ها و کلاه ها تقریباً مشابه هستند، مگر در موارد معدودی، مانند نشان دادن فراسیاب و کیخسرو بر تخت و یا تمییز دادن هویت منیژه به واسطه موهای بلند که پس از رجوع به متن شاهنامه، قابل تشخیص است.

بعلاوه نتایج این پژوهش نشان می دهند که بازنمایی شخصیت منیژه در متن شاهنامه و در تصاویر سفال مجموعه فریر واشنگتن، علاوه بر تفاوت هایی ساختاری و زبانی، قابلیت های متفاوتی در بیان ابعاد و نقش های این شخصیت دارند. این تفاوت ها را می توان در چند محور اصلی تبیین کرد؛ اول، نوع و قالب روایت و نقش شخصیت منیژه است. در متن شاهنامه، منیژه به عنوان شخصیتی فعال و تأثیرگذار، نماد عشق، وفاداری و فداکاری است. فردوسی او را با صدای بلند و عزم قوی تصویر می کند که نقش مهمی در نجات بیژن و حفظ روحیه عاشقانه ایفا می نماید. او در روایت کتابی، نماد زن قهرمان و پشتیبان همسر است و بر احساسات، اراده و انسجام در متن حکایتی تأکید شده است. در نقوش سفال نگاره ها نیز، منیژه غالباً در نقش زنی وفادار و همراه نشان داده می شود، اما بیشتر در کنار بیژن و در حال تحمل سختی ها یا تلاش برای نجات او است. تصاویر سفال نگاره اغلب بر جنبه های عاطفی و فداکاری او تمرکز دارند، ولی با کم توجهی به جنبه های فعال و قهرمانانه و بیشتر جنبه های همدلی، صبر و استقامت او نمودار می شود؛ بنابراین، در متن، منیژه نماد کلی عشق و وفاداری است، در حالی که در نقش های تصویری بیشتر نماد استمرار و همدلی در بحران نشان داده می شود. دوم، نوع تفسیر و تأکید بر شخصیت منیژه اهمیت دارد. در متن شاهنامه، ویژگی های منیژه مانند شیردلی، شجاعت، حضور فعال در نجات بیژن و نقش محوری در روایت، بسیار برجسته است. در مقابل، در نقوش ظرف سفالی که بایستی محدودیت های تصویری و نمادین را در نظر گرفت، این شخصیت بیشتر به عنوان نماد وفاداری و نقش حمایتی دیده می شود. نقش او در تصاویر، اغلب در کنار شخصیت های دیگر، بدون تفکیک فردی کامل و به صورت کلی نگرانه تر ارائه می شود و جز موارد معدود، تغییراتی در ویژگی ها و رفتارهای او دیده نمی شود. سوم، در ابعاد تصویری و نمادشناسانه تفاوت وجود دارد. در تفسیر تصویری از ظرف سفالی، از آنجا که هنرمند در اثرگذاری بر مخاطب محدود است، سعی می شود شخصیت ها، لباس ها، حالت ها و صحنه ها با عناصر بصری برای انتقال پیام ها و شخصیت ها مورد استفاده قرار گیرند. در نقوش ظرف سفالی، منیژه با ویژگی های تقریبی مانند موهای بلند، لباس های ساده و حضور در صحنه های کلیدی (مثل کنار چاه، یا همبستگی با بیژن)، معرفی شده است، اما این ویژگی ها معمولاً به صورت نمادین و کلی هستند و تفاوت های ظریف در ساختار شخصیتی، در این قالب به خوبی نشان داده نمی شود. چهارم، اثرگذاری در فهم شخصیت و نتیجه کلی در مفهوم روایت وجود دارد. در متن، دیدگاه فردوسی عمقی و همه جانبه درباره منیژه ارائه می دهد، ایشان را به عنوان زن فعال و در عین حال نگرسته شده در درون روایت، تصویر می کند. در مقابل، در نقوش ظرف سفالی، شخصیت منیژه بیشتر در قالب نماد وفاداری، صبر و استقامت تصویر شده است. این تفاوت نشان دهنده نقش رسانه در تولید و انتقال مفاهیم است؛ متن، امکان تفصیل و توصیف شخصیت های کامل و پیچیده را دارد، در حالی که تصویر، بیشتر بر نمادگرایی و نشان دادن جنبه های عاطفی و فشرده شده تمرکز دارد. در نهایت، می توان گفت که هر دو رسانه (متن و تصویر) در بازنمایی شخصیت منیژه مکمل یکدیگر هستند، اما تفاوت در دقت، عمق و پیچیدگی روایت، نشان از تفاوت های ساختاری و معنایی آن ها دارد. متن شاهنامه، با ابعاد زبانی، شناختی

و روانشناسانه عمیق‌تر، تصویر کامل‌تری از شخصیت منیژه ارائه می‌دهد، در حالی که سفال نگاره‌ها، به واسطه محدودیت‌های بصری و نمادین، بیشتر توانسته‌اند در قالب تصویر وفاداری و استقامت او را نشان دهند و نقطه عطف‌های کلیدی او در داستان را برجسته کنند، هرچند روایت و تبیین‌های فردی کاهش یافته است.

## ۶- منابع

- ۱- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۳). تاملاتی درباره منابع و شیوه کار فردوسی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ۴۷ (۱۹۲)، ۸۵-۱۴۵.
- ۲- اصغرزاده چرندابی، ضحی (۱۳۹۳). بازتاب داستان بهرام گور و آزاده در هنر سفالگری عهد ایلخانی ایران؛ نمونه مطالعاتی مجموعه موزه هنر متروپولیتن، بررسی‌های نوین تاریخی، ۹۹-۱۰۵.
- ۳- بهدانی، مجید؛ مهرپویا، حسین (۱۳۹۰). بررسی تصویر بهرام گور در هنر ایران از دوره ساسانی تا پایان دوره قاجار، فصلنامه علمی پژوهشی نگره، ۱۹ (۹۰)، ۵-۱۹.
- ۴- پاکباز، رویین (۱۳۸۳). دایره‌المعارف هنر. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- ۵- دبیرسیاقی، سید محمد (۱۳۸۱). داستان‌های نامورنامه باستان شاهنامه. تهران: انتشارات نشر قطره.
- ۶- حبیبی، الهام؛ و حسنی، محمدرضا (۱۳۹۵). بررسی نقش آزاده در نگاره‌های بهرام گور و آزاده سده هشتم (دوره ایلخانی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۷- خزائی، محمد؛ و فاضل، عاطفه (۱۳۹۴). روایت شاهنامه بر جام سفالین بیژن و منیژه، نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ۲۰ (۱)، ۴۹-۵۸. doi: 10.22059/JFAVA.2015.55444
- ۸- خلیلی جهانتیغ، مریم؛ و دهرامی، مهدی (۱۳۹۰). ادبیات تعلیمی و تربیتی در شاهنامه فردوسی، نشریه علمی پژوهشی پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۴۱-۵۸.
- ۹- کیانمهر، قباد؛ قربانی، شعبانعلی؛ و آشوری، محمدتقی (۱۳۹۵). انعکاس مضامین شاهنامه بر سفالینه‌های دوران سلجوقی، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ۳۳-۴۴.
- ۱۰- کیانی، محمد یوسف (۱۳۵۷). سفال ایرانی: بررسی سفالینه‌های ایرانی مجموعه نخست‌وزیری. تهران: انتشارات مخصوص نخست‌وزیری.
- ۱۱- کیانی، محمد یوسف (۱۳۸۰). پیشینه سفال و سفالگری در ایران. انتشارات نسیم دانش. تهران.
- ۱۲- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۳). حماسه‌سرایی در ایران، فردوسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۳- علی‌نقی، حسین (۱۳۹۰). تحلیل شخصیت و نقش زنان در داستان‌های شاهنامه، فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۸۱-۵۹.
- ۱۴- غیوری، معصومه (۱۳۹۳). بررسی چند منظری بخش تاریخی شاهنامه فردوسی، پایان‌نامه دکتری، استاد راهنما علیرضا نیکویی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۱۵- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۳). شاهنامه، ویرایش مهدی قریب و محمدعلی بهبودی، تهران: انتشارات نشر توس.
- ۱۶- فیروزه، شاهرخ (۱۳۴۵). سفال. تهران: بی‌تا.

۱۷- نادری، پگاه (۱۳۹۹). مطالعات زبان ادبیات حماسی در شاهنامه فردوسی، چهارمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره.

18- pope, Arhtur upham. (1967). A survey of peraian Artfrom Prehistoric Times to the Present Volume 9, London & New York: *Oxford University Press*,

## The Representation of Manizheh's Character on a Ceramic Vessel (Freer Gallery Collection, Washington)

Atefeh Fazel <sup>1\*</sup>

1-Assistant Professor, Faculty of Islamic handicrafts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, East Azerbaijan, Iran. (Corresponding Author)

a.fazel@tabriziau.ac.ir

### Abstract

This study examines a ceramic vessel depicting the story of Bijan and Manizheh, dating back to the 6th century AH and originating from the city of Rey. The primary aim of this research is to analyze the representation of Manizheh's character in this visual artwork and compare it with her portrayal in Ferdowsi's *Shahnameh*. The central research question is as follows: *How is Manizheh's role represented in the text of the Shahnameh and in the ceramic images from the Freer Gallery Collection in Washington, and what are the differences in interpretation of this character across these two media?* In terms of purpose, the research is applied, and in terms of nature, it follows a descriptive and visual-analytical method. Data collection was conducted through library research, consultation of credible domestic and online sources, and examination of ceramic vessels featuring Bijan and Manizheh found in the Freer Gallery Collection. The findings indicate that the ceramic artist has preserved symbolic elements while generally remaining faithful to the narrative, portraying Manizheh as a loyal, loving, and patient figure. However, her heroic and proactive dimensions, as emphasized in the *Shahnameh*, are less visible. Ferdowsi depicts Manizheh as a courageous woman with an active role in saving Bijan, symbolizing unwavering love and devotion. Ultimately, while the ceramic artwork retains the epic tone of the story through the inclusion of Rostam's heroism and other epic elements, it places greater emphasis on the emotional and symbolic aspects of Manizheh's character. The study reveals differences in the interpretation and representation of Manizheh between text and image, yet both media complement each other in preserving Iran's cultural heritage and national narratives. One of the key outcomes of this research is highlighting the importance of the unity between visual and literary arts in maintaining and transmitting national stories. It demonstrates the special role of ceramics in promoting and reinterpreting ancient Iranian tales.

**Keywords:** Ferdowsi's *Shahnameh*, Bijan and Manizheh Ceramic Imagery, Epic and Romantic Narratives.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)

## راهکارهای سوره نور در نهادینه‌سازی عفت جنسی در جامعه ایمانی

خدیجه احمدی بیغش\*<sup>۱</sup>، مریم حاجی کاظم<sup>۲</sup>

۱- استادیار، گروه قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Kh.ahmadi@modares.ac.ir

۲- دانش‌آموخته، کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن حضرت فاطمه، تهران، ایران.

maryamkazem۱۹۷۴@gmail.com

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۲/۷]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۳/۱۷]

### چکیده

عفت، نیرویی درونی کنترل نفس از امور ناشایست، همواره مورد توجه اسلام بوده است. خداوند متعال با طرح تدریجی سیاست‌های کلان خویش زیست عفیفانه را در جامعه اسلامی تقویت، تثبیت و نهادینه‌سازی کرده است. بدین شیوه که علی‌رغم طرح مباحث مرتبط با عفت در ابعاد گوناگون آن، در سوره مکی، تقویت و تثبیت احکام عفت جنسی را به مدینه و در اوضاعی که جامعه‌ای با حاکمیت اسلام برپا شود، واگذار نمود. تحقیق پیش رو درصدد پاسخگویی به این سؤال است که سوره مدنی نور چه راهکارهایی را جهت نهادینه‌سازی عفت جنسی در جامعه ایمانی پیش گرفته است. بررسی توصیفی تحلیلی سوره نور، بر اساس منابع کتابخانه‌ای نشان می‌دهد پروردگار در شرایط استقرار جامعه اسلامی مدنی، به‌منظور تقویت عفت جنسی در قلوب مؤمنان، ابتدا با طرح احکام پیشگیرانه از انحرافات جنسی، مانند تنبیه شدید زناکاران و شرایط سنگین اثبات قضایی آن، نهی از نگاه‌ها حرام، امر به ازدواج، لزوم عفت‌ورزی جوانان و... موضوع حجاب در جامعه ایمانی را پیش کشیده، تربیت روح عفاف را مطرح کرده است. سپس به‌منظور تثبیت احکام عفت جنسی در دو ساحت خانوادگی و اجتماعی، پایبندی به احکام عفاف الهی، رعایت آداب حریم خصوصی والدین، گذشتن از خواهش‌های نفسانی، تقویت خوف و خشیت از خدا، نفوذ نور احکام در دل مؤمنان، تبعیت محض از خدا و رسول ﷺ، و... را در راستای نهادینه‌سازی عفت جنسی در قلوب مؤمنان طرح داشته است که جز از طریق حفظ حریم‌های محرم و نامحرم، خانواده، والدین، رسول‌الله ﷺ، میسر نخواهد بود.

واژگان کلیدی: سوره نور، تقویت عفت جنسی، تثبیت عفت جنسی، انحرافات جنسی، جامعه ایمانی.

## ۱- مقدمه

پاک‌دامنی و عفت از نیازهای اساسی هر جامعه رو به پیشرفت و ترقی است. تا زمانی که جوامع درگیر نیازهای مادی و جنسی باشند نمی‌توانند به سمت تمدن و پیشرفت حرکت کنند. درحالی‌که نیاز جنسی در انسان عامل مهم تداوم نسل و ارضای حس محبت میان زوجین بسیار ضروری است؛ اما آنچه نادرست است اصل قرار دادن این نیاز و ارضاء آن به شیوه خارج از چارچوب شرع و خانواده است. از دیدگاه معارف دین اسلام حفظ عفت و پاک‌دامنی نه تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه ضرورت اجتماعی است. به گونه‌ای که حتی آن را زینت فقر نیز دانسته‌اند: «الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۶۸). خداوند متعال در سوره مدنی نور (ترتیب نزول ۱۰۳/ترتیب مصحف ۲۴)، احکام الهی را بر محور تزکیه و پاک‌سازی جامعه مؤمنین از آلودگی حول عفاف ارائه و با تبیین اصول اخلاقی و اجتماعی مرتبط با عفت جنسی، راهکارهایی را جهت پیشگیری از انحرافات جنسی بیان می‌دارد.

سیر نزول قرآن کریم نشان می‌دهد خداوند متعال با طرح تدریجی سیاست‌های کلان خویش زیست‌عقیفانه را در جامعه اسلامی تقویت و نهادینه‌سازی می‌دارد. از این رو و بر اساس شواهد تاریخی گویا آن است که محیط مکه و فشار بر مؤمنان و پیامبر ﷺ به گونه‌ای بود که مسلمانان تا مدت‌ها در مکه اعتقادات خویش را از دیگران پنهان داشته، مباحث اخلاقی نیز با ملاحظه حال مؤمنان عملی گشت. چراکه شناخت افراد با ایمان و داشتن اعتقادات مخالف با دیگران در این فضا موجب آزارشان می‌شد؛ اما طرح مباحث متعدد مرتبط با عفت که در زمینه‌های گوناگون چشم، گوش، زبان، دست و پا، دامن بود را کم‌وبیش در سور مکی شاهدیم. حال آنکه تقویت احکام زیست‌عقیفانه خصوصاً عفت جنسی، به سور مدنی و به شرایطی که جامعه‌ای با حاکمیت اسلام برپا شد، موکول گشت. پرداختن به مسئله راهکارهای تقویت احکام عفت جنسی در قلوب مؤمنان، از یک سو می‌تواند احکامی که مرتبط با مسئله عفت جنسی است را به خوبی تبیین و در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی تثبیت نماید. از سویی دیگر موجب تقویت و ارتقاء سطح طاعت و بندگی بشر گشته و زمینه‌های افزایش تقرب به خداوند را در مؤمنان فراهم نموده و سعادت فردی و اجتماعی آنان را به همراه خواهد داشت. راهکارهایی که از طرف خداوند خطاب به مؤمنان ارائه شده و پیامبر گرامی اسلام ﷺ به‌عنوان مجری این احکام در جامعه معرفی شدند، با اصلاح رفتارهای فرد در خانواده و رعایت حرمت دیگران به خوبی می‌توان حریم جامعه را از آلودگی‌ها و تمنیات نفسانی پاک نگاه داشت. تحقیق پیش رو با هدف ارتقاء سطح آگاهی دینی و اخلاقی مؤمنان در جامعه اسلامی و ایجاد محیطی سالم‌تر برای نسل‌های آینده، راهکارهای عملی تقویت عفت جنسی در آموزه‌های سور نور را جهت مقاوم‌سازی در برابر انحرافات جنسی فرای ضرورت فردی، به‌عنوان یک نیاز و ارزش اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار داده است.

## ۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی درباره موضوع عفاف، حجاب و فرهنگ‌سازی قرآنی در این زمینه صورت گرفته‌اند که هر یک از زاویه‌ای خاص به بررسی این مسئله پرداخته‌اند. برای نمونه، عبدالکریم بهجت‌پور در کتاب روش فرهنگ‌سازی پاک‌دامنی در قرآن (۱۳۹۸)، مراحل تحول‌آفرینی قرآن در زمینه پاک‌دامنی را بررسی کرده و در کتاب دیگر خود با عنوان سیر فرهنگ‌سازی پوشش اسلامی با رویکرد تفسیر تنزیلی (۱۳۹۶)، به تحلیل آیات و زمینه‌های هنجار شدن پوشش اسلامی پرداخته است.

از سوی دیگر، برخی آثار به زبان عربی، مانند کتاب الاسفار عن الحق فی مسألة السفور و الحجاب نوشته محمدتقی الهاللی (۱۴۱۲)، تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از ادله عقلی، قرآنی، نقلی و تاریخی، مشروعیت و ضرورت حجاب و عفاف در اسلام را اثبات کنند. همچنین محمدالحسینی الشیرازی در کتاب الحجاب الدرع الواقی (۱۴۱۸)، با تمرکز بر آیات و روایات متعدد، به تحلیل علل حجاب و عفاف، آثار مثبت آن و آسیب‌های ناشی از بی‌حجابی پرداخته است.

در کنار این کتاب‌ها، مقالات علمی پژوهشی نیز به ابعاد مختلف این موضوع پرداخته‌اند. برای مثال، مقاله جایگاه عفت جنسی در شریعت اسلامی و تأثیر آن بر تحکیم بنیان خانواده نوشته عزت‌السادات میرخانی (۱۳۹۳) در مجله زن و مطالعات خانواده، نقش عفت

جنسی را در تقویت بنیان خانواده از نظر امنیت و استواری اجتماعی بررسی کرده است. همچنین، حمزه حاجی در مقاله‌ای با عنوان فرهنگ‌سازی قرآن پیرامون پیشگیری از انحرافات جنسی (۱۳۹۴) در پژوهش‌های اخلاقی، به روش‌های تربیتی قرآن مانند معرفی الگوهای مثبت، قصص عبرت‌آموز و نکوهش ضد ارزش‌ها اشاره کرده و آن‌ها را ابزارهایی برای پیشگیری از انحرافات جنسی دانسته است. مقاله راهکارهای گسترش و نهادینه کردن عفاف نوشته محسن فتاحی‌اردکانی (۱۳۹۰) در مجله معرفت، به بررسی راهکارهایی پرداخته که از متون دینی و جامعه‌شناسی برای تحقق عفاف در فرد و جامعه استخراج شده‌اند. در حوزه پایان‌نامه‌ها نیز نمونه‌هایی وجود دارند. به عنوان نمونه، مرحمت سلیمانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان مهندسی عفاف و حجاب در تفسیر تنزیلی (۱۳۹۴)، برخی روش‌های قرآنی مانند استفاده از داستان، استمرار، تکرار و... را در زمینه حجاب و عفاف مورد بررسی قرار داده است. با وجود این تلاش‌ها و آثار گسترده، بررسی دقیقی درباره «تقویت احکام عفت جنسی در مؤمنان بر اساس آموزه‌های سوره نور» یافت نشد. این خلأ پژوهشی، لزوم انجام تحقیقی مستقل و هدفمند در این زمینه را آشکار می‌سازد.

## ۱-۲- مفهوم عفت جنسی

عفت (از ریشه عَ فَ فَ)، حالت و صفت نفسانی غلبه بر شهوت (قرشی بنابی، ۱۳۷۱)، دوری از امور ناپسند و غیرحلال (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۲۴)، خودداری نفس از تمایلات غیرصالحه (مصطفوی، ۱۳۶۸)، پرهیزگاری و پاکدامنی تعبیر شده است (آذرتاش، ۱۳۷۹). عفت، خودداری مطلق نیست. بلکه عفت یک قوه از چهار قوه عاقله، غضبیه، شهویه و واهمه (نراقی، بی تا، ۱، ۳۹)، و حالت اعتدال قوه شهویه و عامل نجات انسان است. به بیانی دقیق تر رعایت عقلی و شرعی اعتدال در ارضای شهوات طبیعی و لازم (مانند شهوت شکم، خوراک، جنسی، و...) برای انسان، که از علاقه به بقاء سرچشمه می‌گیرد (حجازی، ۱۳۹۷) است. نکته حائز اهمیت آنکه عفت در مقابل شهوت نیست؛ زیرا اصل شهوت از نیازهای ضروری و طبیعی انسان بوده، که لازم است تحت سیطره عقل و نفس، در مسیر اعتدال قرار گیرد. واژه عفت در قرآن چهار مرتبه بکار رفته است:

- دو مرتبه در امور اقتصادی: صبر و خودداری از درخواست در فقر: «يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ» (بقره: ۲۷۳)، مراقبت در سرپرستی اموال یتیمان: «وَابْتَلُوا الْيَتَامَى... وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ» (نساء: ۶). عفت ورزیدن در این امور ضروری است، خصوصاً هنگامی که فرد به آن نیاز ندارد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ۷، ۸۶)
- دو مرتبه در امور جنسی و کنترل آن: تذکر به عفت ورزی در افرادی که شرایط ازدواج برایشان مهیا نیست: «لَيْسَ تَعَفُّفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا» (نور: ۳۳)، پسندیده بودن حجاب و عفاف: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ» (نور، ۶۰)، حتی برای زنان سالخورده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

## ۲-۲- راه‌های تقویت عفت جنسی

غریزه جنسی از سرکش‌ترین غرائز موجود در نهاد آدمی است. چنانچه صحیح و منطقی، مهار و مدیریت نشود صدمات جبران ناپذیری به بار می‌آورد. برخی مکاتب بشری در برخورد با این غریزه راه افراط و بی‌بندباری و انحراف جنسی (آزادی جنسی) را پیش گرفته، و ناهنجاری‌هایی چون تزلزل بنیان خانواده، تولد فرزندان نامشروع، افزایش طلاق، انواع بیماری‌های جسمی و روحی مانند افسردگی و... را به وجود آورده است (شاهنده، ۱۳۸۸). برخی دیگر تفریط و خمود و سستی (سرکوبی جنسی) را دنبال کرده، و مشکلاتی چون: خطر ادامه نسل بشر را منجر می‌شود. اما دین اسلام راه اعتدال عفت جنسی (به‌عنوان بخشی از دایره عظیم عفت) را در پیش گرفته، آن را بخشی از فطرت و طبیعت آدمی به شمار آورده تا جامعه از خطرات انحراف جنسی در امان ماند (آلبویه، ۱۴۰۳). لذا خداوند متعال در سوره نور، راه‌های مبارزه علیه انحرافات جنسی و مدیریت آن را در دو بعد راه‌های تقویت و تثبیت عفت جنسی

ارائه داشته تا رشد اجتماعی مؤمنین در فضای امن ایجاد و خطاکاران و خائنین منزوی گردند. سوره نور راه‌های تقویت عفت جنسی در قلوب مؤمنان را بدین شرح بیان می‌دارد:

## ۲-۳- احکام اجتماعی زن و مرد زانی

قرآن کریم هنگامی نازل شد که جامعه جاهلیت اعراب صدر اسلام، آلوده به انواع انحرافات اخلاقی چون: دزدی، قتل، غارت، شرب خمر، قمار؛ و انحرافات جنسی و فساد و فحشاء بود (جوادعلی، ۱۳۹۱). عمل شنیع زنا که همانا نزدیکی با زن در فرج او بدون عقد شرعی و یا شبهه‌ای از عقد شرعی، با علم یا ظن غالب به این موضوع است (مدرسی، ۱۴۳۱)، از جمله فساد جنسی روابط خارج از شرع و عرف کاملاً پذیرفته شده بود. تا بدان جا که برخی از زنان این دوران، با چندین مرد ارتباط داشتند؛ بنابراین عمل شنیع زنا مستقیماً فروپاشی خانواده را به‌عنوان هسته اصلی جامعه در معرض خطر قرار می‌دهد. حال آنکه دین اسلام با لحاظ ارزش فوق‌العاده برای خانواده، آن را عامل مهمی در هدایت و تعالی جوامع بشری برشمرده، از حریم آن با وضع احکام و قوانینی حراست می‌کند (طوسی، ۴۰۶). از جمله آن احکام کیفر سخت زناکاران است.

خداوند در اولین قدم از تقویت عفت جنسی در سوره نور، با وضع حکم شدید برای زن و مرد زانی، گام محکم خویش در زدودن این غده چرکین از جامعه و مهیا نمودن فضا برای بیان سایر احکام را این‌گونه برمی‌دارد: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (نور: ۲). آیه با زانیه یعنی زن زناکار شروع شده، زیرا زن با اغواگری، هیجان و عدم خویشتن‌داری معمولاً کانون این رابطه نابهنجار است (مدرسی، ۱۴۱۹). برخورد سلبی با منحرفان از مسیر پاک‌دامنی، از جمله عوامل بازدارنده افراد از هنجارشکنی است. بیان حکم صد ضربه تازیانه برای زن و مرد زناکار و لزوم برخورد قاطع و بدون ترحم با شکنندگان حریم عفت و حیا از تنبیهات اجتماعی و حقوقی ناظر به پاکدامنی است. خداوند برای تقویت انگیزه این اقدام، ایمان مومنان را پشتوانه اجرای این حکم قرار می‌دهد (بهجت پور، ۱۳۹۸). «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (نور: ۲). بافت زندگی اجتماعی بشر موجب می‌شود آلودگی‌های اخلاقی در یک فرد ثابت نمانده، به جامعه سرایت کند (مدرسی، ۱۴۱۹). از این رو اجرا این مجازات در حضور گروهی از مؤمنان، با قید عدم رأفت در دین خدا است. «وَأَلْيَسْهُدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲)، وضع و اجرای چنین حکمی در جامعه، حفظ و حراست از حریم افراد و خانواده سالم و اصلاح جامعه ایمانی را مهیا ساخته، مانع تکرار این جرم می‌گردد (فضل‌الله، ۱۴۱۹). همچنین بافت زندگی اجتماعی بشر موجب می‌شود آلودگی‌های اخلاقی در یک فرد ثابت نمانده، به جامعه سرایت کند، لذا طرد اجتماعی این افراد آلوده دامن جامعه را از فساد جنسی پاک خواهد داشت. خداوند متعال در برخورد با این آلودگی شنیع جنسی به همین مقدار اکتفا نکرده، زنا و شرک را هم‌ردیف هم مطرح کرده و مرتکبان به این عمل را صرفاً اختصاص به خود می‌داند نه سایر مؤمنان: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ» (نور: ۳) آیه در مقام بیان حکمی تشریعی تحریمی، با عبارت نهی خبری است، تا هم امکان تکرار ارتکاب این عمل به حداقل رسد (بهجت پور، ۱۳۹۸)، افراد ساختارشکن هنجارهای ایمانی، از این عقوبت هشدار گیرد (طباطبایی، ۱۳۹۳). پدیده شوم زنا یکی از بیماری‌هایی است که ممکن است جامعه مؤمنین به آن دچار شود. وضع حکم به‌ظاهر شدیدی برای آن، حاکی از ترجیح مصالح جامعه بر مصلحت فردی افراد در جامعه مؤمنین دارد.

## ۲-۴- پیشگیری از انحرافات جنسی در اجتماع

معارف سوره نور عدم رواج و سرایت انحرافات جنسی از افراد آلوده به اجتماع مؤمنین را بخشی از زیست عقیفانه مؤمنان در اجتماع ایمانی و عامل مهم در تقویت عفت جنسی برشمرده است. ابعاد این رویکرد عبارت است از:

## ۲-۴-۱- کیفر سخت در اتهام جنسی

با تعیین مجازات زنا، اگر هیچ شرایطی برای اثبات این جرم سنگین وجود نداشته باشد، جو بی‌اعتمادی در جامعه مؤمنان ایجاد گشته، هرکس به راحتی دیگری را در مظان اتهام قرار داده، قبح این عمل ریخته، در نتیجه نه تنها عملاً مقابله‌ای با این انحراف صورت نگرفته، بلکه انحرافات جنسی دیگری در جامعه رواج می‌یابد. لذا خداوند متعال فرمود: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَبْوَابِ شُهَدَاءٍ فَأَجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا» (نور: ۴). رمی، زدن شیء یا پرتاب سخن، کنایه از فحش و تهمت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). شخص تهمت زنده با نسبت دادن امری ناپسند و اتهامی مانند زنا، گویا تیری به سوی شخص مورد اتهام پرتاب می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴). هدف قرآن مچ‌گیری از افراد نیست، بلکه هر حکمی در این زمینه برای گسترش عفت جنسی در جامعه و پیشگیری از سرایت انحراف جنسی از افراد آلوده به افراد سالم جامعه است. افراد جامعه مؤمنین نیز نباید نسبت به یکدیگر با مچ‌گیری رفتار نمایند؛ بلکه باید در جو آرام و به دور از فضای پرتنش اتهام زنی، افراد آلوده دامن را از جامعه زدوده، به انزوا کشند تا انحراف جنسی آنان به دیگران سرایت نکند. گرچه ظاهر این حکم سخنگیرانه به نظر می‌رسد، اما مهم‌تر از اجرای حد زن و مرد زناکار، احراز شرط اثبات آن جرم بوده تا اتهام زنی، عادی‌سازی جرم و نشر ناخواسته انحراف جنسی در جامعه رواج نیابد (صباحی طسوجی، ۱۳۹۶). حتی پروردگار نسبت اتهام زندگان به زنی که اصلاً مرتکب چنین جرمی نشده را مشمول لعنت در دنیا و آخرت و عذاب الیم می‌داند: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۲۳)؛ زیرا زنانی که حقیقتاً پاک‌دامن هستند سوژه بیماردلان گشته، حریم خانواده شکسته شده، حرمتی میان زن و مرد باقی نمانده، جامعه مؤمنین توسط خودشان نابود می‌شود (مدرسی، ۱۳۸۰). شیوه برخورد خداوند با مرتکبان این امر، همسر زن را نیز شامل می‌شود: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ» (نور: ۶) عدالت اسلامی اجازه نمی‌دهد زن قربانی تهمت شوهرش شود. در حقیقت این زن یا بی‌گناه است یا گناهکار و خود بهتر از هر کسی به وضعیت خود آگاه است. لذا شرع اسلام با عمل سخت‌گیرانه لعان در حقیقت بنیان خانواده را تقویت کرده، خانواده را به سطحی از تقدس سوق می‌دهد تا کسی جرئت نزدیک شدن به آن را نداشته باشد (مدرسی، ۱۳۸۰)؛ بنابراین اگر انسان در مورد آبروی مسلمانان تقوای الهی نداشته باشد و به آنان تهمت بی‌اساس زند، در سایر امور نیز بر دروغ‌گویی جریء خواهد بود (السنقیطی، بی تا، ۳، ۱۶). از این روست که اسلام مجازات گروه دوم رمی کنندگان را نسبت به گروه اول شدیدتر قرار می‌دهد. چراکه موضوع عرض و آبروی جامعه ایمانی به قدری حائز اهمیت است که لازم است با پشتوانه محکم مطرح شود. برخوردی با این امر راه نشر و سرایت انواع انحراف جنسی به زنان پاک‌دامن و به طور کلی جامعه را خواهد بست.

## ۲-۴-۲- بر حذر داشتن از ترویج شایعه و دروغ

پس از نزول احکام سخت‌گیرانه در مورد زنا، منافقان از داخل اجتماع مسلمین مترصد فرصتی بودند تا از یک سو پیامبر ﷺ را به عنوان رهبر جامعه اسلامی و متولی اجرای احکام الهی مورد اتهام قرار دهند، از سویی دیگر با مشغول ساختن جامعه به امور عبث و بیهوده به ایجاد و رواج دروغ بر علیه پیامبر ﷺ دست زدند. مؤمنین در حکم کارگزاران منافقان، بر انتشار چیزی که واقعیت نداشت دامن زدند. «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۱). گروهی به سرکردگی عبدالله بن ابی، رهبر منافقین و مخالفین نظام سیاسی اجتماع اسلام، دروغی را به خانواده پیامبر نسبت دادند. اتهام نادرست به رهبر جامعه اسلامی (خصوصاً در امور جنسی)، سلب اعتماد مردم نسبت به حکومت را افزایش داده، با سلب اعتماد مردم اشاعه فحشا در جامعه امری عادی شده، دست حاکم شرع در اجرای احکام الهی بسته شده، ارتکاب انحرافات جنسی نیز عادی می‌گردد. خداوند متعال با لحنی توبیخی مؤمنان را در عدم قطع به دروغ دشمنان مواخذه می‌دارد که: «أَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَاتُ أَنْبِيَائِهِمْ بَاقِيَاتٍ بِالْأَفْكَ هَذَا إِفْكَ مُبِينٌ» (نور: ۱۲) تا اهمیت حسن ظن مؤمنین

نسبت به یکدیگر را تبیین دارد؛ و تأکید می‌دارد: «لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ» (نور: ۱۳). اگر ادعایی بر پایه ثابتی استوار نباشد هیچ ارزشی ندارد، به‌ویژه اگر به کرامت و آبروی مؤمنان لطمه زند. پروردگار تذکر بسیار مهمی به مؤمنین می‌دهد که: «لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۴)، شما با اشاعه و رواج دروغ در جریان خطرناکی فرو رفته‌اید که به سلامت و ثبات جامعه آسیب می‌زند: «إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ» (نور: ۱۵). خداوند با پرداختن به این مسئله عظیم، مؤمنان ساده‌لوح جامعه را از پخش شایعات افراد بیمار دل منع داشته تا ناخواسته به گسترش انحرافات جنسی دامن نزده، حتی اگر کلامی در مورد کسی رواج یافته و نقل محافل شده، مؤمنین وارد نشوند: «أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» (نور: ۱۶)، جامعه با اراده‌ای قوی برای بهره‌برداری از آن عبرت مسلح شود. چراکه: «مَا أَكْثَرَ الْعَبْرَ وَأَقَلَّ الْأَعْتَابَ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۹۷) چه بسیارند عبرت‌ها و چه کمند عبرت گیرندگان. خداوند علاقه‌مندان به شیوع زشتی‌ها در اجتماع مؤمنین را این‌گونه هشدار می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ يُحْيُونَ أَنْ تَشِيْعَ الْفَاجِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (نور: ۱۹)، مؤمنان باید نسبت به فاحشه نفرت یافته آن را با قلبش انکار کرده، نفوس خویش را از علاقه و اهتمام به ایجاد و رواج فاحشه پاک دارند.

## ۲-۴-۳- رعایت حریم خصوصی دیگران

رعایت آداب حریم خصوصی دیگران (چه در خانه، چه اتاق شخصی، و...) از جمله راهکارهای مهم ایجاد عفت جنسی در اجتماع مؤمنان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (نور: ۲۷). این حریم خصوصی هنگامی محل امن و آسایش خواهد بود که هیچ‌کس بدون اذن صاحب آن، اجازه ورود نیابد. اگر حریم خصوصی افراد نقض شود موجب می‌شود چشم‌ها به عورات افتاده، شهوات را برانگخته، به انحرافات گوناگونی منجر شود (سیدقطب، ۱۴۲۵). صورتی که صاحب‌خانه به هر دلیلی از پذیرش میهمان خودداری کرد، بر میهمان واجب است اراده صاحب‌خانه را محترم شمرده و خود را تحمیل نکند زیرا حق طبیعی و شرعی صاحب‌خانه است که تنها با قرار قبلی از میهمانان پذیرایی کند: «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤَدِّنَ لَكُمْ وَإِنْ قَبِلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ» (نور: ۲۸) تا با این قواعد اسلام آزادی فرد در خانه‌اش تضمین می‌شود (فضل‌الله، ۱۴۱۹). در چنین حالی افراد بهتر می‌توانند از حضور یکدیگر بهره‌برده، در کنار یکدیگر احساس امنیت و آرامش کنند.

## ۲-۴-۴- مراقبت از نگاه

آیات قبل خطاب خداوند با مؤمنان بود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، اما در این آیه خداوند پیامبر ﷺ را خطاب قرار داده و مراقبت از نگاه و پوشش و رعایت پاک‌دامنی و حجاب را به مؤمنان ابلاغ کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ»، «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ». چراکه از ابعاد شخصیتی پیامبر ﷺ، رهبری و حاکمیت جامعه اسلامی است. ایشان برای اداره جامعه، حکومت تشکیل داده، امور اجتماعی مردم را مدیریت می‌دارد. امر خداوند به پیامبر و پوشش و رعایت پاک‌دامنی و حجاب را به مؤمنان ابلاغ کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ»، «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ». چراکه از ابعاد شخصیتی پیامبر ﷺ، جهت ابلاغ این دستورات به مؤمنان، علاوه بر جلوه اجتماعی و حکومتی بودن این دستورات، پیامبر و پوشش و رعایت پاک‌دامنی و حجاب را به مؤمنان ابلاغ کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ»، «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ». چراکه از ابعاد شخصیتی پیامبر ﷺ، را مسئول ابلاغ و پیگیری تحقق آن‌ها معرفی می‌دارد (صبوحی طسوجی، ۱۳۹۶). به‌منظور جلوگیری از انحرافات جنسی در جامعه مؤمنان، خداوند دستوراتی در مورد حفظ نگاه و فروج، برای مردان و زنان مؤمن دارد که عبارت است از:

چشم، از وسایل تحصیل علم و از نعمت‌هایی است که خدا به انسان داده تا حق را از باطل تشخیص دهد، به کمک آن در راه خودسازی گام بردارد. هدف اسلام ایجاد جامعه‌ای سالم است که در آن آتش شهوات شعله‌ور نگشته، فضا برای تحریکات جنسی افراد مهیا نباشد تا یک جامعه ایمانی و نورانی ایجاد گردد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ

لَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» (نور: ۳۰-۳۱). «يَعْضُضُوا» از ماده غض به معنی کم کردن صدا و نگاه چشم است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱). کثرت نگاه انسان را مبتلا به کثرت خطورات کرده، قوه خیال او را درگیر اوهمات بی‌ارزش داشته و روح او را آزرده، در نتیجه شهوات تحریک شده و انسان از رسیدن به پیشرفت و تکامل و خودسازی بازماند (مدرسی، ۱۳۴۱). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «النَّظَرُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظْرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً» (کلینی، ۱۳۸۷)؛ نگاه تیری از تیرهای زهرآگین شیطان است و چه بسیار نگاه‌هایی که حسرتی طولانی به دنبال دارد. همچنین دستور به حفظ فروج، نتیجه ذاتی و عارضی کنترل نگاه و ایجاد جامعه‌ای امن است که افراد در آن به حریم یکدیگر تعدی نکرده و اجازه تعدی به حریم خودشان را نیز به دیگران ندهند. قرآن بدون اینکه اشاره‌ای به عضو تناسلی داشته باشد، در نهایت حیاء و با کنایه از واژه فرج به معنای شکاف استفاده می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). بدین ترتیب گام بزرگی در جهت تقویت عفت جنسی در جامعه برداشته می‌شود.

## ۲-۴-۵-حراست از پوشش

قرآن کریم در دو مرحله بحث پوشش را در جامعه نهادینه می‌کند. مرحله اول: با ایجاد هویت و تشخیص ایمانی که تا کنون میان مردم ایجاد نشده، مفهوم و موضوع پوشش را بیان می‌دارد (سوره احزاب). مرحله دوم: با تبیین مسئله حجاب عمومی، آن را نهادینه کرده، با دستور پوشاندن عورت و نشان ندادن زینت بر آن تأکید می‌دارد (سوره نور)، (بهجت پور، ۱۴۰۱). در جامعه ایمانی اگر افراد از حریم خوش به‌خوبی پاسداری کنند، جامعه از خطر کجروی و انحراف نجات می‌یابد. مسئله پوشش، مانند نگاه بین زنان و مردان مشترک است، اما زنان به دلیل ساختار وجودیشان و نقش که در زندگی دارند، لازم است حدود بیشتر را رعایت کنند. در صدر اسلام معمول بود که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می‌آمدند و چون وضع مناسبی نداشتند، مورد طمع و مزاحمت جوانان هرزه قرار می‌گرفتند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱). در این شرایط دستور رعایت حجاب کامل اسلامی به زنان آزاد مسلمان داده شد تا از کنیزان شناخته شده، مورد مزاحمت هرزگان قرار نگیرند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب نزول ۹۰، آیه ۵۹). اسلام برای اجتماع مؤمنان، تشخیصی قائل است که برای پاسداری آن دستور به پوشش به‌ویژه برای بانوان صادر می‌کند. از این‌رو برای ترغیب زنان به پوشش اسلامی لازم است به شخصیت اجتماعی و ایمانی آنان توجه شود، پوشش آنان معرف کمالات بینشی، گرایش و رفتاری آن‌ها محسوب می‌شود (بهجت پور، ۱۳۹۶).

علیرغم این دستور برای پوشش زنان، خداوند در آیه: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (نور: ۳۱)، حدود پوشش آنان را نیز معین می‌دارد. زنان قبل از نزول این آیه، پایین روسری خود را به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به‌طوری‌که گردن و کمی از سینه آن‌ها نمایان می‌شد. قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۱). خداوند متعال در سوره احزاب (نزول ۹۰)، با پوشاندن لباس‌های سراسری مانند چادر و عبا، نماد مسلمانی زنان مؤمن و وابستگی آنان به اجتماع مؤمنان را سامان داد؛ اما در سوره نور بیان می‌دارد این پوشش را چنان استفاده کنند که زینت‌های پنهان آنان را بپوشاند (بهجت پور، ۱۳۹۸) و عفت عمومی جامعه ایمانی را مخدوش ن سازند: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور: ۳۱). مراد از زینت زنان، مواضع زینت است (طباطبایی، ۱۳۹۳). میل فطری بانوان به نشان دادن زینت (ظاهر یا پنهان)، موجب شد خداوند به‌منظور هدایت و مدیریت آن و عدم ایجاد آسفتگی در جامعه، این میل فطری را به سمت خانواده و محارم هدایت کرده، با قرار دادن یک چارچوب، آن را کنترل می‌دارد. در واقع یک محیط خانوادگی امن برای زن ایجاد می‌کند: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّالِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يُضْرَبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور: ۳۱). بدیهی است محرمیت زن با همسرش در نقطه اوج است و بین آن‌ها هیچ محدودیتی برای ابراز حس خودنمایی زنان وجود ندارد. پیامبر ﷺ فرمود:

«عَلَيْكُمْ بِالْعَفَافِ وَتَرْكِ الْفُجُورِ» (کلینی، ۵: ۵۵۴)؛ بر شما باد عفت و ترک بدی‌ها؛ بنابراین در جامعه‌ای که زنان با پوشش متعارف در جامعه ظاهر شوند، غرایز جنسی در جامعه فروکش کرده، جامعه با جدیت بیشتری به سمت اهداف خود حرکت می‌کند. در چنین جامعه‌ای لذت‌های جنسی به خانواده محدود شده، ازدواج‌های مشروع و تولد فرزندان مشروع حاصل شده، ارکان خانواده حفظ می‌شود؛ بنابراین میزان انحرافات جنسی در چنین جامعه‌ای به حداقل خواهد رسید.

## ۲-۴-۶- ازدواج

به‌منظور ایجاد زیست اجتماعی عقیفانه و فراهم نمودن محیط سالم اجتماعی، به دور از تحریکات انحرافی جنسی، بر جامعه اسلامی و مؤمنان فرض است وسیله ازدواج آنان را فراهم نماید تا بستری برای ارضای صحیح نیازهای جنسی افراد فراهم گردد: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ» (نور: ۳۲). بنابر این آیه افرادی که نکاح خود را نمی‌یابند ضروری است عفت پیشه کنند تا خداوند آنان را از فضلش بی‌نیاز گرداند: «الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا» (نور: ۳۳). خداوند این افراد را به عفت دعوت می‌کند. بدین معنا که جلوی خواسته‌های نفسانی و شهوانی خود را گرفته، با کنترل نگاه، دامن و حجاب، خود را از دام گناه رهایی دهند (صبحی طسوجی، ۱۳۹۶). عقیف بودن و خودداری از گناه آن قدر بالارزش است که امیرالمومنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَالِ الْمَجَاهِدِ الشَّهِيدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ: لَكَادَ الْعَقِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۷۴)؛ مجاهد شهید در راه خدا اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت بر گناه دارد، اما خویشتن‌داری می‌کند. چنین شخص خویشتن‌دار نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان خدا باشد. همچنین ایشان می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ» (کلینی، ۱۳۸۷)؛ عفت پیشگی برترین عبادت است. در این آزمایش الهی و مرحله بحرانی نباید افراد تن به آلودگی دهند، بلکه باید تقوا پیشه کرده، با کنترل غریزه جنسی خود را از آلوده‌های مختلف بر حذر دارد؛ زیرا هیچ‌کس حق ندارد در هیچ شرایطی پا را از دایره عفاف بیرون گذارد.

## ۲-۴-۷- راه‌های تثبیت عفت جنسی

کنترل امیال سرکش و غریزه قدرتمند جنسی که به‌تنهایی می‌تواند انسان، بلکه جامعه را به هلاکت کشاند، تنها در سایه ایمان، باور قلبی و اعتقادات عمیق به مبدأ و معاد، ممکن است. خداوند متعال در این دسته از آیات سوره نور، با تمرکز بر تثبیت عفت جنسی، راه پذیرش سهل و ریشه‌ای احکام پاک‌دامنی را به‌گونه‌ای طرح می‌دارد که به دور از نسخه‌های سطحی، مبارزه با انحرافات و آلودگی‌های عمیق جامعه میسر شده، درمان اساسی آن‌ها را در اختیار انسان قرار می‌دهد.

## ۲-۴-۸- تثبیت ایمان در قلوب مؤمنان

از آنجاکه درک کنه ذات الهی قابل درک نیست، پروردگار با اشاره کوتاه به نور خویش، مقایسه میان مؤمنانی که با نور الهی هدایت شدند، با کافرانی که خود را از این نور محروم کرده و گرفتار ظلمات شدند، سرازیر شدن رحمت خاص الهی به زندگی مؤمنان را بشارت می‌دهد: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ... رَجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ... يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ... وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (نور: ۳۵-۳۸).

روح ایمان، زیربنای اجرای احکام پاک‌دامنی است. دامنه این نور الهی، از نقطه اوج آن در خانه انبیاء و ائمه (علیهم‌السلام)، به خانه مؤمنین سرازیر شده، هرکس به فراخور ظرفیت وجودی خویش می‌تواند در مسیر این نورانیت قرار گیرد. در واقع احکام دین اسلام که در سوره نور برای هدایت مؤمنان و زیست عقیفانه‌شان بیان شده، معامله مؤمنان با خداوند را مطرح می‌دارد که به‌واسطه آن، ایشان را به بهترین عملشان پاسخ می‌دهد: «لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۸). در مقابل این مؤمنان، کافرانی هستند که به

دلیل رویگردانی از اجرای احکام الهی هر لحظه بیشتر در ظلمت و تاریکی فرو می‌روند و از نور الهی هیچ بهره‌ای ندارند: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ» (نور: ۳۹).

پروردگار تثبیت ایمان در قلوب مؤمنان را با سخن از تسبیح موجودات آسمان‌ها و زمین پی می‌گیرد: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِغُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ... إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (نور: ۴۰-۴۵). ملک و فرمانروایی مطلق الهی، بازگشت همه چیز به سوی او، دگرگونی‌های شب و روز و... را عبرتی برای عبرت‌گیرندگان می‌داند. خداوند در این آیات ریشه‌کن کردن انحرافات جامعه را از طریق توجه دادن به قدرت مطلق خود در قلوب مؤمنان اراده کرده تا انسان‌ها را متذکر به این نماید که مانند سایر موجودات عالم باید به ذکر و تسبیح خدا پرداخته، از طریق احکام نورانی الهی خود را در مسیر مشیت الهی برای برخورداری از زندگی نورانی قرار دهند.

سپس حرمت رسول ﷺ و لزوم اطاعت او در کنار اطاعت از خداوند را مطرح می‌دارد تا جامعه ایمانی را به قله سعادت خود که همانا تمکن و حاکمیت مطلق دین خدا در زمین است برساند: «وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ... وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعَبِينَ... أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (نور: ۴۷-۴۹). اطاعت محض خداوند، نه به دلیل مصالح یا ترس از هر سلطه بشری، بلکه کانون محوری برای ساختن انسان والا در خانواده با فضیلت است (مدرسی، ۱۳۷۷). چراکه خانواده با فضیلت از انسان مطیع پروردگار آغاز شده، به او نیز پایان می‌یابد: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا» (نور: ۵۴)؛ بنابراین اگر جامعه، روحیه خداباوری، اعتقاد راسخ به وحدانیت، قدرت و سلطه همه‌جانبه او در قلوب مؤمنین تثبیت گردد، درمان ریشه‌ای انحرافات جامعه ممکن می‌شود؛ زیرا تنها مؤمنانی که اطاعت کامل از خدا و رسول و پوشش و رعایت پاک‌دامنی و حجاب را به مؤمنان ابلاغ کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ، قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ». چراکه از ابعاد شخصیتی پیامبر ﷺ، کرده، از خدا خشیت داشته، از معصیت او بپرهیزند به رستگاری و مطلوب خواهند رسید. در نهایت نیز به این مؤمنان وعده خلافت در زمین و تشکیل حکومت جهانی را می‌دهد: «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور: ۵۵). گویا هدف از پاکی و طهارت جامعه مؤمنان از انواع آلودگی‌ها، کنترل زبان، نگاه، حجاب، حفظ حریم‌ها و به‌طورکلی بهره‌مندی از نور الهی، در سایه داشتن یک خانواده سالم است. حتی خداوند با تأکید بر تحقق این وعده الهی، پیامبر و پوشش و رعایت پاک‌دامنی و حجاب را به مؤمنان ابلاغ کند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ، قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ». چراکه از ابعاد شخصیتی پیامبر ﷺ، و مؤمنان را این‌گونه تقویت می‌کند: «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَلَيْسَ الْمَصِيرُ» (نور: ۵۷). مؤمنان را بشارت می‌دهد که کافران بر ایشان برتری نداشته، بلکه این مؤمنان هستند که با مجهز بودن به نیروی الهی می‌تواند بر کافران مسلط و پیروز شوند (صبحی طسوجی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین ذکر و یاد خدا در سایه اعتقاد و باور قلبی، زمینه ایجاد و تثبیت طهارت ظاهری و باطنی در جامعه است تا به‌واسطه نورانیتی که حاصل می‌شود به خلافت در زمین و حکومت جهانی رسیده، از شر دشمنان ایمنی یابد.

### ۲-۳- رعایت حریم خصوصی والدین

دین مبین اسلام همواره بر پیشگیری بیشتر از درمان اهمیت قائل است. از این‌رو آداب رعایت و حفظ حریم خصوصی افراد و به‌ویژه حفظ حریم والدین در داخل خانه را این‌گونه مدنظر قرار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ» (نور: ۵۸). تحقق عفت و پاک‌دامنی، با حفظ حریم افراد انجام‌پذیر است. بر والدین فرض است از کودکی به فرزندان خویش مراعات این آداب را آموزش داده، بسترسازی مناسبی در جامعه برای آن فراهم دارد. گرچه در آیه ۲۷ این سوره سخن را رعایت حریم خصوصی افراد شده بود (طباطبایی، ۱۳۹۳)، اما این آیه برای دخول به حریم خصوصی والدین از آن حکم عمومی، افرادی چون کنیزان، بردگان، کودکان نابالغ را مستثنی کرده (طبرسی، ۱۳۷۲) و تنها نیازمند به کسب اجازه تنها در سه وقت دانسته

است و سایر اوقات را زمان‌های انس گرفتن اهل خانواده با یکدیگر می‌داند. این سه وقت عبارت‌اند از: «ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ» (نور: ۵۸). والدین موظفند حتی‌المقدور از ایجاد زمینه‌های التهاب و تحریک جنسی فرزندان جلوگیری نمایند. در واقع درک روابط جنسی، ثبت و ضبط تصاویر و صحنه‌های آن در ذهن، نه تنها مختص به دوره بلوغ نیست؛ بلکه مدت‌ها پیش‌ازین دوره به صورت احساسات متفاوتی در نهاد کودک وجود دارد که ممکن است از نگاه پدر و مادر مخفی مانده باشد. گرچه ممکن است در این سن کودک تمایل جنسی نداشته باشد، اما بیدار شدن میل جنسی کاذب در او ممکن خواهد بود (جوکار، ۱۳۹۲)؛ اما بنابر دیدگاه قرآن کریم حکم بالغان با اطفال نابالغ متفاوت است، زیرا کودکان نابالغ گرچه احساسات جنسشان هنوز به طور کامل برانگیخته نشده، اما به دلیل آمیخته بودن زندگی‌شان با زندگی والدین، تنها در سه وقت موظف به اجازه گرفتن هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱). حال آنکه نوجوانان بالغ مطابق این آیه: «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (نور: ۵۹)، مطلقاً موظف به اذن گرفتن جهت ورود به حریم خصوصی والدین هستند. اسلام درحالی‌که به محدود ساختن روابط زناشویی به خانه تأکید دارد، هم‌زمان محیط خانواده و روابط همسران را در میان اعضای خانواده مدیریت می‌کند. رعایت این دستورات عفت جنسی، نوعی تربیت ظریف و دقیق در فضای خانه است (بهجت پور، ۱۳۹۸). خانه باید محیطی امن برای تربیت فرزندان باشد و پدر و مادر نباید با بی‌دقتی‌های خود در رفتارهای جنسی، زمینه بلوغ زودهنگام یا بروز آسیب‌های اخلاقی بعد از بلوغ را در فرزندان خود ایجاد کند (صباحی طسوجی، ۱۳۹۶). توجه به فلسفه این حکم الهی در افزایش انگیزه خانواده‌ها برای اجرای چنین فرمانی اثر دارد.

## ۲-۴- تبصره احکام زنان سالخورده

خداوند متعال به منظور صیانت از روابط اجتماعی افراد در جامعه ایمانی و حفظ حریم عفت جنسی در اجتماع، بخشی از معارف سوره نور را به تخفیف در احکام پوشش مرتبط با بانوان سالخورده اختصاص داده است. زنان سالخورده به دلیل کهولت سن و سستی اندام‌هایشان شاید نتوانند این حدود را مراعات کرده، دچار عسر و حرج شوند: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ» (نور: ۶۰)؛ بنابراین استثناء شدن بخشی از پوشش زنان مسن، حاکی از آن است که برخی پوشش‌ها نماد مسلمانی، برخی دیگر با پوشاندن زینت‌ها و اندام تناسلی، برای رعایت حریم پاک‌دامنی در اجتماع است که باید بین آن دو تفکیک قائل شد (مدرسی، ۱۳۷۷). لازم به ذکر است «يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ» مطلق کنار گذاشتن همه انواع لباس از سوی آن‌ها نیست. بلکه مراد پوششی است که مانع ترغیب به ارتباط جنسی باشد. زنانی که درباره آن‌ها رغبت نمی‌شود (سالخوردگان)، لازم نیست تا آن‌گونه پوشش‌ها را رعایت کنند، البته مشروط به اینکه خودنمایی و سوءاستفاده‌ای در میان نباشد. پوشش اسلامی افزون بر مصلحتی که در ناحیه کنترل فساد اخلاقی دارد، مصلحتی در خود زنان مؤمن نیز دارد (مدرسی، ۱۴۳۱). این‌گونه پوشش‌ها، نمایشی از با حیا بودن صاحبش است: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ» با از بین رفتن بخشی از مصلحت پوشش اسلامی که به دلیل منتفی بودن امکان ازدواج حاصل شد، بخش دیگر از مصلحت، باقی است (بهجت پور، ۱۳۹۶). البته توصیه به رعایت حد ممکن از پوشش کامل از جانب زنان مسن نیز، روشن می‌دارد پوشش زن مؤمن نماد شخصیت ایمانی اوست.

## ۲-۵- تثبیت فرهنگ عفاف با تبعیت از پیامبر ﷺ و جانشینان او

فرهنگ قرآنی جامعه مؤمنان را به منزله یک خانواده بزرگ می‌داند که باید همواره اتحاد و انسجام آن محفوظ مانده، افراد مصالح جمعی را بر مصالح فردی خویش ترجیح داده، در همه امور از رهبر جامعه تبعیت داشته باشند. برخی از افراد جامعه ایمانی به زبان ایمان آورده اما در هنگام اطاعت از حکم رسول ﷺ که همانا حکم خداست سرپیچی می‌کنند. قرآن چنین کسانی را مؤمن نمی‌داند؛ زیرا با چنین افرادی، اهداف جامعه ایمانی محقق نمی‌شود: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ

لَمْ يَدْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوا» (نور: ۶۲). خداوند متعال با حصر تأکید، مؤمنان را تنها کسانی می‌داند که ایمان به خدا و رسول ﷺ داشته و هرگز منفعت شخصی خود را بر اوامر پیامبر ﷺ ترجیح نمی‌دهند (طباطبایی، ۱۳۹۳). امر جامع امری اجتماعی است؛ گرچه تحقق آن بدون اذن رسول ﷺ ممکن نیست، اما عزمی عمومی و حضور همه مؤمنان را نیز می‌طلبد. این امر جامع می‌تواند مصداق‌های مختلفی داشته باشد که مصداق موردنظر در این سوره همان موضوع اصلی آن یعنی فرایند تثبیت فرهنگ عفاف است (صبحی طسوجی، ۱۳۹۶).

به‌طور کلی احکام ابتدای سوره، یعنی مسئله اجرای حد زنا، حد رمی به زنا، پدیده افک، مقابله با افک آوران، بسیج ثروتمندان برای فقرزدایی به‌جای اتهام زنی و قبول اتهامات، مقوله حریم خصوصی افراد و محترم شمردن آن، حفظ نگاه، دستور به ابلاغ حجاب، تسهیل امر ازدواج و... مجموعه‌ای از احکام حکومتی و اجتماعی است (طباطبایی، ۱۳۹۳). بی‌شک پیشبرد فرامین حکومتی و اجتماعی، تابعی از اطاعت‌پذیری مؤمنانه و مطلق از رسول‌الله ﷺ است که بدون آن، اجرای این احکام و اهداف عالی‌اش سامان نخواهد پذیرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱). افزون بر موارد فوق در آیه بعد جنبه دیگر از حفظ حریم پیامبر ﷺ را مطرح می‌دارد: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا» (نور: ۶۳). خداوند متعال با دعوت مؤمنان به ادب ایمانی در مورد رسول ﷺ در امر رسالتش، فرامین ایشان را به‌عنوان التزام و واجبات شرعی در نظر می‌گیرد. با توجه به تفاوت ماهوی پیروان با رهبری، با رابطه پیروان با یکدیگر، تبیین می‌دارد رابطه پیروان با رهبری به سازمان‌دهی جامعه مربوط می‌شود، حال آنکه رابطه پیروان با هم روابط اجتماعی خاصی است که هر فرد در آن آزادی دارد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ۱۶، ۳۶۸-۳۶۹)؛ بنابراین اگر مؤمنان در مسئله عفت و پاک‌دامنی، اجرای حدود و برقراری حجاب و پوشش و... از فرامین رسول‌الله ﷺ اطاعت محض نکنند، قطعاً جامعه خود را گرفتار عوارض سوء بی‌عفتی می‌کنند. اطاعت از اوامر رسول‌الله ﷺ موجب می‌شود جامعه مؤمنان از آلودگی‌های جنسی رها شده، در مسیر امنیت و نورانیت گام برداشته، نهایتاً به فضل خداوند متعال برای تشکیل حکومت دینی در عرصه جهانی آماده شود.

### ۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر یک مقاله‌ی گزارشی کوتاه است که با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، تفسیری و روایی، به واکاوی راهکارهای سوره نور در زمینه‌ی نهادینه‌سازی عفت جنسی در جامعه‌ی ایمانی پرداخته است. در این مطالعه تلاش شده است با تکیه بر آیات این سوره، مهم‌ترین آموزه‌ها و سازوکارهایی که قرآن کریم برای ارتقای فرهنگ عفاف و مقابله با ناهنجاری‌های اخلاقی ارائه کرده، استخراج و تحلیل شوند. هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش تربیتی، فرهنگی و اجتماعی سوره نور در حل مسئله‌ی تضعیف عفت عمومی و ارائه‌ی راهکارهایی قرآنی برای تحکیم بنیان‌های اخلاقی در جامعه‌ی ایمانی است.

### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

آیات قرآن کریم سرشار از مقاصد والای تربیتی، نافذترین روش‌های هدایتی برای جامعه انسانی و تصویرگر روش‌های کارآمد برای تربیت نسل بشر است. پرداختن به موضوع راه‌های تقویت احکام عفت جنسی در قلوب مؤمنان در آموزه‌های سوره نور، از یک‌سو می‌تواند احکامی که مرتبط با مسئله عفت جنسی است را به‌خوبی برای مؤمنان تبیین و در قلوب ایشان و در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی تقویت نماید، از سویی دیگر موجب تثبیت و ارتقاء سطح طاعت و بندگی بشر گشته و زمینه‌های افزایش تقرب به خداوند را در مؤمنان فراهم نموده، زمینه حاکمیت جهانی مؤمنان را فراهم کرده و سعادت فردی و اجتماعی آنان را به همراه خواهد داشت.

خداوند متعال در سوره نور به‌منظور دوری از انحرافات جنسی، با طرح راه‌های پیشگیرانه‌ای نظیر مجازات شدید زن و مرد زناکار و شرط سنگین اثبات قضایی آن به‌منظور عدم ساده‌انگاری شایعه‌سازی و متهم ساختن دیگران در مجازات اسلامی، انفاق و گذشت

به‌عنوان مقدمه تربیت روح عفاف، خودداری از پرده‌داری دیگران، توجه به پرده‌پوشی خدا از گناهان افراد، پرده‌پوشی الهی در برائت مؤمنان از امور ناپاک، نهی از چشم‌چرانی مردان از زنان و زنان از مردان، تأکید بر حجاب زنان مسلمان به‌عنوان عامل مهم در انحرافات جنسی و چشم‌چرانی و بی‌حجابی، دستور به ازدواج سهل و آسان به‌منظور عدم آلودگی به اعمال منافی عفت، تأکید بر عفت‌ورزی جوانان و یاری مردم بر این امر تا هنگام ازدواج جوانان، تقویت عفت جنسی را در قلوب مؤمنان همواره کرده‌است.

همچنین خداوند متعال در آموزه‌های سوره نور علاوه بر آنکه پایبندی به احکام عفاف الهی را مستلزم گذشت از خواهش‌های نفسانی دانسته و این گذشت را با تقویت خوف از خدا حاصل می‌داند، با هدف موعظه و نرم ساختن قلوب مؤمنان و نفوذ نور احکام در دلشان، به تشبیه زندگی مؤمنان به نور و زندگی کافران به تاریکی اشاره کرده، با پرداختن به آداب معاشرتی چون: تربیت فرزندان و ادب آنان در برابر پدران و مادران، تأکید بر عدم ورود و لزوم اذن فرزندان در اوقات خاص خلوت زن و شوهر، تخفیف حجاب به زنان مسن و بازنشسته از ازدواج، تأکید بر تبعیت محض از خداوند و رسول‌الله ﷺ در امور اجتماعی، به تثبیت احکام عفت جنسی در دو ساحت خانوادگی و اجتماعی پرداخته است.

ایجاد محیط‌های خانوادگی سالم و حمایت از جوانان در برابر چالش‌های اجتماعی، ازجمله عوامل حفظ عفت جنسی در جامعه ایمانی است. در این جامعه حفظ حقوق دیگران در اجتماع نهادینه شده، با همکاری آحاد جامعه، محیطی پاک و به دور از هیجانات جنسی فراهم می‌شود. از سویی دیگر غایت جامعه ایمانی حرکت به سمت تشکیل حکومت جهانی واحد است. لذا باید این جامعه با تقویت باورهای دینی، ایجاد اتحاد و همبستگی، آلودگی از آن جامعه زدوده، با عفت جنسی جامعه را برای رسیدن به سعادت غایی مهیا نماید.

## ۵- منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- آل‌بویه، علیرضا؛ و حسن‌زاده، سهیلا (۱۴۰۳). جایگاه اخلاقی عفت در سوره نور با تأکید بر آرای تفسیری آیت‌الله جوادی آملی. *اخلاق و حیانی*، ۳۰، ۵-۴۰. doi:10.22034/ethics.2024.198289
- ۴- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۶). سیر فرهنگ‌سازی پوشش اسلامی با رویکرد تفسیر تنزیلی. قم: تمهید.
- ۵- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۸). روش فرهنگ‌سازی پاک‌دامنی در قرآن. قم: نشر هاجر.
- ۶- بهجت‌پور، عبدالکریم؛ و نظریان، رضا (۱۴۰۱). فرایند تحول در خانواده. تهران: آفتاب توسعه.
- ۷- جوکار، محبوبه (۱۳۹۲). الگوی تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی. نشریه معرفت، ۱۸۶، ۳۵-۵۳.
- ۸- حجازی، سیده شیرین (۱۳۹۷). نظام اخلاقی عفاف از منظر قرآن کریم بر مبنای سوره نور. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ۸۰، ۵۱-۶۹. doi:10.22095/JWSS.2018.85289
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). المفردات فی الفاظ القرآن. بی‌جا: دارالشامیه.
- ۱۰- سید قطب (۱۴۲۵ ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشوق.
- ۱۱- شاهنده، آمنه (۱۳۸۷). فضائل و رذائل اخلاقی. فصلنامه بنات، ۵۷، ۳۱-۵۱.
- ۱۲- الشقیطی، محمد المختار (بی‌تا). تفسیر القرآن بالقرآن من أضواء البیان. بیروت: دارالفکر.
- ۱۳- صبوحی طسوجی، علی (۱۳۹۶). فرایند تثبیت فرهنگ عفاف در جامعه. قم: صبوحی.
- ۱۴- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۱۵- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو.

- ۱۶- طوسی، محمد بن حسن (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۷- فضل‌الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ ق). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.
- ۱۸- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۹- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت ایران.
- ۲۰- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷). الکافی. قم: دارالحدیث.
- ۲۱- مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۷). تفسیر هدایت. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۲۲- مدرسی، محمدتقی (۱۳۸۰). آزادی و مسئولیت زن. قم: مجانب الحسین.
- ۲۳- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبب الحسین.
- ۲۴- مدرسی، محمدتقی (۱۴۳۱ ق). بینات من فقه القرآن. بیروت: مرکز العصر.
- ۲۵- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۶- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۷- میرخانی، عزت‌السادات؛ و صفایی، سعیده (۱۳۹۳). عفت جنسی در شریعت اسلامی و تأثیر آن بر تحکیم بنیان خانواده. زن و مطالعات خانواده، ۲۴، ۱۲۵-۱۴۷.
- ۲۸- نراقی، احمد بن محمد مهدی (بی تا). معراج السعاده. تهران: هجرت.

## Strategies of Surah An-Nur in Institutionalizing Sexual Chastity in a Faith-Based Society

Khadijeh Ahmadi Beighash\*<sup>1</sup>, Maryam Haji Kazem<sup>2</sup>

1-Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Kh.ahmadi@modares.ac.ir

2-MA Student in Quranic Interpretation and Sciences, Lady Fatima Specialized Center for Quranic Sciences and Interpretation, Tehran, Iran.

maryamkazem1974@gmail.com

### Abstract

Chastity, as an internal force that restrains the self from indecent behaviors, has always been emphasized in Islam. The Almighty God, through a gradual presentation of comprehensive policies, has promoted, stabilized, and institutionalized chaste living within the Islamic society. While the concept of chastity in its various dimensions is discussed in Meccan surahs, the reinforcement and implementation of sexual chastity laws have been deferred to the Medinan period—under circumstances where an Islamic government is established. This study seeks to answer the question: *What strategies does the Medinan Surah An-Nur employ to institutionalize sexual chastity within a faith-based community?* Through a descriptive-analytical approach and based on library resources, the study reveals that in the context of an established Islamic society, God begins with preventive rulings against sexual deviance—such as harsh punishment for adulterers and strict evidentiary standards, prohibition of illicit glances, encouragement of marriage, and emphasis on youth chastity. Furthermore, the issue of hijab is introduced as part of cultivating a spirit of modesty. To consolidate sexual chastity within both the familial and social spheres, the surah proposes adherence to divine chastity rulings, respect for private boundaries in the family (especially regarding parents), overcoming carnal desires, cultivating fear and awe of God, allowing divine rulings to illuminate the hearts of believers, and complete obedience to God and His Messenger. These strategies aim to embed chastity within the hearts of the faithful—something only achievable through safeguarding the boundaries between mahram and non-mahram, the family unit, parents, and the Prophet Muhammad.

**Keywords:** Surah An-Nur, promotion of sexual chastity, stabilization of chastity, sexual deviance, faith-based society.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)

## بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با تاب‌آوری (مطالعه موردی دانشجویان موسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز)

فاطمه محمودی<sup>۱\*</sup>، فاطمه ذکری<sup>۲</sup>

۱- پژوهشگر پسادکتری، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

fatemehmahmoodi1@yahoo.com

۲- دانش‌آموخته ارشد، گروه روانشناسی تربیتی، موسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز، فارس، ایران.

Zekri.f59@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۵/۲۹]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۴/۳/۱۶]

### چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با تاب‌آوری؛ مطالعه موردی دانشجویان موسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز طراحی و اجرا گردید. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات توصیفی از نوع مطالعات تحلیلی بود که جمع‌آوری اطلاعات آن به صورت میدانی انجام گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان موسسه آموزش عالی فاطمیه شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳؛ که تعداد آن‌ها بالغ بر ۱۳۶۲ نفر بود؛ که تعداد نمونه بر اساس جدول مورگان برابر ۳۰۰ نفر از دانشجویان موسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز بود. ابزار گردآوری تحقیق حاضر، پرسشنامه استاندارد بود. برای سنجش جهت‌گیری مذهبی از پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت و راس (۱۹۵۰)، برای سنجش تاب‌آوری، مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) به کار برده شد. برای تحلیل آن نیز از نرم‌افزار spss و amos نسخه ۲۳ استفاده کردیم؛ که در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید. از آمار توصیفی نظیر میانگین و واریانس و انحراف معیار و... برای توصیف داده‌ها و برای تعیین رابطه بین متغیر داده‌ها از تعیین رابطه آزمون پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی بر تاب‌آوری با مقدار ۰/۵۸ اثرگذار است.

واژگان کلیدی: جهت‌گیری مذهبی، تاب‌آوری، دانشجویان.

## ۱- مقدمه

امروزه یکی از مباحث ضروری و همواره مورد بحث انسان‌ها جهت‌گیری مذهبی است. «آلپورت»<sup>۱</sup> جهت‌گیری مذهبی را به دو دسته درون‌نگرانه و برون‌نگرانه تقسیم کرد در مسائل مذهبی، جهت‌گیری مذهبی برون‌گرایانه روشی است که بر اساس آن فرد از نام مذهب، حرکات مذهب و در مجموع از کل مذهب به‌منظور ارضاء نیازهای مختلف خود استفاده می‌کند. مذهب ممکن است برای رسیدن به مقام، کسب مقبولیت در خانواده و یا جامعه، بالا بردن اعتمادبه‌نفس یا توجیه اعمال، مورد استفاده قرار گیرد. و معتقد است یکپارچگی و سلامت روانی تنها در گرو جهت‌گیری مذهبی، از نوع درون‌گرایانه است، با اتکاء به این سیستم ارزشی انسان وحدت و یکپارچگی روحی و روانی را تجربه کرده و زمینه را برای تعالی و تکامل مهیا می‌سازد (نجم عراقی، ۱۳۹۷).

فرد مذهبی کسی است که دائماً در مسیر خلق یک تجربه ارزشی که او را به عالی‌ترین شکل ممکن و به‌طور صددرصد کامل ارضاء کند، است. بالاترین ارزش یا کامل‌ترین ارزش برای چنین فردی وحدت است و دائماً و بدون لحظه‌ای درنگ در جهتی حرکت می‌کند که وحدت را خلق کند. وحدت برای او کامل‌ترین تجربه‌ای است که خودش آن را خلق می‌کند. لذا بر طبق نظر آلپورت بالاترین سیستم ارزشی که به انسان وحدت می‌دهد، سیستم ارزشی مذهبی است. این سیستم ارزشی روی تمام وجوه زندگی اثر گذاشته و همه جهت‌گیری‌ها را تحت‌الشعاع قرار داده و همه جهت‌گیری‌های ارزشی را شامل می‌شود. سیستم ارزشی مذهبی، بهترین زمینه را برای یک شخصیت سالم آماده می‌کند. البته این‌طور نیست که تمام افرادی که ادعای مذهبی بودن دارند، سالم هستند (نجم عراقی، ۱۳۹۷).

«تاب‌آوری» از جمله سازه‌هایی است که در حوزه پژوهش‌های روان‌شناختی، به‌ویژه در عرصه روانشناسی سلامت، روانشناسی خانواده، روانشناسی تحول و بهداشت روانی جایگاه ویژه‌ای یافته است، به طوری که هر روز بر شمار پژوهش‌های مرتبط با این سازه افزوده می‌شود (کمپبل، ۲۰۰۶). بی‌تردید تحولات عظیمی که در جهان کنونی در گستره فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخ داده است، مسائل و مشکلات نوینی را برای انسان‌های عصر حاضر فراهم ساخته که رویارویی با این مسائل، قطعاً نیازمند انسان‌هایی هوشمند و تاب‌آور است. انسان‌هایی که در برابر موقعیت‌های استرس‌زا، می‌توانند از تمام توانش‌های خود بخصوص توانش‌های شناختی استفاده نمایند (ترخان و همکاران، ۱۴۰۳).

به‌طور کلی اهمیت کاربردی پژوهش حاضر در این است که مشخص شود که عوامل مرتبط با جهت‌گیری مذهبی کدام است، آنگاه می‌توان در جهت رفع یا کنترل آن عوامل و بهبود تاب‌آوری به دانشجویان کمک کرد. از آنجایی که جهت‌گیری مذهبی از اهمیت بالایی برخوردار است و ممکن است تحت تأثیر عوامل زیادی از جمله مثبت‌اندیشی و تاب‌آوری باشد؛ و چون پژوهش‌های مورد بررسی تاکنون روابط متغیرهای فوق را باهم بررسی نکرده است، لذا مطالعه جهت‌گیری مذهبی ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین، ضرورت پژوهش حاضر به‌عنوان یک پژوهش کاربردی که به مطالعه همبستگی درونی متغیرها تأکید خواهد داشت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گارمزی و ماستن<sup>۳</sup> (۱۹۹۱)، تاب‌آوری را «یک فرآیند، توانایی، یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز با شرایط تهدید کننده» تعریف کردند. به بیان دیگر تاب‌آوری، سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار است (والر، ۲۰۰۱). راتر (۱۹۷۰) تاب‌آوری را به‌عنوان تفاوت‌های فردی در مقابله و واکنش به موقعیت‌های دشوار تعریف می‌کند. بنابراین، یک فرد تاب‌آور موقعیت ناگوار را به شیوه‌ی مثبت‌تری پردازش می‌کند و خود را برای رویارویی با آن دارای توانمندی قلمداد می‌کند. در کل؛ دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی و به دنبال آن دگرگونی‌های فرهنگی عمیقی که در دهه‌های اخیر در جامعه ایرانی به وقوع پیوسته، تغییراتی اساسی در نوع نگاه انسان‌ها پدید آورده است؛ به طوری که امروزه با طیف بسیار متنوعی از انسان‌ها مواجهیم بنابراین با توجه به مطالب فوق پژوهش حاضر نیز به

1 Allport

2 Campbell

3 Garmzi and Masten

دنبال بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و تاب‌آوری: مطالعه موردی دانشجویان موسسه آموزش عالی فاطمیه (س) است و همچنین در پی پاسخ به این سؤال پژوهش که آیا بین جهت‌گیری مذهبی و تاب‌آوری رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟

## ۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

«آپورت» جهت‌گیری مذهبی را به دو نوع درون‌گرایانه و برون‌گرایانه تقسیم می‌کند. در جهت‌گیری برون‌گرایانه، مذهب وسیله‌ای برای برآورده کردن نیازهای شخصی و اجتماعی افراد است. این نوع نگرش می‌تواند شامل استفاده از مذهب برای کسب مقام، جلب پذیرش و مقبولیت در محیط‌های خانوادگی یا اجتماعی، افزایش اعتمادبه‌نفس، یا توجیه رفتارها باشد. در مقابل، آپورت معتقد است که تنها جهت‌گیری مذهبی از نوع درون‌گرایانه می‌تواند به یکپارچگی و سلامت روانی منجر شود. در این نوع نگرش، مذهب نه وسیله‌ای برای اهداف خارجی، بلکه راهی برای رشد درونی، دستیابی به وحدت روانی و حرکت به سمت تعالی و تکامل است. این سیستم ارزشی به فرد کمک می‌کند تا آرامش روحی و روانی را تجربه کند و در مسیر پیشرفت معنوی قرار گیرد (نجم عراقی، ۱۳۹۷). کانر و دیویدسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، تاب‌آوری را توانایی فرد در حفظ تعادل زیستی و روانی در شرایط دشوار و خطرناک تعریف می‌کنند. از نظر آن‌ها، تاب‌آوری تنها به معنای مقاومت در برابر شرایط تهدیدآمیز نیست، بلکه شامل مشارکت فعال فرد در محیط و تعامل مؤثر با چالش‌ها نیز می‌شود. این تعریف نشان می‌دهد که تاب‌آوری، فراتر از تحمل مشکلات است و بر سازگاری و تعامل پویا با محیط تأکید دارد.

طاهری و نادری (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و تاب‌آوری دانشجویان پرداختند. نمونه شامل ۹۷ نفر از دانشجویان دختر با میانگین سنی ۱۸ تا ۳۰ سال بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین جهت‌گیری مذهبی درونی با تاب‌آوری رابطه مثبت معناداری وجود دارد، اما بین جهت‌گیری مذهبی درونی با اضطراب مرگ رابطه منفی معنادار وجود دارد. از سوی دیگر بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و تاب‌آوری رابطه مثبت معنادار وجود دارد، اما بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با اضطراب مرگ رابطه معناداری نیست. از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان در راستای ایجاد بستر مناسب در دانشگاه‌ها برای تقویت هر چه بیشتر جهت‌گیری مذهبی دانشجویان جوان و به تبع آن تاب‌آوری و شکیبایی آن‌ها در مواجهه با رویدادهای اضطراب‌آور، از جمله مرگ، بهره برد.

رحمانی و همکاران (۱۴۰۳)، به بررسی پیش‌بینی کیفیت خواب بر اساس جهت‌گیری مذهبی با نقش میانجی‌گری تاب‌آوری و مثبت‌اندیشی در سربازان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که ضریب تأثیر کل جهت‌گیری مذهبی درونی بر کیفیت خواب برابر ۰/۳۰۷ است که به صورت تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم با نقش میانجی تاب‌آوری و مثبت‌اندیشی است و ضریب تأثیر کل جهت‌گیری مذهبی بیرونی بر کیفیت خواب برابر ۰/۱۳۸ است که به صورت غیرمستقیم با نقش میانجی تاب‌آوری و مثبت‌اندیشی است. همچنین نتایج نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی بر کیفیت خواب تأثیر مستقیم مثبت معنی‌دار دارد و نقش میانجی تاب‌آوری و مثبت‌اندیشی باعث افزایش میزان تأثیر جهت‌گیری مذهبی درونی بر متغیر کیفیت خواب شده است و جهت‌گیری مذهبی بیرونی با نقش میانجی تاب‌آوری و مثبت‌اندیشی فقط به طور غیرمستقیم بر متغیر کیفیت خواب تأثیر مثبت معنی‌دار دارد و بنابراین در جهت افزایش کیفیت خواب سربازان باید به تقویت متغیرهای تاب‌آوری و مثبت‌اندیشی پرداخت.

یوهانس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۱)، در پژوهشی به بررسی تاب‌آوری، جهت‌گیری مذهبی و تنظیم هیجان در بین دانشجویان الهیات سال اول پرداختند. کل نمونه مورد استفاده در این مطالعه ۵۹ دانشجوی سال اول الهیات در یک کالج الهیات در اندونزی بودند. نتایج نشان

1 Connor and Davidson

2 Johannes, Simamora and Elizabeth

می‌دهد که بین جهت‌گیری مذهبی، تنظیم هیجان و تاب‌آوری رابطه مثبت و معنی‌دار آماری وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سهم مؤثر تنظیم هیجان بیشتر از جهت‌گیری مذهبی نسبت به تاب‌آوری است. این نتایج حاکی از اهمیت آموزش تنظیم هیجانی و آموزش جهت‌گیری مذهبی در توسعه تاب‌آوری در زندگی دانشجویان سال اول الهیات است.

اکبیرام و سیری کتن<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی رابطه بین دین، معنویت، بهزیستی روان‌شناختی، تاب‌آوری روان‌شناختی، رضایت از زندگی دانشجویان پزشکی در غازیانتپ، ترکیه پرداختند. در مجموع ۳۹۹ دانش‌آموز در این مطالعه شرکت کردند که ۸۴ درصد آن‌ها اظهار داشتند که مسلمان هستند. ادراک سلامت روانی خوب در میان مسلمانان (۳۲/۷ درصد) به‌طور معناداری بیشتر از غیرمسلمانان (۱۴/۳ درصد) بود. در افرادی که اهمیت زیادی به اعمال مذهبی/معنوی قائل بودند در مقایسه با افرادی که اهمیت کمی قائل بودند به‌طور قابل توجهی بالاتر بود. این مطالعه نشان داد که اهمیت دادن به اعمال مذهبی/معنوی با سلامت روانی بهتر مرتبط است.

### ۳- روش‌شناسی

تحقیق حاضر از جنبه هدف کاربردی است. تحقیق کاربردی، پژوهشی است که با استفاده از داده‌ها و نتایج تحقیقات بنیادی و توسعه‌ای و به‌منظور بهبود و به کمال رساندن رفتارها، روش‌ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورد استفاده جوامع انسانی انجام می‌گیرد و بیشتر از جنبه اقتصادی، صنعتی، اجرایی و عینی و برای آسایش و رفاه و بالا بردن سطح زندگی بشری صورت می‌گیرد. هدف تحقیقات کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان موسسه آموزش عالی فاطمیه شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ است؛ که تعداد آن‌ها بالغ بر ۱۳۶۲ نفر و تعداد نمونه بر اساس جدول مورگان برابر ۳۰۰ نفر از دانشجویان موسسه آموزش عالی فاطمیه شیراز بود که ۲۴ مورد به دلیل ناقص بودن کنار گذاشته شدند و تحلیل بر روی ۲۷۶ پرسشنامه کامل انجام شد؛ که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

#### الف) پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت و راس<sup>۲</sup>

آلپورت و راس در سال ۱۹۵۰ این مقیاس را برای سنجش جهت‌گیری‌های درونی و بیرونی مذهب تهیه کردند. در مطالعات اولیه‌ای که بر این مبنا صورت گرفت، مشاهده شد که همبستگی جهت‌گیری بیرونی با درونی ۲۱٪ است (آلپورت و راس، ۱۹۶۷). این آزمون شامل ۲۱ جمله است. در این مقیاس، گزینه‌های عبارات ۱ تا ۱۲ که جهت‌گیری مذهبی بیرونی را می‌سنجند از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق است. به این صورت که گزینه اول (الف) کاملاً مخالف، گزینه دوم (ب) تقریباً مخالف، گزینه سوم (ج) تقریباً موافق و گزینه چهارم (د) کاملاً موافق را تشکیل می‌دهد و در ۹ ماده بعدی یعنی شماره‌های ۱۳ تا ۲۱ که جهت‌گیری مذهبی درونی را اندازه‌گیری می‌کند، پاسخ‌ها برعکس است یعنی گزینه اول (الف) را کاملاً موافق و گزینه دوم (ب) را تقریباً موافق، گزینه سوم (ج) را تقریباً مخالف و گزینه چهارم (د) را کاملاً مخالف در بر می‌گیرد. این آزمون در سال ۱۳۷۸ ترجمه و هنجاریابی شده‌است. همسانی درونی آن توسط جان‌بزرگی و با استفاده از روش ضریب آلفای کرونباخ که ۷۱٪ و پایایی بازآزمایی آن ۷۴٪ است انجام شد (مختاری، ۱۳۷۹) و میزان آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه در این پژوهش ۰/۸۱ به دست آمد.

#### ب) پرسش‌نامه استاندارد تاب‌آوری کونور و دیویدسون<sup>۳</sup>

برای سنجش تاب‌آوری، مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویدسون<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) به کار برده شد. کونور و دیویدسون این پرسش‌نامه را با بازبینی منابع پژوهشی ۱۹۷۹-۱۹۹۱ در زمینه تاب‌آوری تهیه نمودند. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در شش گروه:

1 Akbiram and Siri Cotton

2 Allport and Ross

3 Connor and Davidson

جمعیت عمومی، مراجعه کنندگان به بخش مراقبت‌های اولی، بیماران سرپایی روان‌پزشکی، بیماران با مشکل اختلالات اضطراب فراگیر و دو گروه از بیماران مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه انجام شده است. سازندگان این مقیاس بر این باورند که این پرسش‌نامه به خوبی می‌تواند افراد تاب‌آور را از غیر تاب‌آور در گروه‌های بالینی و غیر بالینی جدا کند و می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی به کار برده شود (محمدی، ۱۳۸۴). پرسش‌نامه تاب‌آوری کونورو دیویدسون ۲۵ گویه دارد که در مقیاس بین صفر (کاملاً نادرست) تا پنج (همیشه درست) نمره گذاری می‌شود. این مقیاس در ایران توسط محمدی (۱۳۸۴) هنجاریابی شده است. برای تعیین روایی این مقیاس نخست همبستگی هر گویه با نمره کل مقوله محاسبه و سپس از روش تحلیل عامل برگرفته شد. محاسبه همبستگی هر نمره با نمره کل به جز گویه ۳، ضریب‌های بین ۰/۴۱ تا ۰/۶۴ را نشان داد. سپس گویه‌های مقیاس به روش مؤلفه‌های اصلی مورد تحلیل عاملی قرار گرفتند. پیش از استخراج عوامل بر پایه ماتریس همبستگی گویه‌ها، با دو شاخص KMO و آزمون کروییت بارتلت محاسبه شدند. مقدار KMO برابر ۰/۸۷ و مقدار خی دو در آزمون بارتلت برابر ۵۵۵۶.۲۸ بود که هر دو شاخص کفایت خواهد برای انجام تحلیل عاملی را نشان دادند. برای تعیین پایایی مقیاس تاب‌آوری کونورو و دیویدسون از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد و ضریب پایایی ۰/۸۹ به دست آمد (محمدی، ۱۳۸۴). محقق در فرودین ماه با مراجعه به حراست موسسه آموزش عالی فاطمیه مجوز توزیع پرسش‌نامه از دانشجویان را اخذ شد. بعد از اخذ مجوز در ابتدای ماه اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ با مراجعه به موسسه پرسش‌نامه‌ها در اختیار نمونه آماری قرار گرفت تا تکمیل شد؛ که بعد از تکمیل داده‌ها، داده‌ها وارد نرم‌افزار spss گردید و اطلاعات مورد تحلیل قرار گرفت. برای تحلیل آن نیز از نرم‌افزار SPSS و Amos نسخه ۲۳ استفاده کردیم؛ که در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده گردید. از آمار توصیفی نظیر میانگین و واریانس و انحراف معیار و... برای توصیف داده‌ها و برای تعیین رابطه بین متغیرها داده‌ها از تعیین رابطه آزمون پیرسون استفاده شد.

#### ۴- یافته‌ها

##### ۴-۱- آمار توصیفی

این بخش از تجزیه و تحلیل آماری داده‌های تحقیق به آمار توصیفی اختصاص دارد.

جدول ۱: توزیع ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۲۷۶	۱۰۰
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۲۰۰	۷۲/۵
	کارشناسی ارشد	۷۶	۲۷/۵
وضعیت تاهل	مجرد	۲۳۰	۸۳/۳
	متاهل	۴۶	۱۶/۷

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی گرایش مرکزی، پراکندگی متغیرها

مؤلفه	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
جهت‌گیری مذهبی	۳/۵۸	۰/۷۰۲	۱/۶۶	۴/۸۷
تاب‌آوری	۳/۴۰	۰/۶۸۵	۱/۵۹	۴/۶۸

با توجه به مقادیر جدول بالا می‌توان گفت:

شاخص‌های گرایش مرکزی و مهم‌ترین آن‌ها یعنی میانگین نشان می‌دهد که بیشترین مقدار میانگین مربوط به جهت‌گیری مذهبی است. برای بررسی طبیعی بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده شد. بر اساس این آزمون، وقتی توزیع داده‌ها

نرمال است که مقدار یا سطح معناداری بیشتر از عدد بحرانی در سطح ۰/۰۵ باشد. با توجه به جدول ۳ نتایج آزمون نشان می‌دهد که توزیع داده‌های به‌دست آمده نرمال است. در نتیجه امکان به‌کارگیری آزمون‌های پارامتریک وجود دارد.

جدول ۳: نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنوف

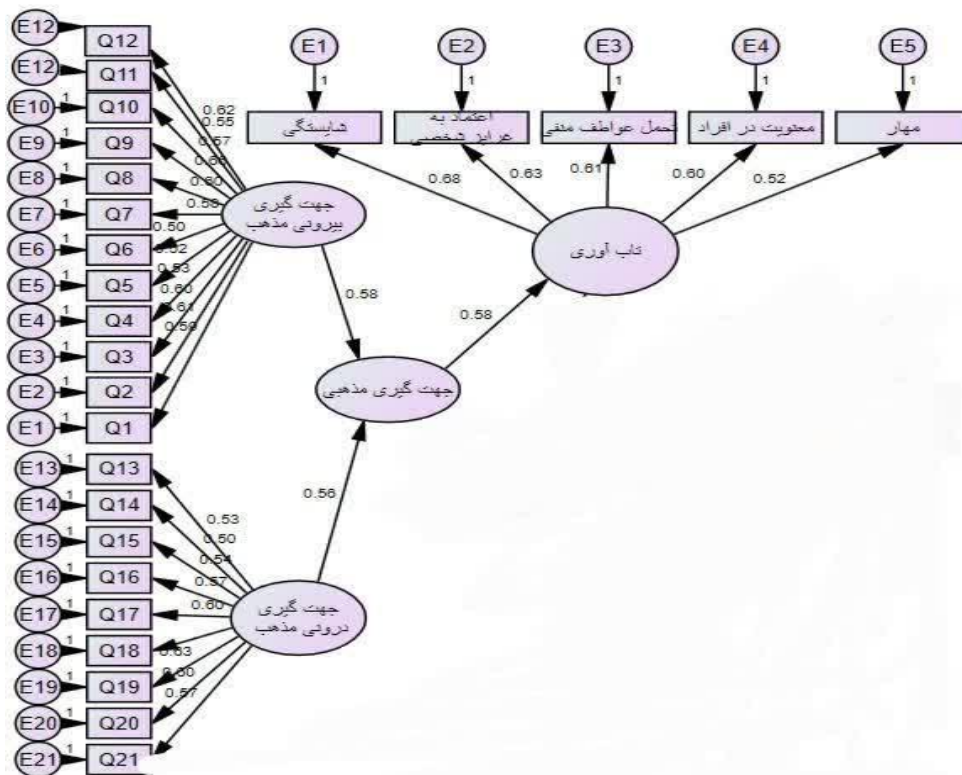
توزیع داده‌ها	Sig	Z	نوع متغیرها
طبیعی	۰/۰۹۷	۱/۶۸۹	جهت‌گیری مذهبی
طبیعی	۰/۰۸۶	۱/۲۵۴	تاب‌آوری

جدول ۴: نتایج ضرایب همبستگی پیرسون بین خرده مقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی و خرده مقیاس‌های تاب‌آوری

خرده مقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی	مهار	معنویت	تحمل عواطف منفی	اعتماد به‌خود	شایستگی فردی
درونی	۰/۴۲	۰/۴۵	۰/۳۹	۰/۴۱	۰/۴۷
بیرونی	۰/۱۹	۰/۲۷	۰/۱۸	۰/۲۶	۰/۲۳

\*\*همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.

شکل ۱: خروجی نرم‌افزار amos مدل تأثیر



با توجه به آزمون ضریب همبستگی پیرسون به عمل آمده و نتایج ارائه شده در جدول، مشاهده می‌شود که بین جهت‌گیری مذهبی با تاب‌آوری، ارتباط معنی‌داری وجود دارد، بنابراین فرض تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد. شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش

حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۵: شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	مطلق			تطبیقی			مقتصد		Holter
	CMIN	GFI	TLI	CFI	PCFI	DF	CMIN/DF	RMSEA	
مقدار	۶۵۸/۲۵۶	۰/۹۱	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۶	۱۹۸	۲/۰۲۱	۰/۰۴	۲۴۰

جدول ۶: جدول رگرسیون ساده جهت‌گیری مذهبی بر تاب‌آوری

متغیرهای پیش‌بین	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	بتای استاندارد	t	P
ثابت	۱/۱۲	۰/۱۵	-	۷/۴۷	۰/۰۰۱
جهت‌گیری مذهبی	۰/۵۸	۶/۱۶۳	۰/۵۸	۶/۱۶	۰/۰۰۱

نتایج در مورد فرضیه نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی بر تاب‌آوری با مقدار ۰/۵۸ اثرگذار است. و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود که بین جهت‌گیری مذهبی با تاب‌آوری رابطه معناداری وجود دارد.

## ۵- بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی بر تاب‌آوری با مقدار ۰/۵۸ اثرگذار است. نتایج این پژوهش نشان داد که جهت‌گیری مذهبی، به‌ویژه در بُعد درونی، از طریق مثبت‌اندیشی می‌تواند تاب‌آوری افراد را بهبود بخشد. براین اساس، افرادی که به مذهب به صورت درونی و عمیق اعتقاد دارند، ارزش‌ها و باورهای دارند که در برابر استرس‌ها و چالش‌ها، آن‌ها را تاب‌آورتر می‌سازد. همچنین مطالعه حاضر نشان داد که مثبت‌اندیشی نقش واسطه‌ای قابل توجهی در این رابطه ایفا می‌کند. این یافته‌ها بر اهمیت تقویت خوش‌بینی و نگرش مثبت نسبت به زندگی در کنار اعتقادات مذهبی تأکید دارند. به عبارتی، اعتقادات مذهبی اگر با تمرکز بر جنبه‌های مثبت زندگی و امید به آینده همراه شوند، اثرات عمیق‌تری بر تاب‌آوری خواهند داشت؛ که با یافته‌های صدیقی (۱۳۹۴)، آب‌روشن و شیخ‌اسلامی (۱۳۹۸) و دهقانی (۲۰۱۷) همخوان است. آب‌روشن (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان بررسی نقش واسطه‌ای جهت‌گیری مذهبی در رابطه با نیاز به شناخت و تاب‌آوری در قالب مدلی علی پرداخت که یافته‌ها نشان داد که نیاز به شناخت، پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار تاب‌آوری است و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی رابطه منفی و معنادار و با جهت‌گیری مذهبی درونی رابطه مثبت و معنادار دارد. جهت‌گیری مذهبی بیرونی بُعد انسجام خانوادگی تاب‌آوری را به صورت منفی و معنادار و جهت‌گیری مذهبی درونی به طور مثبت و معناداری ابعاد تاب‌آوری را پیش‌بینی کرد. در نهایت، نیاز به شناخت به طور غیرمستقیم با تاب‌آوری رابطه معنادار داشت. صدیقی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه میان جهت‌گیری مذهبی، هوش معنوی با میزان تاب‌آوری دانشجویان پرداخت. نتایج نشان داد که جهت‌گیری مذهبی درونی، با هوش معنوی و میزان تاب‌آوری دانشجویان رابطه مثبت معنی‌دار دارد. از سوی دیگر، بین دانشجویان دختر و پسر در جهت‌گیری مذهبی، هوش معنوی و تاب‌آوری تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین بین دانشجویان و دین‌پژوهان در جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی تفاوت معناداری دیده شد، اما در هوش

معنوی و میزان تاب‌آوری در این دو گروه تفاوتی مشاهده نگردید. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که هوش معنوی، بیشترین سهم را در تبیین تاب‌آوری دانشجویان دارد. در نهایت، می‌توان گفت: افراد دارای جهت‌گیری مذهبی درونی، تنها برای منافع شخصی تظاهر به دین‌داری نمی‌کنند و افراد دارای هوش معنوی بالا، از تاب‌آوری بالاتری برخوردارند. مذهب عامل نیرومندی برای تاب‌آوری است. در مواجهه با شرایط ناگوار انسان‌های با ایمان توانایی قابل‌ملاحظه‌ای نشان می‌دهند. بسیاری از افراد مذهبی این احساس را دارند که ایمان به آن‌ها در هنگام بحران به‌عنوان یک فرصت برای دستیابی به پیامدهای ارزشمند بیشتر کمک خواهد کرد. دهقانی (۲۰۱۷) بین جهت‌گیری مذهبی و سلامت معنوی با تاب‌آوری در دانش‌آموزان دختر رابطه وجود دارد. به‌طوری‌که ۰/۵۱ از واریانس تاب‌آوری از راه جهت‌گیری مذهبی درونی و ۰/۵۴ از آن از راه جهت‌گیری مذهبی بیرونی می‌تواند پیش‌بینی شود. علاوه‌براین، ۰/۴۸ از واریانس تاب‌آوری از راه سلامت مذهبی و ۰/۵۶ از آن از راه سلامت وجودی می‌تواند پیش‌بینی شود. تاب‌آوری به‌عنوان یک ساختار چند بعدی که به مهارت‌های مهم روانشناسی یا توانایی‌های فرد برای بکار بردن سیستم‌های حمایت محیطی، اجتماعی و خانوادگی جهت فائق آمدن بر فشارهای زندگی اشاره دارد، تلقی شده است (کریمی، ۱۳۹۵). تاب‌آوری به‌عنوان یکی از سازه‌های اصلی شخصیت برای فهم انگیزش، هیجان و رفتار مفهوم‌سازی شده است (خراسانی، ۱۴۰۱). ورنر و اسمیت<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) تاب‌آوری را «سازو کار ذاتی خود اصلاح‌گری انسان» می‌دانند. بلاک<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، براین باور است که تاب‌آوری توانایی سازگاری سطح کنترل بر حسب شرایط محیطی است. افراد تاب‌آور دارای رفتارهای خودشکنانه نیستند؛ از نظر عاطفی آرام هستند و توانایی تبدیل شرایط استرس‌زا را دارند. تاب‌آوری از منابع درون فردی است که می‌تواند سطوح استرس و ناتوانی را در شرایط ناگوار تعدیل نماید و اثرات منفی استرس را کم‌رنگ‌تر جلوه دهد (موحد، ۱۳۹۹). در تبیین فرضیه پژوهش می‌توان گفت که با توجه به نتایج پژوهش، فرضیه مبتنی بر وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین جهت‌گیری مذهبی با تاب‌آوری تأیید می‌شود؛ بنابراین با اهمیت دادن به دین و مذهب در حیطه‌های آموزش می‌توان کمک بسیاری به افزایش تاب‌آوری در دانشجویان کرد.

صفری (۱۴۰۱) به بررسی رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی، بهزیستی روان‌شناختی و تاب‌آوری در معلمان در دوران کرونا پرداخت؛ که نتایج به دست آمده نشان داد که بین مؤلفه‌های جهت‌گیری مذهبی با مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی و تاب‌آوری معلمان در دوران کرونا رابطه وجود دارد؛ و از طرفی بین بهزیستی روان‌شناختی و تاب‌آوری معلمان در دوران کرونا رابطه معناداری وجود داشت. طبق نتایج به دست آمده می‌توان گفت؛ هرچه میزان جهت‌گیری مذهبی جوانان درونی‌تر باشد، بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها بیشتر خواهد بود؛ و هرچه میزان جهت‌گیری مذهبی جوانان بیرونی‌تر باشد، تاب‌آوری آن‌ها کمتر خواهد بود. از طرفی مذهب عامل نیرومندی برای تاب‌آوری است و در رویارویی با شرایط ناگوار انسان‌های با ایمان توانایی قابل‌ملاحظه‌ای نشان می‌دهند. یافته‌های پژوهش نشان داد که جهت‌گیری مذهبی به‌طور معناداری تاب‌آوری دانشجویان را افزایش می‌دهد. با توجه به ضریب رگرسیون مثبت و نسبت بتای استاندارد قابل توجه، می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویانی که دارای جهت‌گیری مذهبی قوی‌تر هستند، از توانایی بیشتری برای مقابله با مشکلات و مدیریت عواطف منفی برخوردارند. این نتایج نشان می‌دهد که جهت‌گیری مذهبی می‌تواند به‌عنوان عاملی مهم در تقویت تاب‌آوری در محیط‌های آموزشی مدنظر قرار گیرد. طاهری (۱۴۰۱)، به بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و تاب‌آوری در دانشجویان پرداخت. پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی-تحلیلی و از نوع همبستگی بود؛ که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین جهت‌گیری مذهبی درونی با تاب‌آوری رابطه مثبت معناداری ( $P=0/05$ ) وجود دارد، اما بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با اضطراب مرگ رابطه مثبت معنادار ( $P=0/001$ ) وجود دارد. از سوی دیگر بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی و تاب‌آوری رابطه مثبت معنادار ( $P=0/001$ ) وجود دارد، اما بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با اضطراب مرگ رابطه معناداری نیست. از یافته‌های پژوهش حاضر

1 Werner and Smith

2 Block

می‌توان در راستای ایجاد بستر مناسب در دانشگاه‌ها برای تقویت هر چه بیشتر جهت‌گیری مذهبی دانشجویان جوان و به تبع آن تاب‌آوری و شکیبایی آن‌ها در مواجهه با رویدادهای اضطراب‌آور، از جمله مرگ، بهره برد. آنالاکشمی<sup>۱</sup> (۲۰۱۱)، به بررسی جهان‌بینی اسلامی، شخصیت دینی و تاب‌آوری در میان دانش‌آموزان نوجوان مسلمان در هند پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های شناختی به‌تنهایی برای ایجاد رابطه بین دین و تاب‌آوری کافی نیستند. آن‌ها به‌وضوح نشان می‌دهند که دانش به‌تنهایی تفاوت قابل‌توجهی در تاب‌آوری ایجاد نمی‌کند تا زمانی که در رفتار ظاهر شود. دین‌داری هم‌باور و هم‌عمل است و در این مطالعه حاضر شرکت‌کنندگان تاب‌آور کسانی هستند که می‌توانند باورهای خود را عملاً به اجرا بگذارند. اکاس، تیدمن و تیمونز<sup>۲</sup> (۲۰۱۹)، با موضوع پیامدهای دین‌داری/معنویت و سلامت روان در مادران کودکان مبتلا به اختلال طیف اوتیسم: نقش میانجی مثبت اندیشی پرداختند که نتایج نشان داد سطوح بالاتر معنویت با مشاهده فرزند مبتلا به ASD به‌عنوان کمک مثبت به خانواده همراه بود. این نظرات مثبت به نوبه خود با علائم اضطراب کمتری همراه بود. مادران کودکان با علائم شدید ASD نیز تعاملات منفی بیشتری با اعضای جماعت خود گزارش کردند.

## ۶- منابع

- ۱- آب روشن، حسن؛ و شیخ‌الاسلامی، راضیه (۱۳۹۸). نقش واسطه‌ای جهت‌گیری مذهبی در رابطه با نیاز به شناخت و تاب‌آوری. روانشناسی و دین، ۳.
- ۲- ترخان، مرتضی؛ خدابنده، ناهید؛ و صادقی، الهه (۱۴۰۳). پیش‌بینی شادکامی بر اساس بهزیستی معنوی، معنویت‌گرایی و دل‌بستگی به خدا. نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴(۷۲). doi: 10.22051/jontoe.2024.47134.3922
- ۳- خراسانی، مریم (۱۴۰۱). مقایسه برخی متغیرهای روان‌شناختی میانجی‌گر در تبیین رابطه میان مذهب درونی با سلامت روانی و رضایت از زندگی، رساله دکتری؛ دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- ۴- دهقانی، فاطمه؛ و اندیشمند، ویدا (۱۳۹۵). رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی و سلامت معنوی با تاب‌آوری در دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه‌ی شهر کرمان. پژوهش در دین و سلامت، ۳(۴). doi:10.22037/jrrh.v3i4.15488
- ۵- اسدی رحمانی، سجاده؛ موسوی پور، سعید؛ دهقان، محمدحسن؛ و عزیز، محمد (۱۴۰۳). پیش‌بینی کیفیت خواب بر اساس جهت‌گیری مذهبی با نقش میانجی‌گری تاب‌آوری و مثبت‌اندیشی در سربازان، روانشناسی نظامی. dor:20.1001.1.25885162.1403.15.1.6.8
- ۶- صدیقی ارفعی، فریبرز؛ حسین زاده، علی؛ و نادری راوندی، مریم (۱۳۹۴). رابطه جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی با میزان تاب‌آوری دانشجویان. روانشناسی و دین، ۴(۳۲).
- ۷- صفری، فاطمه (۱۴۰۱). رابطه‌ی جهت‌گیری مذهبی، بهزیستی روان‌شناختی و تاب‌آوری در معلمان در دوران کرونا، هشتمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی.
- ۸- طاهری، زهرا؛ و نادری، فاطمه (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با اضطراب مرگ و تاب‌آوری دانشجویان، هفتمین همایش بین‌المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار، تهران.
- ۹- کرمی، مهناز (۱۳۹۵). مقایسه جهت‌گیری مذهبی، کمال‌گرایی و خودگسستگی در دانش‌آموزان دختر تیزهوش و عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

1 Analakshmi, Abr

2 Ekas, Tiedman and Timmons

- ۱۰- محمدی، مه‌ری (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوء‌مصرف مواد، پایان‌نامه دکترای روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی تهران.
- ۱۱- مختاری، عباس (۱۳۷۹). بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی (درونی - برونی) و میزان تنیدگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۲- موحد، مریم (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زناشویی بر تاب‌آوری و شادمانی زناشویی زنان متأهل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی.
- ۱۳- نجم عراقی، لعیا (۱۳۹۷). جهت‌گیری مذهبی انسان سالم از دیدگاه آلپورت. روان‌شناسی و دین، ۱(۱).
- 14- Allport, G. W. & Roos, M. J. Jr. (1967): "Personal Religious Orientation and Prejudice". *Journal of Personality and social psychology*, Vol. 5, pp. 432-443.
- 15- Akbayram, H. T., Keten, H. S. The Relationship between Religion, Spirituality, Psychological Well-Being, Psychological Resilience, Life Satisfaction of Medical Students in the Gaziantep, Turkey. *J Relig Health* 63, 2847-2859 (2024). doi:10.1007/s10943-024-02027-2
- 16- Annalakshmi, N., & Abeer, M. (2011). Islamic worldview, religious personality and resilience among Muslim adolescent students in India. *Europe's Journal of Psychology*, 7(4), 716-738. doi:10.5964/ejop.v7i4.161
- 17- Ashraf, F., Zareen, G., & Yıldırım, M. (2023). Religious self-regulation, self-determination, resilience, and conflict management strategies in a community sample of international Muslim students in Pakistan. *Journal of Religion & Spirituality in Social Work: Social Thought*, 42(3), 323-345. doi:10.1080/15426432.2023.2167255
- 18- Campbell, A. (2006). *Knowledge for Regional NRM: Connecting Researchers and Practitioners*. Canberra: Land & Water Australia.
- 19- Connor KM, Davidson JRT. Development of a new resilience scale: the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depress Anxiety* 2003;18(2):76-82.
- 20- Ekas, N. V., Tidman, L. & Timmons, L. Religiosity/Spirituality and Mental Health Outcomes in Mothers of Children with Autism Spectrum Disorder: The Mediating Role of Positive Thinking. *J Autism Dev Disord* 49, 4547-4558 (2019). doi:10.1007/s10803-019-04165-z
- 21- Elisabeth Sitepu, May Rauli Simamora, Johannes Waldes Hasugia (2021). *International Journal of Research - GRANTHAALAYAH* September 2021 9(9), 1-7.
- 22- Garmezy, N., & Masten, A. S. (1991). The protective role of competence indicators in children at risk. In E. M. Cummings, A. L. Greene, & K. H. Karraker (Eds.), *Life-span developmental psychology: perspectives on stress and coping*.
- 23- Rutter, M., Tizard, T. & Witmore, K. (1970). *Education, health and behavior*. London: Longman.
- 24- Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic content evaluation of the concept. *American journal of orthopsychiatry*, 3 (71), 290-297.
- 25- Werner, E. E., & Smith, R. S. (1992). *Overcoming the odds: High-risk children from birth to adulthood*. New York: Cornell University Press.

## Examining the Relationship between Religious Orientation and Resilience (Case Study: Students of Fatemieh Higher Education Institute Shiraz)

Fatemeh Mahmoudi<sup>1\*</sup>, Fatemeh Zekri<sup>2</sup>

1-Postdoctoral Researcher, Department of Psychology, Faculty of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

fatemehmahmoodi1@yahoo.com

2-Master's Graduate, Department of Educational Psychology, Fatemieh Higher Education Institute (S), Shiraz, Fars, Iran.

Zekri.f59@gmail.com

### Abstract:

This study was designed and conducted to investigate the relationship between religious orientation and resilience among students of Fatemieh Higher Education Institute (S) in Shiraz. The research was applied in purpose and descriptive-analytical in terms of data collection method, with data gathered through field research. The statistical population consisted of all students of Fatemieh Higher Education Institute in Shiraz during the 2023-2024 academic year, totaling 1,362 students. Based on Morgan's table, a sample of 300 students was selected. Standard questionnaires were used as research tools. To measure religious orientation, the Allport and Ross Religious Orientation Questionnaire (1950) was employed, and for resilience, the Connor-Davidson Resilience Scale (2003) was used. Data analysis was performed using SPSS and AMOS version 23 software at both descriptive and inferential statistical levels. Descriptive statistics such as mean, variance, and standard deviation were used to describe the data, while the Pearson correlation test was applied to determine the relationship between variables. The results indicate that religious orientation affects resilience with a correlation coefficient of 0.58.

**Keywords:** Religious Orientation, Resilience, Students.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)